

نشریه سوکیب دیاسی کیت مرکزی خبر توده ایران

دیا

۲
سال دوم

بنیادگذار دکتر تقی ارانی

د نیا

ارکان تئوریت و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

د چهارمین شماره دوم - تابستان ۱۳۴۰ - هرسه ماه یکباره تحت نظر هیئت تحریریه منتشر میشود

در این شماره:

صفحه	
۲	تبیریک کارکنان مجله "د نیا"
۵	حزب توده ایران - حزب طراز نوین طبقه کارگر
۹	د روزپرچم حزب توده ایران - درآشنا گتاب: «تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران»
۲۶	مبارزه حزب توده ایران در راه اصلاح ارضی
۳۲	مسئله صنعتی کردن - راه صنعتی کردن کشورما
۴۷	کاوه آهنگر
۵۱	جزیره امید (درباره انقلاب کوبا - سرزمین آزاد امریکا)
۶۶	شمع ای درباره جنبش ووضع کارگران ایران
۷۷	جنپیش انقلابی در ایرانی د رترن هشتم هجری
۸۳	برخی عناصر مالکی و مادی را فکار بعد الرزاق لاهیجی صاحب "گوهمراد"
۸۹	برخی مسائل مربوط به هنر و نقاشی اجتماعی آن
۹۶	برخی تاریخهای مهم حیات حزب

نویسنده‌گان مجله تئوریک و سیاسی "دنیا" جشن
با ستانی مهرگان راه امسال با بیستمین سال حیات حزب
توده ایران مصادف است بهمراه رفقاء حزبی و خوانندگان
خود شاد باش می‌گویند. حزب توده ایران که وارث بهترین
سنت انقلابی و معنوی تاریخ دیرنده خلق‌ها کیشور ماست،
علی‌رغم زنجبار و گزند ها، قربانیها و فرسودگیها همچنان
بعبارزه دشوار خویشد راه رستاخیز و سرلندی ایران
ادامه میدهد. حزب ماطمئن است که به پشتیبانی همه
مردم بویژه زحمتکشان ایران پیکار عادله و آزمانهای
پیروزخواه شد.

حزب توده ایران

حزب طراز نوین طبقه کارگر

در مهرماه ۱۳۲۰ کمونیستهایی که ارزند انها و با ازتبعید گاہب آزاد شده بودند با پاری و همراهی جمعیت دیگر حزب توده ایران را بنیاد گذاشتند.

حزب توده ایران که وارث سنت درختان چنین‌های انتقلابی و کارگری ایران است در کرمان چنک دوم جهانی و پس از استوطح حکومت استبدادی بیست ساله رضاشاه بوجود آمد. این حزب ملی مدت کوتاهی از چند حوزه کوچک بیک حربان مقتد راجتمانی در کشور متأبدل یل گردید.

حزب توده ایران از همان اوان تأسیس خویش در راه احیا^۱ حزب طراز نوین طبقه کارگر نام نهاد. چنین حزبی بیست سال پیش از تأسیس حزب توده ایران در تابستان سال ۱۲۱۱ شمسی نخستین کنگره خود را تشکیل داد و نام حزب کمونیست ایران برخود نهاد. ولی بعد هاد روز پربریات و حشیانه‌ی دو ریس ترویستی و پلیسی رضاشاه متلاشی شد و بود.

تحولات چنک دوم جهانی، فوریتختن دسته حکومت استبدادی رضاشاه، رشد آذانی طبقه کارگر و پیدایتر قشر قابل ملاحظه ای از روشنگران که در داخل و خارج کشوریا مارکسیسم - لئنینیسم آشنازی یافته و در مبارزه با رژیم استبدادی رضاشاه تاریخ ای آبد یه گردیده بودند، شرایط مساعد پیدا یافته که حزب طبقه کارگر از پیش در راه اممه مابوجو آفرید. بخلافه سباه جنبش استقلال طبلانه ملت ماوشدید مبارزه باقی‌ای روح‌الله ایران، ضرورت ایجاد حزبی که از جهت عوامی مجہز و از جهت تشکیلاتی محکم بوده و بتواند در شرایط غامض و چیزی از اتفاق انتقلابی ایران باقدرت تشدیس و تابیت اتحاد اف کافی عمل نماید. ایجاد مینمود.

طبقه کارگر ایران از تشكیل حزبی از نوع احزاب سوسیال د موکرات انتربنیونال و همچوں اساسی و اصلی مبارزه در زند آنها مبارزه رفوبولیستی و پارلمنتی است گوییه در در وران مینی از تکامل سرمایه داری در کشور های اروپای غربی پیدا شده اند سیاست زد همین جهت کوششها که کوتاهی نهاد در راه تشکیل چنین نوع حزبی در ایران صورت نرفته و تا امروز نیز صورت مینمید پیوسته باناکامی رورشده است. هیچیز از این تبلیغ احزاب نتوانستند اعتماد توده ها را بخود جلب کنند و نتشیعی رجت‌بترین شاعی بخشش ملی و در رجا رازات طبقاتی در تاریخ محاصرا ایران بازی نمایند.

درست است که در برنامه نخستین حزب توده ایران از جهان بینی مارکسیسم - لئنینیسم ذکری بیان نیاده و شعارهای اعلام شده آن از حد و شمار نای دموکراتیک عموم خلقی تا از نمینموده و ای ایشتم واقعیتی است که قدرات عضویت در حزب و معاونین آن مانند اصل مرکزیت دموکراتیک، احاعت اقایی از از اشتراحت، رهبری جمعی، اصل از از تردی و شفوفت حقیقت و سیاست‌ترین پیوند با توده های زمینکش و غیره و غیره استخوان بندی ای اسناده حزب ماراشکیل بیداد. عمل حزب توده ایران که در جهت دنای از منافع «متنهان»، دنای از صلح و آزادی و ترقی و شتیانی از جسمیه جهانی سوسیالیسم انجام میزدست سیاسی و اقتصی حزب را نشان میداد. همان‌بهمن د لایل بسیاری از کارگران پیشو از همان آغاز فعالیت حزب توده ایران برا ساس مشاهده عمل حزب پهراز شم طبقاتی خود را فتند که بعد از کرج‌جهان بینی مارکسیسم - لئنینیسم در برنامه حزب مسئول شرایط مشخص آن ریز جامعه است و حزب توده ایران باعیتاً حزب طبقه کارگر ایران است. مادیت را تحقیقی حزب توده ایران از همان ریزهای نخست تشكیل حزب بر پیش از حاکم نیز پو شمیده نماند. اکثریت مالق مؤسسين حزب توده ایران امتحان وفاد اری خود را بآباقه کارگردان ازها بتبعد ناه-

های رضا شاهی داده بودند و بهینین میبگردانند کان حکومت ایران که از این واقعیت اطلاع داشتند از همان آغاز تأسیس حزب توده ایران مهاجت اناقیلی آن سی برده تمام نیروی خود را در جبهت عقیم گذاشتند فعالیت این حزب بکار رساند. طایف تهران بدستور حکومت نظامی و شهروسانی کل شهر حصار پریجان بـرname حزب نگردید حتی مطبوعه مجلس که ذلاهـر انبـابـلت اجرـای جـنـبـینـ اـفـامـاتـ خـدـدـ مـوـکـاتـیـکـ قـرـارـگـیرـدـ اـزـ چـاـپـ آـنـ استـنـکـافـ نـمـودـ.

حزب طراز تونین برای اولین بار در روسیه قبیل ازاقلاط د جریان مبارزه لئین یامنشوکیها بوجود آمد. منشوکیها برایمن عقیده بودند که نوع سازمان حزبی برولتا برای برآورزی انقلاب اهمیت حدی ندارد . لئین طراز تونین برای رتاریخ جنیش کمونیستی و کارگری جهانی هستای تشکیلاتی حزب جدید مارکسیستی یعنی حزب طراز تونین طبقه کارگر را رکتاب معروف " یک گام به پیش د وگام به پس " که در ماه مه ۱۹۰۴ از طبع درآمد تشریح نموده است .

حزب طراز تونین بخشی از طبقه کارگر و دسته ای از آن میباشد . هر دسته ای از طبقه کارگر نمیتواند حزب طراز تونین را بجود آورد . تنها دسته پیشوپو، دسته آناء، دسته انقلابی طبقه کارگر که با اسلحه نیزیم- لشیمیسم مجهز است قادر است چنین حزبی را بدید آورد . و تنها چنین دسته ای از طبقه کارگر میتواند طبقه خود را حد ایت کند و مواره وی را بجزی نماید . حزب طراز تونین نه تنها دسته پیشوپو و آناء طبقه کارگر است بلکه در عین حال دسته مشکل طبقه کارگر میباشد ، انتخاباتیں آغازه اه است و برای «مهما اعتقاد» در صدر روز یک سازمان اجبار است . از این رو اعتقاد حزب باید حتماً عضو یکی از سازمانهای حزب باشد . حزب طراز تونین نه تنها دسته پیشوپو و مشکل طبقه کارگر است بلکه «شکال عالی سازمانی» طبقه کارگر است . از همین جهت سازمانهای دیگر طبقه کارگر مانند اتحادی ها و هوازمانهای تعاونی وغیره تحت رهبری حزب قرار میگیرند . حزب طراز تونین مظہران ایجاد دسته پیشوپو طبقه باشود «میاونی طبقه کارگر میباشد . برای اینکه حزب بربری توده هارا منسلخ انجام دهد باید برمبنای مرکزیت دموکراتیک مشکل گردد ، دارای آئین نامه واحد باشد که مقرر است خد شه نایاب پرجیات حزبی را تعیین کند .

برخلاف مشکلها نین برآن بود که برای غایب برد شمنا اجتماعی تنهای اتحاد اید غولویک پرولتاریا کافی نیست. برای اینکه پیروزی بدست آید باید یکانگی اید غولویک را بیانگری مادی سازمانی پرولتاریا مستحکم نمود. لشین معتقد بود که پرولتاریات تنهایا چنین شرایطی میتواند به نیروی غایب نهادن بسیار ساده باشد. وی در ساره اندیمهت سازمان حزبی خاصه کارکرده بود که این چنین میگوید:

پهلوتاریا رد رهارزه برای حاکمیت بجز سازمان سلاح دیگر ندارد. پهلوتاریا که بواسطه سلطه یک رقابت پهلوچ و موج درجهان سرمایه داری از هم جد امشبود، و در زیست‌کارهای مشقت بازیاری سرمایه ازیزی درمی‌آید و اعماق "فترنامه‌ل"، بحالت بهمی و انحصار می‌افتد - چنین پهلوتاریا فقط در سایه آن میتوان بدله نبروی مغلوب نشدن شود و ناگزیرید ل نیزخواهد شد - که اتحاد تکری از ازوی اصل-ول مارکسیسم بواسطه وحدت مادی سازمانی که میابونه‌ز جمکنیک رایا ارتش "بله کارگر بهم میپوند"؛ مستحکم گردد . درقبال این ارتش نه حاکمیت فریوت استبداد روسی می- تواند تاب بیاورد ونه حاکمیت سرمایه بین المللی که رو بزواوی است" .

ایجاد حزب طرازنوین طبقه کارگر تابع عمامل سیاست‌گذاری هست. همچنین نتیجه این باشد که از خستگی ایام پیدا یافته خود جامع صفات و خصوصیات یک حزب ارزان بوده است. افزایش بودن یک حزب جوانانی است دشوار، طولانی و در حوزه مبارزات بروون و درون حریزی خود رفته خود را بگلای مطلوب مهربان و کلیه مختصات یک حزب طرازنوین را واقعاً ملاکس می‌کند. حزب مادر کشوری کم رشد که در آن بقایای قوی روابط فتوحه‌ای حکم‌گواست و طرز فکر و عمل خرد و بیروزی نفوذ زیادی دارد بدید شده ولد ابدی یعنی است که جریان تبدیل یا تحول طرازنوین با مشکلات زیادی همراه است. معهد احزاب تهده ایران به این مبنایه یک حزب کارگری طرازنوین خلیلی زود شکل گرفت. از جهت ترتیب در حزب تهده ایران پیوسته متعاقداً کارکری اکثریت داشته اند. در اولین کنفرانس حزب ماکه درست یکساال پیش از تاسیس حزب در تهران

تشکیل یافت شماره اعضا^۱ حزب بشش هزار تن فعال شد و هشتاد درصد این عدد را کارگران تشکیل میدادند.
در هنگام تشکیل نخستین کنگره حزب در خرد ارد ۱۳۲۲ شماره اعضا حزب به بیست پیش هزار رسید که دفاتر و پنج درصد از این عدد کارگران بودند. گرچه آمارد قیقی از ترکیب اعضا^۲ حزب در درجه اول مختلف فناوریت
آن درست نیست ولی این نتنه مسلم است که شماره کارگران همیشه اکثریت مطلق اعضا^۳ حزب مارات تشکیل
داده و میدهد.

شورای ایران راد رصفوف خود مشکل نمود، حزب توده ایران را بمنابه پیکر ترین و سرخست ترین مد افع منافع
طبقه کارگر ایران شناخت.

حزب توده ایران بوظیله و نقش رهبری خود نسبت بد مقانان که سه بیانیں کشور مارات تشکیل
میدند واقع بود و راین زمینه آگاهانه عمل نموده است.

روزنامه رهبر ایران مکری حزب توده ایران در مهرماه ۱۳۲۶ درباره وظیله و نقش حزب مانسب است
بد مقانان چنین مینویسد:

"ما برآئیم که جنبش دهقانی یکی از مبانی استوار نهضت ملی ایران است. حزب توده ایران
باید باد هقانان را بخطه برقرار کند، آنها را مشکل نماید و ببری و راهنمایی نماید و سوسی
رعای واقعی هدایت کند."

باسیر تحول مبارزات برون و درون جزوی غربولهای مردم و سازمانی حزب مایوس است. حزب توده ایران
گردید. کنگره دوم که پس از پیاره طولانی علیه ایپور توپیس در حزب در میان ۱۳۲۷ تشکیل گردید مرحله مهم
در دقتی شد ن فرمولهای مردم و سازمانی حزب مایوس است.

تدازل حزب ما پس از کنگره دوم علی رغم فراز و شیب های پس ایار سرعتی پیشتر جریان یافت. در برنامه و
اساسنامه صوب پلنوم هفتم و سیم حزب توده ایران و یکنفرانس وحدت احزاب تهدیه ایران و فرقه دموکرات
آذربایجان بادقت کامل چهت گوتاگون مبانی سازمانی حزب طراز نوین مورد توجه قرار گرفته است. پیویشه درباره
تعریف وحدت حزب چنین گفته شده است:

"حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر درست اسرا ایران و غالیترین شکل سازمانی
این طبقه است. حزب توده ایران اتحاد اعظم ایانه مبارزین پیشو طبقات و قشرهای
زمینکار ایران - کارگران، دهقانان، پشه ایران، روشنفکران و فرادی است که
برنامه اش راجه بیند و در راه تحقق آن کام بر میدارد."

جهان بینی حزب توده ایران مارکسیسم - لینینیسم است و اصول تشکیلاتی و ازایان
جهان بینی ناشی میشود.

حزب توده ایران اعضا^۴ خود را بروح وفاد ارجی باتفاق طبقه کارگر و بینیش رهایی بخشن مرد
ایران و ماروح میهن پرستی و انترا سیونالیسم پرولتاری پیروی میمدد. هدف حزب
توده ایران در مرحله کوتی بیارت است از انجام تحول دموکراتیک در جامعه که مبنی مون
اساسی آن براند اختن نفوذ امپریالیسم و تامین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و
پیشه کن کرد ن مناسبات ایرانی - رعیتی است. حزب توده ایران از اتفاق کلیه قشر-
های ضد استعمار جامعه ایران در قبال تجاوزات گوتاگون استعمال و معاشرد فاع میکند."

حزب مادر و روان بیست سال حیات خود تجارب زیادی در زمینه های گوتاگون مبارزات خیابانی،
در مجلس، دولت، در رهبری سازمانهای توده ای، در روابط خود نسبت بسرا مایه داری ملی و در مبارزات علیه
و مخفی وغیره وغیره اند وخته است. توده های وسیع کارگران، دهقانان، پشه و ران، روشنفکران متقدی
جامعه میهن ماحصل توده ایران را منعکس نمند. امال و ارزوهای خود میدانند و ماید و بوجود ترویج و حشایه رژیم کودتا
از آن دفاع نموده و محبت علاقه خود را نسبت به حزب مانشان میدهند. واقعیت سرخست زندگی حقیکانی
مانند آگاهی دکترایمنی که دشمنی اش نسبت بحزب مارکسی پوشیده نمیست مجبور میسازد که درباره حزب مایویشه
از جهت استواری ذنری و سازمانی اش قضاوتی کند که آنرا درباره احزاب دیگر صادق نمیشمرد. آگاهی امینی درباره
حزب توده ایران در کی از نظرهای اخیر خود چنین میگوید:

" در این میان بتشکل ترین دستجات حزب توده بود - زیرا بیک ابد غولوی جهانی
محبی شده بود - حزب توده ایران اسلوب مازره و فعالیت خرد را با توجه به محرومیت
اکثریت ملت و نسل جوان پروشنتزتر نمایم کرد - در تبلیغ کرد ن وسازمان داد ن تحرک
مخصوصی بخچ داد و سلاح نارفعالیت آن از سایر دروها که هدفی "رتامین منافع
خوبی نداشتند بالاتر بود ".

حزب مایا وجود شرایط و شرایط ویژه ارجاع که پیوسته با مذکورهای تراویان از حبس و شکنجه
برنده تا اعدام نزدی و چندی اعضاء آن همراه بوده است موجود بی خود را حفظ نمود ، با سرسختی همراه عاد لانه
خدود راه استقلال ، دموکراسی ، ترقی و صلح ادامه داده و میدهد . حزب توده ایران به پیروزی انتشار و
اندیشه های بحق خویش اینان دارد و به نیروی عالمی خردمندی است . امروز صحت شعارهای حزب ما
بیش از همیشه برآمد م ایران روشن شده است و ممکن خود بهترین شامن پشتیانی همه جانبه آنها از حزب
ماست یعنی حزبی که از همیستگی محتوى و پشتیانی همه جانبه بود م برخورد اینا شد ، مسلمانی رغم هرگونه
دشواری به آماجهای مقد بن خود است . باورند یافت .

من آخرین دفاع

فی شید خسرو روزبه

عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران منتشر شد

کرانه‌های ارشیده ای که رفیق شهید خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان
ملی کشورها از خود یا قی کشته همانان سخنان آشیان و پر شوری است که وی در آستانه مرگ بدفاع
از حزب خود و مردم ایستاده بیهود خویش ، در ویران مخوف اختناق و ترور ، در دادگاه درسته و
فرمایشی نظامی اد اکرد ه است . کمیته مرکزی حزب توده ایران این اسناد پهراج را راختیار همه
رفقا ت خوبی ، همه مردم ایران و سراسر جهان قرارداده است . این اسناد بهتر از هر تووصیه دیگری
میتواند قدرت روحی مردی را که در برای خطر حتمی مرک از تابنا کشتن آرمانهای انسانی باهیجانی
عالی مد افعه میگند شان دهد . این اسناد بیشتر در پیوشوا لاترین صفات قهرمانی و جایزی د ر
هم میهنا ن ماتا شیری ژرف خواهد داشت و نقش خود را زجیت برانگیختن بهترین شورهای انسان
د و مستی و میهن پرستی ایقا خواهد نمود .

آخرین دفاع رفیق روزبه را بد ست آورید ،
بخوانید و خواندن ازرا بد یکران توصیه
کنید !

در زیر پرچم حزب توده ایران

در افشاء کتاب:

«تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران»

تقریباً یک سال پیش کتابی یعنوان "تحلیلی از خط مشی صیامی حزب تude ایران" بر علیه حزب مانشیریافت. تفاوت این کتاب با کتب ضد حزبی دیگری که پس از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ نوشته شده ("مانند کتاب سیاه" و "سیر کمونیسم") در اینست که نویسنده این کتاب خود را فدائی کمونیسم و هوادار احزاب کمونیستی و کارکرده جهله و پیغمبر حزب کمونیست اتحاد شوروی مینامد و چنین جلوه مید هد که گوایا زو اخراج مارکسیستی به حزب تude ایران حمله میکند. اگر تویسند کان دیگر میخواستند از کوئینیستی به کوئیند ن حزب تude ایران بررسند نویسنده کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاست حزب تude ایران" میخواهد با ستایش کوئینیست‌بهمنین دف فنائل آید. کتاب اور در رجه اول بمنظور بود ن آن افرادی که به مارکسیسم - لینینیسم اعتقاد واپیمان دارند و از حزب مارکسیست سرشت مارکسیستی - لینینیستی آن پیروی می‌کنند نوشته شد ^{۴۵}. اگر دشمن های رکیکی را که بید ریخت دراین کتاب به رهبری حزب تude ایران شناور کردند که اند که از این مشاهد و پرک موضوعات را بینیم چند مسئله هم باقی میمانند: " نقش رهبری در رحلات حزب تude ایران" ، "ماهیت طبقاتی حزب تude ایران" ، "علل رشد سریع حزب تude ایران و نشکست وی در زیرم کودتا" ، "اعتبارین اعلی حزب تude ایران" ، "خط مشی وحدت" .
ماد رهقاره حاضر این موضوعات را مورد بررسی قرارداده ایم .

۱- حمام و حوض استحمام ایمن از هجوم هیئتی آن

هدف کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" روشن است: کویدن حزب توده ایران ازراه حمله و هجوم بربری آن. نیات نویسنده کتاب هرچه باشد هدف او همان است که بیزمانی است از طرف ارتجاج و امیریالیسم تعقیب میشود. در سراسارگذشتگاب "سیرکوئیسم" از طرف دستگاه حاسوسی ایران نوشته است که با حزب توده باید و نوع مبارزه کرد: یکی منفی و دیگر مثبت. بارزه منفی تعقید اهالی عبارت از وظیفه ای است که امثال باعث هرمان، خمام لشکر ۲ زرهی، دادگاههای سریسته نظامی و میدان های اعدام در برابر حزب توده برعهده دارند، و مبارزه مثبت عبارت از مبارزه ایدولوژیک، مبارزه برای داد رهم شکستن اعتبار و حیثیت حزب توده ایران در افاده عمومی. "کتاب سیاه" و "سیرکوئیسم" وغیره نامه هایی که با ادب و ادب تمام د روزنامه ها آگهی میشدند برای تأمين همین مبارزه مثبت تلاش شده اند که در رهجه آنها جای خاصی به حمله بربری حزب توده ایران داده شده است. اینک کتاب حاضر نیز همان رنیتی که نوشته شده باشد در زمینه همان "مارزه مثبت" است. طبعتا این سوال پیش میآید که پس از چند مال سکوت، چه شده که "مارزه مثبت" با حزب توده ایران و پیوژه حمله بربری آن لازم آمده است؟ حواب این سوال را باسانی میتوان در رضامیں کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" یافت: «خلاصه مطلب اینست که حزب توده ایران پس از گذراندن یک

دوره بحرانی از پنجم چهارم بعد (تیرماه ۱۳۶۱) برسوسامان دادن سازمان های خود دست زده و موقوفیت های جالبی بخصوص در روزهای تجهیز افکار عمومی بدست آورده است. اسناد کمیته مرکزی حزب توده ایران، روزنامه ارگان و سایر مطبوعات وی و همچنین کفتارهای راد یوئی اولی رغم تضییقات سازمان امنیت بند ریج در تدوین هانفود میکند، کم کم رهای حزبی ارتباطات تشکیلاتی خود را یافته بفعالیت سازمانی اغراضی کنند و احیا سازمان های حزبی در ستور روز قرار میگیرد. وهمه این اقدامات با وجود یک مرکز رهبری مستگی تام دارد! اینکه بیش از هر زمان حساس میشود که کوهیدن رهبری باکوهیدن آنرا وجودی حزب توده ایران برابر است. در چنین لحظه ای بدینه است که توجه مخالفان و معترضان و شعنان در حزب توده بیش از همه بر روی رهبری مرکزی متمرکز میگردد کتاب "تحلیل ای خط مشی سیاسی حزب توده ایران" نونه ای از این نوع توجه است.

در صفحه ۲۹ کاملاً بروشنی دیده میشود که نویسنده کتاب تاچه پایه از اینه استناد و نشریات کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعضا حزب مواعظ افاده ناخشنود و ناراحت است. وی مینویسد:

"افراد ساده لوح حزبی پس از طالعه قطعنامه های واید یکنشیرات رهبران، باین دلیل که آنها رسماً به خط و خطاهای خود اقرار کردند رقابت و شناسن تاحد و دی د چارتزدید میشوند تا آنچه که میتوان در رقبا فهای آنان بنفع رهبران علامض غفعی از کذشت و رافت مشاهده نمود."

بیشترین عصبانیت و نفرت نویسنده نسبت به کارهای حزبی است که اسناد و مدارک و مطبوعات کمیته مرکز را برداشت گرفته بیان اعضا حزب توده مردم میرند. بعیدی نویسنده: این اشخاص در حقیقت امراز مزمه خطرناک ترین و ضد انقلابی ترین توده است های حسابگرو سازشکار شمار میروند. وهمین ها هستند که با اجرای نقش پیچ و مهره دست رهبران حزب توده افراد ساده لوح را که قسمت اعظم توده است هاران تکمیل میدهند به حزب توده و رهبری فاسد و منحرف آن مربوط و متصل میباشدند. وهمین ها هستند که بالاهم از رهبران اروپائیین خود بوسیله انتشار قطعنامه های اعلامیه های و نشریات اسلامی اینها (که محافل پلیسی داخلي و خارجي هم ازد و ریجا رای آن نظاره و مرحمت خاصه اند) بازهم برای احیای مجدد حزب توده و علم نمودند و هاره آن فعالانه سنگ بسینه میزند و یاجمع اورگانوگری افراد مخصوص بد و خوش بیز هم در راه نگنی فروش سروش آنان و ایجاد شرایط یک معامله سیاسی بزرگ دیگر دست رهبران دسته است" (صفحه ۴۷).

در صفحه ۴۸ مینویسد:

"توده است های همچنان رعیت از نشریات اخیر پیروان داخلي آنها هم اغلب در مباحثات خود مستقیم و غیر مستقیم بتعویض اسنامه جدید حزب توده اشاره نموده و با تبلیغ مقد ماتی این مورد خاص و طرح نتایج تحول قریب الوقوع" انقلابی آن که گویا پس از تعمید و تنظیم افق جدیدی از حرکت و عمل بروی خواهد گشود افراد و استه بخود را بشیوه سابق، منتهی با موضوع ظاهر الصلاح تر، سرگرم و امیدوار مینمایند."

و در صفحه ۹۷:

"توده است های باحسن نیت دیدن اطلاع از خواست تبلیغات خود بنفع دستگاه رهبری و دعوت افراد به تبعیت از آن میخواهند ۰۰۰ دوازده موجب تکمیل همان سازمان سابق شده ۰۰۰۰۰"

نویسنده از قدر اینکه سازمان های حزب توده ایران احیا و تحریم شود آنقدر رگران و آنفته و خشمگان است که حتی اعضا ساده حزب توده ایران راکه ظاهر اجلب آنها یکی از منظورهای اوست مورد طعن ولعن قرار میدهند. مباحثه دشتمان های ریکی که شماره رفاقتی ماشد است نوشته وی رانقلی کنیم. اموینویسد:

"توده است های همان تنه و هیكل حزبی را تکمیل میدهند و ۰۰۰ کاملاً ساده لوح و از (۱) نویسنده میخواهد راین عبارت حزب توده ایران را مورد پشتیبانی و مرحمت خاص پلیس داخلي و خارجی نشان بدهد!"

تشخیص هر آنبر عاجزاند ۰۰۰ لذاد رهمه وقت از فعل و انفعالات کارهیران خود بیخبرویگانه بوده و بهمن علت هم نسبت بررسی وضع رهیران مخالفت نشان میدهد و حتی با تعبص نیز از رهیران خود دفاع میکند ۰۰۰ بدین ترتیب توده ایست های فوق الذکر با وجود اختلافاتی که بدانها اشاره شد مذلک متفقا با شروع هرنوع تصفیه حساب طبقاتی که مشجر بنتی دستگاه رهیری شود مخالفت مینمایند ۰ (صفحه ۷۵)

آنگاه نویسنده، خوانندگان خود را به حمله بدستگاه رهیری حزب توده ایران تشجیع میکند و میگوید: "مارکسیست های ایران با استفاده از این فرصت مساعد تاریخی - یعنی رژم مهلهکی که دستگاه رهیری با حریبه آزمایش تاریخی ۰۰۰ برد اشته است - نسبت با همیت دقیق حساس کارا توضیح خود برای عمل و توجیه تایید کننده کاملاً موقوف داشته و درجهت هم آنکه نشان دادن تئوری های علمی مبارزه با اقدامات حکوم کنند ۰ دستگاه رهیری و اینکه عملیات آنها بحسب پیش بینی های صحیح مارکسیستی میباشد بچنین نشگ و شکست بررس کام بر مید ارزد و هر نوع درنگ و توسامح رانیز د راین مورد خاص بمعزله سکوت ساز شکارانه و خیانت بطبقه کارگر حکوم خواهند شد" ۰ (صفحه ۴)

شاید خوانندگان عزیز رناظراول متوجه تمام معنای این عبارات نشوند. واقعه اعمارات دشواری است. آسانش اینست که مارکسیست های ایران باید از این فرصت تاریخی مساعد یعنی از این که دستگاه رهیری حزب توده در اثر آزمایش تاریخی رژم مهلهکی برداشت است استفاده کنند. آنها باید توجه داشته باشند که کارویضیح که برایه عمل و توجیه متفکر باشند مقدار حساس و دقیق و مفهم است. آنها باید بعد مر نشان بد هند که اقداماتی که درجهت حکوم ساختن دستگاه رهیری بعمل می آید با تئوری های علمی مبارزه مطابقت دارد و اصولاً عملیات دستگاه رهیری حزب توده طبق پیش بینی های صحیح مارکسیستی میباشد قاعده تابه نشگ و شکست منتهی میشند. مارکسیست های ایران هرگونه درنگ و مسامحه در داد ای این توضیحات را بمعزله سکوت ساز شکارانه و خیانت بطبقه کارگر حکوم خواهند شد.

در صفحه ۱۰۳ واضح تراز این میگوید:

"تضاد فکری مارکسیست های ایران باد دستگاه رهیری حزب توده مدت هاست که ماهیت رفیقانه خود را رد می کنند اد و تضاد اصولی، تضاد اساسی، تضاد بیان و جریان و دواید گولوی متضاد طبقاتی مدل شده است. بنابراین لزوم تحقیق وید اینش جریان مارکسیستی ایران خود مستلزم نفوذ دستگاه رهیری مژامن واخلاق لگر، و نفوذ دستگاه رهیری حزب نیز مستلزم شناسائی دقیق تمام جوانب حیات سیاسی حزب توده بامحکم انقلابی مارکسیستی - لینینیستی است"

آن وقت همین نویسنده که درباره توده های حزبی نوشته بود هر روز بترمیز نمید هند و فحش های رکیک نشنید نیز رقة راه آنها ساخته بود خوانندگان خود وازان جمله "توده ایست های با حسن نیت" را دعوت به قیام میکند و میگوید:

"د چارت رس و شرم از این و آن نشوید. افکار خود را در رخانه سوزند انسی نکنید. شاید همان اید و همان فکر که آن را از ترس و خجل و علت غلط بودن احتمالی در رخانه سر اسیر نموده اید پس از خروج ۰۰۰ بگوهری تابناک و سیاره ای راهنمایی دیل شود" (ص ۱۹)

کتاب در واقع با این ندای ضد رهیری حزب توده ختم می گردد. پس از این توضیحات جای تردید نمیاند که هدف کتاب حاضر تبیین حزب توده ایران و در درجه اول رهبری آن است.

کویدن رهیری حزب توده ایران چه اهمیتی دارد که اینهمه مورد توجه این نویسنده و سایر شهداً حزب مواقع شده است؟ این سؤالی است که باید آن را مورد بررسی دقیق قرارداد. مادرانه جاد رصد د تحلیل ماهیت تکمیه مهندزی حزب توده ایران و شرح خدمات آن و بینه چه اشتباہی کرد و نکرد و است نیستم. این تحلیل دیرخی دیگر از اسناد حزب مأkm و میشانجام گرفته است. مامیخواهیم خوانندگان عزیز را به نتایج عملی پیشنهاد کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" مبنی بر از زوم نفوذ دستگاه رهیری حزب توده ایران

متوجه گرد اینم. استد لال ماساده است : یک لحظه د رنظر گیرید که پس از سال های ۱۳۲۳-۱۳۲۴ دستگاه رهبری حزب توده ایران درهم شکسته و از کارافتاده بود. دران صورت چه چیز ممکن بود از حزب توده ایران باقی بماند ؟ امروز برهمه هموطنان ماروشن است ، و مقامات دشمن نیز کاملاً اعتراف دارند ، که حزب توده ایران دروان پیحرانی را از سرگذ رانیده ووارد مرحله حجد ید تجدید سازمان و فعالیت وسیع اجتماعی شده است. امروز دوباره حزب توده ایران بعنوان یک نیروی موثر در رصحته سیاست کشور ماعمل میگذرد. امروز پیگرحتی گستاخ ترین عوامل ارتقا و امپرا لیسم نیز از کذ اشتمن صفت " منحله " در جلوی اسم حزب توده ایران احتراد اردن. و همه اینها - که اگرچه هنوز رهبرانچه باید بشود ناچیز است ولی نسبت آنچه بوده و عنوان قدم های نخستین بسیار امید بخش است - نتیجه ادامه کاری و پیگیری دستگاه رهبری حزب توده است. هم اکنون نیز اگر این دستگاه از میان برداشته شود با شرایط واوضاع واحوالی که در کشور ما فراهم آمده است همین اندازه فعالیت حزب نیز لااقل برای مد تی قطع خواهد شد و حزب طبقه کارگر د ورنمای مشخص خود را از دست خواهد داد.

مالحظه کنید که در عرض این مد هشت سال هیچ یک ارشاد ای سازمان هاشی که باره بری حزب توده ایران اعلام دشمنی میگنند نتوانستند با کارد رمیان توده هاره بری طبقه کارگر را رد ست گیرند و سازمانی از نوع آنچه مدعا آئند بوجود اورند. بدینه است که اگر آنها بکارد رمیان توده هاد است میزد نه رهبری حزب توده ایران نه میخواست و نه میتوانست آنها را باز ارد ها نتیجه مقام رهبری طبقه کارگر رای آنان تأمین میشد. ولی این اشخاص کارشناس فقط جنبه تخریبی دارد. هدفتان کویدن و خرد کرد ن رهبری حزب توده ایران است بد ون آنکه چیزی بجای آن بگذراند.

کسونکار انتباها رهبری حزب توده ایران نیست. این اشتباها را را خود رهبری در پلنوم چهارم کمیته مرکزی با صراحت تمام تحلیل کرد و پرهیزه د گرفته است. کسی مذکور نیست که باید حزب را برای تشکیل نکررة حزبی و تجدید انتخاب کمیته مرکزی آماده ساخت. ولی حل همه این مسائل با خود حزب است. باد شعبان حزب نیست. شرط ضروری هر اقدام را بین زمینه ها حافظ موجود بست حزب و احیا و تحکیم سازمان های آن است، و عملادی ده میشود که این تاریخی امکانی جز از طرقی رهبری حزب توده ایران ندارد. نه رهبری حزب توده ایران نفی حزب توده ایران است. این دفاع از این وان نیست، دفاع از ارگانی است که ناگزیر و بهتر تقدیر این وظیفه برعهد است - و فقط او - گذاشته شده است.

مکن است برخی از رفقاء حزبی و با بعضی ازد وستان حزب توده ایران به این واقعیت توجه نداشته باشند و تحت تأثیر علاقه صمیمانه ای که بسرونشت حزب در این به نتیجه گیری های شتابزده ای دست بزنند. ولی دشمنان آنکه طبقه کارگر، آنهایی که با اشارات امپرا لیسم رهبری میشوند، با این واقعیت توجه کامل ندارند و از همه طرف رهبری حزب توده ایران را میگویند تا سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران را کویده باشد.

کتاب " تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران "، نیت نویسنده اش هرچه باشد، هدف دیگری جزاین ندارد.

۲- ادعای اینکه حزب توده ایران حزب طبقه کارگر نیست

نویسنده کتاب، طبقه کارگر ایه براکندگی از گرد حزب توده ایران دعوت میکند. زیرا که باد عای او حزب توده ایران حزب طبقه کارگر نیست، حزب خرد و بورژواشی است (ص ۲۱) و حقایق مسلم تاریخی نشان میدهد که عناصر پیش پورولتاری ایران باشترک خود در احزاب خلخله یعنی سازمان های غیر کارگری چنگونه همه وقت طبقه کارگر را با است دست طبقات دیگر تبدیل نموده اند (ص ۳۰).

این اتهام که حزب توده ایران حزب خرد و بورژواشی است اتهاماً است که در گذشته نیز گاهگاه از زبان برخی از متظاهران بطریف اری از طبقه کارگر شنیده شده است. ولی اینکه اتهام مذکور پس از سال های ۱۳۲۴-۱۳۲۵ را میتوان اینکه در حاظه معین کنونی تکرار نمیشد اثکرده اند :

پس از گذشتای ۲۸ مرداد که دروان حمله و هجوم رئیم کود تابد از یک طرف با جنس و شکنجه واعد ام به پیکار حزب توده ایران آمدند و از طرف دیگر نیز تبلیغاتی خود را صریحاً بروی هرام و مسلک حزب توده بروی

مارکسیسم - لینینیسم متعارک ساختند «خلاصه سروصد ای آنها» بین بود که کمونیسم در ایران مذکور بشکست شد و رژیم کود تاخته مشی جدیدی مجاید آن آورد «است که شاه آن را "ناسیونالیسم مثبت" » مینامید. در این دوره گرد آند گان مغزور و سرمهست رژیم کود تاثیرگذاری به دگرگون جلوه داد ن جهان بینی حزب توده ایران احساس نمیکردند و باشند از اینکه بهمراهیت کمونیستی حزب توده ایران اعتراف کنند مذهبی معنا و مفهوم کمونیسم را تحریف میکردند ولایت و گزارهای پوچ خود را بنام «ناسیونالیسم مثبت» جایز نمودند. اما اینک نزدیک هشت سال از این تاریخ گذشته، کمونیسم در عرصه جهان به پیروزی‌های تازه ترویشم ترقی نائل آده، اذاعهای رژیم شاه به رسوایی‌پذیرانی انجامیده که قابل دفع نیست. و از طرف دیگرسیاری از نظریات اصولی حزب توده ایران صحبت خود را پس از گذشت اینهمه سال‌ها برداشتن شان داده تا بدی که خلیل ملکی با سراسیگری مینویسد: «که نفوذ حزب توده از مردمان تشكیلات سابق خود را گذشت است» (۱). در این لحظه حمله صریح به مردم و مسلک حزب توده ایران که مایه نفوذ معنوی است با حملاتی از نوع دیگر تکمیل میشود، از نزع اثنا راهیت حزب توده ایران. دیروزی‌گفتند که کمونیسم و حزب توده کمونیست مذکور به شکست است. اما امروز نویسنده کتاب حاضر میگوید که کمونیسم پیروز است ولی حزب توده ایران کمونیست نیست. این هر و گفتار منظور کوید ن حزب توده ایران است منتهی‌یکی بستان کمونیسم و دیگری بنام ضد کمونیسم.

شاید برخی از خوانندگان عزیزم‌پوشی را که رژیم کود تاد رخستین دران خود را در رماده با حزب توده داشت فراموش کرد و باشدند از اینجهت بد نیست که نهونه هائی ازروش مذکور را یاد آور شویم: محافل پلیسی و جاسوسی ایران که کتاب «سیر کمونیسم» را در اسفند ۱۳۲۵ منتشر ساختند در مقدمه آن چنین نوشتند:

«کتاب حاضر کمونیسم و حزب توده را زجنه های مختلف ایدئولوژی و تشبیلاتی تجزیه و تحلیل نموده و سفسطه آمیز بود ن قسمت اعظم این ایدئولوژی را ثابت میکند» (۲) و در فصل مربوط به «معرفی حزب کمونیستی توده از لحاظ مرامی و ایدئولوژی» چنین اظهار نظر کردند: «حزب توده در حقیقت حزب کمونیست ایران است و از این جهت معرفی حزب توده ماز لحاظ مرامی و ایدئولوژی چیزی جزیان مرام و ایدئولوژی کمونیسم نیست... ۰۰۰ اصول و مبادی مرام کمونیستی د رهمه اوقات پایانی انتکای فعالیت حزب توده بوده است... ۰۰۰ حزب توده همه وقت و همه جا ممکن و طبقی التعلیل بالتعلیل عین دستور العمل های ایدئولوژی کمونیسم را اجرانموده است» (۳).

و در جای دیگر:

«حزب توده همان اصولی را راهنمای خود قرارداده است که حزب کمونیست اتحاد شوروی آن را راهنمای خود میداند... ۰۰۰ در حقیقت مطبوعات و نشریات و کتب حزب توده آنقدر را تصوری مارکسیسم - لینینیسم و ایدئولوژی کمونیسم بحث کرده و پیروی و تبعیت بی جون و جراحت خود را نسبت بد ان اعلام داشته اند که نقل قول آن صد ها صفحه را شغل میکنند» (۴).

در کتابی هم که آنرا «کتاب سیاه» (۵) نام نهاده اند و مربوط به محاکمه اعضاء نظاہمی حزب توده است چنین میخواهیم: نمود رصد کتاب های تعلیماتی حزب منحله توده عبارت از ترجمه آثارهای بران کمونیسم از قبیل کارل مارکس، فرد ریک انگلس، لینین، استالین، ماغنوسه توک، موریس تورز و غیره بود. ده درصد باقی هم بقلم روئای حزب توده نوشته میشد که کاملاً باشیوه ها و هدف های کمونیستی مطابقت داشت. سپس سازندگان کتاب سیاه مینویسند که از میان صد ها کتابی که حزب منحله توده در ایران فعالیت آشکار و نهانی خود را چهارد ه سال منتشر ساخت نمیتوان حتی یک کتاب پیدا کرد که بقلم یکی از مخالفان کمونیسم و یکی از غیرکمونیستها

(۱) نشریه فوق العاده «نبرد زندگی» صفحه ۴

(۲) صفحه ح مقدمه (۳) صفحه ۵۳

(۴) صفحه ۵۵

(۵) متأسفانه متن فارسی این کتاب درست مانیست هنچار از متن عربی آن استفاده کرده ایم.

نوشته شده باشد ۰۰۰ چرا این حزب منحله به انتشار کتابی از نویسنده گان غیرکوئیست جهان مانند لئون بلوم، اتلی، کاندی، روزولت، هریو و احزاب آنها اقدام ننمود؟ آیا این امر محکم ترین دلیل بر کوئیست بود ن حزب توده نیست؟

در کتاب مذکور این قسمت از بازی پرسی رفیق شهید مشیری نقل شده است:

”سوال - آیا مردم سازمان افسری کوئیستی بود یانه؟“

”جواب - بله.“

واین قسمت از بازی پرسی رفیق شهید مشیری:

”سوال - توضیح بد که هدف و منظور سازمان نظامی حزب منحله توده چه بود.“

”جواب - حکومت توده ای که به حکومت دموکراتیک توده ای نظری حکومت چیزین“

منتهی شود.

در آن زمان ارجاع و امپیالیسم و ستگاههای جاسوسی درباره حزب توده ایران آن طور سخن میگفتند، وازنگاهی قهرمانانی که در پای شکنجه و دراستانه اعدام نیز مسلک و مردم خود را سریلاندی اعلام کردند، اباند اشتند. در آن روز حزب توده ایران را بنام حزب کوئیست ایران تبریز اران میکردند و کسی کتابی منتشر نکرد که بگوید حزب توده کوئیست نیست و قابلیت ایننه بحسب وزیر خود اداره، حزب بیزیان خرد بیروزانی و بسود ضد انقلاب است. ولی امروز نویسنده کتاب حاضر در عین امر است، مدعا است که حزب توده ایران حزب خرد بیروزانی است! اما این ادعای دروغانه بیارازان پیگیر طبقه کارگرد سترور میدهد که از رگد این حزب پیروانند و شیوه زده وجود ش را زده بگسلند. واین همان دستوری است که دژخیان حکومت شاه با کلله های آشیان خود صادر رکد و میکند.

نویسنده کتاب نخواسته است دلایل ادعای خود را روشن و مرتب بیان کند و صرف ادعای ابرابر ای ثبات آن کافی دانسته است. ولی ماسعی مکنیم بعضی از نظریات او را که در فصول مختلف کتاب آمده و ظاهرا مبنای این ادعای قرار گرفته است مورد تحلیل قرار دهیم:

نویسنده با استفاده از ناد رست آزربایجانی عبارات ناروشن و بیان قص استاد حزبی اظهار عقیده میکند که رهبران حزب توده ایران آن را ”در ریچا بانارکامی از قوای ناراضی و عصی و ماجراجو و فرست طلب و همچنین افراد آزاده و ماحسن نیت و متفق تبدیل نمودند“. درهای این حزب بروی بیروزانی ملی نیز نموده. این حزب ”عرضه وسیعی از جمع و تصادم و تضاد انواع نیروها و مختلف طبقاتی“ بود. (۱) یعنی طریق نویسنده در رواج جنبه طبقاتی حزب توده ایران مذکور است و مدعا است که حزب توده ایران اولاً افراد رازآلیه طبقات دموکراتیک اجتماعی از کارگرگرخته تا بیروزانی ملی بحضورت می پزد رفته و شاید خصوصیات اعضا آن همارت بوده است از تاریخی بود ن، عصی بود ن، ماجراجویی و فرست طلب بود ن. منتهی نویسنده در این حزب وجود داشته اند.

بیانیم واین ادعای بر صحک واقعیت بر زنیم.

این درست است که همه اعضا حزب توده ایران از منشأ کارگری نیستند در هیچیک از احزای کوئیست و کارگری نیز چنین نیست. ولی آیا این امرها همیلت حزب توده ایران را خدشده دارمیساند؟ مسلم است که حزب طبقه کارگر کردان پیش آهنگ طبقه کارگر است. ولی نمایندگ یک طبقه بود ن، پیش آهنگ یک طبقه بود ن حتماً بمعنای منشأ گرفتن از آن طبقه نیست. چه بسیار از افراد یکه از این یا آن طبقه هستند اما چون بمنافع طبقاتی خویش خیانت میورزند و یا چون از منافع طبقاتی خویش برکرد این مشوند یک طبقه اصلی خویش وابستگی ندازند، در یکنایندگ آن و طریق اولی پیش آهنگ این نیستند. برای اینکه موضوع روشن شود به منشأ طبقاتی کسانی که مانها را نمایندگان بیروزانی ملی مید اینم توجه بفرمایید. همه آنها منشأ بیروزانی ندازند و هر خی از آنها از طبقه ملک ایران اند. اما آنچه ملک تشخیص آنها میشود این نیست که از چه منشائی هستند بلکه این است که عملاً از منافع جه طبقه ای دفاع میکنند. به هیئت حاکمه و محظی آن نظر کنید که در آن افراد که از طبقات پائین اجتماع هستند نیز وجود دارند و ریان دستیاران آنها افرادی نیز هستند که سایقاً کارگرد اند ولی همه آنها فروختگان به طبقات حاکمه و خائن بمنافع طبقاتی خویش راند و همچو وحه نمیتوان آنها را نمایندگان

و با و استگان به طبقه کارگرویان سا بر طبقات د موکراتیک نامدند . نماینده هر طبقه کسی است که آگاه یا ناگاه از منافع اساسی آن طبقه دفاع میکند ، خواه از لحاظ منشأ طبقات در جزو آن طبقه باشد یا نه (۱) . از اینجتہ لنین در وره ای که برای تشکیل حزب سوسیال د موکرات روسیه مجاہدت میکرد در برابر انویسیت ها که میخواستند جنبش رابه مازرات اقتصادی و صرفکارگری مدد کرد اند میگفت : برای ما

کمیته ای ازانقلابیون حرفة ای لازم است ، و در این مورد هیچ فرقی نمیکند که آن شخصی که خود را انقلابی حرفة ای باری آورده اشنجواد یا کارگر (۲) .

سازمان انقلابیون باید بپیش از هر چیز و مطوف عده اشخاص را در برگیرد که حرمه آنها فعالیت انقلابی بآشید . در مقابل این علامت که برای همه اعضای چنین سازمانی عمومیت دارد باید هرگونه تفاوت بین کارگران و روشن فکران بدلیل زد و د شود ، تفاوت حرفة های جد اگانه انسانیات خود را دارد (۳) .

پس اگر حزب توده ایران درگذ آورد ن نیروهای حزبی فعالیت انقلابی آنها املاک قرارداده طبق آموزش لنهنی عمل کرد ه است . اگر کسی از این که افرادی از غیرمنشأ کارگردی را حزب توده ایران غضوب دارد نتیجه بگیرد که حزب توده ایران حزب طبقه کارگرنیست یا اصول حزب مارکسیستی را درست نمید اند یا عوام فربی میکند . ماده اول اساسنامه حزب توده ایران (مصوب پنجم هفتم کمیته مرکزی وکنفرانس وحدت) نخست میگیرد

حزب توده ایران را بین داشته تصریح میکند که حزب توده ایران سازمان سیاسی طبقه کارگرد رسمتا سرا بران و عالی ترین شکل سازمانی این طبقه است *

و سپس میگوید :

* حزب توده ایران اتحاد د اوطلبانه مازرین پیشو ا طبقات و قشرهای زحمتش ایران ، کارگران ، د هقنان ، پیشه وران ، پیشه فکران و افرادی است که برنامه اش رامی پذیرند و در راه تحقق آن گام برپید ارند .

اما از اینجا که افرادی از غیر طبقه کارگرنیز اما هزار شرایط عضویت میتوانند رجیب توده ایران شرک ننمایند ، بهیچ وجه نباید نتیجه گرفت که موقعيت طبقاتی بایه اصلی جهت گیری های سیاسی نیست و با اینکه حزب توده ایران در پذیرش افراد توجه خاصی به کارگران نداشد . بر عکس حزب توده ایران بعنوان حزب سیاسی طبقه کارگر پیوسته کوشیده است که اکثریت اعضای او از کارگران باشند و لیل آن واضح است : کارگران در راست پژوهش طبقاتی خود بیش از سایر افراد جامعه بعباره سیاسی طبقه کارگر جلب مشوند و پیشتر از افراد دیگر ارای خصلت انقلابی هستند . هرقدرت کریب طبقاتی حزب ما از این حیث بپردازد است تحکام آن بیشتر خواهد بود . هرچند طبقه کارگر در پذیرفتن عقونه فقط باید توجه خاصی به افراد طبقه کارگرد اشته باشد بلکه باید با آموزش و پرورش کارگران و بالا کشیدن انسانها مقامات رهبری همکاری دارند . و در این مورد اگرچه حزب توده ایران نقاچی زدایی در کار خود را داشته ولی معد لک کوشش فراوانی که فقط از لک حزب مارکسیستی برمی آید بکار برد ه است .

بطورکلی ترکیب حزب مارکسیستی از حیث منشأ اطباقات افراد به وضع طبقاتی هر کشور میوط است . در کشورهای جلو افتاده سرمایه داری که تعداد کمی کارگرد ارند (مانند فرانسه) و ممالک کم رشد که طبقه کارگرانها نوظهور اند کا است (مانند اند ونی و هندن) ترکیب احزاب مارکسیستی از حیث نسبت اعضاء کارگر نمیتواند یکی باشد . در احزاب کشورهای سوسیالیستی نیز نظیرها ن تفاوت در این راه احلاف مختلف تکامل هر یک وجود دارد . برای مثال میتوان جمهوری سوسیالیستی چک اسلواکی را بایه نظره کارگری توده ای چنین مقایسه کرد .

پس ادعای نویسنده کتاب مبنی بر اینکه حزب توده ایران نمایندگان طبقات مختلف و از آن جمله بورژوازی ملی را در صفو خود می پذیرفته است بدلی نادرست است . حزب توده ایران فقط کسانی را در صفو خود پذیرفته

(۱) مراجعته شود به منتخبات مارکس و انگلیس جلد ۱ صفحه ۲۳۸ - لینین جلد ۲ صفحه ۲۰۱ و پلخانف

جلد ۱ صفحه ۶۰۱

(۲) لینین - آثار منتخبه ترجمه فارسی جلد ۱ قسمت ۱ صفحه ۴۰۴ .

(۳) همان جاصفحه ۳۹۰ - ۳۹۱

ومی پذیرد که بعنوان نماینده کان ایدئولوژی طبقه کارگرد رزید رفاقت خارمارکسیسم - لینینیسم به فعالیت انقلابی پرداخته و مسیر ازند - اصول مبارزات دشوار و جانکاری که حزب توده ایران در پیش اد شد وارد جزو برای نماینده کان واقعی طبقه کارگر قابل تحمل نیست. هر کس که مصائب حزب ماراپس از آذر ۱۳۲۵، پس از بهمن ۱۳۲۷ و پس از مردم اراده دیده است میتواند باین امر کوچکی دهد.

نویسنده کتاب حاضر حزب توده ایران را «آبیار» قوای ناراضی، عصبی، مجراجو، فرست طلب و در پیشترین حالت - افراد باحسن نیت و متفق میخواند. اما واقعیت اینست که اگرچه جامعه ایران مکرر انساع تضاد هاو منبع اندیشه عدم رضایت هاست حزب توده ایران بعنوان حزب مارکسیست - لینینیستی هیچگاه «آبیار ناراضی» ها نبوده و نیت و فقط آن ناراضی های رای اعضویت پذیرفته و می پذیرد که شایستگی شرکت در گردن از پیش آهنگ طبقه کارگر را در آرد، آنهایی که مرا منا هم حزب توده ایران را می پذیرند و حاضر اند در راه تحقق آن به مبارزه پذیرد ازند. و یعنی شرط کوچکی نیست. تاریخ نهضت نجات بخش ایران شناشیده دد که تهدید عضویت حزب ماجه وظائف دشوار و خطرناکی را در دارد. هر کسی نمیتواند افتخار عضویت این حزب را داشته باشد. تمپیرا از حزب توده ایران به آبیار ناراضی ها، عصبی ها، مجراجوها و فرست طلب های تعییری است که ارجاع و امپرا لیسم ساخته اند و هدفشان عموماً بوده است که اعضاً حزب ماراپا این عنایون تحت تعییق قاتلندی در آورند. اینک هدف نویسنده کتاب حاضر اینست که حزب ماراپا این اتهام بد رجاء یک حزب خرد ه بوژوانتزلد هد و بطبقة کارگر ایران پرماده.

موضوع دیگری که ظاهر از نزد نویسنده دلیل انتساب حزب توده ایران به خرد ه بوژوازی قرار گرفته مقدان وحدت ایدئولوژیک در این حزب است. او مینویسد:

«**حزب توده** در همه وقت وحی نسبت به گنام ترین احزاب سیاسی معاصر ایران ازتعتمد یک اتحاد ایدئولوژیک قاطع و مشخص عملکرده بوده است»^(۱). این ادعای بکل تازه است. تاکنون دشمنان حزب توده ایران با وجود اندیشه انتہایی که براوادر مکرر ند قادره انکار این واقعیت نبودند که این حزب یکانه جزی ای است که احزاب و سازمان های دیگرتوانسته اند خود را خلیل ملکی نیز منکر این واقعیت نیست و تمام تماشی از اینست که احزاب و سازمان های دیگرتوانسته اند خود را بمالید شویزی واحدی در برابر حزب توده ایران مجهر گردند. اما اینک نویسنده کتاب حاضر حزب توده ایران را از لحاظ وحدت ایدئولوژیک از «فکار ترین وی اهمیت ترین احزاب سیاسی معاصر ایران» عقب ترمیده اند! آیا برای رده این ادعای نیازی به اقامه دلیل هست؟ حزب توده ایران هنگامی قد م بعرصه گذاشت که دیکتاتوری رضا شاه افکار مارکسیست را از ایران ریشه کن کرد بود و همچنان از آنایا به گزاران مارکسیست - لینینیسم بزمیان فارسی وجود نداشت. یکانه مبلغ مارکسیسم - لینینیسم در کشورها پس از شهریور ۱۳۲۰ حزب توده ایران بود و این وظیفه رایج میباشد که در مقابله با اوضاع اجتماعی و سیاسی کشورها نظیر است انجام داد. حزب توده ایران هیچگاه از انتشار آثار اصلاحی مارکسیسم - لینینیسم انحراف نجست و اینکه هرگز بانتشار از اثای این المللی که بروزیونیسم، اپرتو نیسم، ترستیکیسم بد هدف دست نزد خود بهترین نشانه آن است که ایدئولوژی خود را خوب می شناخت. بد یهی است که فراگرفن و دریافت مارکسیسم لینینیسم بعنوان دانش اجتماعی کاری نیست که در دست کوتاهی امکان پذیرا شد. این کاری است که باید با عمل و تجربه اجتماعی که خود محتاج گذشت زمان است همراه گردد. مارکسیسم - لینینیسم اصول جامد و تمام ساخته ای نیست که با مخوتن آنها بتوان روزنیفه خود را تمام شده دانست. مارکسیسم - لینینیسم مانند زندگی اجتماعی پیوسته در تکامل است و مطالعه دقیقی مدد امام لازم دارد. از اینجهت حزب توده ایران از مراحل مختلفی از در رک مارکسیسم - لینینیسم گذشت و لید ر همه حال پوینده ثابت تدم این راه بوده و هست. از طرف دیگران طلاقی مارکسیسم - لینینیسم برشابط و احوال اجتماعی ایران وظیفه خطا بریده بود که در برابر حزب توده ایران قرار داشت و ایناً صحیح این وظیفه مستلزم فرا گرفتن عیق اصول مارکسیسم - لینینیسم و همچنین مطالعه تاریخ ایران، تاریخ مبارزات طبقاتی در ایران، سنن ملی ایران، انقلاب مشروطه ایران، شکل های مالکیت، وضع طبقات موجود و روابطه آنها باید یگر، شیوه های مد اخلاق امپرا لیست هاد را بران وغیره وغیره بود. پیش از حزب توده ایران در هیچ چیز از این زمینه هایز در موارد استثنائی و جزئی کاری انجام نگرفته بود و حزب توده ایران میباشد در ضمن مبارزات سنگین روزانه خود

این معضلات تئوریک رانیز بر اساس مارکسیسم - لینینیسم از پیش بود ارد. این کاری است که حزب ماقم های بلند را جرای آن برد اشت و هر قدم او کامد راه تحقیم وحدت اید ئولوژیک - بود. حزب توده ایران سر اساس این تحلیل های این نامه و اساسنامه خویش را تنظیم نمود که بنسبت ارتقاء سطح آنکه اید ئولوژیک حزب و تغییر اوضاع ایران اصلاحاتی در آنها وارد شد ولی بر نامه و اساسنامه مذکور رهبر زمان مورد قبول قطعی سراسر حزب و مایه وحدت اید ئولوژیک آن بود و هست. حزب توده ایران هیچگاه اید ئولوژی های غیر مارکسیستی را در رون خود تحمل نمک و بنده در سال ۱۲۵ کروه ذلیل ملکی مجبوب باشعاپ از حزب مدن دنشانه آن بود که حزب توده ایران حتی در یکی از سخت ترین لحظات حیات خود بر سر اید ئولوژی خویش پاید اراست. پلنوم چهارم نیزه با شرکت ده هانفراز کار راهی فعال حزب تشکیل شد نظردار اد که حتی در وران بحرانی بعد از بود تای ۲۸ مرداد دارد اخشد ستنه رهبری حزب توده ایران مزبندی معین اید ئولوژیک و سیاست وجود داشتند.

نویسنده تحلیل از خط مشی سیاسی حزب توده ایران " بمظورها نیزه راه مشخصی برای اثبات عدم وحدت اید ئولوژیک حزب توده ایران نشان داده باشد بطریح یک سلسه سوالات پرداخته است و مدعی است که اکراین سوالات را در رسانه ای از افراد حزب توده ایران بکار اید هریک بآن جواب خاصی خواهد داد که با جواب دیگر متفاوت است، و همین امر بعید نیستند - دلیل بر آن است که در حزب توده ایران وجود اید ئولوژیک وجود ندارد. اینت به برخی از این سوالات توجه بفرمائید:

"بوروزاری ملی را کمی شناهید علاوه بر خصائص نمونه های مختلف آن راهنمای راهنمایی دهد."

"بزم شما علت اساسی انقلاب مشروطیت و شکست اند در چه بوده است؟"

"شخص مسیرزا کوچت خان و شاعر مهین برسد بود؟"

"قیام فرقه د موکرات آذر را یخان با توجه بوضع اجتماعی و تاریخی ماصحیح بوده است؟"

"کروه سید کاشی راهنمایان نماینده چه قشری از بوروزاری بوده است؟"

کاملاً اشاره است که مفهوم وحدت اید ئولوژیک حزب در زند نویسنده روش نیست. وحدت اید ئولوژیک حزب مارکسیستی - لینینیستی باین معناست که *کلیه اعضا* آن طردد امارکسیسم - لینینیسم اند و همانند حزب رامی بزیرند. اما هرگز این معنا نیست که هر فرد حزبی باید بتواند به مرسله د شوار اجتماعی و سیاسی جواب بدهد و اکر افرادی جواب های مختلف دادند این دلیل برعد م وحدت اید ئولوژیک است. شرط عنویت حزب مارکسیستی - لینینیستی قبل بر نامه حزب و فعالیت را جرای آن است. ولی برعکس بر نامه معنای تجزیه و تحلیل علمی مسائل مختلف آن نیست. در مردم مسائل دیگریزینین تجزیه و تحلیل علمی را نمی توانند شرط عضویت افراد قرار داد. چنین شرطی باعث محرومیت عده زیادی از جماعتمنان مبارز میوژه کارتران و مقاومان از عضویت حزب مارکسیستی - لینینیستی میزدند، و این درجهت عکس اد عای نویسنده کتاب "تحلیل از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" است که خود را طرفدار "پرولتاریا" و مخالف "خرد بوروزاری" معرفی میکند.

در اینجا باید بتفاوت میان مسائل اید ئولوژیک و مسائل تاکتیکی هم توجه کرد. تاکتیک: بر حزب سیاسی بر حسب پیش امداد شرایط و احوال مبارزه روز و رسانی اید ئولوژی بر نامه حزب تنظیم میشود. در تنظیم این تاکتیک *کلیه اعضا* حزب طبقه کارگر حرف و وظیفه اخلاقی را نشاند ارن و طبعی است که در راین مورد نظریات مختلفی در هر حزب زنده و درستگاه رهبری آن بظاهر مرسید. ولی پس از آنکه تصمیم دستنه رهبری که بعد از منحش کلیه جوانان امداد و اعلام کرد بد همه ایران پیوی پیان عمل می کنند. در حقیقت حزب مارکسیستی - لینینیستی بر اساس سه وحدت ساخته میشود: وحدت بر نامه ای، وحدت تاکتیکی، وحدت سازمانی (۱) و بد ون ترید حزب توده ایران با وجود تفاصلی که کم پیشتر راین هرسه زمینه داشته در زلایه اد و از زندگی خود برخورد از از وحدت بوده است.

۳- د وکوشن برای بی ارج نزد مارکزیت حزب توده ایران

نویسنده برای کوچت کرد ن و بی اعتبار ساختن حزب توده ایران د وکوشن بهم آهنت بخن داده است: پیش برای اثبات اینکه اکر حزب توده ایران در مدت کوتاهی بصورت شیوه بزرگ اجتماعی د رآمد این امر در اشر

(۱) مراجعه بفرمائید به "یک کام به پیش و کام به پس" - منتخبات لینین جلد اول ترجمه نارسیوس ۷۶۸

شرايط و اوضاع واحوالی بود که پس از شهریور ۱۳۲۰ در کشور موجود داشت نه در اثر خصوصيات آن حزب و دیگر برای اثبات اينکه اگر حزب توده ايران پس از کودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شکست خورد اين امر در اثر خصوصيات خود و چند نه در اثر حملات ارتجاج واستعمار.

در صفحه ۲۰ مينويسد:

"رهبران حزب توده ايران بعلت گشادی دروازه های حزب با استفاده از تارضايتي شرایط و اوضاع واحوالی بود که پس از شهریور ۱۳۲۰ در کشور موجود داشت نه در اثر خصوصيات آن حزب و دیگر برای اثبات اينکه اگر حزب توده ايران پس از کودتاي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شکست خورد اين امر در اثر خصوصيات استبداد رضاخانی در واقع برایگان نصب آنها شد بود حزب راتد ريجاد رجهت قويتر شد نتاگلو از افراد ناراضي برپنمودند."

ولی آيانويسند ه ميترايد باين سؤال ساده جواب بد هد که اگر "تارضايتي فوق العاده طبقات مختلف مردم و آزادی غيرقابل انتظار آنها" باعث شد که حزب توده را "تاگلو" پرکنده باعث شد که اين افراد حزب توده را انتخاب کردند و سراغ احزاب دیگر نرفتند؟ دران در وره احزاب و سازمان های فراوانی در سرزمین سیاهي ايران روشنیدند و تعداد آنها شکنجه کارگری بخود بيد اند کنم بندو. بسیاهه مختصر احزاب و سازمان هائی که در هفت سال اول بعد از شهریور ۱۳۲۰ در تهران تابلوها لابردند نظری بیفکنند: حزب اراده الى، عدالت، سوسیالیست همراهان، ازادى، اجتماعيون، کمونیست، احرار، مردم، استقلال، دموکرات ايران، کروزوك- های مارکسيستي، اتحاد يه کارگری وغیره. برخی از اين احزاب و سازمان ها ببروکااغز، برناهه نسبتاً متقد هم داشتند واکنشان چند صباخي از يك رونق نسيبي هم بروخورد ارشدن، باين معنى که قشر های از مردم واقعاً با آنها روى آوردند. پس به کدام علت دراند زمانی از آثار روی برخانند و روز بيشتر زير رفع حزب توده ايران گرد آمدند؟ برای اين سؤال فقط يك جواب وجود دارد: به علت اصالت پيوند حزب توده با طبقه کارگر ايران، بعلت دفاع پيگيرود ليرانه وی از منافع زحمتکشان و پاسداری هشيارانه وی از استقلال و حاكمت ايران در برابر استعمار، ووفاد ارجى پيچد شده او به انتزاع سیونیسم پرولتري. پیروزی حزب توده ايران در جلب توده های بيمکان مردم- برخلاف ادعای توسيند- را يك حاصل شد بلکه درميدان های هزاره وقيمت فد اکاري ها و جاتباری های بيد رفع هارزان آين حزب بد ست آمد.

در صفحه ۲۱ مينويسد:

"جايزيست که عناصر هم و انقلابي بشيوه افراد عامي و سطحي علت اساسی انفجار شوم حزب توده ايران را بحساب اقدامات و تدبیرهاي پيامي دشمن و با پشتکار ماوريان ان بگذراند بلکه اين بهم ريختن و تجزئه وحدت سازمانی حزب توده تنها باعتبار وجود تضاد های كهنه طبقاتي درونی خود حزب که سالها با انتشار رسیدن مراحل حساس مبارزه رشد و پيروزش می بافته اند پر محله عمل درآمده است."

حزب توده ايران یعنوان يك حزب مارکسيست- لينينيست هيچگاه اشتياقات خود را در امر مختلفه نپوشاند و پويزه خطاهای رهبري را در رسالهای ۱۳۲۹-۱۳۲۶ مورد مطالعات دقیق قرارداده بیهی بروام حکوم کرد ه است. اگر حدود تقاضا اين بود که حزب توده ايران در مبارزه با ارتجاج و امهريابايسد چاراشتباهاش شد که در شکست وی تأثير داشت و با تغيير جدي داشت قضاؤي بود که مردم قول حزب توده ايران نيز هست. ولسى اينه شکست حزب توده ايران "نتها باعتبار وجود تضاد های كهنه طبقاتي درونی" است نه فقط حزب طبقه کارگر اiran را يكباره تحظیه ميکند بلکه ملاً به تبرهه جنایاتی که در مبارزه برعليه حزب توده اiran از طرف دستگاه های پلسي و نظامي انجام گرفته منتهي ميگردد. از توسيند ۸ اين كتاب باید پرسيد که اگر حزب توده ايران اينقد رتضاد های كهنه طبقاتي درونی داشت که هستي اورا تاين پايه خلل پذير مساخت چرا حملات متحد ارتجاج و امهريابايسد با وارهاباناكامي روپرورش و چراغ رجا راه برعليه او اينهمه دلار، سرنژه، گلوله، وجاسوس مصرف گردید؟ امور زيرهمه روش است که کودتاي ۲۸ مرداد برای د وهد فعده انجام گرفت: سركوب و بنهضت نجات يخش ملي اiran و در رجه اول حزب توده اiran، و حل مسئله نفت بسوسد انحصار های ميليشي و نيز همه روش است که کودتاي ۲۸ مرداد مستقيماً بوسيله نيز های امهريابايسد در اتحاد با مرتعج ترين و پليل ترين عناصر هيئت حاكمه اiran انجام گرفت. اين کودتاي برای امهريابايسد ها آسان و ارزان تمام نشد. نخستين کوشش آنها در ۲۵ مرداد را اثر هشياري حزب توده اiran در هم شکست و کوشش بعدی آنان ميليون ها دلار

خرج برد است . خوانندگان گرامی بخاطر ازند که همین چندی پیش ابوالقاسم امینی برادر رنخست وزیرکنونی نامه ای به روزنامه باخترا مروزنوشت و صریحاً اعتراف کرد که در روزهای پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ او وزیر ربار بود مقامات امریکائی با او مراجعت کردند که حاضراند بتوسط فرمانده ۶ زاند امری ایران مبلغ پنج میلیون دلار برای یک کودتا نظری خرج کنند و بعد آینه مبلغ را به وزیر اراید ولت کودتا (دکتر امینی) و مبلغ ۲ میلیون دلار دارد یگریه شخص زاده‌ی پدر اختند . مجله نیشن چاپ امریکا اخیراً در ۴ ژوئن (تیرماه ۱۳۴۰) شماره مخصوصی در رباره فعالیت سازمان جاسوسی امریکا منتشر ساخته بود آن بتفصیل از نقش جاسوسی امریکا در اجرای کودتا ۲۸ مرداد سخن گفته ونوشته است : «جزئیات اقداماتی که در راین وضع صورت گرفته هرگز فاش نشده ولی مسلم است که مخارج سازمان جاسوسی امریکا خلی زیاد بوده است . مبلغی که از طرف منابع مویق ذکر شده ۱۹ میلیون دلار است ، و ۱۹ میلیون دلار اخناص زیادی را میتواند تحت تقدیر قرار دهد . » همین مجله از ملاقاتی که در راوت ۱۹۵۳ در روسیه مین آن دالس ، نورمان شوارتسک و ارش خواه‌هرحد رضاش بسرای تدارک کودتا روی داد گفتگومیکند واژگربانات برد امنه ای که در صحت کشور ما کشته است بوده بر میدارد . در اینجا این سوال پیش می‌آید که این میلیون هاد لار ، این مداخله بزرگ‌ترین مقامات جاسوسی امریکا ، این توعله علیه دیرار بخاراطرا برادر ضریبه برکدام هدف صورت میگرفت ؟ اگر بخاراطرا برادر ضریبه برنهضتی صورت میگرفت که حزب توده ایران بزرگ‌ترین نیروی آن بود باتوصیفی که نویسنده کتاب "تحلیلی از خط شی سیاسی حزب توده" ایران "بدست میدهد باید آن را قد امدون کیشوت مبانه لغوی تشیخی داد . آخربرای اینجی که اینهمه "تضاد های کهنه طبقاتی در رونی" داشت ارجاع و امیرالیسم چه احیایی باینهمه تدارکات گزارف داشتند ؟ این سوالی است که سلطابخاطره‌خوانند بیرس و نویسنده کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" باید آن جواب بدهد .

در تعقیب حزب توده ایران نه فقط اعضاء روزافون رکن ۲ و سازمان امنیت که از سال های پیش در کلاس های مخصوصی از کارشناسان جاسوسی امریکا آموش میگرفتند شرکت داشتند بلکه شبکه جاسوسی امریکاد رایران مستقیماً عملیات ضد حزب توده ایران را تحت نظر گرفته بود . مقامات جاسوسی ایران در کتاب "سرکومونیسم" تصریح میکنند که پس از کودتا ۲۵ مرداد "مازیست" هارزه با حزب توده ایران بفرمانده ای نظامی و اذارشید و یک از علول و موقیت د راین زمینه (در روابط بزرگ‌ترین آن) "کل هاو معاهضت های ذی قیمت سازمان های اطلاعات" وانتظامی ارتش و مخصوصاً لاشها و خدمات طاقت فسای سازمان داد رسمی ارتشد " بود (۱) . همه مردم ایران از این "کل ها و معاهضت های ذی قیمت" با خبر نداشتند که باع مهران و حمام شکر آزرهی از وسائل عدد کمک بشماریم آمد . قساوتی که بوسیله این سازمان های آدمکشی نسبت به ایزدان حزب ماعمال شد از لحاظ شدت ود امنه خود در تاریخ معاصر کم نظیر است . ده هانفرد رزیرشکنجه جان دادند و ایاقص شدند ، ده ها نفر شهادت رسیدند ، صد هانفرد رزندان هابرمک تد ریچی محکوم گردیدند .

اینهمه قساوت و جنایت ، اینهمه پول ، سرنیزی ، جلد ، داغ و درفش برای چه بود ؟ برای رخنه در دژ حزب توده ایران . سلطابخاطر توده ایران میتوانست و میباشد دری محکم ترازاین داشته باشد و از آن بهتر پاساری کند . ولی اینهمه نیروی دشمن راند بد گرفتن و شکست این دژ را "نهنها" برای این تضاد های در رونی آن توجیه کرد ن بد ون ترد بد چیزی جز تحریف حقیقت نیست ، و شمنان شرست نجات بخش ایران ، در روسازمان امنیت و ستگاه جاسوسی امریکا امروزه میخواهند سنت خویش را آنارجنبایات هشت سال اخیر بشویند بد ون ترد بد از این تحریف کمال خرسندی را خواهند یافت .

۴- انکار اعتمارین المعلمی حزب توده ایران

در نخستین سالهای پس از کودتا ستگاههای جاسوسی هیئت حاکمه نه فقط ازتابود کرد ن حزب توده ایران د میزدند بلکه مدعاً بودند که این حزب اعتمارین المعلمی خود را ازد ستد اده است . ملاحظه کنید در کتاب "سرکومونیسم" صفحه ۴۴۸ چه نوشته اند : کمیته مرکزی حزب توده "نه نهاد رجلوی افراد حزب توده بكلی حیثیت واحترام خود را ازد ستد اده است

بلکه دیگر حق مقامات موئز کومنیست و احزاب کومنیست جهان هم باین افراد کوچکترین توجهی ندارند و آنان را افرادی نالائق و خطاکار غیرقابل اعتماد تلقی می‌کنند. نمونه آن عدم اجازه شرکت این آقایان در پیشنهاد کنگره حزب کومنیست شوروی بود. این موضع نشان میدهد که کومنیسم بین المللی دیربیوجود یک تشکیلات باحتیجه است، قابل اعتماد تشکیلات کومنیستی در ایران اعتقاد ندارد واعضاً کمیته مرکزی حزب توده را یعنوان عناصرنا لایق و غیرقابل اعتماد تلقی می‌کنند.

اماگذشت زمان از این تبلیغ دروغ پرده برداشت و شرکت نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره‌های احزاب برادر (وازان) جمله کنگره پیشتم حزب کومنیست شوروی و در جلسات مشاوره احزاب کومنیستی و کارگری نشان داد که حزب مازاچه اعتماد و اعتبار در جماعت کومنیست های جهان برخوردار است. این اتفاق اعلانی برای حزب ما، برای طبقه کارگر شوروی، برای ملت ماست که نمایندگان کمیته مرکزی از اعضا نمایندگان اعلامیه جلسه مشاوره احزاب کومنیستی و کارگری شواهد ۱۹۶۰ است.

در ایران حوادث دیگر نمیتوان مانند نخستین سال های پس از کودتا ادعا کرد که حزب توده ایران فاقد اعتبار بین المللی است. از اینجنبه نویسنده کتاب "تحلیل از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" این ادعا اکنارگذشتند و ادعاهای تازه ای را به پیش کشیده است. اواعترفت است باین که احزاب کومنیستی و کارگری جهان و پویه حزب کومنیست اتحاد شوروی به حزب توده ایران حسن نظر دارد و از این پشتیبانی می‌کنند ولی برای اینکه این حسن نظر پشتیبانی را بی ارزش کرد اند و استدلالی داشت: یکی اینه این امر را باید دلیل مثبت مارکسیستی - لنینیستی حزب توده ایران داشت. زیوا که حزب کومنیست اتحاد شوروی به هر فرد یا هر چیزی که خد متذراست لال ایران باشد صرف نظر از ماهیت طبقاتی او احترام می‌کند. به عین نوشته اوتوجه بفرمائید:

"هر کس و یا هر چیزی که بملت خود احترام نهد و در راه تائین منافع ایکوشد جمهوریه

د مکاری هم جبران از این احترام یاد می‌کند. وابن امرهم تنهایان کومنیست های نهادت

..... بلکه این تایید علاوه بر کومنیست های متوجه غیرکومنیست های وطن پرست هم می‌باشد.

امروز شما از همروخ و نویسنده و می‌ستاد ارشوری که در رای ایران میزانتقی خان

امیرکبیر شوالی مکنید می‌بینید که آنها از این مرتبا تجلیل و احترام فراوان یاد می‌کنند.

چرا؟ برای اینکه میزانتقی خان بوطن خود علاقه مند بود، فرزند با شخصیت ملت

بود و همینطور است قضاوت آنها نسبت به مستوفی المالک. چرا؟ برای آنکه او هم

مرد محترم و وطن پرست بود. و چنین است قضاوت آنها نسبت به دکتر مصدق "چرا؟

برای اینکه مصدق نیزیکی از مردان ممتاز و وطن پرست عالیق رکشور خود محسوب می‌شود

- و تمامی این حسن نیت ها هم فقط باین دلیل است که ملت ایران باین افراد علاقه

مند است و از این احترام یاد می‌کند. بنابراین هم جمهوری د مکاری وهم اتحاد شوروی

بتبعیت از قضاوت و احساسات صحیح خلق ایران از این باتجلیل سخن مکنید....

حال با این توضیحات سوالی کنیم: چرا اتحاد شوروی به حزب توده ایران ابراز

علاقه می‌نموده و اهل این انتقاد می‌کنند؟ معلوم است. برای آنکه حزب توده ایران نیز

روزی مظہر از روزهای نسل جوان و قبله کا و مورد پرسشنامه مترقبی ترین وید اردل ترین

افراد این مملکت بوده است بنابراین این اتحاد شوروی هم به عنوان اعبار حزب توده

ایران را بهتر از حزب عدالت جمال امامی یا رحمت‌شان بقاعی میدانسته و همین جهت

هم این مورد تایید قرارداده است" (۱).

این درست است که احزاب کومنیستی و کارگری جهان و ایران جمله حزب کومنیست اتحاد شوروی امثال میزانتقی خان امیرکبیر، مستوفی المالک و دکتر مصدق را بعلت اینه خد متذراست خویش اند تایید مینمایند. این از مرشد ضد امپریالیستی آن احزاب سرجشمه مکنید. ولی همه کس میداند که تایید امثال میزانتقی خان امیرکبیر مستوفی المالک و دکتر مصدق ق باتایید حزب توده ایران یکسان نیست. حزب توده ایران بعثوان یک حزب مارکسیستی - لنینیستی یعنی حزبی که میخواهد جماعت ایران را پس از طی مرحله استقلالیه مرحله عالی تر

سومین استی برساند تا باید مشود نه حزبی که فقط جنبه استقلال طلبید ارد، نه حزبی که فقط بهتر از حزب
عدالت حمال امام باز جمعتشان بقائی است. شرکت نمایندگان حزب تude ایران در مجامعت بین اعلیٰ احزاب
برادر رئیس‌جمهور عثوان است. حزب کمونیست اتحاد شوروی که مجرّب ترین وابد ده ترین نزد ان جنبش کومنیستی
بین اعلیٰ و پیشقاول مورد قبول جنبش کومنیستی جهانی است دلخواه تبریکی له بعنایست نه شست جهل سال
از تأسیس حزب کمونیست ایران به نهضتی مردمی حزب تude ایران مخابر هر کرد (تیرماه ۱۳۴۹) چنین میگید:
”حزب تude ایران که اد امه دند راه حزب کومنیست ایران است از خدید سرمنته
مارازه بید ربع در راه منافع خلق نشان داده است“.

در دلخواه حزب کومنیست فرانسه به عنین مناست چنین مخوانیم :

”حزب تude با وجود دشواری ها مشکلات بسیار همواره بوجه کومنیسم، آزادی،
پیشنهاد انتربینالیسم پرولتاری، اتحاد خلق در راه دموکراسی و صلح را
محکم و فراشته تکا هد اشته است“.

میتوان از یونکونه تایید ات که هریک مایه میاهات و سریلندی حزب تude ایران و فرد فرد اعضا آن است طو ماری
تنظیم کرد ولی در واقع از دشمنان حزب تude ایران با سو استفاده از مشکلات فنی امریزی کارتبیلیغاتی مابتخریف
گستاخانه واقعیات و گمراه ساختن افکار عمومی دست نمیزدند نیازی به عرضه هیچکی از این استاند نبود.
است لال دیگر نیستند کتاب برای بی ارزش کرد اندین اعتقاد احزاب برادر ره حزب تude ایران این
است که احزاب مذکوره ازان جمله حزب کومنیست اتحاد شوروی از ما هیبت حزب تude بوده و پویسید تی آن خبراند و
نتیجه میگیرد که اگر ماتعا نیم از این ما هیبت در ترند احزاب برادر ره بوده برد اریم آنها اعتقاد خود را حزب تude
ایران سلب خواهد کرد. نویسنده کتاب توجه دارد که هر شنوند ای فروا ازا خواهد پویسید که احزاب کومنیستی
و کارگری با همه وقیفی که ازا وضع اجتماعات و احزاب گوناگون دارند چنانه تاکنون از ما هیبت حزب تude ایران بی
خبرمانده اند. وان وقت جواب میدهد که احاطه احزاب کومنیستی و کارگری د رهود بدست اورد ن اسرار عدد
سی این است ولی اوضاع اجتماعی هر کشور انسانیابی نیت حزب کومنیست شکوفه کوچی پینند و حزب تude ایران
عینک خاص خد را بچشم آنهازد است. باید این عینک را برداشت و یا تعیت را بانهاشان داد. عین عبارا
تاب را از نظری زنید بهتر است (اگرچه نه مفصل است).

”... معلومات جبهه د موکراسی در این مورد بوسیله معلومات مواد اطلاعات ما واعکس این“

مبارزات ابد غولویت د اخلي طفراهم میگرد د. زیرا جبهه د موکراسی باین کار یعنی
درت حقایق مربوط با ایران ازراه اشراه وجود ان باطنی توفيق نخواهد یافت، و
همچنین بعکس نظرتوده ایست هاکه مشاعر جبهه د موکراسی را از هزون اشتباوه
می‌آمید اند جبهه د موکراسی نیز رقابت ها و اشناختن های خدید نسبت با احزاب
و ایسته میرا از اشتباوه نیست. وقی که باشها اطلاعات غلط و اخبار ساختی کراز شدند
انهانیز از اطلاع بحسب مقد مات و مواد غلط به حکم وا لآخره به نتیجه غلط میرسند
۰۰۰ توده ایست های میگویند: این حرف هاچیست؟ کرجبهه د موکراسی و اتحاد شو روی
هم اشتباوه میکند؟ اتحاد شوروی حتی از تعداد ادنین شخص های رجال د ولتی ایران
و عنصر انقلابی آن باخبر است. چگونه ممکن است کرویه هایه تا این حد با امثال
توده مود م بازی کنند ولی اتحاد شوروی از جریانات کارشناسی اطلاع باشد... البته
این افراد بعلت حماقت و اعیان ات نه هبی خود نمی فهمند و نمیتوانند هم بدینه
بین اطلاعات جاسوسی و درت فلان حاد ثقیل اسیمه: هست اورد ن فلان روز مهر
د ولتی با اطلاع دقیق از حواله اجتماعی و تجزیه و تحلیل علمی هریک از آنها با
معیارهای تئوریک ۰۰۰ ازینین تا اینمان تفاوت است.“ (۱)

با این است لال میتوان پیشیانی کومنیسم جهانی را از هریک از احزاب کومنیستی و کارگری، فاقد پایه
عینی و ناشی از اطلاعات غلط و اخبار ساختی و خالی از هرگونه ارزش نشان داد! با این است لال میتوان
اصل انتربینالیسم پرولتاری را تخطیه کرد! مرد و بیدن ادعای نویسنده کتاب مبنی براینکه احزاب کومنیستی

وکارگری جهان و از آن جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی نمیتوانند را بران حزب مارکسیست را بازگیرما رکمیستی تشخیص بدهند آنچنان واضح است که محتاج اقامه دلیل پرهان نیست . اما لازم است که به نتیجه ای که نویسنده از این ادعا میگیرد بپشتوجه شود . نویسنده درواقع نتیجه میگیرد که اگر خالقان حزب توده — و بعیده اونایند کان واقعی پرولتاریا — جمع شوند و حزب تازه ای بنام حزب طبقه کارگر وجود آورند وقتی که حزب آنها نیز و مدنده شود بناهار حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب کمونیستی وکارگری از حزب توده روی گردید خواهدند مدد و هر حزب جدید روی خواهدند آورد . این خلاصه منظور نویسنده کتاب است ولی همچووجه منظور تازه ای نیست . این مطلب را خالی ملکی در همان سال ۱۳۲۶ از حزب توده ایران اشغال کرد عنشوان نموده . او حزب توده ایران را بهترین "حزب موجود" خواند امامدی شد که میخواهد بهترین "حزب ممکن" را بوجود آورد و این نظریه غلط را پیش کشید که احزاب کمونیستی وکارگری جهان احزاب واقع مبنی هستند و اگر دیدند که حزب مانیروند است با آن پیچای حزب توده ایران وارد مذاکره خواهدند شد . این نظریه خالی ملکی از آنجا سرچشمه میگرفت که وی اصول انتزانتیونیسم پرولتاری و چکوگنی روابط بین احزاب برادر را نمیگرد و امنطق پیک معامله کروارد است لال مینشد . اینک نویسنده کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" از لک طرف خلیل ملکی و دستیار ارشد را "عنصر منحرف و فاسد" (۱) میخواهد تاخویند کان تصویر کنده که مطالبه نویسنده تازه ای غیرازکنه های خلیل ملکی است و از طرف دیگر همان است لال ها و نتیجه گیری ها و حتی همان اصطلاحات خلیل ملکی را تکرار میکند و میگوید :

"اتحاد شوروی با استفاده اینکه وجود ناقص پیشتر از عزم صرف است حزب توده ایران را تاکنون بد لیک نبود ن یک سازمان انقلابی اصلی دیگر تنها احزاب موجود چه (موجود نه ممکن) شناخته است" (۲)

این نمونه ای از تلاشی است که برای مقصد ساختن حزب توده ایران ازارد وی عظیم احزاب کمونیستی وکارگری بعمل می آید . اما نتیجه حزب ماراباین ارد وی ظفرنون پیوند میدهد و قادر اری بیخد شه وی بصالح طبقه کارگر ایران ، به استقلال و آزادی و مکاری ایران وه متفاوت طبقه کارگر جهانی ، به صلح و سوسیالیسم است . این خاصیت ذاتی حزب توده ایران است و همچنین نیز نکد دشمن نمیتواند آن را زویی برباید .

۵- تحریف در معنا و پیشون خط مشی رهبری حزب توده ایران در موجودت

نویسنده کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" از خط مشی وحدت که از پانوم چهارم (تیرماه ۱۳۲۶) در رهبری حزب توده ایران تعقیب میشود نگران است واعضاً حزب را در عوت میکند که تیشه برپیش این وحدت بزنند . نویسنده دعوت خود را از این نکته درست شروع میکند که وحدت در حزب باید بپایه اصول باشند . هر وحدتی که برآشتب تضاد های متین گردید وحدت تا پاید ارزویان بخش است . اگر حزب بپایه اید علولی ای انقلابی مبارزه نکند و نهایند گان اید علولی های دشمن را از خود نرا بودت حزب طراز نوبن ناعل نخواهد شد . نویسنده در این مورد بد رستی حزب پلشویک شوروی رامثال میزند و میگوید که بشلویک ها جزیاد فائع بی تزلزل از لینینیسم "قاد رهه تجات نهضت انقلابی خلق های روسیه ایگر اب عصیر خفه کند نمود اید بولوژر شخصیت های بزرگ و متفکری چون پلخاف هه بوخارین ها ، ترنسکیست ها ، این حریفان بر جسته و خطرناک رهبری لینی خوش ، نمیشدند " و آن وقت از این مقد مدد رست نتیجه میگیرد که وحدت در رهبری بوده حزب توده ایران در شرایط این حزب وحدت غیراصولی و در حقیقت " تخطه بارزات اید علولیک و اثکا عملی تنازع آاست " وحدتی است بین " همه ساده لوحان ، مازشکاران ، منحرفین ، ماجراجویان ، و عناصر پیشروپوتاریا " بعیند او وحدت مذکور تاشی از " عد مبین علمی نسبت به اهمیت حل تضاد های اید علولیک و پیوه خوشنودی و بی انتباشی کامل نسبت به تنازع خطرناک این نوعی تفاوت و اختلاط فکری . یعنی د رهم ریختن مشخصات مرزی و حقیقی ازین بدن حد و غشور طبقاتی تئوری است " (۳)

اگرتابلوی حزب توده ایران و ستگاه رهبری آن همان بود که نویسنده ترسیم میکند نتیجه گیری های وی درست درستی آمد . اگر رهبر حزب توده ایران تضاد های اید علولیک وجود داشت ، اگر رهیک سوغاصلنینی

ود رسوی دیگر عناصر بخارینی نشسته بودند و نزد میباشد تضاد موجود را تعمیق کرد تا اینکه مارکسیسم-لنینیسم بعنوان اساس واحد ایدئولوژیک حزب در مقام خود مستقر شود. ولی کسانی که اینهمه مشتاق یافته‌اند تضاد های ایدئولوژیک در داخل حزب ماهستند آیا میتوانند حقیقت یک نمونه رابطه‌روش شخصی را برپا نمایند؟ در سراسر کتاب "تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده ایران" مروج‌داد راطراف این تضاد های زیاد است اما از خود آنها اثری نیست. واقعیت اینست که در حزب مبار استثنای سال ۱۳۲۶-۱۳۲۵ که منجر به انشاعاب گردید هیچگاه در جریان ایدئولوژیک وجود نداشت، یعنی هیچگاه بوسیله قبول یاره اصول مارکسیسم-لنینیسم و بر سر مرآة امناً حزب توده ایران دو صفت تشکیل نشده است. اشتباهات متعدد تاکتیکی حزب توده ایران در روزهای نیز که ناشی از تضییمات متفق دستگاه رهبری نبوده و با تصمیم اکثریت رویداده هیچگاه اکثریت واقعیت ثابت و وجناح مشخص و متمایز با وجود نیازورده است. بدینه است که اشتباهات تاکتیکی مستلزم عدم وحدت نیست. یک دستگاه رهبری ممکن است در زمانه مارکسیسم-لنینیسم وحدت کامل ایدئولوژیک داشته باشد ولی معدّل که در مضائق تاکتیکی گرفتار اشتباهات عدیده گردید. اعتراض این اشتباهات جنبه دستگاه رهبری را نیاید و سیله حمله بودت آن قرارداد زیرا که بهم خود ن وحدت رهبری مسلمان نمیتواند نکمی به رفع اشتباهات و هبّهود کاررهبری پاشد.

پلنوم چهارم که با حضور ۱۵ تن از اعضاء^۱ کمیته مرکزی و ۵۹ تن از کارهای حزبی تشکیل شد (تیرماه ۱۳۲۶) پس از بررسی همه جانبه ای که بعمل آورد اختلاف ایدئولوژیک در حزب تشخیص نداد و در حالی که اشتباهات دستگاه رهبری را باقاطعیت وی پروانی تمام محکوم ساخت چون یکی از عمل نیاسامانی کار رهبری را وجوه اختلافات غیراصولی در دستگاه رهبری و سرایت آنها بیدله گرفتار اشتباهات عدیده گردید. اعتراض این اشتباهات جنبه دستگاه رهبری را نیاید و سیله حمله بودت آن قرارداد زیرا که بهم خود ن وحدت رهبری مسلمان نمیتواند نکمی به رفع گرفت و در طی فعالیت روزانه و پلنوم های ۱۵ و ۲۰ و هفتم کمیته مرکزی نیرومند وارور شد.

این وحدت، بخلاف آنچه گاهی بین خلط تفسیرشده است، وحدت بر سر مسائل خصوصی و غیراصولی نبود بلکه وحدت بر سر اجرای این خد شه موافق و مقررات حزب طراز توپن طبقه کارگریود. متن اعلامیه ای که هیئت اجرایی کمیته مرکزی در راره پیمایش ۱۳۲۸ دیراره وحدت صادر کرد خود بهترین مفتر آن است. در این اعلامیه پس از تحلیل اوضاع سیاسی ایران و وظیفه خطیبری که حزب مادر رهبری نهضت بر عهد دارد نتیجه گرفته شده است که "خاتمه دادن به بحران درونی حزب ما، تامین وحدت وهم اهنگی در داخل آن و ایجاد انضباط آگاهانه در رون سازمان حزبی مافوقی ترین، همراه ترین و چراغی وظیفه ماست". سپس هیئت اجرایی در اجرای این وظیفه مراتب زیرین را ب ابطال اعلیه رفاقتی حزبی رسانیده است:

"۱- کلیه اعضاء^۲ هیئت اجراییه متحد اعلام میدارند که با هیچ گروه و سه ای بستگی ندارند و از هیچ گروه معینی تحت هر عنوان که در داخل حزب وجود داشته باشد یا ایجاد گردد پشتیبانی نخواهند نمود.

۲- هیئت اجراییه متحد^۳ اعلیه هرگونه عمل دسته بندی، گروه سازی، مرد بازی، وظایف هر تمايلات گروه به راس عنوان که بروزنده مبارزه خواهد نمود.

۳- هیئت اجراییه با تکا^۴ تضییمات صریح پلنوم چهارم کمیته مرکزی (قطعنامه راه خروج از جرمان) داعی بختم "جدال و مذاقه" دیراره پرونده های کذشته، کلیه مباحثات راجع بمسئلیت های فردی یا جمعی مربوط بحوادث قبل از تشکیل پلنوم چهارم را (با استثنای توجه ضمن اسناد رسی ارگان های رهبری حزب ذکر شده یا میشود) تا تشکیل کنگره سوم حزب برای کلیه اعضاء^۵ رهبری و سایر رفاقتی حزبی خاتمه یافته اعلام میکند و سایر گونه تجدید مطلع دیراره این مسائل بمتایه عمل مضریصال حزب وحدت آن عمل خواهد نمود.

۴- هیئت اجراییه مصمم است که علیه هرگونه شووه اقتداری، اهانت و بدگوئی نسبت بدستگاه رهبری و دیگر ارگان های حزبی و اعضاء^۶ آن و نیز نسبت به مریک از اعضاء^۷ حزب و همچنین علیه هرگونه شووه ای که هدف آن پائین آورد ن حیثیت رهبری و ارگان های حزبی و تخطیه آنها باشد متحد امارزه کند. بدینه است این تصمیم نه تنها انتقاد خلاق را که در مجرای موافقن شدید از رهبری حزب و ارگان های دیگر حزبی و اعضاء^۸ آن، یا افراد حزبی انجام گرفته باشد منع نمیکند بلکه بین قبیل انتقاد از فرینده میدان بیشتری خواهد دارد.

۵- هیئت اجراییه متحد اعلام نیروی خود خواهد کوشید که موافقن وقرار تشكیلاتی بطوریکسان، جدی وی ملاحظه نسبت بکلیه افراد حزب (از رهبران گرفته تا ساده ترین افراد) اجرایش و رعایت انصبا ط

آگاهانه براسامن مرکزیت دموکراتیک در حزب مایوس و توسعه یابد.

۶- هیئت اجرائیه خواهد کوشید کلیه اقداماتی را که برای تحکیم مبانی وحدت و عدم آهنجی در رهبری و در تمام سازمان حزب ضرورت داشته باشد با روح مسئولیت حزبی، صمیمه، کشش و جسارت بعمل آورد.
هیئت اجرائیه درگزارش به پنجم ششم کمیته مرکزی (شهریور ۱۳۲۸) درباره وحدت درونی حزب

چنین توضیح میدهد:

"مورث جلسات ودارک هیئت اجرائیه واژمله استنادی که درخشن پیشین این کزارش زد کران گذشت بخوبی میرساند که نه تنها هیچ گونه سازش برسامال خصوصی بین اعضاً هیئت اجرائیه نشد بلکه بعکس توافق برسیت سلسه مسائل اصولی مربوط بحزب و تضییغ مبنای حقوق این وحدت و همکاری قرارداده شده است. اعلام صارزه متحده با هرگونه عمل دسته بندی، گروه سازی، مرید پاری و مظاہر تعلیمات گروهی به راسور ورسم و عنوان که برپر کند، تعریف دقيق کارهای و مظاہر مختلف آن و تعیین طرق مشخص مبارزه با آن، توافق برسامال مهی مربوط بسیاست تشکیلاتی، خط مشی تاکتیکی و سبک کار، توافق راجح بجلوگیری از جهات عقیم، برسامالی که بهش از شش سال اوقات حزب را بخود مشغول داشته و درنتیجه وجود بحیط تفاوت و تفرقه وسیله نشد ید گروه بندی و تشتت در حزب کرد ید است، اعلام مبارزه متحده علیه هر کوئنه شیوه افترازنی، بدگوشی و اهانت نسبت بدستگاه رهبری واعضاً آن و فرادار حزبی و همچنین علیه هرگونه شیوه ای که هدف آن پائین آورن حیثیت ارکان های حزبی و تخطیه اینها باند، اجراء موافقات و مقررات تشکیلاتی بطوریکسان، جدی و بیمالحظه نسبت یکلیه افراد حزب از رهبری برگرفته تاساده ترین افراد ۰۰۰۰ اینهاستند اصولی که برسانان بین اعضاً هیئت اجرائیه توافق نداشته و بطبق آن اعلامیه راجح بوحدت صادر کرد ید است."

در قطعنامه هیئت اجرائیه (موخ رد پیهشت ۱۳۲۸) درباره جریان اجرای خط مشی وحدت چنین

تصویح شده است:

"خط مشی وحدت نه نقطه منافی با مبارزه درون حزبی دارد، اعلام رئیسکلایان نیست بلکه چنین مبارزه را را پنجه میگیرد. زیرا رسورت سلطنت محیط اتفاقی مقابل پرده بوسی و میهم نه از دن نقاط ضعف و خدا و احتراز از طرح مسائل در نات وحدت اصولی در حزب پای نخواهد کرفت. منتباطرح مسائل انتقادی درین صراحت باید همراه باشد اقت وحدالت و اصولی و نیاز رفیقانه و پویه بخاطر تحکیم بشتروحدت باشد."

حقیقت اینست که پر از غلبه نود تا ۲۸ مرداد ۱۳۲۸ در حزب مایک سلسه مسائل اتفاقی های فنری پیدا شد و اصول و مقررات سازمانی و اضباطی حزبی د مرعوض تزلیل قرار گرفت و میم آن میرفت که حزب از صورت یک ارکان فعلی مبارزه واحد خارج شود. پنجم چهارم باحضور ۷ تن از زاد رها واعضاً تکمیله مرکزی با کارشناسی ارشادی خود در طی مدت سیزده روز کوشید که مسائل عده میهم و عمور اختلاف را بعد اکثر روشش کرد اند و درباره هر یک قراری صادر کرد و راجح بمسائل فرعی د یزکه رسید کی بینا یعنی آنها فرست و امدادات د یکی لازم داشت دستور داد که از جدال و مناقشه درباره آنها خودداری شود تا نتیجه آینده که عالی ترین مقام حزبی است تصمیم قطعی اتخاذ نماید. این قرارهای پنجم چهارم که بحزب مانیروی اقدام عملی بخشید جنبه حیاتی داشت و مرحله جدیدی را در راتریخ حزب ما گشود.

نویسنده "تحلیلی از خط مشی میانی حزب توده ایران" اعلامیه وحدت و مخصوص ماده سوم و چهارم آن راکه در راد پیهشت ۱۳۲۸ از طرف هیئت اجرائیه در تایید قطعنامه های پنجم چهارم صادر شده است (واسوی آن را در ریال نقل نکرد) مورد تخطیه قرارداده میگوید که دستگاه رهبری حزب با این ماده "بین خود و دستگاه دیواری با اصطلاح مکنم کشیده" تا آنجاکه طرح و محواله داشته از نظر رهبری نتیجه گیری مکنون و عملی مخالف مقررات حزبی میشود. ۰۰۰ حواله داشته از نظر دستگاه رهبری امری مخوته تلقی شده است و افراد هم جز در حد و بحث قطعنامه ها و بین مقالات دستگاه رهبری باید یک رحق بحث و گفتگو نداشند." (۱)

ولی این نتیجه گیری نویسنده با متن اعلامیه وحدت پاکستانه های پلنوم چهارم آشکار امنات دارد.
 پلنوم چهارم به کلیه مسائل عدد ۶ میباشد مربوط به حادث پیش از مرد ۱۳۲۲ از قبل: شعارهای حزب توده ایران در میازده باناصرهای نفت، روش حزب توده ایران در برخورداری ملی و جنبه ای دسته کنندق، روش دستگاه رهبری در روزهای ۲۷ و ۲۸ مرداد، چگونگی تلاشی سازمان افسری، رهبری طبقه کارکرد رمزحله فعلی انقلاب ایران، وغیره رسیدگی و قرارداد رکرد و کوشیده علاوه بر مسئولیت های جمعی اگر مسئولیت فردی نیز رکار بوده آن را مشخص گرداند. پلنوم چهارم اختلافات مربوط با هموئیکلاتری رانیز که بروند های قطود ریارفانها تشکیل شده بود مورد رسیدگی قرارداد و آنچه راکه منع کرد "جدال و مقاومت" در راه آین "بروند های گذشته و مباحثات راجح مسئولیت های فردی و جمعی مربوط بحوادث قبل از تشکیل پلنوم چهارم" بود، آن هم در قسمت که جلسه ۷۴ نفری پلنوم چهارم پس از رسیدگی بیان نتوانسته بود به نتیجه قطعی بررسد. قطع جدال و معاشره این بروند های اهمایه های انسانی از این احتیاج میر بود که اوقات حزب از پرداختن به جزویت های گذشته فارغ گردد و متواتد در راه وظایف مرموز سازمانی و میباشد روز مصروف شود. آنچه پلنوم چهارم "متوجه" تلقی کرد، برخلاف نوشته نویسنده این کتاب، بحث در راه راه کلیه حادث گذشته بود بلکه بحث در راه این بروند های معین بید، آن هم راجح بقسطی از آنها که پلنوم چهارم از رسیدگی بیان به صمیم قطعی نرسیده بود. ولی در مورد مسائل عدد ۶ مربوط بخط مشی میباشد حزب توده ایران پیش از تولد تا ۱۸ مرداد اکرجه تصمیمات پلنوم برای کلیه اعضا حزب معملاً انتشار راجح است اما این بآن معنای نیست که حق اخراج انتشار راجح به آنها در مجامعت حزبی از اعضا حزب سلب شده باشد. بدینه است که تصمیمات هر مجمعی هرقد رهم که صلاحیت داریاند ممکن است مورد قبول برخی از افراد حزب فرازگیرد ولی اصل لینی بعیت اقلیت از اکثریت و انتباشت حزب ایجاب میکند که آن افراد با فقط نظریات خود در جهت اجرای تصمیمات متذکر عمل نکند و زهراء قدام که با جزوی تصمیمات مذکور زیان برساند خود را از نمایند. در غیر این صورت هیچ تمهیم حزبی نمیتواند خدمات اجراء اشته باشد. اینکه پلنوم چهارم همین اصل لینی را به رفاقت حزبی توصیه کرده و اجرای این اصل یکی از پایه های وحدت در دستگاه رهبری و حزب کردیده است. لینی بکسر حرفی در مورد اختلافات مربوط به خط مشی حزب طبقه کارگر میگوید:

"امانتقاد و ابراد به خط مشی حزب نباید مانع وحدت عمل حزب کرد، عملی که-

نمیتواند حتی یک لحظه هم متوقف شود." (۱)

برا سام همین آموزش لینی، هیئت اجراییه در زیر این پلنوم ششم کمیته مرکزی چنین گفته است:

"حقیقت اینسته که موجود بیت حزب طبقه کارکردها وحدت صفوی آن و در مرحله اول با وحدت اند یشه و عمل در رهبری آن بستگی تمام دارد، وجون باشتنها اصول اساسی مارکسیسم - لینیسم که پایه تشکیل حزب طبقه کارکرده است هیچ اصل دیگری نمیتواند از لحاظ اهمیت با تأثیر وحدت وحفظ موجود بیت حزب برای ری کند نه تنها هرگونه توافقی که هدف آن وحدت صفوی حزب و رهبری آن باشد مخالف اصول نیست بلکه بعض مستقیماً اصول مسلم حزبی داشت و مرحجان مسائل اساسی بفراغت و نیز اصول عد ه تبرکم اهمیت ترتیشی میگردد. بنابراین اسرحتی تصور شود که اعضا هیئت اجراییه بمنظور این وحدت وهم آهانگ دارند. دستگاه رهبری از طرح یک سلسه مسئل مورد اختلاف گذشته خود کلا یا جزئیاً صرف نظر کرد و از مطالقاً چنین توافقی صورت نگرفته است) بازنمیتوان چنین توافقی را برخلاف اصول دانست".

کمیته مرکزی حزب توده ایران خط مشی وحدت را لحاظ حفظ موجود بیت حزب واحیا و تحکیم سازمان

های آن یک امر حیاتی تشخیص میدهد و آن را با پشتیوانی کلیه اعضا و دستداران حزب با پیکری تمام دنیا خواهد کرد.

مبازه حزب توده ایران در راه اصلاح ارضی

ضرورت تاریخی حل مسئله ارضی
رژیم ارباب - دعیتی تر مز کننده تکامل اقتصادی ایران
قدوایسم عده ترین پایگاه اجتماعی امیریالیسم در ایران
دشیم اربابی - دعیتی سدراه ترقی ایران
حل مسئله ارضی مضمون اساسی انقلاب دموکراتیک ایران
دھقانان یکی از دو نیروی اساسی انقلاب دموکراتیک ایران
مبازه حزب توده ایران برای آنکاهی و تشکل دھقانان و در راه اصلاح ارضی
راه گشته و در نمای آینده

ضرورت تاریخی حل مسئله ارضی

مسئله ارضی در میهن ما پیشان حد تیررسیده است که دیگر خوش بیرخی از محافای مهیا نیست و کروهی از طبقه حاکمه ایران هم از "لزوم" اصلاح ارضی در ایران دم میزند. صرف نظر از عوامل عینی که موجب اعتراف به این واقعیت شده، بد و نهاد حزب توده ایران عدد ترین عامل ذهنی در این معورد بوده و هست. حزب توده ایران در پرتو تعالیم مارکسیسم - لئنیسم برای نخستین بار مسئله ارضی را بطریق علمی تحلیل کرد و ضرورت تاریخی حل انقلابی مسئله ارضی را اعلام نمود. حزب توده ایران طی بیست سال حیات خود مبارزه ای را برای حل مسئله ارضی بینغعد هقانان و در راه تکامل و ترقی همه جانبه اقتصادی و اجتماعی ایران سازمان داده که در تاریخ میهن مایمایقه انتی. اکنون که حل مسئله ارضی بنامهاین ضرورت تاریخی در دستور روز اجتماع مأ قرار گرفته است، جاد ارد که، ولو با اختصار، نظر حزب توده ایران در راه مسئله ارضی و مبارزه بیست ساله آن در راه اصلاح ارضی بیان گردد.

عقب ماندگی اقتصادی ایران بینش از آن آشکار است که کسی بتواند داران تردید کند. ولی برای اولین بارتها حزب تude ایران بود که نه فقط عمق و وسعت این عقب ماندگی را تشاند دارد، بلکه بیکی از مهترین عوامل این عقب ماندگی را در وجود خصلت نیمه فشود ای جامعه و سلطط رژیم اربابی - رعیتی د راقتصاد کشاورزی ایران آشکار ماخت. در صد ازد هفقاتان ایران بکلی فاقد زمین هستند و میش باز ۳۰ درصد زمینهای زیرکشت تعلق بمالکانی است که بیش از مدد هکتار زمین دارند و لی بعد اد فقط در حد دو ۲ درصد زمین داران است، نه د هفقاتان که د سرتیج آنها غارت میشود به افزایش محصول علاقمند نه مالکانی که از غارت د هفقاتان زندگی طفیلی و اری رامیگد رانند به بیهود کشاورزی توجه دارند. در چنین وضعی قدر هفقاتان، بد وی بود ن وسائل تولید کشاورزی‌هاشین بود ن سطح تولید کشاورزی جبری است.

صنعت‌جوان ایران برای اد اده حیات ورشد سریع خود بعوال خام کشاورزی، پیازاروسید اخلي و نیروی کاراحتیج دارد. ولی باغین بود ن سطح تولید کشاورزی، قدر هفقاتان ووابستگی آنان بزمین، رشد طبیعی و سریع صنعت راتمزیکند و تکامل سرماهی د اری رادر ایران د شوار میسازد. با توجه باینکه هم اکنون ۱۶ میلیون نفر از جمعیت ایران راد هفقاتان تشکیل مید هند و ۸۰ درصد مجموع تولید ایران، تولید کشاورزی است، آنوقت تأثیر عقب ماندگی ناشی از سلسه رژیم اربابی - رعیتی در زندگی اقتصادی ایران بیشتر اشکار میشود. بدین ترتیب اکنون اقتصاد ایران با یکی از بزرگترین تضادهای خود بروز است. این همان تضادی است که طبقه حاکم ایران هم خود را بآن روبرو می‌بیند و راهی حل آن تلاش میکند.

ضیورت اقتصادی رشد تولید کشاورزی دیگر کسی بوشیده نیست. ولی بینظر طبقه حاکمه ایران استفاده از تکنیک نوبن د رکناورزی وا لابرد ن سطح تولید باید در چارچوب حفظ ناسابات کنونی اربابی - رعیتی صورت گیرد و پیویسماهیت بزرگ ارضی لطمه نزند. حد اکنون دشت مالکان بزرگ میتواند این باشد که قول اینمی "سه رسال ازد ه ریال را بد هند تا بتوانند هفت رسال بقیه رانگاهد ارد". ولی کوشش برای حفظ مالکیت بزرگ ارضی و حکمت مالکان بزرگ و لاش برای حل مسئله ارضی تضاد دیگری است که هم اکنون طبقه حاکمه ایران بآن رهرواست و برای حل آن د چارین بست شده است. نمیتوان هم مالکان را برسرق رت نگاهد اشت وهم از ازادی و مهبد زندگی د هفقاتان سخن گفت، هم رژیم اربابی - رعیتی و مالکیت بزرگ را حفظ کرد وهم مدعا استفاده از تکنیک نوبن و افزایش تولید کشاورزی شد. برای حل تضاد و مطروف کرد ن مانع تمام آن د رسال را باید داد. بسخن دیگر افزایش تولید کشاورزی، ازین بود ن مانع تکامل صنعتی ایران و بازکرد ن راه برای رشد همه جانبه، طبیعی و سریع نیروهای مولده د رکشورها، جز بازارهای د هفقاتان از اسارت رژیم اربابی - رعیتی، ازین بود ن مالکیت بزرگ ارضی، واکذ اری مجانية زمین بد هفقاتان و سرنگون کرد ن حاکمیت مالکان بزرگ ممکن نیست.

فعد الیم عدد « ترین پایکاه اجتماعی امپریالیسم در ایران

بجزات میتوان گفت که حزب تude ایران تنها سازمان سیاسی د رمیهن ماست که ماهیت واقعی امپریالیسم و سیاست آنرا بعدم ایران شناساند و در این شناسایی برای اولین بار از بطریه بین امپریالیسم و فعد الیم را د رمیهن مابطریزی می‌بین کرد. است. حزب تude ایران شناخته دارد است که بسط امپریالیسم بر میهن ماکشاند و شدن اجباری ایران به اقتصاد جهانی سرماهی د اری در همانحال که بطور عینی موجب تزلزل پایه های فعد الیم شده، بصورت بزرگترین حافظ قعد الیم نیز را دارد. زیراکه امپریالیسم برای غارت ملت و احفظ تسلط خود در عقب ماندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میهن ماوسکوب جنیش ملی مردم میهن مانع مستقیم دارد و بنابرین در جرجستجوی یک تکیه گاه د اخلي است که اوهم در راین عقب ماندگی و اسارت د ینتفع باشد. فعد الها و مالکان بزرگ د رکنارسماهی داران د لال خارجی (کمیاد ور) چنین تکیه گاهی برای امپریالیسم هستند، زیرا آنها هم برای حفظ حاکمیت خود، برای مقابله با جنبش عظیم ملت ما که خواهان رهایی از اسارت قرون وسطائی است، تکیه گاهی جز امپریالیسم ندارند. تاریخ معاصر ایران با روشنی تمام صحبت این تحلیل و ماهیت این اتحاد ننگن راکه برای اسارت ملت مابین امپریالیستها خارجی و فعد الها و مالکان بزرگ د اخلي بسته شده نشان مید هد. نفت ماکه بختار رفته، اقتصاد ماکه بور شکستگی

کشاند « شده »، ارتش ماکه بزیردست مستشاران امریکائی افتاده «، ملت ماکه با سارت و گرسنگی محکوم گردیده «، توطئه هایی که بر ضد استقلال میهن مانوه پشت ملی و ضد استعماری ماصورت گرفته، تمام اینها قبل از همه نتیجه اتحاد امپریالیستها با مالکان بزرگ است که نقش عده « را در حکومت داشته و دارند « همین ها هستند که با چنگ و دندان از منافع غارتگرانه خود دفاع میکنند و ادامه قوای خلافت با حل واقعی سئله ارضی برخاسته اند. شایان ذکراست که برخی از مخالف امپریالیستی و میوه امپریالیستها امریکائی نیز در ابرضوره حل مسئله ارضی بیلاش افتاده اند. زیرا امپریالیستها از گذرهای خود میکنند و از اینجهمه د را فیض تولید کشاورزی ایران ذی پفع اند و از طرف دیگر میخواهند مبارزه انقلابی د هفقاتان را تخفیف دهند و با « رفرم » از حل انقلابی مسئله ارضی جلوگیری کنند. منتهی امپریالیستها میخواهند افزایش تولید کشاورزی نه بر اساس احتیاج واقعی ایران بلکه بر پایه ارضی احتیاج اقتصادی کشورهای امپریالیستی صورت گیرد و « رفرم » بمنافع اساسی متعددین آنها یعنی مالکان بزرگ لطفه نزند. این هم تضادی است که امپریالیستها با آن روبرو هستند و در حل آن عاجز مانده اند، زیرا همان ظوره تلاش مالکان بزرگ برای افزایش تولید کشاورزی با حفظ مالکیت بزرگ ارضی نمیتواند مسئله ارضی را حل کند، کوشش امپریالیسم هم برای اصلاح ارضی با حفظ حاکمیت مالکان بزرگ قادر نمیباشد سدی را که در ابرضوره تولید کشاورزی قرارداده، بشکند و از تشدید و توسعه مبارزه انقلابی د هفقاتان جلوگیرد.

رژیم اربابی - رعیتی سد راه ترقی اجتماع ایران

رژیم اربابی - رعیتی فقط سد راه تکامل اقتصادی ایران نیست. رژیم اربابی - رعیتی راه هرگونه ترقی را بر اجتماع مابسته است. رژیم اربابی - رعیتی بصورت ننگ اجتماع مادرآمد است. چه ننگی با الاترازانی که ۹۹ درصد هفقاتان مابد لیل نبودن در رسه و معلم بسیارند، ۵۰ درصد کوکان مادرهات بعلت کمی غذا و فقدان پزشک و ادویه قابل ایکسالگی میمیرند و هفقاتان ازشدت قفر برای مددجوی به « جرا » میروند؟ و آیاترید یدی هست که این ننگ این زندگی غیرانسانی مردم که اکثریت طلاق هم میهنان ماراثنکل میدهند نتیجه مستقیم تسلط رژیم اربابی - رعیتی است، نتیجه غارت و سنتگری مالکان است که میزند و میکشند و میسوند تا بزند کی طفیلی وارد احمد هند؟ ولی این نیروی اهربینی سایه شوم خود را فقط برسد هفقاتان متعدد مانیفکند! است. مالکان بزرگ با تکیه بقدرت اقتصادی خود یعنی رژیم اربابی - رعیتی و استفاده از قدرت سیاسی خود یعنی حاکمیت د ولی، هرای حفظ این هر دقدرت، با هرچه که تکرین اثرباز ترقی دارد مخالفت کرده و میکنند. معلم راشکار سربریده اند تا دیگر سرای باساده کردن د هفقاتان جرات و بود بد نداشته باشد. کارگر ایگالوله بسته اند تا دیگر از قانون کاروا تحاده و حزب سخنی نگوید. روشنگر بر زند اند اخته اند تا دیگر فرصت بحث در راهه ازادی و عدالت اجتماعی نداشته باشند. زنان راه همچون دیوانان از شرکت در تعیین سیاست نوشتشان محروم کرده اند. حق انتخاب ازاد را زموده اند و فساد را بجا گذاری رسانده اند که حتی ارتباطان هم بقصد اداره اند. دریک کلمه، در نتیجه حاکمیت د هبای ساله خود جامعه ای کرنسه، بیمار، بیساد و فاسد بوجود آورد « اند. از اینجهمه حل مسئله ارضی تنها یک « ضرورت اقتصادی » نیست، بلکه د رعین حال یک « ضرورت اجتماعی » نیز هست.

حل مسئله ارضی مضمون اساسی انقلاب د موکراتیک ایران

حزب توده ایران با تحلیل علمی اجتماع ایران به نتایجی رسید که در تمامی یکلی جدیدی را در ابرابر مردم میهن مانگد. حزب توده ایران نشان داد که امپریالیسم و قوی د ملی ای از جلوگیری از تکامل طبیعی و سریع اقتصاد ایران، با غارت متابع ثروت و نتیجه دسترنج خلق ماوب اسکوپ هرگونه جنبشی برای آزادی و استقلال و ترقی ایران عزیزما، د عامل اصلی عقب ماندگی و سارت ملت ایران هستند که در اتحاد با یکدیگر حفظ این عقب ماندگی و سارت میکشند. این د عامل اصلی د رعین حال بصورت عده « ترین تضاد های اجتماع مادرآمد » است. زیوار از گذرهای خلق مارکب ایگارگران، د هفقاتان، خود « بوزوای شهری و بوزوای علی از سلطه امپریالیسم و فوی دیسم رنج میرند هرای ازین برد ن آن مبارزه میکنند و از طرف دیگر حل ساپر تضاد هایی که در اجتماع مادرآمد دارند، تابع حل این د و تضاد عده است. این د و تضاد هم تضاد های ای اشتبه ناپذیری هستند، یعنی برای

غلبه بر عقب ماندگی سیاستی، اقتصادی و اجتماعی ایران و رهایی ملت ما از اسارت امیریالیسم و قشود ایسم باید بطورقطعی به حکمیت امیریالیسم وسلطه زیم اربابی - رعیتی در میهن ماخته داد و این جز بایک تحول کیفی و اساسی در جامعه، جزاًزه پل انقلاب اجتماعی ممکن نیست . بهمین جهت "تحول ازانلا" و "رفم بدست مالکان" که اینروزها زبانزد محافل امیریالیستی وطبقه حاکمه ایران است، جزوکوشش بی مراتج ایران برای حل مسئله ارضی چیزی پیگر نیست . دادکشکوش طبقه حاکمه ایران و پشتیوان امیریالیست آنها - اگرا صولاً برname "اصلاح ارضی" آنها جنانه تا بحال تحریه شده روی کاغذ نماند - این میتواند باشد که فشری ازد هفقاتان مرزه بوجود آورند تا بخیال خود از "انفجار" جلوگیری کنند و "انقلاب" را خشنی نمایند . ولی همانطوره بترسامه فروشن املاک شاه نشان داده ، باین نوع "اصلاح ارضی" اولادکشی دهفقاتان همچنان بی زمین خواهند ماند ، ثانیاً آن قشری ازد هفقاتان هم که صاحب زمین میشوند اتفاق نیز ارقام قرار ازد و مشیشه عرشان در دست دستگاهی مانند بالک عمران است . بد یهی است که چنین "اصلاح ارضی" نه مسئله ارضی را حل خواهد کرد و نه از انقلاب جلوگیری خواهد نمود .

حزب توده ایران در همان حال تأکید کرد که اکبرای حلد و تضاد عدد اجتماع ما، لبه تیز مبارزه باز هم باید موجه امیریالیسم باشد، زیرا تازمانیک سلطه امیریالیسم وجود اراده نمیتوان بمقایق فشود ایسم را بلکه از بین برد، ولی حل مسئله ارضی مضمون اساسی انقلاب د موکراتیک است زیرا که بد ون حل مسئله ارضی انجام اصلاحات عميق اقتصادی و اجتماعی غیرممکن است . بدین ترتیب حزب توده ایران را بطه ناکسستنی بین انقلاب ضد امیریالیستی و انقلاب ضد فشود الی و د موکراتیک را در مرحله کوتاهی اجتماع ایران نشان داد . در ک ماهیت اتحاد امیریالیستها و مالکان بزرگ از یکطرف و پیوست ناکسستنی بین انقلاب ضد امیریالیستی و ضد فشود الی ایران از طرف دیگری بیوی از آنچه مم است که در ون مواجهت مبارزه در راه حل مسئله ارضی را روش منکد و نشاند میدهد که هرگونه کوشش برای حل نیم بند مسئله ارضی در واقع کمکی است بحفظ پایگاه اجتماعی امیریالیسم در ایران و رعکس هرگونه تخفیف در مبارزه بضرد امیریالیسم نکمی است بحفظ حکمیت مالکان بزرگ و رزی - اربابی - رعیتی .

د هفقاتان پیکی ازد و نیروی اساسی انقلاب د موکراتیک ایران

در حالیکه طبقه حاکمه ایران میخواهد "مسئله ارضی" را بد ون دخالت دهفقاتان "حل" کند، حزب توده ایران برآسان ارزیابی خود از نیروهای حرکه انقلاب د موکراتیک ایران، د هفقاتان را بکی ازد و نیروی اساسی در این انقلاب میداند . زیداد هفقاتان هم از تضاد دی معتبرین نیروی انقلاب را تشکیل میدند و هم مستقیعاً در حل مسئله ارضی که پیکی ازد وظیفه اساسی انقلاب د موکراتیک ایران است ذیفعه اند . یعنی بد ون شرکت فعال د هفقاتان در مبارزه بر ضد فشود ایسم، بد ون تکیه به نیروی عظیم د هفقاتان حل مسئله ارضی و پیروزی انقلاب ممکن نیست . ولی این بد انمعنی نیست که د هفقاتان به تنها میتوانند از پیروزی رزیم اربابی - رعیتی رهایی بایند . در مرحله کوتاهی انقلاب ایران هیچ بلکه از نیروهای حرکه انقلاب یعنی کارگران، د هفقاتان، خرد، بورژوازی شهری و پورژوازی ملی قادر نیستند به تنها انقلاب را به پیروزی برپسانند . نتیجه اینکه تمام این نیروها باید متحد شوند تا بهد ف برسند . ولی استخوان بندی این اتحاد را اتحاد کارگران و د هفقاتان تشکیل میدهد که بعد ترین نیروهای انقلاب هستند . بنابراین همانطوره حل مسئله ارضی یک ضرورت تاریخی است، اتحاد همه نیروهایی که در این دهه اختن سلطه امیریالیسم و قشود ایسم ذیفعه اند نیز از واقعیت اجتماع مارجشم میگیرد و یک ضرورت تاریخی است .

حزب توده ایران در همان حال تأکید میکند که آنچه که طبقه کارگر پیشروتین و پیگیر تین نیروی انقلاب اجتماع مارجهز به انقلابی ترین و علمی ترین ایده نویزهایهاست بحق شایستگی رهبری انقلاب د موکراتیک ایران را دارد و میتواند واید باشان داد ون صحت راه خود توده های مرد را بد ورخود گرد آورد و سرکردگی (هرموزونی) انقلاب را بعهد بگیرد، زیداد را واقع بد ون تأمین این سرکردگی پیروزی قطعی ونهایی انقلاب ممکن نیست . از همین جاست که میتوان گفت وجود حزب توده ایران، تنها سازمان سیاسی طبقه کارگر میهن ما، که وظیفه اعمال این سرکردگی را برعهد دارد، و مبارزه این حزب در راه آرمانهای ملی و اجتماعی خود، که آرمانهای همه خلق ما وهمه طبقات را حتمکن میهن ماست، عامل ضروری حل مسئله ارضی و پیروزی انقلاب د موکراتیک ایران است .

**مبارزه حزب توده ایران برای آگاهی و تشكیل
دهقانان و در راه اصلاح ارضی**

قیامهای دهقانان عاصی بر ضد متلاکان واربابان ذ راتریخ میهن مابسیار بوده است . ولی تمام این قیامهای بایبر حمی و بقیمت قربانیهای فراوان از طرف طبقات فرمانترو اسرکوب شده است . عدد ترین علت شکست قیامهای دهقانی عدم تشكیل نیویورکه فقدان رهبری صحیح و انقلابی بوده است . تنها پس از آنکه طبقه " کارگرد رومین مابوجود آمد " و را ختیراً راین طبقه کارگر سلاح مارکسیسم قرار گرفته ، در برآورده دهقانان د و زمی ای جدیدی جسم شده و پیروزی انقلاب دهقانی مسلم گردیده است . یکی از بزرگترین اختخارات حزب توده ایران اینست که بیان دهقانان رفت و هرای نخستین بار در رومین مایک شنیخت عظم دهقانی بوجود آورد و آنرا رهبری کرد . حزب توده ایران به دهقانانی که هنوزهم از رایبان آشنا را " زیست " مینامند شخصیت انسانی شان را باز شناساند ، حقوق آنها را روشن ساخت و آنها را بیمارزه برای بازیافتن این شخصیت انسانی و گرفتن این حقوق واداشت . اینکه دیگر دهقان ایرانی قروه بخشی و امارت خود رانه است که به نیروی خود میتواند حق خوش را بگیرد ، بدون تردید بطور عوض ، نتیجه فعالیت حزب توده ایران در راگاهی و تشكیل دهقانان است . در نتیجه همین فعالیت بیویزه در سالهای ۱۲۲۰-۱۲۲۲-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶ میباشد . جنبش وسیع دهقانی در مساوا ایران بوجود آمد که در راسته میهن مایسیابقه است . برای اولین بار با بابتکار و شویق حزب توده ایران اتحاد یه های دهقانی در ایران بوجود آمدند که صد ها هزار تن غرض اشتبند . برای اولین بار توسط حزب توده ایران زیستنامه های مخصوص دهقانان انتشار یافتند . برای اولین بار در نتیجه خلق آذر رایجان دهقانان آذربایجان صاحب زمین شدند . اگر قوام السلطنه مجبور شد قانون ۱۵ در رد صدر را تصویب کند ، اگر کرده مصدق تضمیم به اجرای قانون ۲۰ در رد صدر گرفت ، اگر شاه بفروش املاک خود دست زد ، وا لآخره اگر اکنون دکتر اینیمه نمایند کی از طرف طبقه حاکمه ایران از " اصلاح ارضی " د میزند ، اینها همه نتیجه بیماره دهقانان بر ضد ستم المکان و ظلم دستکاره د ولی ای است . نتیجه رشد آگاهی دهقانان و آشکار شدن مجدد و نرمای نهضت وسیع دهقانی است که حزب توده ایران بعنوان عامل ذهنی نقش قاطع در آن داشته و دارد . با اینکه ذخیره شدن حزب توده ایران بجهة هشت سال ترور زمین کدت ارتباط سازمانی حزب مارا باید دهقانان با مشکلات فراوانی روپوشانه ، ولی هنوزهم یاد مبارزات حزب توده ایران در دفاع از مناقع دهقانان در خاطره هزار زنده است ، هنوزهم دهقانان ایران شنای خوبی را که اصولاً میشناسند حزب توده ایران است ، هنوزهم هر کسی که با صداقت و پیکری از مناقع دهقانان در دفاع کند از نظر آنها تقدیر ای است ، و در واقع هم جزا این نیست . طبی بیست سال گذشته چه بسیار از مبارزان حزب توده ایران که بزیرشلاق و سرپریزه زاندار افتاده اند ، بزندان و تعیید رفته اند ، کشته شده اند ولی وظیفه مقد من خود را در آگاهی و تشكیل دهقانان برای همی از امارت ایرانیان ، بدون تکریں چشم داشتی انجام داده اند . ولی همینکه حزب توده ایران نه فقط تنها سازمان سیاسی طبقه کارگر میهن ماست ، بلکه تکیه گاه دهقانان و مرکز ایست آنهاست ، برای حزب توده ایران بهترین پاداش است .

راه گذشته و درونهای آینده

حزب توده ایران مانند هر پدیده اجتماعی د رکمال است . سیاست و روش حزب توده ایران در مسئله ارضی و در مورد دهقانان نیز مانند زمینه های دیگر خالی از نقش نبوده و حزب توده ایران همیشه برای پر طرف کرد ن این نقش کوشیده است . نتیجه بررسی پژوهشی اخیر کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره کاره دهقانی و شعارهای تاثیکی واستراتژیک د رمثله ارضی این بوده است که با وجود فعالیت بزرگی که حزب در میان دهقانان انجام داده توجه لازم راکه شایسته اهمیت و نقش انقلابی دهقانان است بکار رفیان آنها مذولند اشته ۳۳ حزب توده ایران بعلت عدم مطالعه کامل شوریک مسئله ارضی و نقش شناسائی وی از واقعیت دهات ایران و فقدان کادر دهقانی که خود تاحد و دی نتیجه عدم توجه کافی بمعطالعه وضع دهقانان و ترتیب کادر دهقانی ات نتوانسته است توده های دهقانی را بد رستی سازمان دهد ، رهبری آنها را رهمه جاود ره موعد د رست خو گیرد آنها را بیمارزه شریخش علیه نظام قعد الی بکشاند . نقش د رمطالعه علمی و مشخص زندگی دهقانان زند رهواری موجب تعیین شعارهای نامناسب تاثیکی و تزلزل و نوسان د رشعارهای استراتژیک د رمثله ارضی شده است .

عدم درک عمیق روحیات دهقانان، نکیه بروی کارهای تسبیجی و عدم توجه لازم و کافی بکارهای اولم، با حوصله و پیگیری سازمانی در میان دهقانان، تشکیل اتحاد یه های مخفی دهقانی و رامیختن کار اتحاد یه دهقانان با کار حزب انتقامی و اشتباهات جدی در گذشته بوده است . بد ون تردید سلطه مالک و زاده ایم در دهه و قضا عوومی و ده ایم ارتیجاع بر حزب توده ایران ، شرایط کار مخفی و پیغام ترور رئیم کودتا و جوانی حزب در بروز اشتباهات و نقائص نقص مهیی داشته اند . ولی این بد انمعنی نیست که حزب اشتباهات و نقائص خود را تبیند و آشنا را فاش نسازد . در همانحال اشتباهات و نقائص حزب توده ایران به همراه افزایش خدمات آن به دهقانان و هر احفل مسئله ارضی نمیکاهد . برخورد انتقادی حزب توده ایران بکارهای هفقاتی خود در گذشته و کوشش آن برای بهبود کار خود نشانه جدی بودن، صداقت و یا مان حزب مباره وهد ف خوش است . حزب توده ایران با وجود اشتباهات و نقائص خود در زمینه کارهای هفقاتی و مسئله ارضی، همیشه انتقاد داشته است که مناسبات کهنه نیمه فتوحه ایی باید در دهه بزرگ « شود ، ما لکیت بزرگ ارضی ازین بود ، بد هفقاتان زمین مجاشی و اگذار گرد و حاکیت مالکان بزرگ سرتیگون شود ، و شرط همه اینهارای ایجاد یک نهضت وسیع انتقالی باشکت قعال دهقانان قرارداد »^{۴۳} محتوى سیاست حزب توده ایران در مرور دهقانان و در مسئله ارضی همیشه همین بوده است که اینکه با تکیه به تجزیه بیست ساله در بنامه حزب توده ایران دن گردیده است . همین محتوى است که حزب توده ایران را از این پرسازمانهای سیاسی ایران متعارک کرده است . زیرا هنوز هیچ حزب سیاسی در ایران جرأت نکرده است برنامه ای برای حل انتقالی مسئله ارضی ارائه دهد . آن چنان بر نامه ای که بتواتر دهقانان را صاحب زمین گردید^{۴۴} و حاکیت مالکان بزرگ را ازین بپرسید . دفع تفاوت ازین هم بیشتر است . زیرا هنوز هیچ حزب سیاسی، جزو حزب توده ایران اصلاح بد ترقه است تا بتواند مد افع منافع دهقانان باشد و مبارزه آنان را هبری کند . این نتفاوت در بنامه و عمل حزب توده ایران با سیاستهای سیاسی در کشورها از یکطرف ناشی از ارتباط عظیمی بنت که حل مسئله ارضی با سلطه امیریالیسم و قدر الیسم مادر ارد و از طرف دیگر حاکی از ماهیت عصیانی و تقدیم حزب ماست . زیرا فقط حزبی که هیچگونه پیوندی با امیریالیستها و قویان الهای نداشته باشد ، حزبی که خواهان نابودی قطعی سلطه امیریالیسم و قدر الیسم باشد ، حزبی که دهقانان را بجا رزه انتقالی برای ازین برد ن رئیم ایرانی . رعیتی بکشند و آشنا را هبری کند میتواند مسئله ارضی را واقعاً بتفع دهقانان و سود تکامل اقتصادی و اجتماعی میهن ماحل کند . و حزب توده ایران چنین حزبی بوده و هم است . بد ون تردید حزب توده ایران بسا تجزیه اندوزی از گذشته ، باعیقیت ترکدن آگاهی تثویریک و شناخت خود از اجتماع ایران و باد رک وظیفه تاریخی خود بعنوان حزب طبقه کارگر، درآیند نیز چنین حزبی خواهد بود .

مسئلہ صنعتی کردن راہ صنعتی کردن کشور ما

I - مقدمہ

اهمیت صنعت و نشر آن در تولید اجتماعی
مفهوم کشورک رشد آموزی

صنعت اس سی ترین بخش تولید نعم مادی که شامل استخراج و عمل آوردن نعمت‌های طبیعی برای مصرف انسانست می‌باشد۔ صنعت، ابزار تولید و قسمت اعظم اشیاء کارووسائل مصرف عمومی را تجوییه می‌کند، صنعت در جرجیان تقسیم کار اجتماعی و در وران معین تاریخی پدید آمد، و فتحه رفته در فعالیت روز مرد میان مهمن - ترین جارابدست آورده است۔ رشد صنعت ازید و پیدا ایش خود بر اساس ضعفی که انسانهاد رفاقت طبیعت داشتند بسیار محدود بود. لیکن در جرجیان پیشرفت تاریخی داغارشته های جدید و مستقل صنعتی بوجود آمدند و سپس رشته های تازه ای از آنها منشعب گردیدند. این یک تسلسل دائمی در راه رشد و تکامل صنعتی، صنعت ماشینی و نیروهای مولد است. با پیدا ایش صنعت ماشینی، بوجیر ماشین مازی پیروزی ند ریجی انسانها طبیعت و بدیده های آن آغاز نمی‌شود و با پیشرفت صنعت، آدمیان توanstه اند از نعمت‌های طبیعت بمنظور رفع احتیاجات روزافزون خود استفاده بیشتری ببرند پرخواه طبیعی لام زند و انسان را باید خود نمایند.

مارکس مینویسد که صنعت بزرگ سیاست صاحب وسائل تولیدی که مختص خود است گردد، یعنی میایست ماشینهای برای ماشین سازی فقط در زمانیکه صنعت زیرینی متناسبی برای خود بوجود آورد توئینه است روی پاهای خود بایستد (۱) ۰

یکی از خصوصیات اساسی صنعت قبل از همه در نقش رهبری کنند و تعیین کنند آن در جرجیان تجدید تولید وسیع است. در بخش صنعت تمام انواع ابزار کارووسایل کار، تئنیک معاصر و همچنین اشیاء کار نظری فلز، سوخت، انرژی، مواد خام و تبدیل و عمل آوردن فراورده های کشاورزی و امپوری پر عمل آمد و تولید مینشود. نظر اصلی صنعت در رایست که احتیاجات عمومی مردم را از لحاظ وسایل مصرفی نیز تائین می‌کند.

خصوصیت دیگر اقتصادی صنعت در شکل تمرکز تولید، اختصاصی بودن، تعاون، همبستگی و همکار رشته های مختلف تولید صنعتی است. پیدا ایش صنعت و حاکر قرن آن در نقاط مختلف تاحد و دی بستگی بشر طبیعی - جغرافیائی بیزد ارد.

صنعت بطور اساسی از تمام رشته های پیشنهادی دیگر تولید اجتماعی یعنی کشاورزی، دامپوری، همچنین حمل و نقل پیازکانی، کارهای باشکوه ای و مالی فرق دارد. هیچیکی از پیشنهادهای ارشته های حیات اجتماعی داری نمی‌کند، نمیتواند ابزار اساسی را در جرجیان تولید کند، رحاکیه صنعت برای همه رشته های حیات اجتماعی وسایل و ابزار تولید فراهم می‌سازد و گلک

صنعت و کشاورزی بطور اساسی با هم فرق دارند ولی هر دو آنها برای ادامه و رشد حیات انسانی و جامعه بشری ضروریست. لیکن در جامعه سرمایه داری ارتباط این دو بخش اساسی تولید نعم مادی بستگی های معینی با هم دارد و صنعت همواره برتری خود را از لحاظ حفظ می‌کند. این برتری قبل از همه بصورت فشار اجتماعی و اقتصادی است. صاحبان صنایع و سرمایه داران شهری هم از راه خرید مواد خام بقیمت ارزان و هم از

(۱) کارل مارکس، کاپیtal، جلد ۱، روسی، صفحه ۳۹۰

طريق فروش کالاهای صنعتی بقیمت گران روتاستایان و تولید کنند کان ده را زده طرف استثمار میکنند. این مناسبات بین کشورهای کم رشد کشاورزی ورشد کرد و صنعتی نیز برقرار است.

ماهیت رشته های مختلف با مخصوصی که تولید میکنند و نقش که محصول نامرد و در حیات اجتماعی پارسی میکند مشخص میشود. پارچه و قند، شیر و پنیر، پیسی کولا و شراب دزندگی انسانها و حیات اجتماعی نقش معینی دارند، فولاد و الومینیوم، تراکتور و مولد برق، کشتی و لیوکوموتیو نقش دیگر. بنابراین خاصیت طبیعی و اجتماعی هر محصول تولیدی، سیما و جهت رشد نیازهای مولد و آینده انتراعین میباشد. کشورهای فقط برند کشاورزی، به تهیه پارچه و قند بپردازد و توجهی بکشورهای خواهد بود که چنین ماشینهای تولید میکنند. کشورهای بخواهد کشاورزی خود تنما یاد اینما و استه به تهیه ماشینهای کشاورزی، کود شیمیائی تنما یاد همیشه در پوش و باسته ای باقی خواهد ماند. چنین کشوری جبوراً است مواد خام کشاورزی را را از تغییر و ماشینهای کشاورزی را گرفتار خورد و مخش میم از محصول اجتماعی کشورا از راه بازگاتی غیرمعتمد ل بالا عرض بکشورهای صنعتی بد هد.

همه اینهانشانه آنست که برای استقلال اقتصادی قبل از همه ایجاد زیربنای مادی- تکنیکی ضروری است. جریان تاریخی رشد صنایع در کشورهای جهان منجره این شد است که درگروه کشورهای مشخص رشد کرد و صنعتی که در اراضی زیربنای مادی- تکنیکی هستند و کم رشد فاقد زیربنای مادی- تکنیکی بوجود آید.

مهمنترین خصوصیت کشورهای کم رشد امروزی اینست که فاقد زیربنای مادی- تکنیکی بود و نمیتواند اساسی ترین وسائل تولید را در داخل کشورهای نیزهای مولد خود تهیه نمایند. این خصوصیت مهم و اصلی بقیه خصوصیات کشورهای کم رشد را میباشد. این خصوصیات عبارتند از: فزونی جمعیت دهات برشهر-ها و اشتغال اکثریت اهالی به کشاورزی و امپروری، صد و مواد خام کشاورزی و معدنی، پائین بود ن در آمد سرانه سالانه مرد م، عقب ماندگی فرهنگی و مهد اشتی وغیره.

تمام خصوصیات بالادرسته موجود ارد و پرای اینکه کشورهای معمنی صنعتی شود و در شمار کشورهای رشد کرد و قرار گیرد اساسی ترین شرط، ایجاد زیربنای مادی- تکنیکی یعنی تأمین اقتصادی مالی مازلحتاظ ماشین، دستگاه و استفاده دامنه دار از معادن کشور است. تنها بر اساس ایجاد زیربنای مادی- تکنیکی است که میتوان کشاورزی، دامپروری و سایر رشته های صنایع مصرفی راسیع عارشد اد، سطح زندگی را با لابرد و خواسته های مرد م را بحد و فو فراهم نمود.

II - صنعتی کرد ن چیست و صنعتی کرد ن در کشورهای صنعتی جریان دارد

وضع رشته های مختلف صنعتی در ایران و خصوصیات آن

اهمیت بخششای تولید اجتماعی در اقتصاد وزندگی ما

ن

صنعتی کرد ن عبارت از کاربردن ماشینهای امروزی در جریان تولید نعم مادیست. با صنعتی کرد کشور انسانها میتوانند از نیروی ماشینهای که بازد ه کار پیشتو و قدرت تولیدی زیاد تری دارند باطبیعت دست و پنجه نرم کنند و محصول بیشتری برای رفع حواجع مادی و معنوی خود فراهم میازند. صنعتی کرد ن در از همه عبارتست از تهیه ماشین، دستگاه و سایر وسائل تولید برای رشته های مختلف تولیدی. صنعتی کرد ن یکی از وظایف مبرمیست که در مقابل کشورهای کم رشد و نهضت ازادی ملی اینها قراردارد.

در مسئله صنعتی کرد ن کشورهای کم رشد همه طبقات و قشرهای اجتماعی اظهار نظر میکنند. لیکن هر یک از طبقات و قشرهای برای صنعتی کرد ن معانی متفاوتی قائلند و هر کدام بد رجات مختلفی ذینفع دارد. رشته های منخفض صنعت هستند.

زمینداران و بورژوازی ضعیف کشورهای کم رشد بطور کلی صنعتی کرد ن کشورا ایجاد صنایع سبک یعنی صنایع مصرفی که مواد خام کشاورزی و دامپروری مصرف نماید حساب میکنند. آنها چنین اد عالمیکنند که کشورهای کم رشد فاقد سرمایه کافی و کارشناسی برای ایجاد وادره صنایع سنگین هستند و بهمین دلیل باید صنعتی کرد ن را از صنایع سبک شروع نمایند و از ارام سرمایه و تهیه متخصص و مدیریت دست به ایجاد صنایع سنگین و کلید بزنند. مثالی که آنها میورند راه رشد بعضی از کشورهای بزرگ صنعتی د رقون ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸

است . بدون تردید این ادعاد رشرايط امروزی جهان و پارشد نیروهای عظیم مولد و در رجه اول صنایع سنتگین درسیاری ازکشورهای جهان و برای همه کشورهای کم رشد که از لحاظ وسعت ، منابع طبیعی و انسانی و درجه رشد و تکامل صنعتی با هم فرق دارند صادر ق نیست . درجهان امروزی ضرورت ندارد که رشد و تکامل کشورهای کم رشد بهمان صورتی باشد که کشورهای بزرگ صنعتی طی کردند . زیرا عوامل رشرايط مناسب و نامناسب اواسط قرن بیستم با شرایط قرون گذشته کاملاً فرق دارد . هنابراین راه صنعتی کرد ن کشورهای کم رشد نیز همان راهی خواهد بود که انگلستان و فرانسه یا آلمان و راپن طی کردند .

بطورکلی می‌ساخت صنعتی کرد ن کشورهای ازسی و چند سال پیش آغاز شده است همان راه بالاست . چه در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ (۱۳۰۴-۱۳۲۰) و چه در سالهای پس از جنگ دوم جهانی برنامه های صنعتی مانع ماتوجه ایجاد صنایع مصرفی و بطورکلی صنایعی بوده است که بشکاروزی و دامبروی ارتباط مستقیم دارد . در عرض سالهای ۱۳۰۸-۱۳۱۸ در شکوفه‌بیشتر از ۳۴ کارخانه ماشینی گشایش یافت که تماماً کارخانه های اسلو سازی ، شیلات ، راه آهن ، سیلو و شرکت نفت د راین ارقام منظور نشده است .

پس از جنگ دوم جهانی با زهمان شیوه قدیمی صنعتی کرد ن کشور تجدید گردید و اواسط سال ۱۳۲۷ پراساس نخستین برنامه هفت ساله عمرانی کشور مورود اجرای از کشته شد . این برنامه که با صلح "معظوظ افزایش تولید و تکثیر صادرات و تهییه مایحتاج مردم درد اخله کشاورزی و صنایع و اکتشاف و شهره برد ارای معادن و شرکت های زیرزمینی مخصوصاً صنایع و اصلاح و تکمیل وسائل ارتباط و اصلاح امور هدشت عمومی و انجام هر نوع عملیاتی برای عمران کشورها لابرد ن سطح علومات و زندگی افراد و همین‌بعد وضع معیشت عمومی و تنزل داد نه زنده زندگانی " تهییه و تنظیم شده بود به ۲۱ میلیارد تیرماهه گذاری احتیاج داشت . از مبلغ تامد بیاری کشاورزی سد سازی و آبیاری ، دفع آفات ، ازد یاد سپاهان بانک کشاورزی ، اعتبار ازام بکشاورزان و خرد ماشین الات کشاورزی و کود شیمیایی ۵۰ میلیون ریال ، جهت راهسازی ، راه آهن ، بنادر و رفود گاهها ۵۰۰۰ میلیون ، برای ایجاد صنایع و معادن ۳۰۰۰ میلیون (از این جمله ۴۵ میلیون ریال برای ایجاد کارخانه ذوب آهن) ، برای ایجاد شرکت سهامی نفت ایران ۱۰۰۰ میلیون ، جهت پست و تلگراف و تلفن ۷۵۰ میلیون ریال و برای اصلاح حالت اجتماعی و شهری ۶۰۰۰ میلیون ریال (۲) .

در ماده ۱۵ قانون برنامه هفت ساله عمرانی کشور پیش‌بینی می‌شده که در سال ۱۳۲۷ مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال و در سنوات بعد تا انتهای دوره هفت ساله کلیه دارآمد راهی دلت از محل پرداخت شرکت نفت ایران و انگلیس با جرایع برنامه اختصاص داده خواهد شد و همچنین بد دلت اجرازه تحصیل و ام از شرکت ها و موسمات خارجی بمنظور تکمیل وسائل مالی این برنامه میداد (۳) .

بطورکلی از مواد برنامه پیدا است تهای ۴۵۰ میلیون ریال از ۲۰۰۰ میلیون ریالی که برای صنایع و معادن د رنظر گرفته شد بود می‌باشد صرف ایجاد صنعت ذوب آهن گردید که آنهم عملی نشد . بطورکلی برنامه هفت ساله اول تعاویض کشاورزی ، ارتباطات و موصلات و صنایع سپاهی بود . اجرای برنامه جون می‌بود را مدد نفت و امام خارجی بود بر اثر ملی شدن صنعت نفت و محاصره و پاکوت اقتصادی انگلیس و امریکا می‌سرگردید . تازه اگر هم برنامه هفت ساله اول اجرای می‌شد بهیچوجه در را لابرد ن سطح زندگی و تنزل دائمی هزینه زندگی " نمیتوانست موثر باشد . پیکی از مقاصد اساسی این برنامه کلک بمالکین و سرمایه داران از خزانه دلت بود تا آنها بتوانند بوضع تولیدی خود سروصهرت بهتری بد هند و سود بیشتری بپرند . چنین کلک مالی از طرف دلت بهیچوجه ساعت

(۱) اطلاعات ، ۱ سپتامبر ۱۹۵۰ . از این کارخانه ها ۹۲ کارخانه برق کوچک و متوسط ، ۲۵ کارخانه رسند و یافند گی پنه ، ۹ کارخانه یافند گی پشم ، ۳۰ کارخانه کشاف ، ۵ کارخانه تصفیه پشم ، ۱۱ کارخانه چرمسازی ، ۰۳ کارخانه نوشابه سازی ، ۲۶ کارخانه کبریت سازی ، ۱۱ کارخانه آرد سازی ، ۱۶ کارخانه صابون سازی و روغن کشی ، ۶ کارخانه بلورسازی ، ۲۱ کارخانه برنجکوبی ، ۹ کارخانه چای سازی ، ۸ کارخانه قند و شیره .

(۲) مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره ۵ اقانونگذاری (آمرد اد ۱۳۲۶-۶ مرد اد ۱۳۲۸) صفحه ۲۹-۲۴ همانجا صفحه (۳)

بهبود زندگی عمومی و تنزل دائمی هزینه روزانه نمیتوانست باشد. زیرا در سیستم سرمایه داری برنامه های اقتصادی هدف استفاده از منابع و اراضی دولت برای استخراج طبقه استثمارگرها فرازایش قدرت اقتصادی آنهاست. در چنین سیستمی برنامه های عمرانی بهمجهوجه نه هدف این بنین برد ن فقر و تهدیدستی اکثریت است و نه قادر به اینکار است.

برنامه هفت ساله دوم (۱۳۴۱-۱۳۴۵) که پس از کوتای ضد ملی ۲۸ مرداد تنظیم گردید هدف شتعقیب همان سیاست قدمی بود. برای اجرای برنامه نامبره ابتدا ۲۰ میلیارد و پیاز کسال ۱۶ میلیارد ریال سرمایه کاری دنظر کرفته شد. است. (در رسال ۱۳۲۸ مبلغ دهمیلیارد ریال لازمه مایه کاری کمرشد) (۱) از مبلغ سرمایه کاری ۲۱/۵ میلیارد ریال برای کشاورزی و باغداری، ۲۰/۷ میلیارد ریال مخابرات و ارتباطات، ۱۱/۹ میلیارد ریال امور اجتماعی و فقط ۷/۴ میلیارد ریال برای صنایع و معادن منظور شده است.

برنامه هفت ساله اول و دوم که توسط کارشناسان امریکائی تنظیم گردیده است هدفی جز استحکام موقعیت سرمایه مالی خارجی در ایران و تشید دی و استگی مالی و فنی کشور ما از طرق رشد صنایع صرفی نداشت و ندارد. اکنون که شش سال از اجرای برنامه هفت ساله دوم مینکرد بخوبی واضح میشود که جگone میلیارد ریال ازد را ملی ازرا مقطوعه کاری و قراردادهای زبانخیز جیب شرکتها خارجی ریخته شده است و به مصرف صنایع مصرفی، ساختهای راه و بنادر روساختهای غیرضروری رسیده و نه تنها کوچترین اثری از هبود زندگی عمومی دیده نمیشود بلکه هزینه زندگی سال بسال بیشتر شده و را مدد فردی همراه تنزل مینماید.

در طول هشت سالی که از زیریم کود تا میکرد بیش از ۲/۵ میلیارد دلار ازد را مدد نفت و مواد ای خارجی بخزانه کشواره داشت و تمام باشکرها مقاطعه کاران خارجی و داخلی پرداخت گردید ۲/۵ میلیارد دلار که بیش از ۲۰ میلیارد ریال است خرج شد، ولی نه نیروی مولو طور مخصوصی رشد کرد، نه بسیاری و ناخوشی از کشور رخت برسیت و نه کشت و کار عرض شد (۲). تنها نقش مهمی که این مبلغ هنفتگان بازی کرد عبارت از افزایش صرخ اقلیت ناجیز و فاسد طبقه حاکمه و عمیق ترند ن فاصله طبقاتی در رکشومن است. با ۲۱۰ میلیارد ریال، با ۲/۵ میلیارد دلار ممکن بود ۱۰ کارخانه ذوب اهن که هر یک سالانه یک میلیون تن فولاد تولید کند ایجاد کرد و با ۵۰ سد نظیر سد مفید رود ساخت و بادهای کارخانه ماشین سازی، تراکتورسازی و ستگاه سازی تأسیس نمود و مدد ها هزار کارگر ایکارهای مفید تولیدی جلب کرد و زیربنای مادی- فنی برای رشد سریع تمام بخشهای تولید اجتماعی فراهم نمود.

لیکن عملانه تنها چنین امیری حقیق پیدا نکرده بلکه در نتیجه روکش است اقتصادی و مالی کشود را دی بهشت ماه امسال، بحران سیاسی نیز شدت یافت و منجر سقوط کابینه مهندس شریف امامی و پروی کارآمد نکر امینی گردید. حکومت امینی که با عوامی و هو و جنجال دی پاشتیانی مقامات امریکائی بروی کارآمد است تمام کارهای اقتصادی و مالی کابینه های قبلی را تقبیح کرد و عذر داده است که در دست کوتاهی استقلال اقتصادی و سیاسی کشور را تامین نماید (۳).

حقیقت امرا یانست که سیاست اقتصادی و روش کابینه امینی با سابقه فرق اساسی ندارد. کابینه دکتر امینی هم مجری سیاست اقتصادی امپریالیستها و پیرارتاجاعی داکلیست که منافع بیگانگان یکی شد است.

(۱) نشریه شورای عالی اقتصاد، شماره ۶، خرداد ۱۳۲۹، صفحه ۸۷-۸۹

(۲) آقای آرامش وزیر کابینه شریف امامی و سپهبد سرتیپ سازمان برنامه در طی مصاحبه ای چنین گفت: بیگانگان برنامه ای تنظیم کرد، اند که تا آخر دو روز قرارداد با کتسرسیو آنچه پول نفت به ایران مرسد حیف و میل بشود تا ماه روز کاسه کد اشی بست گرفته و بد رویگری بروم.

(۳) روزنامه اطلاعات، ۱۱ تیرماه ۱۳۴۰ (دوم روییه ۱۹۶۱)

با آمدن امینی بروی کار دلت امریکا بد و سرورد ایالاتی کط بلاعوض کرد. است. سخنگوی دلت به مدیر روزنامه اتحاد ملی گفت: بلی پول گرفتیم، خیلی هم بیوقوع بود ولی حالا مبالغ را خواهید. اینقدر بود که دلت را از مضيقه نجات دهد، بلاعوض هم هست و هنوز مذکور از اراده ای اداره.

روزنامه اتحاد ملی، سوم مرداد ۱۳۴۰ (۲۵ روییه ۱۹۶۱)

ظاهر اکابینه امینی یک سلسه اصولی راکه برای تعویض جامعه ماضرور است قبول آرد. کابینه قبول دارد که باید کشاورزی ماعوض شود، از صنایع داخلی حمایت بعمل آید، بازرگانی خارجی منظم گردد و حتی دکتر امینی اظهار میکند که " در عصر ما استقلال سیاسی هر کشور تابع استقلال اقتصادی و سلامت آنست و سلامت اقتصادی نیز مستلزم ایجاد و تنظیم یک نقشه اقتصادی جامع و متمرکز میباشد "(۱) . بعید است دکترا امینی برای بدست آوردن استقلال اقتصادی باید مسئله صنعتی کرد ن کشور از صنایع یعنی شروع کرد که " رابطه مستقیم با کشاورزی و احتیاجات عمومی دارند و این امر صرف نظر از توسعه صنایع واژد از تولید بتکامل و مکاتیزه کرد ن کشاورز مانیز کم خواهد نمود. صنایع موردنظر مرحله اول پارچه یافی، ریسندگی، قند سازی، کتسروسازی و اشغال آنست ". برناهه کابینه اینست که در مرحله اول بتوجه این قبیل صنایع پیش آرد و در مرحله دوم صنایعی باید تقویت شود که مواد اولیه آن در داخل کشور تهیه میشود و الاخره وقتی بنده اقتصادی مملکت اجازه بد هد صنایع ستگین و کلیدی باید تاسیس گردد .

سه ماه پس از اظهارا رات بالا، دکترا امینی در جلسه آشنا کنایه ای این باید را بیان کرد و بهرنوع سو ظنی که از نظر رک و تفسیر " استقلال اقتصادی " ممکن بود بیان آید خاتمه داد. وی گفت:

" تمام اتفاقاً برناهه سوم مایکشاورزیست و ایشان اینکارا پیشینیان مارشون کرد . بود ند . بند ه صریحاً میگویم که بصنعتی کرد ن مملکت هیچگونه اعتقادی ندارم . البته صنایع که باکشاورزی رابطه داشته باشد باید تقویت شوند ولی صنایع سنگینی که بدر مانع خود و صرفاً از روی جسم همچشمی هست باید مطرود شود . بند ه معتقدم اگرچه این سد- های بزرگ تاکنون قنایت میزد بمناسبت های کوچک میبستم خیلی بهتر بود . البته اشتباهی شد . است واید جبران شود "(۲)

از این واضحتر نمیتوان بیان کرد : صنایع ستگین بدر مانع خود و مطرود است وسد های بزرگ اشتباه . از این گفته های نخست وزیر و نتیجه نمیتوان گرفت : اول اینکه کابینه فعلی مانند کابینه های قبلی متند به زمینه اران بزرگ و سرمایه داران و استهنه به امیرا لیسم است و باید منافع آنها را تامین کند . دوم آنکه نخست وزیر فعلی که دکترا اقبال نخست وزیر سابق را بسیار وی اطلاع از علم اقتصاد میدانست خود شریهمان مرض گرفتار است .

باراوشی که تابه امروز برای صنعتی کرد ن کشور جریان داشت و آقای دکترا امینی هم آنرا تایید و در این امکان شد چه نتایجی نظور نظرداست ؟

اولاماً لکن راشنوفیک میکند که با بکاربردن ماشین و کد شیمیایی محصول بیشتری از زمینه باید است آور، د هقاتان اضافی را از ده خارج نمایند تا بصفوف کارگران شهری داخل شوند و منبع بهره کشی سرمایه داران قرار گیرند . باین منظور از خزانه دولت نیزه لکن همه گونه کم مالی میشود و از این راه اشتراک منافع مالکین و قشرهای از بورژوازی دامنه وسیعتری پیدا میکند . این در این میانگی واشتراک منافع مالکین و بورژوازی از طریق خرید ماشین الات کشاورزی، کد شیمیایی و فروش مواد خام برای بازار جهانی، اذوه برای شرها و مواد خام جهت صنایع کشورتامین میگردد .

ثانیاً قشری بیشتری از بورژوازی شهرد و به آن نوع کارتولیدی جلب میشود که مواد خام کشاورزی و دامیری مصرف میکند، سرمایه گذاری کمتری احتیاج دارد و سود قابل ملاحظه ای عاید مینماید . این امر دعین حمال بمنظور ورکرد ن بورژوازی از نهضت ضد امیرا لیستی و ضد ارتقابی صورت میگیرد .

ثالثاً احتیاج کشاورزی و صنایع سیلک به مالکین های خارجی و افزایش صادرات مواد خام کشاورزی بخارج وابستگی ایران راهم از لحاظ وسایل تولید و هم از لحاظ فروش محصول بیزار جهانی سرمایه داری بیشتر میکند و با نتیجه منافع سیاسی و اقتصادی زمیند اران و قشرهای مهمی از بورژوازی ماراب منافع سرمایه های مالی خارجی نزد یکدیگر میکند .

رابعاً با ازند یکی و در آینه این منافع زمیند اران، کمپرادر و راه و قشری از صاحبان صنایع با سرمایه مالی

(۱) روزنامه کیهان ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۰ (۱۴ ماه مه ۱۹۶۱) ازنطق راد یوشی نخست وزیر .

(۲) روزنامه کیهان ۲۸ تیرماه ۱۳۴۰ (۱۹ ژوئیه ۱۹۶۱)

خارجی، در مسائل سیاسی از قبیل دموکراسی داخلی، سازمان دولتی، مبارزه با سازمانها و افکار مرتفقی، بروزه با افکار کمونیستی، اشتراک در بینانهای تجاوزکارانه نظامی و سیاست خارجی آنها را متحد نگردید. سیاست اقتصادی امروزی و بروزی کابینه های دولتی تبیجه ای جزاین نداده که وابستگی ماراسیرما به های مالی خارجی بیشتر نماید و استقلال سیاسی و اقتصادی مرا پایمال نماید. این همان سیاستی است که ملیسیو نماینده^۱ امپریالیسم امریکا پیروفسور اهد نماینده امپریالیسم آلمان و هر عامل سرمایه مالی خارجی طرفدار است.

و ای. لینین مینویسد که :

”سرمایه مالی در تمام مناسبات اقتصادی وین المللي، چنان نیروی شکوف و میتوان گفت قطعی است که قادر است حتی دلتهای را که از استقلال کامل سیاسی پرخورد ارند“

تابع خود کند و در واقع هم تابع خود میکند“ (۱)

د روایتی نیز برای سرمایه مالی و کاهی هم مستقیماً برای تراستها، برای سیاست امپریالیستی آنها، برای جنگهای امپریالیستی آنها فاید و دارد که هرقد رمکن است بعلل کوچک آزادی بیشترتا استقلال دولتی داده شود“ (۲)

در شرایط کشوری که سیستم مستعمراتی از هم پاشیده شده است شکل تازه استعمال از طریق سلطه مالی در تمام شئون اقتصادی کشورهای کم رشد سرمایه داری با حفظ ظاهری استقلال سیاسی آنها بوجود می آید. این وضع از زاه دید سمت گرفتن اقتصاد و مالی چنین کشورها، تکهای نظامی، جلب آنها به پیمانهای تجاوزکارانه نظامی بیان می آید و وجوب آن میگردد که کشورهای نظریکشونه از لحاظ اقتصادی و سیاسی تابع امپریالیسم و در روجه اول امپریالیسم امریکاگرد. و وابستگی اقتصادی به امپریالیسم ازراه بود ن صنعت نفت مادر سرت دارد. سرمایه های مالی خارجی، وامهای سنگین وجود سنتشاران در تمام دستگاههای اداری کشورتامین شده است (۳). و وابستگی اقتصادی موجب شده است که وابستگی سیاسی از طریق پیوستن کشورهای پیمان تجاوز-کارانه سنتو پیمان دوجانبه با امریکا آنرا تعلیل گردید و تبیجه وابستگی اقتصادی و سیاسی باهی امپریالیسم کاملتر شود.

بعضیها اینطور استنبط میکنند که چون کشورها کم رشد است بنابراین برای تراکم سرمایه واستحکام بنیه اقتصادی کشورها بد همان راه روش اقتصادی را که می وینچسال قبل اتخاذ کرد و بود دیواره تجدید نموده. روش اقتصادی دولت درسی وجود سال قبل در شرایط معین تاریخی داخلی و جهانی اتخاذ شده بود و چنین سیاست اقتصادی برای آنزمان تاحد و دی معموق بود و نتایج مثبتی هم آنروز داشت. مجازو ش اقتصادی دولت درسی وجود سال پیش تاحد و دی معقول بود؟

اولاً برای اینکه در ایران صنعت ماشینی تقریباً وجود نداشت. ثانیاً تراکم سرمایه میباشد از راه رشد کشاورزی و ایجاد صنایعی که بمواد خاک کشاورزی و امپروری بستگی دارد فراهم میشند و سیاست انحصار بازارگانی خارجی نیز به امترکام سرمایه داخلی کلک میکرد. ثالثاً در جهان آنروزی ارد و گاهه عظیم سوسیالیستی بانیروی شکوف اقتصادی و تکنیکی خود تشکیل نشد و بود و اتحاد جمهیرشوری تنها کشوری بود که با تمام نیرویش در راه ایجاد اقتصاد و جامعه سوسیالیستی مبارزه میکرد.

لیکن شرایط امروزی جهان و کشورها از زیشه عوض شده است. امروزه در کشورها صنعت وجود دارد، کم سرمایه باند ازه کافیست وارد و گاهه جهانی سوسیالیستی میتواند بطور موثری در صنعتی کرد که کشور را ایجاد صنایع سنگین و کلیدی بمقابل نماید. روشی که می سال قبل برای رشد نیووهای مولد کشورها استخراج شد علیرغم نواقض جدی که داشت بطور عنی تاحد و دی اجرایی ضروری و معقول بود، ولی امروزه ارجاع و ضد ملیست و نمیتواند

(۱) و ای. لینین، امپریالیسم بمنابع عالیترین مرحله سرمایه داری، فارسی، صفحه ۱۳۶

(۲) و ای. لینین جلد ۲۳، صفحه ۳۹، روسی

(۳) تمام وزارت خانه ها و نگاهداری های تجارتی و اقتصادی و عمرانی وابسته بدولت ایران زیر نظر رمأنوران و نمایندگان مختلف امریکائی قرار گرفته و آنان در رغالب جاهانه تنها یعنوان مستشار لکه بصورت دستور هند و کارفرما د رزندگی ماده اخلاقه میکنند. از مصاحبه آرامش. اطلاعات ۶ تیرماه ۱۳۴۰ (۲۷ زوئن ۱۹۶۱)

با خواست طبقه کارگر، دهقان و بورژوازی ملی هماهنگ باشد و منافع ملی و ترقی و تکامل سریع کشور را سخن قانصه
کنند ای بدده.

حال برای اینکه بتوان نظرارتیجاعی و ضد ملی کابینه تازه و طرفدار ایران آبرار نمود قبل از همه باید بد
که بخششای اساسی تولید مادرجه وضعی هستند تا از اینرا بتوان راه رشد آتی آنها را بهتر و صحيحتر نشاند اد.

بخششای اساسی تولید اجتماعی ماکد امند و خصوصیات آنها چیست؟
بخششای اساسی تولید اجتماعی کشور عبارتند از: کشاورزی، صنعت نفت و صنایع عمل آورند، سبک

که با سرمایه ملی و دلتی فعالیت مینمایند و اساساً بتواند وسایل مصرفی استغالد ارند.

۱- کشاورزی

عقب ماده ترین بخش تولید اجتماعی ماکشاوریست. بمحبی آخرین اطلاعاتی که در بیان سال گذشته
بوسیله ماموران اداره آمار عمومی یعمل آمد وضعی قسمتی ای آن انتشار یافت از ۱۶۴ میلیون هکتار مساحت کشور

سالانه فقط ۵۹۰۰۰ هکتار زیر کشت قرار گیرید (۱) از این مقدار ۵۰۰۰۰ هکتار متعلق به
کشتزارهای گندم، جو و برنج و میوه که ۹۰۸ هکتار است اختصاص یکاشت سایر زراعتها سالانه از قبیل

حبوبات، سبزیجات، سبز زمینی، چغندر قند، پنبه، توتون، بیانات علوفه ای و غیرعلوفه ای وغیره دارد.
جمع مساحت کاشت گندم سال گذشته ۳۶۰۰۰ هکتار و تقریباً ۳۲۱۳ هکتار آن بمرحله در رو رسیده

است و کل محصول گندم ۲۵۹۰۰۰ تن بوده است (از هر هکتار طی متوسط ۷۷۰ کیلوگرم) .

جمع کل مساحت کشت جو ۱۰۷۱۰ هکتار بوده که تقریباً ۹۰۰۰ هکتار آن بمرحله در رو رسیده

محصول کل جو ۶۸۴۰۰۰ تن (۷۴۰ کیلوگرم از هر هکتار) بوده است.

جمع کل مساحت کشت برنج ۲۱۲۰۰۰ هکتار که تقریباً ۲۰۳۰۰۰ هکتار آن از هر هکتار شلتوک ۶۵۱۰۰۰ تن بوده است (۲۱۰ تن از هر هکتار).

در آمار امیرد، نشان داده میشود که ۲۳/۵ درصد از مساحت اراضی مورد کشت متعلق بزراعین عمل
کنند بود و میوه اراضی بعنوان رعیتی و از طریق اجاره در تصرف زارعین بهره برداشته است.

از زمینهای زیر کشت ۳۹۰۰۰ دارند (۲۱۰ درصد فاریاب و ۱۱۰ درصد دیگر) از جمعیت کشور ردهای
مطابق آخرین سرشماری (۱۳۳۵) تقریباً ۱۴ میلیون نفر (یا ۷۰ درصد) میشوده است.

بس مریزند و کشت و کار و امیری اشتغال دارند و ۴۰ تا ۴۵ درصد رآمد ملی طارکشاورزی و دامیریست (تقریباً
۹۵ میلیون دلار یابیش از ۵۷ میلیارد ریال) (۲) مناسبات بین کشاورز و زمیندار ایراسا مزاجه است.

مزاجه شیوه ایرانی - رعیتی است. این شیوه طرز استثمار قرون وسطی ایرانیان را با قوانین بورژوازی امروزی تشبیت
نمی نماید و بر اساس عناصری که در کشت و کار شرکت مینمایند تقسیم محصول راعملی میسازد. عوامل اساسی که در کشت
و کار شرکت مینمند عبارتند از: کشاورز، کارگردان (بد)، اب و بذرگار. تقسیم محصول د رنگاط مختلف کشور

تاریخ دی فرق دارد، لیکن این فرق اساسی و اصولی نیست. هم این پست که دهقان ایرانی چون فاقد زمین،
ابزار کشت، گاویند و غالب از درست مجبور میشود سه چهارم محصول را بدهد. بنابراین در سیستم

مزاجه هیچگونه وزنه امیدی برای یهود زندگی اکثرب دهقانان وجود ندارد.

آماری لا نشانه بارزی از وضعیت کشاورزی دهقانان وقب مانگی کشاورزی کشوار است. هفتاد درصد جمعیت
کشاورز فقط ۴۰ درصد رآمد ملی مارا فراهم میسازد و تازه همین د رآمد کشاورزی بصورت نامتساوی میم (مالکین زمین)،
پیش خرید ایران محصول، ریاخواران د و بیان این تقسیم میشود و تنها سهم ناچیزی نصیب اکثرب دهقانان

میشود.

خصوصیات کشاورزی امروز کشور ما چیست؟

- مالکیت بزرگ مالکین بزمین، وجود شیوه مزاجه (ایرانی - رعیتی)، محروم بودن ۷۷ درصد دهقان

(۱) روزنامه فرمان، ۲۲ تیرماه ۱۳۴۰ (۱۴ روزه ۱۹۶۱).

(۲) تهران اکنومیست ۱۷ تیرماه ۱۳۴۰ (۸ روزه ۱۹۶۱). باید رندرد اشت که حساب رآمد ملی ما

صحیح و بصورت علمی تنظیم نشده و با واقعیت تطبیق نمیکند. لیکن کم وزیاد بودن سهم این یا آن بخش
تولید اجتماعی د راهیت امر تغییر و موثری نمیتواند بدهد.

از زمین، سلطه تولید خرد و پراکندگی سرما به ذر روسا، عقب ماندگی ابزارکش و کارکه مانع شخم عمیق و دادن روشه کافی بزمین و برد اشت محصول بیشتری از هر هکتار میشود، عقب ماندگی فرهنگ کشاورزی و جهل کشاورزان، فقد ان راههای بین دهات، نبودن سازمانهای منظم و لوثی جهت خرید محصل بقیمت عادله دادن وام با تنزیل کم بکشاورزان که دست پیش خرید ایران و ریاخواران را در رچاول ده قاتان بازمیگارد.

۲- صنعت نفت

مهترین و در رن ترین رشته تولید اجتماعی یا بهترگوشم بخش تولید اجتماعی ماصنعت نفت است. این بخش از لحاظ بازده کار، قدرت تولید و تعریز سرما به از تمام بخش‌های تولید اجتماعی کشور متعال نمیشود. این بشخ مهترین رقم صادرات و درآمد ارزی خارجی کشور را تهیه مینماید. جدول زیر نقش صنعت نفت را در صادرات کشور و باستگی آن را بازار جهانی سرمایه داری نشان میدهد (۱).

سال شمسی	به میلیون ریال	صادرات بد و نفت	به میلیون ریال	صادرات نفت	جمع صادرات	نفت بتمام صادرات	نسبت صادرات
۱۳۰۰	۱۷۹۴۰۰	۲۲۲۶۴۰	۵۰۱۰۴۵	۵۶۴	۵۰۱۰۴۵	۱۷۹۴۰۰	%۶۴
۱۳۱۰	۷۱۸۰۲۰	۱۰۱۷۹۴۹	۱۸۲۵۹۷۴	%۵۸/۶	۱۸۲۵۹۷۴	۷۱۸۰۲۰	%۵۸/۶
۱۳۲۰	۸۲۰۰۷۲	۱۰۱۱۳۳۷	۱۸۳۶۹۰۹	%۵۰	۱۸۳۶۹۰۹	۸۲۰۰۷۲	%۵۰
۱۳۲۹	۳۵۶۲۸۷۴	۲۲۱۸۴۴۰۳	۲۰۷۴۷۲۷۷	%۸۶	۲۰۷۴۷۲۷۷	۳۵۶۲۸۷۴	%۸۶
۱۳۳۰	۷۹۳۰۶۱۰	۱۰۹۰۸۸۰۹	۲۳۸۳۹۴۶۹	%۶۶/۳	۲۳۸۳۹۴۶۹	۷۹۳۰۶۱۰	%۶۶/۳
۱۳۳۶	۸۳۵۲۹۲۲	۱۹۲۹۷۷۶۸	۲۷۶۰۰۶۹۰	%۶۹	۲۷۶۰۰۶۹۰	۸۳۵۲۹۲۲	%۶۹
۱۳۲۷	۷۹۴۱۹۶۴	۲۲۸۰۹۴۷۱	۳۰۸۰۱۴۳۵	%۷۴	۳۰۸۰۱۴۳۵	۷۹۴۱۹۶۴	%۷۴
۱۳۲۸	۷۷۰۱۰۱۷	۴۹۴۴۹۸۱۱	۵۷۱۰۰۸۲۸	%۸۶	۵۷۱۰۰۸۲۸	۷۷۰۱۰۱۷	%۸۶
۱۳۲۹	۷۸۷۳۴۶۷	۰۹۶۱۰۶۰۴	۶۷۴۸۴۰۷۱	%۸۸/۳	۶۷۴۸۴۰۷۱	۷۸۷۳۴۶۷	%۸۸/۳

جدول بالا بخوبی نشان میدهد که از ۴۰ سال قبل اثر مستقیم سرمایه انحصاری خارجی در تولید و صادرات کشور ما نقش سلطان و تمیین نکنده ای را بازی میکند. در تمام دوران سلطه سرمایه مالی خارجی روکش ماصادرات مواد نفتی همیشه از صادرات سار برترین راهی تولیدی فزونی داشته و نسبت بآن نیز سال بسال بیشتر شده است (با استثنای دو ره حکومت دترصدی). پس از کوتای ضم ملی ۲۸ مرداد وزن مخصوص مواد نفتی در صادرات کشور سال بسال افزایش یافت و نسبت آن از ۱۶ درصد به ۸۸/۳ درصد رسید. آمار تولید نفت و افزایش قابل توجه آن و همچنین تقلیل صادرات هم اکنون نشان میدهد که در رسال جاری نیز این نسبت ممکنست از ۹۰ درصد تجاوز کند.

ارقامی که در جدول دیده میشود گویا مهترین سند واپسگی مهترین رشته تولیدی کشور بازار جهانی سرمایه داریست. این واپسگی تنهای از لحاظ پخش و فروش فرآورده های نفتی مابخاره خفه ای را دارد و سایری را دارد رجه اول واپسگی تولید است، زیرا صنعت نفت تمام وسایل تولید یعنی ابزار و ستابهای خفه ای را دستخراج نفت، تصفیه و معمل آوردن نفت خام، لوله های نفت را با خارجه وارد میکند و ستابهای نفت و بازار جهانی نفت نیز درست چند تراست بزرگ نفتی امریکا و انگلیس وغیره است. این واپسگی دوچانه صنعت نفت مایبود شد که کسرسیوم بین المللی نفت از راه بخش فرآورده های نفتی ایران سالانه صدها میلیون دلار سود بدست آورد. بطوطیکه آمار رسمی نشان میدهد در رسه سال اخیر سود حاصله از تفت سالیانه بیش از ۲۶۰ میلیون دلار یا بیش از ۱۰۰ درصد را می‌داند می‌داند این اتفاق در آمد نفت سال گذشته در آمد نفت ۱۰۲ میلیون لیره یاد ردد و ۲۴۰ میلیارد ریال بود. سرمایه گذاری در صنعت نفت کشور بیش از ۱۰۰ میلیون دلار

(۱) امارا زسانتمه گرفت، سال ۱۳۳۷، اداره امارا مورا اقتصادی، تهران آذرماه ۱۳۳۸ صفحه ۹۲-۹۱ و روزنامه اطلاعات ۱۰ مرداد ۱۳۴۰ (اول اوت ۱۹۶۱). تنظیم جدول و مقایسه هزار میلیون لیره است.

یاد رخد ود ۵۰ میلیارد ریال است. برای اینکه اهمیت این صنعت از لحاظ سرمایه گذاری معلوم شود چند رقم نزدیکی خواهد بود.

جهت بکاراند اختن و تجدید ستگاههای پالاسکا آبادان بیش از ۳۵ میلیون دلار یاقوتیها ۲/۸ میلیارد ریال خرج شد. برای احداث خط لوله نفت از اهواز تا تهران بیش از ۱ میلیون لیره یا تقریباً ۳ میلیارد ریال، برای کشیدن لوله نفت از مناطق نفت خیز تاجزیه خارک و ایجاد تأسیسات با رگیری نفت بیش از ۳۵ میلیون لیره یا ۷ میلیارد ریال سرمایه گذاری شد.

شرکت ملی نفت ایران در عرض شش سال اخیر برای احداث خطوط لوله ۵ میلیارد ریال، برای تأمین سیاست نفتی و حفظ چاهها ۵۰ میلیارد ریال خرج کرد. جمع هزینه های شرکت ملی نفت ایران از سال ۱۹۵۰ (۱۳۳۴) تا آخر ۱۹۶۰ (۱۳۴۹) بالغ بر ۱۷۰۲۸ میلیون ریال بود (۱). با این مبلغ امکان داشت یک کارخانه ذوب آهن سیصد هزار تنی ویک کارخانه بزرگ تراکتورسازی احداث کرد و همان‌ها را کارگرها بکار گیریم.

تولید ی جلب کرد.

صنعت نفت مازیرسلطه تراستهای بزرگ نقی امریکا و انگلیس، فرانسه و هلند قرار داشته و مهمترین بخش تولید اجتماعی ماست که وابستگی کشور اسلام بسال بیان راجه‌های سرمایه داری بیشتر میکند. صنعت نفت ما از لحاظ تعریز سرمایه، بازده و کاروقدرت تولیدی قابل مقایسه با سایر شرکت‌های تولیدی کشور نیست. صنعت نفت مادر کشور رشدی توسعه می‌یابد که قادر به تهیه ابزار تولید و عمل و نقل و عمل آوردن برای آن نیست. بهینه‌ی اول امکان سلطه سرمایه‌های اتحادی خارجی بطور کامل فراهم شده است. صنعت نفت اگر تعادل درست می‌توانست سالانه بیش از ۲۵ درصد را بد ملی مارا فراهم نماید. لیکن در شرایط فعلی فقط ۱۰ درصد درآمد ملی مازلت است.

۳- صنایع و معادن

صنعت ماشینی در ایران بسیار جوان است. این صنعت از سی و چند سال پیش در کشور ما پا به رصده وجود گذاشت. صنایعی که در کشور وجود آمد و رشد کرد اند تقریباً تمام صنایع مصرفی در درجه اول صنایع عمل آورند. مواد خام کشاورزی بود اموریست. طبق آمارگیری سال ۱۳۲۸ ۸۱۵۶ واحد صنعتی ۳۹۷۹ واحد صنایعی هستند که با مواد خام معدنی کار میکنند. بقیه که بیش از ۵۱ درصد است تمام مواد خام کشاورزی و امپوری صرف مینمایند (۲). غالباً براین در کشور ما بیش از ۱۲۰ هزار کارگاه قالی، زیلو و حصیر باقی وجود دارد که آنها م مواد خام کشاورزی و امپوری استعمال میکنند.

در پردازمه هفت ساله ایکه در رسالهای اخیر تنظیم شد تقریباً ۷۰ درصد سرمایه گذاری در صنایع بمنظور ایجاد صنایع سپک، یعنی صنایعی بوده است که مواد خام کشاورزی و امپوری مصرف میکنند. با تصویب قانون اصلاح پشتونه استکناس در راره پیشنهاد ۱۳۳۶ یعنی پس از تجدید ارزیابی پشتونه استکناس مبلغ ۷۰ میلیارد ریال برای توسعه امور صنعتی وافزایش اعتبارات کشاورزی منظور گردید.

از ۵/۸۰۲ میلیارد ریال وامی که تا اویل سال ۱۳۳۹ برای رشته‌های مختلف تولید پرداخت گردید بیش از ۴ میلیارد برای صنایع نساجی (۷۷۸ طرح)، قند سازی (۱۱۱ طرح)، غذائی (۶۱ طرح)، چرم - سازی (۹ طرح)، جوب و کاغذ و قفا (۰ طرح) منظور شد. این مبلغ در حدود ۷۰ درصد و امها را تشکیل میدهد. در عرضی از استخراج معدن، پلاستیک سازی و لاستیک سازی فقط ۳۲۶/۹ میلیون ریال یا ۵٪ و احتماً داده شد (۳).

برای اینکه وضع صنایع، تعداد کارکنان و سرمایه گذاری در تمام کشور استانها معلوم شود جدول

(۱) ارقام از مجله تهران اکنومیست، ۲۴ تیرماه ۱۳۴۰ (۱۵ روئیه ۱۹۶۱).

(۲) مجله اطاق بازرگانی، خرد اد و تبرماه ۱۳۳۹، صفحه ۲۸ (۲).

(۳) آمار فعالیتهای صنعتی و معدنی ایران، ۱۳۳۸، صفحه ۴۶۳-۴۵۸، این کارخانه ها عبارتند از کارخانه های کوچک و متوسط نظیر جاپ، گوارسازی، حروف ریزی، لاستیک سازی، کفش لاستیکی، تهیه مواد مختلفه شیمیائی، رنگسازی، واکسن سازی، اجرسازی، کاشی سازی، سیمان سازی، گچسازی، آبکاری، تراشکاری، آبگردکن سازی، ریخته گری وغیره. از این کارخانه ها ۴۷ کارخانه برق است.

چندی براساس آمارهای موجود تنظیم گردیده است . جدولهای شماره ۱۰۲ و ۱۰۴ وضع صنایع ، طبقه کارگرو تمرکز سرمایه را در راستانهای مختلف کشور تحدی و روشن میسازد .

جدول شماره ۱

تعداد کارخانه های هریک از راستانهای کشور ، تعداد کارکنان و سرمایه آنها در سال (۱۳۳۸)

سرمایه بهزار ریال	از آنجمله				تعداد کارکنان	تعداد کارخانه ها	استانها
	دقتری	مهند	کارگر				
۲۲۲۹۷۷۲۴	۴۱۲۵	۵۱۷	۴۳۹۱۴	۴۸۰۶	۳۸۴۴	استان مرکزی	
۲۸۰۲۲۳۲	۷۶۳	۶۳	۶۸۳۲	۷۶۰۹	۸۰۶	" اول	
۴۶۲۲۱۸۹	۱۲۰۲	۹۶	۱۰۱۰۶	۱۶۰۴	۸۸۳	" دوم	
۷۲۸۳۶۳	۲۱۴	۱۶	۵۸۹۹	۶۲۲۹	۳۹۳	" سوم	
۹۰۲۴۷۳	۹۹	۱۶	۲۰۶۱	۲۶۷۶	۱۰۲	" چهارم	
۸۴۴۳۷۳	۳۶۷	۲۰	۳۶۷۵	۴۰۶۲	۳۶۶	" پنجم	
۱۴۶۰۰۲۵	۳۶۹	۲۳	۲۶۶۲	۳۰۴۴	۲۷۲	" ششم	
۱۹۸۷۸۳۱	۴۴۹	۴۳	۴۱۰	۴۶۴۲	۳۴۹	" هفتم	
۶۸۲۰۹۳	۱۸۱	۸	۱۷۷۴	۱۹۶۳	۲۰۸	" هشتم	
۲۲۷۸۰۸۷	۶۶۶	۴۶	۱۰۳۰۷	۱۱۰۶۹	۸۴۰	" نهم	
۵۸۴۲۸۳۸	۱۰۶۲	۹۸	۲۲۰۴۶	۲۴۰۰۶	۸۹۹	" دهم	
۶۲۰۱۰	۱۰	۱	۲۹۳	۳۰۴	۸۹	سیستان و بلوچستان	
۴۰۰۱۳۷۸۹	۹۴۳۷	۹۰۷	۱۲۰۳۲۰	۱۳۰۷۱۴	۸۱۰۶	جمع	
۱۰۲۹۹۷۵۶	۲۴۷۶	۲۴۴	۱۷۰۵۴	۱۹۷۷۴	۱۷۱	از آنجمله دولتی	

جدول شماره ۲

طبقه بندی کارخانه های کشور از لحاظ تعداد کارکنان (۲)

تعداد کارکنان	از آنفرتا ۱۰ نفر	از آنفرتا ۵۰ نفر	از آنفرتا ۲۰۰ نفر	از آنفرتا ۵۰۰ نفر	از آنفرتا ۱۲۰ نفر	از آنفرتا بیالا	جمع
۲۷۴۹۰	۲۷۱۱۸	۲۱۳۹۴	۲۲۱۲۷	۲۲۵۸۹	۱۳۰۷۱۴		
۴۰۳۳	۱۳۰۰	۲۲۱	۶۶	۳۰	۸۱۰۶	تعداد کارخانه ها از آنجمله بد و نیزیو محکمه	

(۱) جدول براساس ارقام آمارفعالیتهای صنعتی ومعدنی کشور در سال ۱۳۳۸ " توسط مؤلف تنظیم گردیده است . در جدول فوق صنعت نفت ، ماهی ایران ، دخانیات ، راه آهن و حمل و نقل اتوموبیلی ، کارگاههای قالیبافی ، کارگران ساختمان و راهسازی ، کارگران کارخانه های ارتشی ومعدن بحساب نیاطه است . (۲) آمارفعالیتهای صنعتی ومعدنی کشور در سال ۱۳۸۸-۱۳۹۴-اداره آمار و مطالعات ، مهرماه ۱۳۹۹ می خواست که بعضی از کارخانه هایی که تعداد کارکنانش از ۵۰ نفر بیشترند از آنجمله کارخانه دخانیات ، ماهی ایران ، کارخانه های ارتشی ، پالایشگاههای نفت و کارخانه هایی که در عرض دو سال اخیر تأسیس شده است بحساب نیاطه اند . از آمار کارخانه های کوچک تعداد ۱۰۳۴۹۲ اکار کاره قالیبافی و زیباوافی با ۲۳۱۰۸۹ نفر کارگرو آنجمله ۵۳۹۳۷ نفر قالیباف مستقل حساب نشده است . ارقام از نشریه شورایعالی اقتصاد ، شماره ۵ ، سال ۱۳۳۸ ، صفحه ۱۴۶ و ۱۰۱

جدول شماره ۳

تعداد کارکنان چند رشته مهندسی (۱)

کارکنان صنعت نفت	قاليافى در حوزه سرشارى	راه آهن	دخانیات	معدان دلتی	شرکت ماهی ایران	جمع کارکنان کارگر، مهندس، دفتری
۶۱۳۰۰	۲۲۱۰۸۹ از آنجمله ۶۲۸۰۶ نفر کمتر از ۵ هزار	۳۶۱۴۱	۱۶۲۶	۲۷۹۳	۱۰۹۲	۳۳۴۰۴۱

جدول شماره ۴

جدول زیر رمه راه ۱۳۳۷ از طرف وزارت کار و سازمان برنامه تهیه شده و تعداد کارکنان کشور را اساساً نشان میدهد (۲)

کارکنان کشور	سرکارگر	سرپرست	کارگر نیمه ماهر	کارگر ماهر	از کل کارکنان	تعداد مرد	تعداد زن	کارکنان مشاغل	تعداد زاد	کارکنان	کبود
۱۳۷۰۶۰۲	۸۸۱۹	۱۴۳۹۷	۳۴۷۸۳	۱۱۶۵۹	۱۱۷۴۹	۶۲۲۲	۱۳۰۲۲۸۰	۴۰۴۲	۶۱۸۱	۲۱	۴۰۴۲

جدولهای تنظیم شده تاحد و دی تعداد کارگران رشته‌های مختلف صنایع، کیفیت و قشریندی کارگران را لحظه مهارت داشتن وند اشتمن، مرد و زن، بزرگ و کوچک و مقدار سرمایه گذاری روشن می‌سانند. جدول شماره یک نشان میدهد که از ۵/۰ میلیارد ریال سرمایه گذارید ۸۱۰۶ کارخانه در حدود ۲۲/۳ میلیارد ریال یا ۴۹ درصد در تهران و حومه سرمایه گذاری شده است. اگرچنانچه سرمایه گذاری بهایکه در راه آهن، کارخانه‌های ارشته و کارخانه‌های تازه ای که در ظرف دو سال اخیر تأمین شده اند نیز در نظر گرفته شود، آنوقت معلوم می‌گردد که بیش از ۵۰ درصد سرمایه گذاری در صنایع (با استثنای صنعت نفت) در تهران تصریک شده است و استانهای دیگر کشور سهم ناجیزی از سرمایه گذاری صنعتی را در ارایه می‌شوند. علاوه بر این جدول نامرد نشان میدهد که از ۸۱۰ کارخانه ۱۷۱ واحد یا کمتر از ۲ درصد کارخانه‌های دلتی را تشکیل میدهند. لیکن همین کارخانه‌های دارای بیش از ۱۰/۰ میلیارد ریال یا ۲۲/۰ درصد کل سرمایه گذاریست و ۲۰ درصد مهندسین کارخانه‌های اماگری شده در کارخانه‌های دلتی کاربرکنند. بطوطیکه امار صنایع و معادن نشان میدهد ۲۹ درصد نیروی محرك کارخانه‌های اماگری شده نیز در کارخانه‌های دلتی متمرکز شده است (۳).

ارقام بالا معرفاً نشته کارخانه‌های دلتی نسبتاً بزرگ و دارای قدرت مالی و اقتصادی بیشتری هستند و پرازه‌های خاصیت متوانند منبع تراکم سرمایه بیشتری برای تجدید تولید وسیع باشند (درآمد کارخانه دخانیا در رسال ۱۳۳۸ بالغ بر ۳/۶ میلیارد ریال، راه آهن ۴ میلیارد، قند و شکر ۶/۲ میلیارد ریال، درآمد شرک

(۱) آمارها می‌نشانند تعداد صنایع و معادن (مهرماه ۱۳۳۹) و همان نشریه (آذرماه ۱۳۳۷) و نشریه شورای عالی اقتصاد شماره ۵، سال ۱۳۳۸ تنظیم گردیده است.

(۲) جدول از نشریه شورای عالی اقتصاد، شماره ۷، آبانماه ۱۳۳۹، صفحه ۸۸ در جزو "صنایع امروز ما" که از طرف اداره کل انتشارات و رادیو رسال ۱۳۳۹ منتشر شده است تعداد کارخانه‌های کشور ده هزار و تعداد کارگران تولیدی و غیرتولیدی ۱۱۷۰۰۰ گفته شده است. صفحه ۲

(۳) آمارهای عالیهای صنعتی و معدنی کشور رسال ۱۳۳۸ صفحه ۴۸۸، ۴۶۶.

های تابعه سازمان پرتابه ۴ میلیارد ریال، درآمد گمرک در حدود ۱۰ میلیارد ریال وال الخ (۱) بطوریکه آمار معدن نیشان میدهد رکشور ما هنوز از معادن بهره برداری کافی نمیشود. استخراج معادن (باستثنای نفت) در مرحله بد ویقرارد ارد و هم اینکه از لحاظ شیوه بهره برداری و تکنیک بسیار عقب مانده است. در حالیکه ایران کشوریست با منابع معدنی شرمند که با استفاده صحیح ازان میتوان بیماری از حواجع صنعتی و مضری را در داخل کشور تهیه نمود، وضع اقتصادی را بهبود بخشید و سطح زندگی مردم را به مقیاس وسیعی بالبرد.

مبلغ سرمایه گذاری در معادن و تعداد کارکنان آن بسیار کم است. تعداد کل معادن کشورتا پایان سال ۱۳۳۸ در حدود ۵۲۴۰ کیلومتر مربع بود که در مقایسه با ۱۶۴۰ کیلومتر مربع مساحت کشور تنگی میدان فعالیت کارهای معدنی معلوم نمیشود (۱۳ رصد مساحت کشور). حقوق دولتی و بهره مالکانه وصولی از معادن طبقه ۱۰ کشورتیز مودی است که کارهای معدنی در ایران هنوز سیار ضعیف است. حقوق دولتی و بهره مالکانه وصولی در سال ۱۳۳۷ در حدود ۴۵ میلیون ریال و در سال ۱۳۳۸ در حدود ۴۰ میلیون ریال میباشد (۲). این ارقام در مقایسه با درآمد دخانیات که سالانه ۲ میلیارد و بیاند را نمودند نفت که بیش از ۲۰ میلیارد ریال است ناقصی تولید معدنی و نقش آنرا در رآمد ملی کشورنشان نمیدهد.

از آنجاییکه مقامه فعلی گنجایش تجزیه و تحلیل بیشتری را نداشت و وضع تولید اجتماعی کشور و خصوصیات آنرا میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

۱- عقبه امداد گی کشاورزی، کمپینه اشت مخصوص از سطح کشت، خرد و بودن و ساده بودن تولید کشاورزی، کمپود ماشین و کود شیمیائی، فقدان اصول علمی بهره برداری در کشاورزی و دامپروری، شناخت عمیق موجود بین صنعت و کشاورزی، بین شهر و روستا، ضعف پیرواندگی سرمایه در کشاورزی (بجزرشته های پنهان کاری)، چند رکاری، توتونکاری، چای و تاخت و دی دامپروری که تواند ازه ای متعمز نمود و در سالهای اخیر سرمایه گذاریهای قابل لحاظه ای در راهنمایی عمل میکند.

۲- در رشتہ صنایع و معادن نیز هنوز سرمایه گذاری کافی نمیباشد و نمیتواند احتیاجات تولیدی و مصرفی کشور را تأمین کند. اکثر صنایع و معادن کشور کوچک و از لحاظ قدرت مالی و تکنیکی ضعیف است. فقدان سازمان-های صحیح و اتخاذ سیاست موئزد رفوشن مخصوصات تولیدی، بدی و وضع حفاظت کارگاهها و ماشین ها، عدم استفاده از روشهاهای نوین حسابداری و حسابرسی نیز شوارهای اساسی موجود را شدت بد ترمیم نمیکند.

ترکم سرمایه در صنایع دلتا و ایلان و ایلان خارجی های دلتا و ایلان صنایع ملی است. در رشتہ های صنایع ملی جای مهم و اساسی را صنعت نساجی، قالیچای و دراین واخر سیمان و قند سازی دارد. صنایع که مواد معدنی بکار میرند و بهره برداری از معادن مکشوفه بسیار ضعیف است و هنوز نمیتواند تاثیرگذاری ممکن بتواند اجتماعی (از لحاظ تهیه و سائل تولید) بتنمایند.

۳- صنعت نفت ما، مهمترین بخش تولید اجتماعی کشور است (۳). این بخش از لحاظ عمرنگر سرمایه، بازدھ کار، قدرت تولید و درآمد ملی سرآمد تمام رشتہ های تولید است. صنعت نفت نمونه بارزی از تأثیر منفی سلطه سرمایه مالی درشد یک پهلوی نیروهای مولد کشور است. این بخش با وجود "ملی بودنش" تحت سلطه سرمایه های انحصاری خارجیست. اگر صنعت نفت تمام رست مابدآ ثغوت ممکن بود حداقل درآمد و روابر درآمد فعلی بسیار سود و ارزش افزایی بدهد.

۴- بزرگترین سرمایه دار کشور دلتا است. تراکم سرمایه در رموزیستاد دلتا و ایلان خارجی های هر موئسسه دیگر است. لیکن از آنجاییکه دلتا نمایند و طبقات استثمارگرهاست، بهمین علت سالانه مبالغ هنگفت از درآمد سرشار کشور ابرای استحکام موقعیت اجتماعی و بهبود وضع تولید آنان صرف میکند و با این کاربینه مالی دلتا ضعیف میشود و نمیتواند بطور متمرکز و با سرمایه بیشتری به ایجاد بخش های مهم و اساسی تولید

(۱) ارقام از مجله اطاق بازگانی، خرد اد- تیر ۱۳۳۹، صفحه ۲۴، نشریه شورای عالی اقتصاد، شماره ۶ خرد اد ۱۳۳۹، صفحه ۳۴.

(۲) آمار فعالیتهای صنعتی و معدنی ایران در سال ۱۳۳۸، صفحه ۵۱۳ و ۵۱۸.

(۳) کلمه "بخش" از لحاظ اهمیتی که رشتہ های صنعت نفت در حیات اجتماعی ماد ارند استعمال شده است.

III- راه اساسی صنعتی کرد ن کشورکد است و کدام بخش تولید
اجتماعی باید در درجه اول رشد کند؟

این قسمت از مقاله در واقع نتیجه گیری از تجزیه و تحلیل بخش‌های تولید اجتماعیست. بررسی مختصه‌ی که از بخش‌های تولید اجتماعی کشور پرداخت آدن دشان میدهد که در شرایط کنونی همچوین بخش‌های تولید اجتماعی کشاورزی و صنعت نفت است. کشاورزی از این لحاظ که اکثریت اهالی کشور راین بخش فعالیت میکند و صنعت کشاورزی اساساً عمل آورده مواد خام کشاورزی و دامپروری برای مصرف مردم و صادرات است.

صنعت نفت از این جهت که این بخش مترکزترین، نیرومندترین و پرسرباهه ترین بخش تولید اجتماعی است. این بخش درست سرماههای اتحادیه امریکا، انگلستان، فرانسه و هلند قرار دارد و همچوین با یک‌گاهه اهمیت‌الیست در کشور ماست. وابستگی صنعت نفت از لحظه وسایل تولید، تصفیه، باربری و بخش بیازارچانی سرماهه داری، کار وابستگی این بخش مهم را بر سرماههای مالی خارجی، به تراستهای جهان اسانتر میکند.

در پیش سراین بخش‌های مهم اجتماعی طبقات و قشرهای داخلی و خارجی قرار ارنده د رکشاورزی زمینه اران و کمپاراد و ره‌ها و اوسطه‌ها، در صنعت نفت - تراستهای اهمیت‌الیست امریکا و انگلستان و عنصرهای داخلی که از حصارهای آنان برخود اردن و مقامات مهندسی را در دستگاه دولت اشتغال کرده‌اند. اینهاد شمنان واقعی ایجاد صنایع سنگین در کشور، لیکن بزرگترین دشمن ایجاد ورشد صنایع اساسی و کلیدی در کشورهای کم رشد، احصارهای اهمیت‌الیستی هستند. احصارهای اهمیت‌الیستی شرط وام دادن بکشورهای در حال رشد را فقط با ایجاد صنایع سبک ارتباط میدهند و حتی المقدور ازدادن وام بمنظور ایجاد صنایع سنگین خودداری میکند. تمام وامهای را که ایران در دوین حکومت ضد ملی کودتا از سال ۱۳۲۲ از اینات ترمیم و توسعه، بانک صادرات و واردات امریکا صندوق بین‌المللی پول دریافت داشته است با این شرط بود که بهیچوجه برای ایجاد صنایع سنگین و کلیدی از آن استفاده نشود. این وامهای تمام بعصر رشد و توسعه راهها، بنادر، مسدسازی، بهبود وضع کشاورزی و ایجاد صنایع سبک رسیده است.

حزب توده ایران و ناصرشون بین وطن پرست از وضع موجود به تناوب میرساند که در استقلال سیاسی و اقتصادی کشور میتواند نقش واقعاً اساسی را یافته باشد. حزب توده ایران پس از تجزیه و تحلیل وضع موجود کشور سطح رشد تولید اجتماعی و تمایز و اهمیت بخش‌های مختلف آن به این نتیجه میرساند که "درجات اقتصادی ایران نقش عده داری احصارهای اهمیت‌الیستی ایفا میکند". برای پیشرفت و تکامل اقتصادی کشورها باید این وضع ازینچه وین دگرگون شود و سیستم نوین اقتصاد ملی، مستقل، متفرق، تکراری، هماهنگ، طبق تقشه و برایه تکنیک معاصر براساس مفاهیم خلاق ایجاد گردد.

در ماده ۱۶ طرح برنامه حزب چنین نوشته شده است:

"ایجاد صنایع سنگین از قبیل استخراج معدن، ایجاد صنایع فلزکاری و ماشین

سازی، شیمیائی و الکتریکی وغیره که ضمن پیشرفت سریع اقتصاد و تحکیم استقلال کشان

است. توسعه شبکه راه آهن کشور و اقدام در ایجاد وسط رشته های دیگر صنعتی

بنظره توانمندیهای عمومی و ترقی سطح زندگی و تبدیلهای توسعه مرمد"

(۱) جمع مخارج می‌لانه د ولت معادل ۴۵ درصد کل را می‌ملی ایران است. مجله تهران اکنونویست ۱۷ اکتبر ۱۹۶۱، صفحه ۸، ۱۳۴۰، ازوییه ۱۹۶۱، صفحه ۸، چهل و پنج درصد یعنی در حدود ۱۰۰ میلیارد ریال، یعنی مجموع

سرماهه گذاری که برای برنامه های هفت ساله اول و دوم منظور شده است. این مبلغ هنگفت اکثار اصرف کار-

های غیر تولیدی (نظریه ارتش، پلیس و زاند امری)، هزینه های اداری و مخارج بد و هدف پراکند.

میشود و تأثیر قابل ملاحظه ای در رشد تولید اجتماعی نمیکند.

(۲) طرح برنامه و اسناده حزب توده ایران صوب پنجم هفتاد و سی و یک فقره (وسیع) و کنفرانس هدفت ده از انتشاریات حزب توده ایران، مهرماه ۱۳۳۹ د ریزناهه صوبه نخستین و د وین یکنگه حزب توده ایران در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۷

و توسعه و تشویق صنایع و ایجاد صنایع سنگین چنین گفته میشود: "تأمین استقلال اقتصادی ایران بوسیله تأسیس وسایلی

مسئله صنعتی کرد ن کشوریش از نمی قرن است که مورد توجه عناصر روجال پیشو وطن پرست می‌بین ماست . در جریان انقلاب مشروطه و در وره های اول و دوم مجلس ، صنعتی کرد ن کشوریتی ایجاد صنعت ذوب آهن مورد توجه کلا و حکومت آن در وره قرار داشت . ولی در آن در وران شرایط کافی و ضروری برای عملی ساختن چنین کار مهم و اساسی وجود نداشت و آرزوی میهن پرستان نتوانست جامه عمل بپوشد .

امروزه تمام مهارزان راه از آزادی کشور و میهن پرستان در این مسئله متفق القولند که برای نجات کشور از وضع عقب مانده فعلی و تنها راه تأمین استقلال واقعی میهن ماصنعتی کرد ن آنست . در کار صنعتی کرد ن نیز باید قبل از همه اساسی ترین رشته های که بتواند برای اقتصاد ملی ماوسائل تولید فراهم سازد ضروریست . ایجاد صنایع سنتی د رکشوارما پایه گذاری هر نوع صنعت سنتی وکلید نیست . برای کشور بزرگ زرخیز ، شرمند و مت مقیر ماقبل از همه ایجاد آن چنان صنعت سنتی و ماشین سازی ضروریست که بتواند سیمای ده مارسیریا و از ریشه عرض نکند و منعطف نفت ما را از واسطگی به سرمایه های مالی خارجی پهاراز جهانی سرمایه داری آزاد نماید .

راه درست و صحیح تعویض کفت وکار ، وارد کرد ن تراکتور ماشینهای کشاورزی و کود های شیمیائی از خارج نیست . این امر وابسته نمود ن کشاورزی مابخار و وابستگی ده قاتان و تولید کنندگان د به وارد کنندگان ماشینهای کشاورزیست (۱) . برای اینه کشاورزی ما از تین و بن عوض شود قبل از همه ماحتاج بکارخانه ذوب آهنی داریم که بتواند برای کارخانه ماشین کشاورزی سازی ، آهن و فولاد تهیه نماید . اینکار را با همین بنیه اقتصادی کشور میتوان آغاز نمود و در عرض ۵ سال بیان رساند . هزینه یک کارخانه ۵۰۰ هزار تینی ذوب آهن در حد د ۲۰۰ میلیون د لارویک کارخانه متوسط تراکتور سازی و تسبیه ماشینهای کشاورزی د رخد و ۳۵۰ میلیون د لار و جمع این در ورق ۵۰۰ میلیون د لار است . بد ون تردید قدرت مالی و درآمد ارزی کشور ماطوریست که میتواند سالانه ۱۰۰ تا ۱۲۰ میلیون د لار برای اینکار ممنظور نماید .

پاییا ایجاد کارخانه هایی که برای کشاورزی ما ماشین تهیه خواهند کرد باید در صدد تهیه کارخانه هایی برای تولید وساعل تولید جبهت صنعت نفت نیزیا شیم . این کارخانه ها قابل از هرچیز برای تهیه لوله های ناقل نفت ، دستگاههای حفاری و وسائل یدکی جبهت پا لایشکاهای کشور است . ایجاد این رشته های تولیدی در عرض پنج سال امکان دارد و تا سیسی اینها حد اکثر ۳۰ میلیون د لار هزینه لازم دارد . پس از تاسیس کارخانه های نامیده باید بالا قابل اقدام بتاسیس کارخانه های کشتی سازی و اتوموبیل سازی نمود . کشتی سازی میتواند تدریجاً استقلال حمل فرآورده های نفت را به جهان فراهم نماید . اتوموبیل سازی ضروری ترین و مهترین وسیله حمل و نقل برای کشور وسعی ماست و د ایجاد آن ارتباط سریع بین شهرهای ، بین کشاورزی و صنعت میسر نخواهد بود . اینها وظایف فرم و اساسی است که در راه استقلال اقتصادی و میانی کشور باید در عرض ۱۲-۱ سال انجام گیرد .

البته از زیرزم شاه نمیتوان انتظار آنرا داشت که برای کشور میزبانی مادی - تکنیکی را پایه گذار نماید . منافق شاه و طبقه حاکم ایجاد میکند که هرق رفقت است و استگی کشور را به انحصارهای خارجی ، سرمایه های بیگانه و امپریالیستی باشتر شود تا آنهاز یافعند رفع از منافق مشترک باشند ، ارشتش و پلیس شاه را تقوت کنند تا از تاج و تخت لرزاں شاهنشاهی د مقابل توده هاد فاع نمایند .

انجام این وظیفه مهم تنهای از ک د ولت ملی ساخته است . د ولت ملی که از تبروهای متفرق و پیشر و جامعه یعنی کارگران ، د هقانان ، بورژوازی ملی و عناصر میهن پرست تشکیل میشود پس از براند اختن ریتم ضد ملی کنونی مهترین وظیفه اشاره دارد ام جنیش آزادی ملی از طریق ایجاد و پایه گذاری صنایع سنتی د رکشوارماست .

(۱) پس از جنگ دوم جهانی د ولت ترکیه بمنظور اصلاحات ارضی "ازیلا" صد ها میلیون د لار از امریکا و ام د ریافت کرد . بخش قابل ملاحظه ای از این وامها صرف خرید تراکتور ، ماشینهای کشاورزی و کود از امریکا گردید . تعداد تراکتورهای ترکیه در سالهای اخیره ۵۰ هزار رسید و این امر سبب شد که میلیونه د هقان از کشتزارهای آبا و اجدادی خود را ند شدند ، صاحبان تراکتورها از لحاظ وسایل یدکی به سرمایه داران ووارد کنندگان ماشین آلات کشاورزی وابسته شدند و بدین فکه از اصلاحات ارضی د اشتند نرسیدند . این امر سبب شد که وامهای خارجی د ولت ترکیه افزایش یافت ، وضع هقانان سال بسال بد ترشد و تنها زمینه اران بزرگ شرمند گردیدند .

ایجاد صنایع سنگین و تأمین استقلال اقتصادی کشوریکی از فرمهای اساسی مبارزه آزادی ملی در کشورهای کم رشدی مثل کشورهاست.

برای ایجاد صنایع کلیدی قبل از همه اجرای اصلاحات عمیق کشاورزی و اجتماعی ضروری ترین شرط است. دولت ملی میتواند با افزایش مالیات از طبقات ثروتمند، کم کرد نه زینه اد اری و غیر ضروری، هزینه های ارتش، برقراری انحصار گمرکی و بازارکاری پایا پایی، برقراری کنترل بر قیمت ها و تعیین قیمت عادله بر کلاه و حفاظت از تولید داخلی، تراکم کافی برای پایه گذاری صنایع اساسی فراهم نماید. نخستین و مهترین گامی که دوست ملی باید برد از تقلیل هزینه های ارتش و پیلی و راند امری به نصف هزینه های امروزیست. چنین گامی باید توأم با برقراری انحصار بازارکاری خارجی و پایا پایی باشد. تقلیل هزینه های سازمانهای انتظامی به ۸ میلیارد ریال بد ولت ملی امکان میدهد که همه ساله اقلال ۸ میلیارد ریال در راه ایجاد و رشد صنایع سنگین و کلیدی از مردم گذاری نماید. شاه که هزینه های ارتش ها را با کشورهای رشد کرد، صنعتی نظری سو و سوئیس مقیسه میکند منظور خاصی را تعقیب مینماید. ارتشد وست هزار تن فری با هزینه های کمتر کن فقط بخاطر مقابله با مردم مزحتکش و سرکوب نهضت انقلابی برای حفظ تاج و تخت شاه و خاطر این ایجاد شده است که اگروری حاده انقلابی یانظمی در رکشورخ دهد شاه بتواند چند ساعتی برای فرار جویا شدن وقت داشته باشد.

امروزه سپیاری از مردم مان روشن بین مید اند ارتشی که متکی به اقتصاد جامع نباشد و اسلحه و مهماتش از طرف امریکا ده هزار کیلوتنها مافاصله دارد تأمین شود بهیچوجه نمیتواند از مردم های کشور ماد فاعل کند. چنین ارتشی بارگشتنی برد و شاها لی کشور مانع عظیمی در راه رشد مربوط نیروهای مولدا است. چنین ارتشی نه تنها مد افع استقلال ملی نیست بلکه یکی از عوامل مهم ازین رفتان استقلال میهن ماست.

امهایی لیستهای امریکا و انگلیس نیز طرف اردوی جنین ارتشی د رایان هستند. این ارتش اولاً نظم و آرامش را برای غارت شرمنهای نقی و غیرنقی تأمین میکند و ثانیاً با عین مبالغه هنگفتی همواره بود جه کشور را غیر متعادل میسازد، از تراکم سرمایه های هنگفتگی جلوگیری بعمل میاورد و سبب مشود که دوست همه ساله از امریکا کواد بگران و امهای کمتر کن درافت کند تا وابستگی مباخراج بیشتر شود. نقشی که سازمانهای ارتشی، اداری و اقتصادی مبازی میکنند تمام متوجه آنسته بخواهی ازانجا و استگی مابه امیریا لیستهای بیشتر شود و کشور ما میدان بجهه کشی و غارت تراستهای خارجی قرار گیرد و یکی از مرماکر توطنه های سیاسی و نظمی علیه کشورهای سوسیالیستی باقی بماند.

صنعتی کرد ن کشوریک مستله حیاتی برای ماست. در این امر قبل از همه طبقه کارگرد هفقار و عناصر میهن پرس ذینفعند. وظیفه طبقه کارگردان عناصر پیشو افشارکردن سیاست اقتصادی د ولت و نشاند اد ن سیمای واقعی رژیم شاه است. این یکی از اههای مهم تجمع و مشکل تهدیه های وسیع مردم برای مارزه علیه رژیم دست نشاند و خارجی و در راه صنعتی کرد ن واقعی کشور است. بدون مارزه مشکل، آگاهانه و پیگیری میتو راه صنعتی کرد ن واقعی را بد و لتها تمیل کرد. اگر در این مسئله مهم و حیاتی مارزه مشکل و پیگیری صورت نگیر کابینه های ارجاعی همین راه فعلی را داد امامه خواهند داد و وابستگی مابسالیسا میکشورهای امیریا لیستی و در درجه اول به امریکا بیشتر خواهد شد.

در جهان امروزی که کشورهای کم رشد بگامهای سریعی عقب ماندگی خود را پشت سرمیگد ارتد، در دیگر که جامعه سوسیالیستی به نیروی عظیم و تعیین کنند ای در راه رشد و ترقی شریت تبدیل شده است، کشور مانع تواند از این ایهه تکامل بیرون بماند. مارزه مشکل اخلي و مبارزه بین د وارد و گاه سوسیالیستی و سرمایه داری ایلا آخر کشورها را برای رشد و تکامل واقعی و ایجاد صنایع کلیدی که ضمن استقلال اقتصادی سوسیالیستی سوق خواهد داد و پروریکه مابتوانیم با ایجاد صنایع بزرگ ماشینی بروی پای خود باستیم. آینده نزد یکی فراخواهد رسید. آنروز فرا خواهد رسید که در کشتزارهای وطنمن تراکتورها و ماشینهای کشاورزی ساخت ایران بفرشید آریند، زمینهای با پرورد ائتمانید، محصول را با لایبرنده وهم میهنا مارازنعت فراوانی سهره مند سازند. آنروز فراخواهد رسید که مزارع مباقدهای شمیمی ای وطنمن قوت گرد و کشورهاید یکنیز از تولید ماشهه مند گردند. آنروز فراخواهد رسید که کشتیهای تقاضکش ساخت ایران در راهها واقیانوسها فراورده های نقشی را بهتر قطه جهان که میخواهند حمل کنند. آنروز فراخواهد رسید که در جشن مهرگان کارگران و دهستانان مابا ماشینهای ساخت وطن که به کلهه و سیزه ها تزئین شده اند رسرا سرکشواره پایکوی برد ازند وروی و پرانه های کاخ ظلم و ستم کشوری آزاد و مرغه بیاسازند.

مقام شایسته افسانه های ملی

کاوه آهنگر

افسانه های کهن سال ملی، پرخلاف یک واقعه تاریخی، مربوط بد ورثه معین کوته ای از عمر ملت نیست بلکه ازد وردهای مختلف، از سراسر عمراوسچشم میگیرد، آثاری از همه حوار ث عدد دارد ارد، نشیله د هنده همه احساسات، آزوها، پیروزی ها، شکست ها، شادی ها و غم های بزرگی است که ملتی د طبول عمر خود را فتح است. آئینه جوانب گوناگون هستی ملت هاست. اگرچه خود مهم و درهم و تیره است ولی زوایای پنهان و نادیده تاریخ رسمی را در پیروزی آن میتوان روشن ساخت. بیویه افسانه هایی که از قرون پیش از تاریخ سرچشم میگیرد حائز اهمیت بیمانند است زیرا که این افسانه های گانه شواهد قرون مذکورها یکانه سخنگوی آثار بیانی هستند که از مردم عهد عتیق بر جای مانده و پس از هزاران سال از دل خاک بیرون آمد است.

افسانه های شاهنامه بخصوص در قسمت پیشدادی و گیانی از این قبيل است. این افسانه ها زمرد مسخت کوشی حکایت میکند که گرد و نه تن دن بشری را در بیراهه پرسنلاخ قرون نخستین به پیش میراند، مردمی که از میان زد و خورد ها و جنگ های خونین بسوی وحدت قوی واد اری و دلتی گام بر میدارد، چون در اثر قرارگاه جغرا فایعیان پیوسته در معرض مهاجمات اند عشق سرشار میهین و نبرد جانانه با مجامعت خارجی ویامد اری از جودت اداری و دلتی بصورت کیفی مقدس آنها را داده است. پهلوانی، دلبری، راستی، درست کرد اری، سخت پیمانی، فدا کاری، آزادی و شرف مردم پرستش آنها و آتش جاوده آنها است. زندگی در نظر آنها ظهری از نبرد پیزان و هرین، راستی و دروغ، زیبائی و زشتی، نیکی و بدی است.

ایرانی با این افسانه های بزرگ شده است. این افسانه ها را معتبر تراز هر سند تاریخی دانسته و از آنها در حوار ث عدد ^۸ عمر خود ایام گرفته است. امروزه این افسانه های بخصوص آنها که بایان هوش را و تخلیل بلند فرد وسی بهم می آمیزد سرود نیرومندی است برای پرانگیختن ملت مایه کارهای بزرگ. اگرنا کاوه، قهرمان داستانی که در این مقام از آن سخن خواهیم گفت، در دوره انقلاب ایران اینقدر رواج یافته و در ادبیات آن عصرتا امروز اینقدر را تحسین و احترام نکرارشد از آن جهت است که این چهره تخیلی د رخاطر ملت مابصورت مظہریک آرزوی بزرگ واقعی وی درآمد است.

افسانه بیمانند

د استان کاوه، آغاز حماسه در شاهنامه است. در واقع حماسه های پهلوانی شاهنامه با قیام کاوه آغاز میشود و امرگ رستم پایان می یابد. ولی فرقه بزرگ د استان کاوه با سایر حماسه های شاهنامه دراینست که قهرمان کاوه فقط در نیروی پهلوانی اونیست بلکه در پیوند اوتاوده مردم است. آنچه کاوه را بر پر خاک بیرون میگرد اند نبرد تن بتن نیست بلکه نبرد توده مردم پسرکرد کی کاوه است. آنچه د استان کاوه را در ریان د استان های ملی بیمانند گردانید همین جنبه است، همین جنبه است که پیش بیند چوین یک رنجبر ساده درین د استان بصورت درخش پرسهای مبارزه یک ملت درمی آید، درخشی که در طی قرن ها مظہر وحدت ایران و پر پیروزی ایرانی بشمار آمد است.

چهره شخص ضحاک چهره ای افسانه ای است، چهره ای است شبیه تصویری که آدمیان ازد یو و غول و جن داشته اند؛ ضحاک همنشین و هم صحبت دیو است و بر اهتمائی او کارمی کند. روزی دیو بر کتف امومه داده

واینک بر جای آن بوسه هاد و مارسیاه رسته است که هرچه میرند باز میرود. یکانه چاره آرام ساختن آنها خورا از نظر مرآد میرزاد گان است. در نقاشی های ایرانی نیز همه جا ضحاک بالاین شکل و هیئت تصویر شده است. اما حکومت ضحاک حکومت تخیلی نیست. حکومتی است که جنبه های واقعی دارد. نمونه ای از حکومت های فردی و استبدادی است که چهره شخص ضحاک ازوی خطوط اصلی آن تخلی شده است. مارهای سیری نا پذیر و شضحاک تجسمی از جزءی پایان و جهان اووار^(۱) حکومت های فردی و استبدادی است. پر و رش آنها از مفتر سر انسان ها ارتباط مستقیم بیدادگری را بجان انسان هانتشان میدهد. نشان میدهد که هر ستمگری جان شکار است.

به بینید فرد و می د و روان ضحاک راجگونه توصیف میکند :

نهان کشت آئین	فرزمانگان
پراکند	شد نام د یوانگان
نهان راستی	هرخوارشده، جاد وی ^(۲) ارجمند
زندگی	آشکارا گزند
زندگی بندی سخن د یوان	در از

این توصیف محد و بد روان ضحاک نیست بلکه بر همه اد و استبداد و ستم صادر است. مثلاً بد ون تردید هر خوانده ای با تأمل دراین ایات بی اختیار از زیم هشت ساله کود نداد را بیران یاد خواهد کرد و تسلط فرمانروایان ناسره خفت و خوارید اتش و هنروراستی، چیرگی سازمان نیت و تروروا رعاب بیسابقه را در نظر خواهند آورد. ضحاک مانند هر بید ادگری از اینده خویش بیمناک است. یک شب که در کاخ شاهی در کار دود ختر جوشید (شهرنار و ارنواز) خفته است خواب می بیند که اورا از خخت بزیر افکند و اند وکت بسته بسوی کوه د موشد می کشانند. از خواب میجهد.

بیچید ضحاک بید ادگر بد رید ش ازیم گفتی جگر

چون موئدان کشور رتعییر خواب ضحاک بیو گفتند که او سرانجام بدست یکی از کینه جویان کشته خواهد شد ضحاک راه را فراگرفت. "رتخت اند را فات و زو رفت هوش". ولی بجای آنکه از ستمگری بازگرد ده و مهرگارا بد خوشی و مردم کشی افزود. این نیز صفت مشترک همه خونخواران جهان در همه اد و ارتاریخ است. روزی ضحاک بزرگان کشور را از هرسوگرد آورده تا پادشاهی خود را بای پشتیانی آنها بینی و خشود ویاد آورش د که چون د شعن د رکمین است باید بر شماره لشکریان شاهنشاه افزود.

که ببر خرد ان این سخن روشن است	مراد رضه ای یکی د شمن است
برترسم همی د شمن خرد خوار	ندارم همی د شمن خرد خوار
هم از مردم و هم زد یو و پری	هی باید م زین فزون لشکری

ضحاک که در میان مردم تکیه گاهی نداشت بنا چار می بست بر روی لشکریان مزد و زرکیه کند. او بمه نسبتی که انسان هارا ازدست می دان چار بود که به "د یو پری" تسلیح ود! در همین انجمن ضحاک از حاضر ان خواست که گواهی نامه ای بنویسد و امضا کنند که وی پادشاهی نیکوکار را استگو و ادگر است. همه حاضر ازیم پادشاه که فرد و می د را از هاوازد هاش مینامد با این گواهی دروغ تن درد ادند.

که جز تخم نیکی سپهبد ^(۳) (۶) نکشت	یکی محضر ^(۵) (۵) اندون باید نوشت
نخواهد بداد اند رون کاستی	نگوید سخن جـ ز همه راستی
بدان کارگشتن همد استان	ز بیم سپهبد همه راستان
گواهی نوشتن بـ نـ اـ سـ پـ	برآن محضر ازـ هـ نـ اـ نـ اـ گـ پـ

(۱) اهارید ن رزبان قرد و می بمعنی بعلید ن است.

(۲) توجه داشته باشید که د یوانه دراینجا معنای کم خرد، گمراه و کج فکر است.

(۳) جاد وی د راینچا معنای نیزه ک سازی و دروغ برستی است.

(۴) فرد و می میگوید : " تومرد یو رامرد م بد شناس ".

(۵) محضر عالوه بر معنای مجلس و محقق بمعنای سند و صورت مجلس نیزه است و راینچا معنای دوم بکار رفته است.

(۶) سپهبد راینچا اشاره به ضحاک است. شاهنشاهان ایران را چون فرمانده کل سپاه نیز بوده اند سپهبد نیز میگفته اند.

کاری که آنها کردند کاری است که درباریان در هر عصر روزگاری کردند، کاری است که امروز هم از طرف دستیاران و مبلغان ضحاک معاصرها مسح شده است. خوش بخواست که درآن انجام میگیرد.

درین هنگام ناگهان خوشی از در رگاه شاه برخاست: خوش بخواست که دادخواه ضحاک که میخواست در آن انجمن گواهی نامه ای برای دادگزاری خود بگیرد فرمود. ادخواه را بحضور پسرمن و در کنار بزرگان کشور نشاند. آنگاه باروی دژم از رو پرسید چه کسی برتویست که خود را کاره نماید از دست شاه دست برسرز و خوش بخواست: گفت: من آنها که از اهکنی از ای را هستم که ستم شاه برسم آتش باریده است. هر زمان نیشتی از تو برد لم میرسد. روان از زنج تومینالد. هجدب پسرد اشتم واکنون فقط یکی از آنها برجای ماند است. باین آتشی که در دلم من است نگاه کن و از این تنها پسرمن دست برد ام. نگاه کن که روزگار برشت مرا خانید، دلم را بی امید و سرم را پرد رد ساخت، جوانی و فرزند انم را زمین گرفت. آخرستم حدی دارد. آخرستم بهانه ای میخواهد. بهانه تود ریارة من چیست؟ اگرمن کنها کارم بگو و اگر میستم اینهمه در پیشه ام بیاش. اگر باد شای هفت کشور از آن تست چزانج و سختی آزان ماست؟ توگرچه شاهی از ها پذیری باشد بامن دریشگاه دادخواهی پیشنهادی: باید روش شود که چراد رهراج من مارانت را لغز سفرزند آن من میخورانی:

خوشید و زد دست برسر شاه	بد داد من کامدستم دوان
که شاهانم کاوه دادخواه	اگرداد داد ام بود کارت
هی نالم از تسو بزنج روا	زو برم آید ستم بیشتر
بیفزايد ای شاه مقدار تو	ستم گرند ای تو برم روا
زنی هر زمان بر دلم نیشتر	مرا بید هر ده پسر در جهان
بفرزند من دست برد ن چرا	ببخشای ویر من یکی در نگر
از ایشان یکی ماند است این زمان	شهامن جه کرد یکی بازگوی
که سوزان شود هر زمان جگر	بحال من ای تا حورد رنگر
و گریگاهام بهانه مجوی	مرا روزگار اینچنین گوژ کرد
میغزای برخویشتن درد سر	جوانی نعانده است و فرزند نیست
دلی بی امید و سری پر زرد	ستم رامیان و کران بود
بیگنی چو فرزند پیوند نیست	بهانه چه داری تو برم بیار
همید و نستم را بهانه بود	یکی بی زبان مرد آهنتگرم
که برم سکالی (۱) بد روزگار	تو شاهی و گر از ها پکری
زشاه اش آید همی برسرم	اگر هفت کشور شاهی تراست
بباید بین دامستان داوری	شماریت با من بیاید گرفت
چزانج و سختی همه بهر ماست	مکر کشمار تو آید پدید
بد ان تاجهان مانداند رشگفت	که مارانت رامغز فرزند من
که نهت بفرزند من چون رسید	
همی داد باید به رهراج من	

این فقط کاوه نیست که سخن میگوید. از براشی و تندی و دلنشینی و تا شیرخشن پیدا است که فرد و می با او یکدل و یک زبان است. این فرد و می است که بنام تدوه های ستدیده برسر ضحاک های تاریخ فریاد میکند و مطلق خلق رایستگینی گز رست بر فرق آنها میگوید، همان فرد و می که سلطان زمان اورابه لگد مال پیلان تهدید کرد.

ضحاک از گفتار کاوه در شگفت ماند و فرمود وی راینوازند و فرزندش را باید هند. سپهروی به کاوه آورد. گفت اینکه که عدالت ماراد بدی پای آن گواهی نامه را المضا کن. کاوه برگواهی نامه نظراند اختر و لی بچای آنکه دست بقلم برد روی به بزرگان آورد. فریاد زد که ای پایمردان (دستیاران): دیو! شمارابرای ساختن این سند بد وزن باید فرستاد. من آن را مضمایخواهیم کرد و از باد شاه هم نخواهیم ترسید.

چو برخواند کاوه همه حضرش	سبک سوی پیران آن کشورش
خرشید، کای پایمردان د بتو	بریده دل از همکیهان خدی بو

(۱) مکالید ن بمعنی اندیشیدن است. بد مکالی یعنی بدخواهی.

همه سوی د وزخ نهاد پد روی
نباشم بدین محضر اندر گوا
آنکاه کاوه از جای جست و آن گواهی تامه را زده درید ^ه بزیر پایانداخت :

خروشید و هرجست لرستان زجای بدرید و بسید محضر پیای
و فرزند خود را به پیش اند اخته ای ای رگاه ضحاک بیرون رفت .

همینه کاوه به کوی هرزن رسید همه مرد م برآورده آمدند و کاوه داد خواهی از ضحاک دعوت کرد .
چوکاه بروان آمد از پیش شاه براوان چمن گشت بساز رگاه هی برشوشید و فرساد خواند جهان را سراسر سوید اد خوا
کاوه همان جرم پاره ای راک در پیش کوره اهنگری می بست برسنیزه زد و پاین د رشد رکوچه و بازا ر افتاده نداد ر داد که مرد م جه نشسته اید .

بیویشید کاین مهتر آهرمن است جهان آفرین را بد لد شمن است
هر کس هواد از فرید ون فرزند ابین است بسیار دنی و شویم واورباشا هی برد ایرم .
فرد وسی میگوید افراشته شد ن آن پوست پاره بیه باعث شناخته شد ن د وست ازد شمن گردید .
سپاه بزرگ از مردم د رزید رفق کاوه گرد اید .

پدید آمد آوای دشمن زد وست بدان بیه بانا منزاواریوست
سپاهی براو انجمن شد نه خرد همیرفت پیش اند رون مرد گرد .
فرید ون که در فرش کاوه را بد ان صورت دید آن را بقال نیک گرفت :
همیخواند ش کاویانی در فرش فروهشت زو زرد و سرخ و منفس
براند و دش کاوه پیش سپاه .
و هر پادشاهی که پس از فرید ون بر تخت نشست زیب و زیوروپنیان و گوهرتازه ای بر آن در فرش آویخت :
زد بیا ای پرمایه و پرنسیان زدیا
بران کوکه گشت اخترا کوایان که اند رشب تیره خورشید بود
جهان را زاد ل پر امید بود سپاه فرید ون پسرد اری کاوه اهنگری ضحاک پیروز شد و ایران از جنگان بیگانگان د رخیم بیرون آمد .
شاه ازد هاشم را سیر گرفته در رغاری از کوه د ماؤن زند انسی ساختند .

از اونا م ضحاک در رخان شد جهان از بد او همه پاک شد
بعاند بکوه اند رون بند اوی گسته شد از خویش بیویند اوی
نگه کرد غاری بنش نا پدید بکوه اند رون جای تنگش گردید
بجاورد سمارهای گران فروست دستش بدان کوه باز
بدان تابعان د سختی د راز بغاند او بر آن کوه آویخته
وز و خون دل بزیمین ریخته و روز مهرگان روز پیروزی بر ضحاک است .

حزب توده ایران بازیزی اینکه ملت پرا فتحار ماد رزید رفق طبقه کارگیر ضحاک زمان محمد رضا شاه پهلوی، بر استعمار ایران شکن و پراستثمار مردم م شکار پیروزاید جشن مهرگان را برا میکند و گرامی میدارد .

جزیره امید

(درباره انقلاب کوبا - سرزمین آزاد امریکا)

مونتیت بزرگ انقلابی ملت قهرمان کوها، مقاومت ساخت کشورکوچکی در ۹۰ میلیانی نیرومند ترین کشور امیریا لیستی جهان، در مقابل انواع و اقسام دسائی استعمال ایالات (اخراجیکاری، تورور، محاصراً قتصادی، فشار رسانی گرفته تا تا: از مستقیم)، پیشرفت سریع انقلاب از اقدام جمیورانه و حیرت انگیز بعد وی انتقالبیون از جان گذشت در قله - های جبال سیراما میسترا (Sierra Maestra)، واژ قیام مسلحانه و پیروزی بر یکی از مقتدرترین دیکتاتورهای دست شناخته ایالات متحده امریکا، تاریخانه انقلاب بمرحله داد ن برخی شمارهای سوسیالیستی از بددهای بسیار جالب و مشغله انگیز عصر ما است که بحق توجه تمام انقلابیون جهان و هزاران راه آزادی را بخود جلب کردند.^۱ انقلاب کوها چه در شکل‌های برازی و ازگنی حکومتهای دیکتاتوری نظامی و استهه با میریالیسم، چه در تقویت حس اعتماد بخود تیرهای انقلابی به پیروزی خود (لو اینکه تحداد آنها کوچک باشد و شمن بینظاً بزرگ جلوه کند)، چه در رشوه هاییکه بعد از پیروزی انقلاب در مقابله و سرکوب ارتقای و ضد انقلاب بکاررفته، چه در روش طبقات انقلابی در مناسبات حزب طبقه کارگرواحزب و فرقه های بوزوازی ملی و غیره وغیره سرشماری تجزیه و گنجینه ایست از در رسمهای آموختند.^۲

انقلاب کوها بهترین میان شرایط خاص دو راه ماست و در مرکز تقطیع نیرهای انقلاب و ضد انقلابی جهان قرار ارد. فهم انقلاب کواید ون فهم نامل و عمیق شرایط حاضر عصر مغایر ممکن و خالی از محتویست.

مختصری از تاریخ کوها

سرزمین کواد رسال ۱۴۹۲ توسط کریستف کلمب کشف شد. استعمار دران اسپانی د رکوایت جامعه کوچک از اهالی یوپی مساحت آمیز یافتند که استخوان بندی اقتصادی آنرا کشاورزی دسته جمعی (بطور عمد) با وسائل تولید بسیار عقب مانده وابتدائی تشکیل می‌داد. در این دهه سه قبیله از همه مهترد رکوایزندگی میکردند که به گواناتابی (guanatabey) سیونه (siboney) و تابیو (Tabio) مشهور بودند.^۳

کواناتابی قبیله ای بادسته شای ازشم پاشیده وکم اهمیت بود. تهدن آنها بسیار عقب مانده و از کشاورزی اطلاقی نداشتند، در درجه ماقبل آتش میزستند و زندگی آنها در غارهای سواحل دریا بود. تابیله تابیون در رسمت شرقی کشاورسکوئت داشت و از شمه پیش افتاده تردد، ساختمان اقتصادی آنها در مرحله کشاورزی بود پیشکل گروههای که cacique^۴ نامیده عیشدند، مشکل بودند. cacique نام رئیس شر

دسته بود که انتخاب صنند. واما سیونه ها دارای تهدن بینابین بودند.

نابودی اهالی بومی و آوردن بردها

اولین دسته های اسپانیولی که بکواهجوم آوردند رجستجوی طلایبودند و زمین و کشاورزی هدف آنها نبود. برای استخراج دلال در اختیار شرکت آزادی "فاتحین" ازیک خانواره گرفته تا اهالی یک دشکده گذاشته میشد که در شرایط کاملاً بردگی یکارکشیده میشدند. تحت شرایط بسیار شوارزندگی و کارخشناسی و جنایات جویندگان طلاق با سرعت زیادی اهالی بومی ازین میرفت و کوام تهداد چارکم جمعیتی بود. این امر بخصوص وقته شدت یافت که عدد زیادی از جویندگان طلاقها را بمقصد مکرر و ہرو وجاها دیگر که طلاقراوان بدست آمد و بود ترک کردند.

این وضع موجب شد که از ایالات ۱۵۱۱ دسته های بزرگی از سیاه پوستان را بخصوص از قسمت غربی افریقا بکووا لاخص بنواحی شرقی آن کوچ دهند. با برداشت کان افریقا که جای نیروی کار بومیان ازین رفته رامیکفتند به غیر انسانی ترین وضعی رفتار میشد. مردین آن دوره باداشتیا بس غم اندری از وضع بزرگ کان افریقا از خود بجای گذاشتند. خشونت استثماری بود که وقتی برده ای را وارد جزایر کویا میکردند میکفتند و انتقامداره سال دیگر میتواند زندگی کند.

اولین تقسیم زمین و پیدایش کرمولها (۱)

اولین تقسیم زمین تا آنچه اطلاعی هست در ۱۵۳۶ رخ داد. حاکمین محلی زمین را بشکل دایره های بزرگ در اختیار اسپانیولی ها میگذاشتند که اغلب برای پیوشر دام بکار میرفت. در جریان قرن ۱۶ استعمار گران اسپانیولی با گسترش زمینهای از طرف شاه اسپانی د راختیار آنها گذاشتند شده بود، از اهالی استثمارهایی بومی سیاه پوستان اولین طبقه مالکین بزرگ ارضی را در کوشا تشکیل می‌نمودند. بند ریچ ملی نسلهای ای مالکیت شدند الی بارث برده شد و مالکیت بزرگ اسپانیولی تابعه ای مالکیت بزرگ ارضی کرعول هابتدیل گشت.

کرعول هاماک زمین بودند ولی هنوز قدرت سیاسی و اصحاب ارتجار مطالعه درست متربول (اسپانی) باقی بود. ازاوایل قرن ۱۷ تقریباً مهاجرت اسپانیولیهای بکووا قاعده میشود و بدیگر مستمرات که دلال مواد قیمتی نراوانی داشتند متوجه می‌شوند. از اینجاست که کره عولهاد یک قشر محلی شکل بخود میگیرد و گسترش میابد از این عدد همراه بادسته های دیگر (مانند سیاه پوستان و مهاجرین جزیره های اطراف) بند ریچ اهالی امروزی کوچ پید می‌آید. در این موقع تضاد دائم الترازی بین کرعولها بازیکارف و تجارت رو سرمهای داران اسپانیولی از طرف دیگر که از متربول آمده و بد فی جز جا پید می‌نمودند اشتند بروز میگند. در این قرن است که کشت تباکو (۱۱۰-۱۱۲۰) و کشت نیشکر و تباکو راین منطقه است. کشت تباکو احتیاج کشاورزان نسبتاً اسپانیولی دارای دارو می‌نمودند و سیستم بردگی و سطح هرزیدگی آنها امکان پذیر نبود. لذا کشت تباکو در عهد ده قاتانی بود که از جزیره کاساری (canary island) بکوامهاجرت میگردند. کشت تباکو از طرف مالکیت کوچک بزمین رایا شد و از طرف دیگر بعد هاسته های اولیه طبقه کارگر کویا را بوجود می‌آورد و نقش مهمی در جریانات اقتصادی دارد.

تیامهای بردن کان

از آغاز قرن ۱۸ عکس العمل حلیمی برده های مناطق کشاورزی علیه رختارخشن اریابان آغاز میشود و از تنازه های میم این دوره جنبش سیمارون (cimarron) و آپالانکاد (apalancado) در تاریخ شیت شده است. در ۱۷۹۱ تحت تأثیر حوالث انقلابی در غرانسه برده های کلنی فرانسه در رهائیتی (Haiti) علیه اریابان خود تیام میگندند. در این دوره در رهائیتی و همچنین در کوبا اشغالی سیاه پوست اکثریت سکنه را تشکیل میدادند. در نتیجه این عامل (ونیز تأثیر کشور همسایه هائیتی) موجب شد ید قیام برده های رکیما میشود.

(۱) *créoles* هادر روابع به نسلهای بعدی اسپانیولیهای مستقر شده در کویا اطلاق میشود. پیشین اصطلاحی با همین معنی در بیکوشوهای امریکای لاتین هم بکاربرده میشود.

در سال ۱۷۶۲ به لطف جنگ اسپانی با انگلستان نیروهای انگلیسی ها و اسرا اشغال میکنند. انگلیسها مد تهاب دار از نظر اهمیت سوق الجیشی که هاد نیال بهمانه میگشتند. پاره ماه اشغال ها و اتنا تمیز ممکن داشتند.

اقتصادی و سیاسی کواد است و موجب استقرار تجارت بین کیا و انگلستان و مستعمرات شد.
در ۱۷۸۴ ایالات متحده آمریکا استقلال پیدا میکند و رنتیجه تجارت امریکائی متوجه تجارت با کواد میشود. بدین ترتیب در نتیجه قیام برده هادر رهایشی (که موجب تابدی کامل تولید شکر و تباوب ران کشور میشود)، اشغال ها و انا از طرف ایالیسها و پوشیدن در رایالات متحده آمریکا تولید شکر و تباوب نتایج سرمایه ایاند و بدین پیش د رواخ قرن ۱۸ و اواخر قرن ۱۹ مراجع کشت نیشتر گای مزارع دام بزرگ را میبرند.

در راین قرن (اوایط آن) اولین کارخانه دخانیات احداث میشود و متعاقب آن کارخانه های متعدد کوچک خصوصی دخانیات و نتیجه اولین دسته کارگران اینین همان کشاورزان تباوب بوجود میاید. ازینجا است که در ۱۸۱۷ کارگران تباوب اولین قدم سازمانی را برای مشکل کرد که خود برد اشته سازمانی بنیامن "سازمان کارگران تباوبی ها و انا" تشکیل میدهند.

در جرجیا تکامل جنبه های اقتصادی - اجتماعی به ترتیبی که بیان شد بتوجه وجود این ملی کوادها چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی نکل میگردند.

جنگهای ده ساله (۱۸۷۸-۱۸۷۸) که بعد فرجی ای از اسپانی بود روایت اولین تلاش است که منتهی به نتیجه قطعی نمیرسد. مهداد ریال ۱۸۸۰ برد کی در رکمال غمیکرد. ملاکارخانه های تولید شکر فاقد نیروی کار لازم میشوند و اجارا کشت نیشکر از تولید شکر میگردند و این ترتیب مالکیت متوسط در های برای کشت نیشکر بوجود میاید که تا اوخر قرن ۱۹ در حدود ۳۰٪ زمین های کواد را بر میگردند (۱).

استقلال از اسپانی و اخلاق ایالات متحده آمریکا

بعد از کشت جنگهای ده ساله جنبش جد اشد ن از اسپانی جای خود را به جنگی هزاره برای استقلال ملی میدهد. رهبری این جنبش درست خوزه مارتی (José Martí) قهرمان ملی کواد است. انتقال ۱۸۹۵ دیگر هدف اعزام ریاقد امات انصاری اسپانی، لغو بردک و پاکس حقوق سیاسی نبوده و تأمین استقلال و حاکمیت ملی کوام اطراف نظر است. شعار "کوای آزاد" و "استقلال و زمین" شعار انقلابیون است. تنهای اخله ایالات متحده آمریکا راین جنگ مانع از نتیجه غمیش آنهاست که اداری مردم کواد شد. در ورود مبارزه آغاز میشود. منتهی این بازیله ترویج جدید و بولاتر: علیه ایالات متحده آمریکا متوجه میشود. ایالات متحده آمریکا بطبق قرارداد یک تحملی میکند بخود حق میدهد کواد را بر میگردند. اشغال نشانی میگردند.

در رواج جاده این تجاوز آشکارا زده تباشی هموارشده بود. همان وقت در ۱۸۵۱ نیمی از شتنی عایشه در بنیاد رکمال ندرمیاند اختند پرچم ایالات متحده داشتند. در ریان قرن نوزدهم بین راز ۵ میلیون دلار ریال آمریکائی د رکمال کارافتاده بود. حکومت های دست نشانه د روایل جمهوری جوان و ضعیف کوایا، تحت نشار قوانین ولوایح وضع کردند که نفوذ و مدد اخله ایالات متحده را ایمانزیر میکرد. تأثون ایازه استقراریان نهای خارجی و قرارداد اذکاری محاله متفاصل در ۱۸۰۳ کامل رهای کشور ایروپ سرمایه داران آمریکای شماری بازگرد.

انصارهای ایالات متحده در عرض چند سال بطالکین اصلی لاتینوند (ایالات وسیع) و نثار ترانه نتایج زیرزمینی که میگردید بیشتر شدند. پنجاه میلیون دلار سرمایه امریکای شماری در سال ۱۸۶۱ به ۱۴۰۰ میلیون دلار رسید. آنها مالک ۲۰۰ کارخانه قند سازی و مالک تقریباً خصم تمام اراضی کوایا شدند. خود زمین در رسمت شرقی که میگذرد شرکت نایپری بی کمپنی (Nipe Bay company) در ۱۰۰۰ که بین راز ۴۸ هکتار زمین را بقیمت ۱۰۰ دلار خرید، نمونه تأسی آوری از معاملات نثار ترانه ایست که مونوپولیستهای آمریکای شماری بعد م که اتحادی میکنند.

ماره مردم که مخصوصی یامهای د هنگامی د ریانی د ریال ۱۱۲۳ موجب واژگونی حکومت ماجاد و (Magadeo) عامل و دست نشانه ایالات متحده آمریکا شد. باوارگونی حکومت مستبد آنها ماجاد و بتراد اد تحملی آمریکا و

(۱) این مالکیت متوسط اینست خاصی در جرجیا رغور ارضی اخیرد اشته است.

کهاد (دایرید ادن حق اشغال نظامی) هم خاتمه داده شد. در این دوره است که جنبش‌های دهقانی باعث میرسد. دهقانان مسلح تحت شعار "یازمین باخون" برای بدست آوردن زمین مبارزه میکردند و مسلح‌انه زمینی را که روی آن کشت میکردند حفظ مینمودند. در این مبارزات حزب سوسیالیست تدوین ای (که در سال ۱۹۲۰ بنیاد گذاشده شده بود) نقش پیسایان بزرگی در تجویز مبارزات دهقانان و متشکل کرد. در سال آن، ایازمیکتنه در میان ۱۹۳۹ دهقانان مشکل‌نشود و اولین نکره خود را تشکیل می‌دهند که شعار آن اصلاحات ارضی بود. در ترتیبه این مبارزات در قانون اساسی صهیونی در سال ۱۹۴۶ مسئله ازین برد. در مالکیت بزرگ اراضی و لزوم دادن زمین بکسانیکه روی آن کار میکنند پیش‌بینی می‌شود. ولی در وان جنگ دوم جهانی و سپس حکومت‌های دیکتاتوری و دست نشانده انتصارات خارجی، بخصوص زمان حکومت دیکتاتور باتیستا قانون اساسی ۱۹۴۰ را نادیده میگیرند.

تشهیه القلاب اخیرین همیز فیدل کاسترو توانست آرزوی‌های کهنسال دهقانان را در گرفتن زمین و آمال تمام مردم را رتأمین استقلال واقعی و حاکمیت ملی تأمین نماید.

فیدل کاسترو کیست؟

فیدل کاسترو ملووز (Fidel Castro Luz) در ۱۳ اوت ۱۹۲۷ در دهکده ای بنام ماناسکام (Manacas) در منطقه شرقی کواداریک خانواده رونه بد نیا آمد. تا ۱۹۳۴ در دهکده سانتیاگو (Santiago) در مردم رسمی ای که توسط زیویت هاداره می‌شد تحصیل کرد. از این سال برای ادامه تحصیل به هاوانا آمد و از سال ۱۹۴۰ فعالیت تحقیقی و اجتماعی خود را در انشگاه هاوانا آغاز نمود. در این دهه که افکار ای از دهه که افکاری برای واژگون کرد. دیکتاتور تروخیلیو روریس مجمهور و مینیک جریان داشت. افکار آزاد منشأه، فیدل کاسترو را سیوسی جو انانکیه برای این منورهای اصلاحیت‌نمایی میدند. دشمنی این اقدام با شکست مواجه شد کاسترو به هاوانا مراجعت نمود و فعالیت داشتگانی خود را اسکرگفت.

علاقه پشناسی سائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی امریکای لاتین فیدل را درآورد اشت که در سال ۱۹۶۴ همراه با چه که وارا (Ernesto che Guevara) مساغرتی بمعنی ازکشواری امریکای جنوبی بنتاید (۱). فیدل فعالیت خود را بعنوان حقوقن دهه که در هاوانا آغاز نمود. در این دوره است که ای تربیت سیاسی پیدا می‌کند و کار از تراکم ای ای از طور بر جسته ای بر زمینای و فعالیت سیاسی اش را در "حزب مردم کوبا" که یک حزب انقلابی خوده بورژوازی همراهی می‌بیند آغاز می‌کند. در این دوره تمام فعالیت او متوجه این است که کشور را از جنگ دژی مانع که شیوه جان ملت را میکند و ملیونها بول از خزانه ملت می‌چاپند، برهانه داره دفع از داشتگیانی که در جریان تظاهرات سیاسی از طرف پلیس بزندان افتاده و تباود می‌شوند، فیدل بیش از پیش بایزوم یک تغییر عمیق و اساسی در سیستم سیاسی و اجتماعی کوای معتقد می‌شود. مرک تاگهانی ادوار و جویی امان (Eduardo Chibas) رهبر حزب را و اوتا شیر عیقی بخشید و از رای ترجیح است که او سوگند میخورد تازنده است برای آزادی، دموکراسی و لیک حکومت شرافتمند مبارزه نماید.

هنگامیکه فیدل علیه رژیم فاسد پراوو (Prau) سوکنی داد میکرد، پراوو باتیستا مزورانه با اشاره و پشتیانی سفارت امریکا در ۱۰ مارس ۱۹۵۲ با کدیکنی تائی حکومت را بدست گرفت. این کودتا بایجه دو سه ماه قبل از این تذابت را است جمهوری سرهم بندی شد. در این وقت حزب سوسیالیست تدوین ای اعلام کرد. بود که به کاندید حزب مردم کهاری خواهد داد. فساد دستگاه حاکمه و رسانه‌ها و ای ای آن احتمال پیروزی حزب مخالف راکه پیروزی خواهد داشت. در جوش امپریالیسم بود. کودتا بایستا هدف جلوگیری از پیروزی حزب مخالف، اجرای فوری نقضه توسلو (Trusleu) و دادن امتیازات جدید به اصحاب‌ها و امدادهای سیاست خند ملی از طریق یک حکومت "قوی" بود.

در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ فیدل همراه با ۱۵ جوان انقلابی و پیشوایان حمله مسلح‌انه را در رهاره علیه رژیم دیکتاتوری آغاز کرد. هدف اصلی آن اشغال سرای خانه مونکادا (Mencada)، تقسیم اسلحه

(۱) که وارا وزیر فعلی صنایع و رئیس‌بانک کهاد است. وی اسلام از مانیتی است. از یافته‌های بسیار در خشان و جزو را در یکال ترین و چپ ترین همکاران امروزی فیدل کاستروست.

بین مردم، تصریف شهربسانیاگو وسپن حمله به غرب کشیده و تصرف پایتخت بود. این نقشه بحلت برتری علیمند نیزهای باشیستا، کم تجزیگی انقلابیون در عملیات نشانی وغیره وضعی تصادفات کوچک ولی مهم در چنین لحظات انقلابی، منجر شکست شد.^{۲۰} بدین عکس در جریان زد و خورد کشته شدند و بعد از پیش از ۷۰ نفر از نبران را بطری و خشایانه و نیر انسانی نایابود کرد. اقدام جسورانه و قهرمانانه فدل و همراهانش، دفاع منطقی یعنی ترس اور در آد کاه از جریان قیام و محکوم نکردند دستکاه حاکمه در جریان داد رسی سیاهی فدل را مقابل مردم زجود دید که بر جسته ساخت. فدل پیر مرجع امید بزرگ برای رهبری انقلاب و نجات مردم کویا مهدل شد. فیدل کاسترو در دفعه خود هدف این حمله و در نتیجه انقلاب کویارا باوضوح و جسارت خاص خودش سان مکتدن.

در جمع بندی تحلیل هشتاد و نکته حزب سوسیالیست توده ای در اوت ۱۹۶۰ رفیق پلاس روکا (Blas Roca) دبیرکل حزب درباره این واقعه مینویسد که: «حمله بسربازخانه مونداد اوستاد فیدل سازمان داده و رهبری شد. هدف آن بدست گرفتن حکومت با یک خوبی نبود، بلکه هدف قش آماده باش دادن با مقابل، توزیع اسلحه تصرف شده بین مردم بود. با وجود اینکه عملیات مونداد اموفق با جرایح هدف فوری خود نشد ولی نتیجه در وران شهراه باعث می‌گردید دیگران غذای خیریه کیفی، روضع و نقصانه آغاز پیروزی استراتژیک بود.»

جهات اساسی و نتایج حاصله از حمله بسربازخانه مونداد ارجمندان بشیخ زیرخلافه نمود:

۱- حمله سیاست‌خانه مونکاد اولمیات پسندی ناشی از آن یک نیروی جوان، انقلابی و ضد امیریالیستی در حینه سیاست‌گواهی اراده توده هزاران غذو رهبران کهنه بورژوازی آزاد کردند، عاملی که نقش سیاست‌پرورگان در رگسترش و عميق کرد ن نهضت انقلابی کهای بازی کرد.

۲- این عمل نشان داد که شرایط برای مبارزه مسلحانه علیه رئیم باتیستا ماملاً آمده است .

۳- این واقعه با سرعت بیشتری نقاب از چهره دیکتاتور برگشته و قیافه اش را بعزم نشان داد . دیکتاتور برای حفظ موقیت خود به بیرون از تیرنی عملیات دست زد . باتیستا هم مرید که با فشار مردم را برآورد رخواهد ازد و لی د رعمل شرق رکه ترویشید . هرقد رکه فشار بیرون از تیرمیزد ، همانقدر دشمن مبارزه مود م برای

وارثونی رژیم شدت می‌یافت.
رژیم کودتا برای مسجل و قانونی کرد ن خود در نوامبر ۱۹۵۴ "انتخابات" کرد و در مارس بخشدگی همکانی اسلام شد. فیدل و حمراهان از زندان خارج شدن ولی با اعتماد واراده قوی ترازیمیشه برای ازاد کردن ملت کواز قید استبداد پیغام امیرالیسم. مدت کوتاه اقامت و فعالیت در پایتخت عدم امکان مبارزه سیاسی را برای اوصلم ساخت و اذ افتخر جدد تدارک قیام مسلحانه در راضونخ گرفت. حکومت داعناد رتعقیب او بیود، اورا تهدید واراعا میکرد و بنیال حملی برای زندانی کرد ن مجدد او بود. در چنین اوضاع واحوالی فیدل بسالات متده امریکا مهاجرت میکند.

تدارك قیام در مکریک

در این کشور بود که فید ل آمادگی برای جنگهای پاریزانی علیه دیکتاتوری استارا تراهم دید. بد و تعليمات نظامی را وظیفه هاشن توسط یک فرمانده ارشد جمهوریخواه اسپانیا البرتاو (Alberto Bayo) فراگرفتند و هم زمان با تعليمات نظامی اقدامات لازم برای تهیه اسلحه بعمل آورد و نقشه حمله به کوارترتبی دادند. تمامی این اقدامات در مركزیک با مشکلات فراوانی رو رومیشند - تعقیب پلیس، ضبط اسلحه از طرف مقامات مکریک، نیزه و شیره.

فیدل پی با کانه آغاز تکن و روز ورد خود را پیکان از اراد یواعلام کرد ۳۰ نوامبر ۱۹۵۰ د رسانست و روی اعلام شد مردم مخصوص جوانان با قهرمانی وجرات تعجب آمری در کوچه های سانتیاگو تلاهراوات دست زدن دند و باعث سرکیجه نشانه ایان شدند ۲۵ د نوامبر ریک کشتی بنام مستعار کراما (Grammar) نیدل و ۸۲ نوامبر هاشم متقد که باند روتوسیان (Tuxpan) باد رمکتیک ترک کردند پیاد و سه روز تا خیر در ۲ دسامبر کشتی گراما سالم در ساحل لنگراند اخت د واسلحه خد تانک ، چهار مسلسل ، ۱۰ تانک، فشنگ و همبهمات دینه را باین کشتی بود .
روز ۵ دسامبر هیماران تبع ، تانک و چهار پیما از طرف نیروهای مسلح با سلاحه های نمین آغاز شد . جنگ

وحشتناکی بود. در ناحیه زمانی کوتاهی از تماش نیروهای خود را به تپه های سلسله جبال سیراما استراسند نهاد. بعد از بعد از مردان جنگیده تا ۵ نفر قتالیل یافت! نیل که روحی بی بان و قلبی آنکه از امید به پیروزی نهایی داشت، موفق شد انتباط و مستگی را بین عده باقیمانده برقرار کند و روحیه همه را تقوی نگیرد ارد.

چه عواملی موجب موئیت قیام سلحانه شد؟

مشهور است که ارتش در یکتاونر پایستا از قوی ترین و مدد رون ترین ارتش هاد رمنطقه در راهی کاریب و امریکای مرکزی بود و آنستی باعثت فرماند اریش از ایالات متعدد امریکا رچاپ و شروت بیکران کوایا و جرای نظر عوامی داد و آنستی باعثی ملی و نژادی ایالات متعدد امریکا پر خورد اریش و از افراد دیگر چنانه ذکر شد در اواخر ده ساله از نیروهای کاسترو و راوین تصادف با نیروهای مجذب با آنستی قریباً تمام نیروی خود را از دست دادند. پس این "مجذب" بهجه سوتی خود را داده که در فاصله کمتر از دو سال این چند شیرمه ردنگی نیروهای خود را به بیزار از هزار تبرخان رساندند، دریک جزیره و پر از مرکز اقماری جهان در داد و قدر می آمده با لیسم امریکا آنها امساله یک دندن ملاخه به ایشان بیند دیگر اتفاق نداشت. آن دندن؟

رسانی می‌کردند. در پایان، روحیه دینی برخورده بود که این موقتی در درجه اول مد نیون راه صحیح و انقلابی است که فیدل ماریزین کهاد ریس گرفتند. شعار «ناخواستهای انسانی مرد نشانی اصلاح ارضی، اصلاحات دموکراتیک، بهبود وضع مرد و تامین استقلال و حاکمیت کوبایندریچ» دهقانان، روشنفکران و کارکنان را بیانی کوه کشاند. از تاریخ دیزلریغم اینکه بعد از هیئت جنبش ۱۰۲ رژیمه باتیستا اعلام کرد که "جزیره را بسازنیم اداره خواهد کرد" پیرای تحمیل حکومت خود و ارعاب مرد و محبشیانه ترین اعمال ترویجیستی، حبس و شکنجه و تبعید راد ریس گرفت و در مدت حکومت خود بیش از ۲۰ هزار مرد وزن انقلابی را کشت، ولی موقی نشد روحیه مرد را باکشید. بر عکس مرد که بشکنجه هم اعدام کرد بودند و کشتار خواهان هیمارد ران خود را بیهان میدیدند، صمممانه ترویاگون ساختن این رژیم کفر و محنت بستند. هر روز و سر ساعت در سیمای فیدل و مردان ریشد ارشته کوه سیراما میسترا رهانندگان مسکل شکنچای خدمه ام را بافتند.

د حکومت د یکاتیریا تیستا از شخص خید شر بعنوان رئیس د زد ان چپاول کران کرفته تا کوچکترین قد ازه
ارتزا و رنساد و زدی میلنهاید نه. یند انتها اط اخلاقی کامل ارتزود ستگاه د ولتی رافا کرفته بود. جشه
بیزک و نهار آرسه وله دیل مان شه بود.

میباشد که ملی مایستانته تنها احزاب و گروههای رادیکال نظیر حزب سوسیالیست کیا و چنین ۲۶ زویه
فیدل راد را پیشیون قرارداده بود، بلکه بین احزاب و گروههای بیوروازی هم آنهاست راهک تاحدی تعایلات
د موئرایتیک ولی داشتند از حکومت درور کرد و در پیشیون قرارداده بود. درنتیجه حکومت مایستانت
رسانی محتاج است. کاملاً منفرد شده بعد مرا کاهه بنی و داشت.

سیاستی و سیاسی می‌باشد. هم‌چنان‌که پیش از این مردم دست از باشندگان را برداشت کرده بودند، این مردم می‌توانند از این شرکت را برداشت کنند. این اتفاق از این‌جا آغاز شد. این اتفاق را می‌توان انتقام از این شرکت نامید.

در اول زانیمه ۱۵۱ با پارهای ایستاده جنگ انقلابی با پیروزی خاتمه یافت و جمهوری دوم دنیا آمد. ای دو مسال زندان و تنبیهات بیشمار آن و نزد یک بد و مسال جنگهای پارهایانی مکاتب سیارا موئزده ای برآ فیدل کاسترو مدد. در دوران زندان فیدل بیت سلسه مصالحت و سعی در رباره تاریخ کشور خود وجوده‌ان و تنبیه‌های انقلابی در اروپا و امریکای لاتین پرداخت. مصالحت اور در دوران بعد از زندان پیخصوص د ر مکریک ادامه داشت. در این مدت بسطالله تجزیه‌ات انقلابی خلق شیریو در ایران جنگهای پارهایانی در زمان

جنگهای پاریزیانی شرایط بسیار دشواری را از هر لحاظ برانگابیون تحمیل کرد و بود. در این دوره ملت نه پیوند فیصل بایستید و حاکمتر می‌شود و سوئنکی یاد می‌کند که بمردم فقیر و محروم و غافد از میراث این فید لفهوم

واقعی مشقت و سختی د رزند کی راعمیقالمس میکند و کاملاً بازنگی د هقنان بی چیز ورنج آنها آشنا میشود. خود او در راهه این دوره چنین مذکور است:

«هنوز خاطرد ارم آن روزهای سپیار مشکل و سختی های تانقنتی را، دیرانی که فقط عده ناچیزی از مبارج مانده بود. بخاطرد ارم آن روزهای ترسنگی سرمهرا و قتنه ما باید من بس رای صحافت خود از باران نداشتیم و نه روپوشی که خود را در ران به پیش یم واژه بیت و سرمهای کوههاد رامان باشیم. بخاطرد ارم آن روزهای شیراکه بزمخت تنشی د ریای داشتم و فقط چند فشنگ د رتفنگها یعنی بود، در حالیکه سریازان و پاییز مارا بایز و حشیانه ای تعقیب میکردند. بخاطرد ارم آن روزهای شیراکه با یعنی مطابق انسانهایی که خود را واقع یک هدف بزرگ کرد و بود ندانستیم در مقابل آنهمه مشکلات مقاومت ننمیم. مامارزه را در اهداد یم بدون اینکه د لسرد شویم کواینده عده ماسپیاراند که بود.

د وسال و نیم تحول بزرگ

حکومت د یکتاپورا تیستاکه از مشتی د زد و تاراجکروخائی مبنای متفاوت می تشكیل شد و بود، د ریشت سرخود یک کشور عرق در برخان اقتصادی و مشکلات مالی گذاشت و فرار کرد. در شش ماه اخیر حکومت کشور ۵۵ میلیون د لار کسری داشت، بد هی د ولت به ۱۳۰۰ میلیون د لار میرسید. وقت حکومت انقلابی بی قدر را بدست گرفت بیش از ۱۰۰ هزار پیکارد رملکت سرگردان بودند.

^۶ تمام تحولات انقلابی میباشد و شرایط دشواری عملی شود. کوادر رواحی یک نیمه مستحمره ایالات متحده امریکا بود. بیش از ۸٪ واردات و صادرات آن کشورها امریکا بود. انتساب کوادر ازیمباری تعلیم یکجانبه (شکر) رنچ میکشید. تازه قسمت اعظم معاملات شکران با امریکا ناجم میشد و این خود وسیله شانتاز سیاسی و اقتصادی بود. اولین «حمله» امریکا لیسم بعد از پیروزی قیام مسلحه د راطر اعتراف نیزی داد ام اخانین و مسؤولین در جمه اول حکومت د یکتاپوری باستانا اغاز شد. تبلیغات کم نظیری از ازهار و میسات تبلیغاتی امریکا بستی در تمام دنیا علیه حکومت انقلابی د یکرتفت که توان این اندیشه را وقفها و تمثیلها باید. امریکا لیسم بدین وسیله میخواست اولاً - جان عده ای از حد مدتگاران خود را حفظ کند ثانیاً - حکومت انقلابی را بصورت یک حکومت د یکتاپوری مرفری نماید و بالاخره از شده د ارتشد ن انقلاب و پیشرفت تا هرچاکه ممکن باشد جلوگیرد. حکومت ایالات متحده امریکا تما این تبلیغات را در دفاع ازد موکراسی و آزادی فردی و حقوق انسانی انجام میداد. باستانا آنهمه انسان را با فجیع ترین وضعی کشت و قصابی کرد ولی یکپاره ایلیک میباشد. ولی وکیل ایلیک عده ایلیک و کشتار ایلیک های تکریم میکند. سکوت کردند و یا تیستارا مسلح ترساختند. ولی وقتی خون ازد ماغ یکی از چیانتکاران بملت و نوکران امریکا لیسم جاری میشود فریاد «بن عد ایلیک شد، د موکراسی ازین رفت، حقوق بشیریا میمال کردید». رایه آسمان میسانند. در ماههای اول امریکا لیسم امریکا میکند شنیده مشکلات موجود، نیازمند یهای فراوان مردم، بدی و وضع اقتصادی کشور، وجود عنصر اسلامی موجود در حکومت انقلابی و معمچنین به بی تجزیگی رهبران انقلاب در راهه کشور بود. بهمین جهت در این دوره باحتیاط نسبی بیشتری رفتار میکرد.

تغییروت حول در حکومت موقع

سال اول انقلاب همراه با غیر و تحول عمیق در حکومت و یکیست حاکمه بود. مارزه عالیه باستانا ایلیک جبهه ضد د یکتاپوری شروع شد. در نتیجه عوامل راست بورژوازی ملی با انقلاب همکاری کردند و از شیوه هایی که خاص آنهاست با انقلاب یک رسانند و در دوره های اول پیروزی همراه های سپیار حساسی را در حکومت انقلابی موقعت نشاندند. جمهوری شدند و لولت اشغال کردند. فیدل کاسترو در اولین حکومت موقع هیچ سمعتی نداشت و خارج از د ولت و در ایس ارتش انقلابی بود (مسئولیت را که همیشه د داشت). همین ترتیب بود وضعیت یکرهربران اصلی، انقلاب. کنار گنده اشتن فیدل و دیگران ایلیک اصلی از قشنه های عوامل وابس. با امریکا لیسم و دست راستیها بود که خوشخانه د بیری نباشد و رهم شکسته شد.

حکومت موقع با شرکت عنصر اسلامی نشاندند و میرا کاردن (Mira Cardona) - کسیکه بعد ایالات متحده امریکا پناهند و د آنچه حکومت کهای آزاد را تشکیل داد و سازمان د هند و حمله مرد و روان و چیزه-

بگیلان در آوریل ۱۹۶۱ بکوایپد - قادره حل مسائلی نبود که در مقابل انقلاب کهای قاره ای ایش آنها فقط با اصلاحات جرچی آشیم تاحد وی که به ترتیب پوشد و غارت سرمایه داران خبری وارد نکند، موافق داشتند. فیدل در تعریف انقلاب کهای میکفت که "انقلاب کهای، انقلاب غرق‌بندیست غیرهای فقراست" در واقع ۸۰٪ روش تیام کنند راه استخوان بندی انقلاب بود هر قاتان تهدید است تشکیل مید اند و هیله راه کار- کواران روشنگران انقلابی شاعی در راه منافع توده ها برای تحصیل خواسته و تعلیمات این «بلقات» برای اصلاح ارضی، برای حضنی کرد نکشور، برای نجات کارگران از استثمار رخشش سرمایه داری و تغییر اساسی در وضع زندگی مردم، حکومت مناسی لازم بود. اولین تغییرات اساسی در راشقا رادرم با شرکت فیدل در راس حکومت در تیره ۱۹۵۶ صورت نرفت. فیدل تغییرات اساسی در کارگری، صنعتی کرد نکشور، اصلاح شیوه تعلیمات و تغیره بود به دولت حد بدهم است کرد.

این هنوز تثبیروتحول کاملد رستگار دلوتی نموده است. هنوز ریاست جمهوری درست بکی از عنصرهاست و سیار متفاوت قرارداشت. در دوره ایکه بیش از همینه وحدت تمام نیروهای انقلابی و مکراتیک لازم بود، رئیس جمهور وقت اورتیا (Urtetia) بسیاست تفرقه اند اختن نیروهای ملی و سیاست خد کمونیستی دست زد. هدف او همین اند اختن نیروهای ملی و انقلابی و تفرقه بین آنها و در ترتیجه ریشه کن کرد ن انقلاب بود خطوطی که ضررها فاحشی در عده زیادی از شهرهای که علیه استعمار و امپراطوریسی ما را زده بیکنند بوجود آمد و است. تجزیه عراق و مخصوصاً کشورها ایران در سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۳ به خوبی این رایاتیت میکند.

خراسکاری رائیس جمهور تاجران رساند که فیدل ازمیولیت دلت استعفا کرد. ولی خشم مردم که با و تنظیمات انسانهای مهملت نداد، رئیس جمهور مجبور استعفا شد و مقابله افزار عمومی شکست خورد. این دیگر آخرين و قطعی ترین غربه بمحافنه کاران و عوامل مرتعج درستگاه دلوتی بود. عده ای از همین وزراً مسئولین بعد ابدی در پیچ امیرکاوگاهای دیگر فتند و نطفه های خد انقلاب را راجتاً شکل دادند و رهبری لشکر کشی آوریل ۱۹۶۱ را بدست گرفتند.

گاهی این سوال پیش می‌آید که چگونه این افراد که روزی بنحوی از اخراج با تقابل که همراه بودند و هر کدام کم و پیش‌تر اداری کردند امروز متوجه خود اتفاق نداشتند؟ و جوابه این وگاه دشمن شافتند؟ برای پاسخ باین موضوع باشد مطالب را از نظر تاریخی در تأمل و تحول خود در نظر بگیریم، چنان‌ذکر شد تقابل که از اینکه مرحله مازده بود دیکاتوری آغاز نمی‌شد لذا قشر سویی را در بر می‌گیرد. در این دوره تأثیر امام خمینی و غیر آشناست، حتی عده‌ای فرقه طلب و همتا پرست وارد جریان اتفاقیون می‌شوند. ولی وقتی جنگ‌های اتفاقیون با پیروزی پایان می‌پذیرند و اتفاقات وارد مرحله جدید می‌شوند، وقتیکه دوره ازینین بردن مالکیت ارضی، ملی کرد ن منابع، حد تباره غد امیریستم پیش‌ماید قسمت از جماعت اتفاقیون دیروز که بالا امامت حدید موافق نیستند بمقام دست رقابی عمليات اتفاقی می‌پذیرند. بدین ترتیب عملیاتی صفوی مرتجله‌های کاران و مخالفین پیشرفت جریان اتفاقی می‌پسندند و رنتیجه خود اتفاقی از اب درمایند. چه بسا از وستان دیروزی خود رویگرد آند و بد شفعت دیروزی خود می‌پسندند. دوست دیروز دشمن امروز دشمن دیروز دوست امریک می‌شوند.

سال ۱۹۶۰ - سال تحول قطعی

اگرسال ۱۹۵۹ سال آزادی نامیده شد، سال ۱۹۶۰ سال اصلاح ارضی اعلام گردید. قانون اصلاح ارضی در ماه سپتامبر ۱۹۵۹ گذشت. دولت سال ۱۹۶۰ را بازآجنبه سال اصلاح ارضی خواند که در آن سال میباشد. میباشد تمام نیروهای دولتی و ملی صرف شود تا هدف های زیرین عملی گردد:

- ازین مرد ن لاتقوند سمه (مالکت بن: گل ارض)

۵- د وسی و متنی صرف سود تا حد قدری زیرین عملی نردد :
- ازین بدن لاتفوند سیم (مالکیت بنگاه خود)

استقرارد هقانان درزمین

آغاز تنوّع کشت در امور کشاورزی

با سلسله مالکيت ۱۰۰۰۰ کاپايرتا (۱) لاتيفوند بيم از زين رفت . بيش از ۸۵ هزار خاتمه دهد چنانی واحد كوهائي برای اندازه گيري زمين است . هر کاپايرا معادل ۱۳ هكتار است .

در همان مراحل اولیه اصلاح ارضی بمالکین زمین تبدیل شدند. در سال اول بیش از ۳۰۰۰ قروشگاه خلائق تأسیس گردید که دهقانان را زداید لالان و طفیلی ها خلاص کرد. برای اجرای دقیق اصلاح ارضی، موئسسه ای بنام بنگاه ملی اصلاح ارضی تأسیس شد. هم‌زمان با اصلاح ارضی دولت انتقلابی تنظیم وضع صنعتی کشور و نجات کشور از تسلط کمپانیهای خارجی پر صنایع کشور را در بر می‌خود قرارداد.

چهارمین بزرگ

در جریان سال ۱۹۱۰ انقلاب موفق شد از مشکلات متعددی پیروز بیرون بیاید. درین مشکلات فراوان چهارمیله از همه معتبر بودند که عبارتند از مسئله شرکت‌ها نفتی، قطعه سهیمه شکر و تطرف ایالات متحده آمریکا، ملی کردن کارخانه‌ها، محاصره اقتصادی از طرف ایالات متحده آمریکا. پیروزی انقلاب براین مسائل دا رای اهمیت بزرگ و نقطه عطف در تکامل سیر اتفاقی مردم کویا شمار مرید.

د. دولت انتقلابی سال ۱۹۲۰ را بایک اقدام مهم اقتصادی آغاز کرد. خرید ۵۰۰ دستگاه صنعتی شروع سیاست صنعتی کرد ن کشور را مینمای استقلال اقتصادی آن بود. امپرالیسم آمریکا متابلاً اقدام اقتصادی دولت انتقلابی را بایروکاسیون نفت پاسخ داد. موضوع ازاین قرار بود که دولت انتقلابی کویا انتظار خیره د لار و صرفه معامله با اتحاد شوروی مقداری نفت خام از شوروی خرید و از سه کمپانی خارجی که احصار پایا لیشگاه‌های نفت را در کوهاد استند تا ضاکرد که نفت خام را تصمیمی کنند ۲۵٪ مجموعه نفت مورد احتیاج کشور. شرکتهای نفتی بعلت پستگی شان به تراستهای بزرگ نفت در تعییب سیاست ایالات متحده آمریکا برای در رضیقه گذشتند دولت انتقلابی تفاخای د. دولت رارد کردند و خواستند همان بلاشی را بسرمود و انقلاب کویا بیاورند که برس مردم می‌ماونیخت مادرسالهای ۱۹۰۱-۱۹۰۲ آوردند. دولت انتقلابی اعلام کرد که اگر شرکتهای خارجی در راقد آخوند اصرار عزیزند اجبار آنها را می‌خواهد کرد. چون شرکتهای خارجی در رو خود باقی‌مانند دولت هم آنها را می‌کرد و تصرف نمود.

تذکراین مطلب ضرورت دارد که موقتی دولت انتقلابی د. مسئله نفت در رسانیه وجود جبهه سوسیالیستی و پاسخ مثبت و شخصی و کلی شایعه هی قید و شرطی بود که بطور اخص اتحاد شوروی با انقلاب کویا از همان آغاز آن نشان داده بود. این مازرده سیارا معنی و معرف واقعی نیزی شهروهای سوسیالیستی و امدادگی آنها باید. حتی تا آخرین لحظه موقتی این مازرده مترجمین داخلی ازعدم توانایی کشورهای سوسیالیستی برای مقابله با تحركات اقتصادی آمریکا می‌خن گفته و اصرار می‌کردند که دیری نمی‌شدند که کشورهای سوسیالیستی در این مقابله شکست می‌خورند. تحباب راه روشیه در بحیجه کشاش نفت ۱۳ کشتنی نفت کش شوروی حامل نزد یک بد می‌باشند. چلیک نفت در سناد رکویا نتگراند اختند. بدین ترتیب کشورانیک بحران عمیق نجات یافت. نقشه امپرالیسم دریدون سوخت گذاشتند مملکت عبارت از فلج کردند تمام امور اقتصادی پیا لآخره بزراند آوردند. دولت انتقلابی بود که باشکست کامل مواجه شد و حسن اعتماد مردم برای پیروزی قطعی حد چند ان افزون شد.

پنجم علیه حذف سهیمه شکر

اوایل ماه روشیه درست بعد از "فراغ" ازبیند نفت دولت آمریکایی جانبیه و ناجوانمرد آنہ تعمیم گرفت کماز سهیمه خرد شکر سایانه خود از کویا ۷۰۰ هزارتن قطع کند. هدف اینها هم عبارت بود از پر شکست نزد ن و عاجز کردند دولت انتقلابی و اواد اشتن امده تسلیم. امپرالیسم میخواست با ایجاد فقر و گرسنگی میان دهقانان و مردم آنها را علیه حکومت انتقلابی تشنج کند، حکومت را در رمه بل تحركات ضد انتقلابیون و خرابکاری آنها تهاباند اراد. کهای کشوریه اقتصاد عمد. این راشکرت تدبی میدند و قسمت اعنان آنرا با امریکا می‌فروشند چه در وطنی و حشتانکی رامپیا یستی برای سالهای سال در مقابل خود مجسم نمایند.

در رمیتیگی که در این موقع بمعنایست اعتراف می‌آمد ایالات متحده آمریکا تشکیل شده بود، دهها بند و دهها در مخصوص دهقانان خشکیگان و نگران چشم به دهان همراه انقلاب د وخته بودند. وقتی فیدل تالکراف رفیق خروش را مینی برخیرید تمام سهیمه شکری که امریکا کرد که بود برای عموم خواند، هلهله مردم از شادی و سیاستگزاری ازبراد ران شوروی خود با سعادت می‌رسید. بدین ترتیب تبرد د و میان امپرالیسم با ازدهم باکفت بعوچ و انتقلابی اتحاد شوروی، چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی با پیروزی خلق کویا پایان یافت.

در رواج روزهای ۱۹۶۰-۱۹۷۰ د رتاریخ انقلابی کوچا پایان یک دوره آغاز مرحله جدیدی است. روز ۱۳ اکتبر و قانون از طرف حکومت انقلابی تصویب شد که یکی حاوی ملی کرد ن چهار رصد کارخانه و موئسسه بود و یگری مبین کرد ن باشکهای بود. در ۱۴ اکتبر قانون اصلاحات شهری تصویب شد که بوجوب آن هر کس خانه اید راجه داشت و با موئسسه بازرگانی و کسب در راجه اش بود بمالک آن مبد ل میشد و کرایه-ای که تأثیرپذیر اخته بود جزو پیش پرداخت خانه بحساب میاد. اضافه برآن دلت طی سال اول انقلاب ۰۱۵ هزار خانه درون ساخت که در اختیار اشخاص بی خانه و یا سانینه در شرایط بد مسكن زندگی میکردند گذاشت. میشه این خانه هارا با قیمت ارزان و باقساط طویل العده (۱۵-۲۰ سال) به آنها میفروشند.

در ۲۴ اکتبر حکومت انقلابی در ریاض به توقف صادرات نکوه از طرف ایالات متحده امریکا، قطعنامه ای در تعقیب قانون ۱۴ اکتبر تصویب کرد که بوجوب آن ۱۱۱ موئسسه متعلق به احصار چیان ایالات متحده امریکا که بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار میشد ملی گردید. با این اقدام مهم شرایط برای پیشرفت مستقلانه اقتصاد کشورتامین شد.

محاصره اقتصادی

ایالات متحده امریکا بود یگری که عبارت از محاصره اقتصادی بود با کوچا آغاز گرد. روز ۱۸ اکتبر نیکنون معافون رئیس جمهور وقت اعلام کرد که حکومت امریکا به اقدامات جدی علیه کوادست خواهد زد. فردای آن روز شعبه تجارت خارجی هرگونه بارگیری از نداد رایالات متحده را بقصد کوبار سامانه کرد و مسرونه اعلام نمود که مواد خوراکی و پوشاشکی استثنای خواهد بود. ولی چند روز بعد کشی حامل مواد غذائی از کانادا را مجبور کرد که از بارگیری بقصد صرف نظر نکند.

این سیاست هم در عمل شکست خورد و بود ری کشتیهای بازرگانی حامل مواد مورد احتیاج کوآ از کشورهای سوسیالیستی و یگرگشورهای جهان سیویتی نداد رکوا رهسپار شدند. نتیجه این روزاول دسامبر همان سال ۲۱ نشست از گشورهای شوروی، چین، المان د موکراتیک، چکوسلوواکی، لهستان، یاپن، انگلستان، کانادا، فنلاند، سویس، جمهوری متحده، عرب و هند وستان در رسواحل کوکوتگراند اخت. نخست وزیر کانادا اعلام کرد که کانادا از سیاست ایالات متحده امریکا نتابه روی خواهد گرد.

بدینسان سال ۱۹۶۰ سال پرازد شواریها و فرازونشیب هابود ولی هرچه بود با پیروزی مردم کوآ و حکومت انقلابی واستحکام وعیقتراشند انقلاب و شکست ورسوائی تمام ماتورهای و اقدامات امیریا بیسم امریکا پایان یافت. در موقیت این نبردهای سخت بد و تردید عامل قاطعیت حکومت انقلابی و ایجاد نیازد ربرا رس تحریکات امیریا بیسم وجسارت و سرعت عمل شد ریاض بتمام فشارهای و شکلاتی که امیریا بیسم در مقابل مردم کوآ ایجاد کرد نقش بسیار مهمی ایفا میکند. انقلابیون کواد ربرا رس میکلند ایجاد میکند زانوزیز منعیزند و خم نمیشوند، بلکه بر عکس هر عمل امیریا بیسم رایا عکس العمل شد پیدا شریا سخ میکویند. اکرامیریا بیسم مشکل نفت را بوجود میاورد، کشور را تهدید ید قطع مواد سوختی و فلنج کرد ن کامل آن میکند دلت انتقامی پاسخ از ایام اصلی کرد ن ۰۰۴ موئسسه و ایانه میگرد. اکرامیریا بیسم کشور احصاره اقتصادی میکند، دلت آزابا طلبی کرد ن تما م مؤسسات متعلق به احصار چیان امریکا پاسخ میلود وغیره.

هدف امیریا بیسم وند انقلابیون د اخوا عقب کشید ن انقلاب و شکست آن، پاسخ حکومت انقلابی عمیقتراشند انقلاب و تحکیم آن میبود. این قاطعیت وجسارت در عکس العمل بتحریکات دشمن د رس بسیار بزرگی است که انقلاب کواد رقاپل تمام مازین راه آزادی و ضد استعمار کشورهای نشیر کووا و از جله میهن ما قرار میدهد. از خصوصیات بر جسته انقلاب کواده تنها مقاومت و عکس العمل شد رمقابل امیریا بیسم بود بلکه قاطعیت و سرعت عمل آن در سرکوهی ضد انقلاب را دل کشورهای بنویه خود بر جستگی خاصی دارد. حکومت انقلابی تحریکات وتلاشهای ضد انقلاب را که بصورت ترور، اتش سوزی، خرابکاریهای دنیاگون، تحریث مردم علیه انقلاب وغیره تناهی میکرد جسوسانه هد ون کذ شت سرکوب کرد و از این راه برای امیریا بیسم زمینه د اخلي یا قی نگذشت. سال ۱۹۶۱- سال تعلیمات ۰ اگرنسال ۱۹۵۹ سال آزادی و سال ۱۹۶۰ سال اصلاح ارضی بود، سال ۱۹۶۱

سال تعلیمات اعلام شد. هدف آن در رجه اول ازین برد ن بیسواندی در کهای، ایجاد مد ارس لازم متناسب احتیاجات اطفال آماده بتحصیل، اصلاح و مکاریزی کرد ن تعلیمات بود. در کهکشان نویسه کشورهای امریکای لاتین است، بعلت شرایط دشوار اقتصادی، و استگی آن با امیریالیسم واستثمار از طرف اصحاب چیان خارجی، عقب ماندگی صنعتی، تضاد بزرگ طبقاتی، قبل از انقلاب ۳۱٪ مردم بی سواند بودند که ازین عدد ۴۱٪ آن در دهات و ۱۱٪ آن در شهرها تقسیم شد بودند. ۸۰٪ از این انقلابی بیسواند بودند.

کوهاد رواح پی امثالهای آشکار کشور است که امکان پیدا نکرد، بود تعلیمات ملی را بعلت استثمار سرمایه داری گسترش دهد. این واقعیت تنها از وجود ۳۱٪ بیسواند ناشی نمیشود. صدها هزار کودک بعلت نبودن در رسمه پا بر هنر د رکوچه های بد و دنیا مادر امن ابتدائی را بعلت فقرخانواده ترک میکردند. یک کشور کشاورزی نظیر کوهاد فقط شش درصد رسمه کشاورزی داشت که در آن فقط چند صد نفر تحصیل میکردند. ملت که در بیک جزیره زندگی میکنند حتی یک درصد رسمه ماهیگیری نداشت. کوهاد رهمسایی بزرگترین کشور صنعتی دنیا قراردارد اراده فاقد حقیقتی یک درصد رسمه صنعتی و فنی بود، برای اینه استثمارگران فقط بـــ کارگر ساده و بازارهای مواد خام و بازار برای اعتماد خود احتیاج دارند و ســـ

کوهاد رسال جاری وظیفه دارد یک میلیون و نیم افراد سالمند را بی سواند کند. این کار را قابعه زگی است که برای پیروزی آن همکاری تمام ملت لازمت. همه احزاب و سازمانهای میانی، اتحاد یه کارکران، سازمان جوانان و اشنجویان، سازمان دانش آموزان، زنان، ارتش ملی، بنگاه اصلاحات ارضی و سازمان معلمین و غیره در آن فعالانه شرکت دارند. شعار معنوی اینست:

اگر بیسواند بـــ یک میلیون و نیم افراد را بـــ بیاموز - اگر بیسواند ازد یک ران بـــ بیاموز

ما برگادهای کودکان از ۱۰ تا ۱۵ سال را بدیم که با شوق فراوانی صد ها هزارها با مشعل به مناطق کوهستانی و دهات دیرافتاده مرفقند تا به پدران و مادران خود خواندن و نوشتمن یاد دهند. تنها ۱۱ هزار تن بعد اشتجوود انش آموز برای اینکار ایام نویسی کردند.

در رسال اول انقلاب ۱۰ هزار در رسمه در مناطق کوهستانی و دهات دیرافتاده ساخته شد. ۲۴ هزار در رسمه ۶۴۰۰۰ هزار در رسمه ساخته شد. ۲۴ هزار آنده حکومت انقلابی در وسائل حکومت بیش از ۱۵ هزار در رسمه احدا کردند. ۲۴ دهات انقلابی بعد از این سیکل دوم را در پرابر کردند.

کوهانه اکشام امریکای لاتین است که سریاخانه های را بـــ رسمه و مرآتک تحصیل و تربیت میدل کردند. ۱۱ مرز بزرگ نظامی و سریاخانه بهمین منظور مدل بـــ امریکا میشون و پیروز کودکان و نوسلان شدند. ملیونها د لاران بودند و وزارت فرهنگ و بنگاه اصلاحات ارضی و پیکرسازمانهای سیاسی و تدوین ای در راه مبارزه بـــ بیسواندی صرف میشود. دولت انقلابی در اختیار فرزندان دهقانان و کارکران صد های بیرون تحصیلی، مسکن و امکانات دیگر گذاشتند که بد ون اشکال به تحصیلات عالی پیدا نزدند.

امریز کارزار علیه بـــ بیسواند با قدرت و شورتامد در جریان است. فراموش نشود که چنین مبارزه بـــ بزرگ در ده رانی انجام میگرفت که امیریالیسم که از امورهای "سالم امیز" سال ۱۹۶۰ مایوس شد بـــ بود و در تدارک جدی جمله نظامی بـــ بکواید، نقشه ایکه بالآخره در آوریل جامعه عمل پوشید. ماهها وقت و انرژی و پول مملکت صرف آماده باش، تجهیزیرو، بالآخره چنک با مهاجین و ترمیم خرابهای ناشی از آن شد.

تجربه کوهانشان میدهد که ازین بـــ بیسواند یک امر فنی نیست و مستقیماً با مبارزه علیه حکومت های دست نشاند و مبارزه برای تأمین حاکمیت و استقلال ملی بـــ است. بد ون آنکه و شوران اقلابی توده های تحصیل کنند و تعلیم دهند، بد ون وحدت دولت و ملت، بد ون بناراند اختن تمام دستناده و ایشان و سازمان های توده ای، بد ون اصلاح ارضی و آزاد کردند دهقانان، مبارزه با بـــ بیسواند محتوی خواهد داشت و در نشیزه نظیر میهن ما هرگز به نتیجه قطعی نخواهد رسید.

حمله نظامی آوریل

امیریالیسم امریکاد شعن شماره یک انقلاب کویا و قتی از اقد امات متعدد خود در رسالهای ۱۹۵۹ و بخصوص سال ۱۹۶۰ مایوس شد از حریه چنک سرد به تدارک واقعی حمله نظامی پرداخت. دولت شوروی در

اعلامیه خود صریحاً و قیاً گفته بود که در صورت مداخله مستقیم امریکا و تجاوز کویا با موشک از کوهاد فاعل خواهد کرد . بهمین منظور یا لات متحد امریکا با جمع ایری نیروهای ناراضی و مهاجر از اینجا و آنجا و تمام ضد انقلابیون به آنها تعطیلات نظامی داد و کماند و های جمله ترتیب داد . ایالات متحده تصویر میکرد که دولت انقلابی کویا پایا کاهی بین مرد و مرد روایت دارد ام تبلیغات دروغین مخالف خود و کارشناسیان رست آلن دالس قرار گرفته بود . نقشه آنها این بود که نطقه ای از کویا اشغال کنند بعد از استقرار در آن محل حکومت کهای آزاد را به انجا منتقل کرد . پاشنا ساند ن آن از طرف چند کشور است نشانه وغیره اقدامات بعدی و مداخله مستقیم را توجه نمایند . ولی اقدامات قهرمانانه هقنان و کارگران کوایا و جانیاری ارشن ملی به ارشن مزد و مهملت و مجال نداد و در مترز ۷۲ ساعت از تاریخ ورد آنها تاریخ را مشارک کرد وصفحه درخشن نازه ای در تاریخ انقلاب کوایا شد و داغ نگ و سوای تازه ای برپیش نی رهبر دنیای آزاد زد .

فید لکاسترو قویا پیشینی میکرد و معتقد بود که قربان حمله نظامی خواهد شد . افراد یکرکابینه چنان حماقت را از طرف امپریالیسم بعید مید بند . بهمین علت روز قبیل ازیاده شد ن مهاجین ، فید از طرف حکومت انقلابی جنبه سوسیالیستی انقلاب را بستم مرد و جهانیان اعلام کرد . او گفته بود که مسلماً یعنی رهای حمله خواهد بود و در چنین صورتی اوه جبهه رفته و رهبری معمليات نظامی را بعده د خواهد گرفت و میکست بمیرد ، اذا میخواهد اول مردم کوایا خوب بد اند که موضع اول را انقلاب کوایا چگونه بوده ، ثانیاً مردم کوایا اند که تنها راه نجات آنها سوسیالیسم است ، ثالثاً مردم کوایا رد فاعل از میهن از محظی انتقام را میگیرند . هم باخون دفاع نمایند . شهیدراست که پلیس و ارشن راحلیه فریاد میکشیدند : زنده باد انقلاب سوسیالیستی ما ، زنده باد کوایا بعید ان جنگ میرفتند .

اصلاحات ارضی

چنانچه از پیش مربوط بتأریخ کوایا بر اراضی وسیع (مالکیت بر اراضی وسیع) از قرن ۱۶ در کوایا متداش شد بود . بد و زمین هادر را مالکیت شاه اسپانی بود که امپریالیست داری و باشت و وزرد را اختیار گزوهی از اسپانیولیهای مهاجر در کوایا میگردشت که بتدیرج باین ترتیب منای مالکیت بزرگ بزمن (لا یقیوند یسم) (گذشته) میشود . بتدیرج کره ئولها در اثر نسلها زندگی در کوایا و امیختن با محیط و گرفتن خوش بود . پرتفن سنت و خصوصیت محل و همچنین بمناسبت احتیاجات و منافع اقتصادی که در تضاد بازار کنان اسپانی بودند ، همراه با مردم اولین تلاش را برای جد ای از اسپانی و استقلال کوایان نمودند . ولی این به چوجه حل مسئله لایقیوند یسم که در نتیجه آن عده کمی شروع نمیشدند و از طرف دیگر تهدید های در هقنان و کارگران کشاورزی د رفق و فاقه میلویلدند .

در این دو ره (اوخر قرن ۱۶) اقتصاد کشاورزی کوایا مشکل اموری خود را گرفته بود . استعمار باقتضای سیاست خود کشت واحد (mono culture) را در کوایا میگرد (قریب یک میلیون تن) و این ترتیب اقتصاد کوایا را ایجاد و بسته بزار خارجی و نوسانهای بین المللی میکرد .

جنگهای استقلال که از ۱۸۹۵ تا ۱۸۹۷ در هدف نشانگل ساختن کوایا استقلال و ازین برد ن لایقیوند یسم بود .

در آن ایام خوزه مارتین نوشت :

* انتشار یک ملت روزیست که حیاتش را بسته به کشت واحد باشد *

اوهمچنین درباره ازین برد ن مالکیت بزرگ ارضی نوشت :

* غنی ان ملتی نیست که دران فقط معدودی شروع نموده استند ، بلکه بر عکس کشوری غنی است که دران هر فردی کمی شرود داشته باشد . از نظر اقتصاد صحیح و حکومت خوب تقسیم اراضی راه معاد تند کرد ن ملت است *

این افکار خوزه مارتین و شعارهای انقلاب ۱۸۹۵ بعلت مداخله ایالات متحده امریکا جامه عمل نپوشید . کوایا را قید استعمار اسپانی آزاد شد ولی جای آنرا بلا فاصله سرمایه داران و انحصار چیان ایالات متحده

گرفتند. هفته‌ای نبود که سود اگران امریکایی شمالي برای خرید زمین ارزان قیمت و انحصار اقتصاد کوهاد ردست خود به آنجا سازی نشوند. دریابان قرن ۱۹ مجموع سرمایه ایالات متحده امریکاد رئوبایه پنجاه میلیون دلار بالغ بود، حال آنکه سرمایه ایالات متحده در مجموع کشورهای امریکایی لاتین پرجمعت باشند مقدار میرسید.

جنیشهای دهقانی پخصوص د راوان سال ۱۹۲۳ باج خود رسید و بار دیگر در ۱۹۳۷ امسرگرفته شد. بورزوها و سیاستداران مالک که از جنیشد هقانان د چاروچشت شد بودند، انواع و اقسام مواعید رابرای اصلاحات ارضی را دند و د رعلم روشن شد که بورزویی عاجز از اجرای آن جناب اصلاح اساسی است که دهقانان کوهاد را تنظیم آن هستند. علیرغم اینکه در قانون اساسی ۱۹۴۰ مسئله تحدید مالکیت زمین تصویب شد، بود حکومتها بعده دست نشاند. امریکاییم و خصوصی پکاتوریاتیستا آن قانون را به بوته فراموشی سپردند و ایستماروچاول د هقانان یا شدت پیشتری از طرف زمین داران امریکائی و محلی اداء یافت.

در اوین عمل انقلابی برهبری فیدل کاسترو در ۱۹۵۲ د رموقع حمله به سربازخانه مونکادا آنجام اصلاحات ارضی قطعی و داد زمین بد هقانان ازهد فهای اساسی جنبش ۲۶ ژوئیه بود. در جریان قیام مسلحه ۱۹۵۶ د هقانان با این ایمان و اعتقاد به ارتش انقلابی پیوستند که در عین بدست آوردن آزادی زمین هم بدست خواهند آورد. د هقانان که قیام کرد بودند میگفتند که اسلحه ام را بزمین نخواهمن گذاشت تا وقتیکه زمین بدست آوردم. چنانکه قبل ذکر شد ۸۰٪ از مجموعه ارتش انقلابی را د هقانان بی زمین و کارگران کشاورزی تشکیل میدادند.

وضع کشاورزی قبل از اصلاحات ارضی

کویا جما کمی بیش از ۹ میلیون هکتار زمین زیرکشت دارد که بین در حد و ۱۶۰۰۰ کشت زار تقسیم شده بود. از این مقدار ۴۷٪ در رختیار لایتفوند پست هاوندز یک به یک میلیون و نیم هکتار را رختیار شرکت‌های خارجی بود. د مرکز شکرمهم که در مالکیت کمپانیهای امریکائی بود هر کد ام زند یک به ۱۰۰ هزار هکتار زمین در اختیار داشتند. پنج کمپانی مهم امریکائی (۱) مالک بیش از نیم میلیون هکتار زمین بکردند، حال آنکه صدها هزار د هقان کشاورزی حتی یک متزمین بزرگ بیش از ۵۰٪ زمینهای زیرکشت را در اختیار داشتند.

در کویا ۱٪ مالکین بزرگ بیش از ۵۰٪ زمینهای زیرکشت را در اختیار داشتند، حال آنکه فقط ۱۱٪ زمینهای زیرکشت در رختیار ۷۱٪ ازد هقانان بود. ۸۵٪ کشاورزان کویا ازراه اجاره زمین زندگی خود شان را تامین میکردند. کویاد روابع یک کشاورزی و مولو مواد خام بود. تمام مواد مورد احتیاج کشاورزی را در رجه اول و بطور عددی، از ایالات متحده امریکا وارد میشدند. وسائل کشاورزی بخصوص د رزمینه کله داری همان وسائلی بود که اهالی بومی از کشف امریکا بکار میبردند. ۹۰٪ دهات بی حمام و بد ون بر قب بود. قبل از اصلاحات ارضی در کویا بیش از نیم میلیون بیکار بود که قسمت آنرا د هقانان تشکیل میدادند.

قانون اصلاحات ارضی

قانون اصلاحات ارضی در ۱۷ ماه مه ۱۹۵۹ از طرف حکومت انقلابی اعلام شد. این قانون مالکیت بزرگ ارضی (لایتفوند یسم) را ازین برد. طبق قانون حد اکثر ساحت زمین برای مالکیت خصوصی ۳۰ کاپا بیرا تعیین شد (در حدود ۳۹۰ هکتار). در واقع تعداد افراد که بیش از ۳۹ هکتار زمین داشتند فقط ۱٪ را تشکیل میدادند و همین منابت اصلاحات ارضی در جهت منافع ۹۹٪ انسان بود. تمام زمینهای که از این حد تجاوز میکردند و لات بین د هقانان تقسیم نمودند. در تقسیم زمین، د هقانانی که از زمین خود بیرون ریخته شده بودند، د هقانان فاقد زمین و باد هقانانی که کمتر از میان "حد اقل حیاتی" زمین داشتند، کارگران کشاورزی و

(۱) اسمی این پنج کمپانی یقایزین است:

Cuban American Sugar Mill	-۱
United Fruit Company	-۲
Cuban Trading	-۳
Atlantica del Golfo	-۴
Punta Alegre Sugar Company	-۵

افراد ارتش قیام کنند و برتری داشتند («حداقل حیاتی» در حدود ۲۶ هکتار تعیین شده است)

بدین ترتیب رفم ارضی بیش از ۲۰۰ هزار هکتار از مساحت را به مردم کرد. قانون همچنین تحریصیل زمین و به این ترتیب افراد غیرنظامی ممنوع میگشتند. دهقانانی که سایقاز مینی که تراز ۲۶ هکتار را اجراه داشتند مجاناً ۲۱ هکتار را رفاقت میگشندند. دهقانانی که کمتر از ۲۵ هکتار را راجه داشتند از آن ۲۱ هکتار را صحاناییه رایمندی قیمت ثبت شده زمین میتوانند با شرایط مناسب بخرند. دهقانانی که بیش از ۲۵ هکتار را در راجه داشتند دیگر چیزی مجاناً رفاقت نمیگشندند ولی میتوانند حد اکرتاً ۳۹ هکتار را با شرایط مناسب و نسبت دولت زمین بخرند.

لایحه ارضی بارث برد ن زمین را مجاز میشمرد ولی مخالف با تقسیم زمین بین وراث است. علت آن جلوگیری از تکه که شدن زمین و تنزل تولید است. قانون ارضی برای جلوگیری از جدید بدیهیات مالکیت بزرگ ارضی در خرد و فروش زمین کنترل میگشندند، باین ترتیب که دهقانان حق فروش زمین خود را از دنی و لی اینکار را باید با اجازه بنناه ملی اصلاحات ارضی انجام بدهند تا انتظارات این بنناه امکان اینکه کسی موفق بخرد زمین دهقانان شده و مالک بزرگ تبدیل شود، ازین برود.

تمراف اراضی مالکیتی که بیش از ۳۹ هکتار زمین داشتند این ترتیب انجام میگیرد که دولت در مقابل زمین ملک مالکیت شده باشند اسناد قابل خرد و فروش با اسم "اسناد اصلاح ارضی" میدهد. این اسناد ۲۰ سال دیرقابل بود اختر هستند منتظر هرسال بپرداز ای که حد اکثر از ۵/۴٪ تجاوز ننماید، شامل آن میشود. این قسمت از قانون البته شامل کمپانیهای خارجی و همان را پایتیسا و فراریان از نشور میگرد. چنانچه قبل اشاره شد برای پیهود و اجرای اصلاح ارضی موسمه ای بنام بنناه ملی اصلاح ارضی ده رئیس آن فیدل کاسترو و مدیر اجرایی آن آنتونیو نوتز یکی از برجهسته ترین و مطلع ترین اعضا حزب موئیتیت توده ایست تشکیل شده است. بنناه اصلاح ارضی بیش از موسمه خود مختار است و از خود اداری کارمندان اقتصادی است و خلیفه دارد در تمام جهات قانون اصلاح ارضی را "اجرا" و تحکیم نماید. این موسمه بود جهه مستقل دارد و راضرف این بود جه کاملاً آزاد است. تعیین مناطق کشاورزی، تأمین کوپراتوها و تیمین آغاز نامه آن، انتصاب روسای کوپراتیو، تأسیس وادره مدارس تعلیمات کوپراتیوی، کلک بجزارت دارائی در تنشیم مالیات‌های خاص بمنظور پیشرفت امرکشاورزی، کلک بوزارت تجارت در تعیین تعریف های مرکزی وغیره را بعده دارد. خلاصه بی ازان دنی و مهر مهندسی این که میتوانند تمام تسبیلات و امیازات را داشتند این دهقانان بگذرد. هر روز بخشد سته جمعی کشاورزی راققوت و همراهی نند و باید اینکه مالک بزرگ ارضی محوادث نه برجوگیری نماید.

این بنناه ملی پیکال فعالیت خود بیش از ۱۲۱ میلیون دلارخان کرد که تماماً صرف خرد ماشین آلات، بذر، کود، مواد شیمیایی برای دفع آفات، کشت مناطق بکر، دادن قرضه بدهقانان (کوپراتیوی و فردی)، آبیاری، ساختهای مدارس، بیمارستان، راه وغیره شد. ازین بود اختر.

بطوری سیاست اصلاح ارضی بر ۱۰ نکته زیرین مبنی است:

۱- ازین برد ن مالکیت بزرگ ارضی

۲- مالک کرد ن دهقانان برای زمینها

۳- دادن وسائل تولید مورد احتیاج بدهقانان که قیمت آن را بپردازند ۴ درصد تأثیر خواهد

۴- بود اختر قرضه سالانه برای بزرگ اشت محصلو بالیک درصد بپردازند

۵- ساختهای خانه با شرایط مناسب که دهقان در عرض ۲۰ سال بدن بپردازند از خواهد بود اختر

۶- تخفیف خرد محصول دهقانان باقیت تعیین شده از همان آغاز کست

۷- تأمین فروشگاه به ترتیبی که دهقانان بتوانند مواد غذائی مورد احتیاج خود را بمقیمه حد اقل خرید

۸- تأمین شوشه برای اینکه دهقانان بتوانند محصول خود را برآخته حمل و نقل کنند.

۹- تأمین مدرسه، ارد و گاه ورزشی برای فرزندان دهقانان

۱۰- تأمین کامل حقوق اجتماعی بدهقانان و احترام بآنها مانند یک عامل سامی در رجامه کوها

برای جلوگیری از خطر تنزل تولید و همچنین ترسیم دهقانان بخوبیه از تمايلات خرد و بورژوازی وضایع تئک نظرانه فردی احترم کنند و برای بالابرد ن ترجیح تولید کشاورزی از همان آغاز اصلاح ارضی سیاست ایجاد

کوپیراتیوها و کشت دسته جمعی از طرف دلت انقلابی آغازگردید. این کوپیراتیوهاد رد رجه اول در زمین- لایتفوند یا که تقسیم شده بود تأسیس گردید. اعضاً آنها بارترند از کارگران کشاورزی، دهقانان بی‌زمن و کم زمین. نوع دیگر کوپیراتیون‌ها داشتند که هدفش ایجاد کشت محصولات متنوع بود. اضافه بر اینها مناطق کشاورزی بوجود آمد که چیزی شبیه به املاک دولتی سوسیالیستی است. کواعی‌ها آنرا "مزرعه خلق" مینامند. این مزارع در اختیار دلت است و کارگران کشاورزی با کارفن دستمزد را کار می‌کنند. تا این اواخر پیش از ۱۹۰۰ کوپیراتیوهای بیش از ۲۰۰ هزار هکتار غصه دارد بوجود آمد و هم اکنون نقش اساسی را در راقتصاد کوچک می‌دارند. مثلاً کوپیراتیوهای تولید شکرپیش از ۵٪ تولید کل شکر اراد را خبردار نمایند.

طبق توضیح رهبران انقلاب کوآکواتنه اکشوریست که در آن بالا فصله بعد از اصلاح ارضی تولید کشاورزی پائین نیامد بلکه بر عکس ترقی کرد و است. آمار پیش از اتفاق تولید را در رسال اصلاح ارضی نشان نمیدهد.

نوع تولید	۱۹۰۹	۱۹۶۰
برنج	۶۸۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰۰
حبوبات	۲۲۰۰۰۰۰	۲۲۲۱۰۰۰
سیب زمینی	۲۱۶۰۰۰۰	۲۴۷۰۰۰۰
ذررت	۱۷۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰
کتان	۴۷۲۵۰۰	۱۲۰۰۰۰۰

امروزه دهقانان ذات انقلابی و میهن پرست کواعی زمین ازد دلت انقلابی گرفته اند و هر روز با تمام نیرو از طرف دلت پشتیبانی می‌شوند از استوارترین و وفادارترین خدمتکاران انقلاب هستند. امروز صد ها هزار دهقان د ریک دست اسلحه گرفته و پادست دیگر تولید می‌کنند. اعتقاد و وفاداری دهقانان با انقلاب دلت انقلابی یکبار دیگر رجزیان حمله ضد انقلابیون بکوادار را از پل همین سال و قیمتی شایست شد که نه تنها حتی یک دهقان بجانب خدمت انقلابیون نزفت بلکه بر عکس در ۲۴ ساعت اول تا وقتیکه نیروهای نیروهای مشکل دلت بر سردهمان دهقانان محلیاً وسائل و اسلحه مسدود و خود جلوه شمنان وطن را گرفته و نقشه شان را برپا دادند.

تجربه اصلاح ارضی در کوشاشان میدهد که تقسیم زمین بد دهقانان خود بخود کافی نیست و در دهقانان راعلاع نمی‌کند. در شرایط امروز سهله گرفتن زمین از طرف دهقانان یا مسئله بدست گرفتن حکومت از طرف آنها و طبقات انقلابی دیگر پیوند ناگستینی دارد. دهقانان که زمین گرفته اند بد ون کمک مادی و معنوی، دلسوزانه وصمیمانه تمام کشوار دیگری نمی‌پاید که برای فرار از گرسنگی زمین خود را بد پکران می‌فرستند و همراه بصفوف دهقانان بی‌زمین و فقری را زیستگاه می‌پیوندند. دهقانان کواعی‌چنانه گفته شد با اطمینان به بدست آوردن زمین و آزادی به قیام کنندگان پیوستند، لایتفوند پست ها و پورٹو را بزرگ رایه جبراز حکومت خلخ کردند، حکومت انقلابی که یکی از هدفهای اصلی اش را اصلاح ارضی قرار داده بود مسلحانه تقویت و پشتیبانی کرد و تحیر راکت خدمت انقلابی و پیغمبریا لیسم را باشد اکاری در هم شنستند. دلت انقلابی کواعی‌بنوی خود برای تجارت دهقانان از ایل زندگی توانم با نیمه گرسنگی داشتی و پیماری و بد بختی تمام نیروی خود را صرف کرد. بنگاه ملی اصلاحات ارضی که می‌باشد اختیارات شبیه بیک دلت کامل بود ایجاد و تقویت کرد تا اصلاح ارضی را باقدرت و سرعت هرچه تمام را جراحت نماید.

اینهاست آنچه که انقلاب کواد رمسهله ارضی می‌اموزد.

سخن مادر ریاره انقلاب کوادیا یان نرسید. لازم است در ریاره حزب سوسیالیست توده ای کواعی و نقش آن در انقلاب کواد و همچنین در ریاره مسئله میهم و حال ماهیت انقلاب کواد و رونمای آن نیز صحبت شود. برای احتراز از طولانی شدن مقال بحث در ریاره این دو نکته را به بعد موقول می‌کنیم.

شیه‌ای در باره

جنبیش وضع کارگران ایران

مقدمه

ایجاد راههای شوسه و خطوط راه آهن، تاسیس بانکها، سطاد امنه سرمایه های خصوصی د اخلى، پاشیده شدن اختصار نیمه غنیمتی، ایجاد بازار اخلى سرمایه داری که منجر برآشت نسبی علتی محروم د رایان درینجا سال اخیر و گسترش می‌سپاس سرمایه داری در شهرهای تهران، منجر برآشت کی و گفته برولتاریای صنعتی دشوار ماست.

اکرسال ۱۳۰۰ شمسی تعداد کارگران صنعتی ایران اندک بیش از ۲۰ هزار تن تخمین زده میشند، در سال ۱۳۲۸ شمسی ۷۱۸۱۰۶ نفر در صنایع گوناگون کشور مشغول طربه اند (۱۰)

باتوجه با آنکه هنوز بسط صنایع در اکرپرها ایران مراحل ابتدائی را طی میکند، افزایش بعد اد کارگران در دست تغذیه ای از جمله سال قابل توجه است. بد و ترد با توسعه مناسبات سرمایه داری رشد کسی برولتاریای نیزد رسیده مانند ماقروری خواهد یافت. با وجود این هم اکنون بد و اغراق میتوان گفت که طبقه کارگر چه از لحاظ کیفی بیک نیروی عالیم میباشد. اینکه طبقه کارگر، نشان نیزد کی اجتماعی جامعه مافزونی یافته است.

</

پرولتاریای صنعتی، ایجاد آموزشکاههای ابتدائی و عالی و پدیدآمد ن روشنگران ملی و متفرقی باعث شد بد جنبش سند یکاچی شد. در سال ۱۲۹۷ شمسی دشپرهاي تهران، تبریز، رشت و اصفهان نیواره ای از نقا ط دیگر جنبش سند پاکشی قوت کرفت. در سال ۱۲۹۸ اتحاد یه کارگران چاچانه ها برای نخستین بار دست باعتصاب زد. درنتیجه این اعتصاب که ۱۴ روزه اول انجامید کارگران موقق به مدد و ساختن ریزکارو بهبود شرایط کارشدن. علاوه براین درد بذرخاط شور نیز اعتصابهای رویداد که کم پیش با موقعیت انجام یافت. از آنچه است اعتصاب کارگران نفت آبادان که در سال ۱۳۰۰ بوقوع پیشست. باید هنذ کرشد که این درجه همارزه کارگران ایران تنهایا رازه اقتصادی برای تأمین وضع مادی و شرعاً عادل کاربود. نخستین شکل همارزه طبقاتی یعنی همارزه اقتصادی در رشد نهضت انقلابی کارگران ایران نتشیانی داشت. همارزه اقتصادی در آن دوران که زیادی بجلب هرچه بیشترزحمتشان و تنشکل و تجمع آشکار کرد. برای راین مبارزات همکاری طبقاتی کارگران ایران توسعه یافت و این امر نیز یعنی خود موجب ازدیاد سند یکاها مختالف کارگری گردید. در سال ۱۳۰۰ نتهاد رتهران ۱۵ سند یکای کارگری تشکیل شد. بود که کای آننهاد را تحدید یه کارگران تهران جمع بودند. به ابتکارهای مین اتحاد یه بود که برای نخستین بار در تاریخ نهضت کارگری ایران روز اول ماه مدرکشون را ماجشن گرفته شد. هزار دسایه مبارزات همین اتحاد یه بود که دلت و شوق الد ولے مجبور شد روزگار ۸ ساعه و آزادی عمل اتحاد یه های کارگری را برسیمیت بشناسد.

در خرد اد ماه سال ۱۳۰۰ با تشکیل شورای مرکزی اتحاد یه های حرفة ای، دله سند یکاها ای ایران در اتحاد یه منزبور مشکل و متحده شدند و بینظریق تعداد کارگران غصه شورای مرکزی اتحاد یه های حرفة ای پس از اربع سال بالغ بر ۳۰ هزار تن بود. از این تاریخ همارزه کارگران وارد مرحله جدیدی شد. زیارتگران اعلوه بر خواستهای اقتصادی خواستهای سیاسی از قبیل آزادیهای دموکراتیک و کوتاه کردند دست امیر پیغم از شئون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را نیز میان کشیدند. شورای مرکزی اتحاد یه های حرفة ای از طرف سند یکای جهانی کارگران که در فاصله بین دوچک جهانی فعالیت مکرر برسیمیت شناخته شد. در سال ۱۳۰۴ دلت که از سیستم شفود سند یکاها کارگران درین زحمتشان بوحشت داشت بود

فعالیت شورای مرکزی اتحاد یه های حرفة ای را غن کرد. ولی کارگران دست از همارزه نکشیدند. اعتصاب بزرگی که در سال ۱۳۰۸ در توانای نفت خیز جنوب روی داد و همچنین اعتصاب کارگران اصفهان در سال ۱۳۱۰ که منجره برقراری کارروزانه ۶ ساعه کرد تعلیم بارزی از مقاومت سرخست کارگران در شرایط سخت ترور پیامی د مقابله ارتقاب عادلی و امید ایسم بود.

در سال ۱۳۰۷ کارگران ساختمان راه آهن سرتاسری ایران در شعل موفق بتشکیل اتحاد یه مخفی خدید گردیدند. اتحاد یه های راقد غن کرد. ولی کارگران دست از همارزه نکشیدند. این اعتصاب که در آن بیفزار ۸۰۰۰ نزدیکی داشتند با موقیتی بیان رسید. در سال ۱۳۱۵ تعداد کمیزی از کارگران ساختمان راه آهن سرتاسری ایران در شعل اوضاع اتحاد یه کارگران راه آهن بودند. مرحله بعدی رشد جنبش سند یکای کارگری در کشور ما زمهمراه سال ۱۳۲۰، یعنی با تشکیل حزب طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران آغاز میزد. با تشکیل حزب توده ایران که رایدیه شرایط معین جتماعی ایران بد تغییرات اساسی دارو اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور آغاز شد. رشد کی صنایع ایران، توسعه و تکامل صنعت نفت، احداث راه آهن سرتاسری ایران، ایجاد کارخانه های دلت و خصوصی پرولتاریای صنعتی کشور ایه نیروی سیاسی علیعی تبدیل گردید. ولی چنانکه در فوق مذکور شد یم قبل از تاسیس حزب توده ایران اتحاد یه های کارگری موجود در کشور بر اساس تضییق و فشارهایی که نمیتوانستند آنراوریکه باید بشکل نوین و در مقیاس وسیعترها شرکت عده بیشتری از کارگران بوجود آمد.

زمینه در راه اتحاد و اتفاق گام نهادند و بینسان زمینه را برای وحدت کلیه زحمتشان کشور تحت رهبری حزب توده ایران آماده ساختند. حزب توده ایران بخشش میم پرولتاریای صنعتی و زحمتشان کشور امشکل کرد، با تشکیل سازمانهای صنعتی آنان کمک نمود و باعثت با یجاد شورای مرکزی اتحاد یه های کارگران ایران در سال ۱۳۲۱ طبقه کارگر میهن مارا بخونان یک نیروی متحد و مشکل وارد میان مبارزات اجتماعی و سیاسی کرد.

شورای مرکزی اتحاد یه های کارگران ایران در مدت تو tahی سند پیاها های کارگری د رمرکز صنعتی کشور از آن جمله اصفهان ، تبریز ، مشهد بوجود آورد و در اوخر سال ۱۳۲۱ توانست ۲۰ هزار نفر از کارگران را مشتمل سازد .

از سال ۱۳۲۲ یعنی پس از تشکیل شورای متحد ه مرتب اتحاد یه های کارگران وزحمتکشان ایران که از طرف کلیه نیروهای مترقبی د موکراتیک پشتیبانی میشد ، کارگران ایران دست بعازیزات بین سایه ای در راه بهبود وضع زندگی پیش از آزادیها د موکراتیک زدن ده که در تاریخ کشورهای خاور نزدیک بی سایه بود در سال ۱۳۲۳ درنتیجه مبارزات مستمر حزب توده ایران و شورای متحد ه مرکزی د ولت لایحه تاون کارای مجلس برداش را لایحه منور کارگران روزانه د و دفعته مخصوص سالیانه با استفاده از حقوق ، هفته مخصوص برای زیان کارگر بارد ار منع استفاده از کارگردان تا سن ۱۲ سالگی و تأمین بیمه های اجتماعی برای کارگران و کارمندان د رناظر رفته میشد . ولی اکثریت مترجم مجلس در ۱۴ مانع مذکوره د پیرامون لایحه منور گردید .

شرکت نمایندگان شورای متحد ه مرکزی اتحاد یه های کارگران وزحمتکشان ایران در رکنگر فدراسیون سند پیاها های جهانی د ریاضی د رسال ۱۳۲۴ و بدین پر فته شد ن شورای متحد ه مرکزی بحضورت فدراسیون سند پیاها های جهانی د رسال ۱۳۲۵ موقتیت سند پیاها های کارگری ایران را در رضمنه جهانی بیش از پیش مستحکم ساخت .

کارگران وزحمتکشان ایران تحت رهبری حزب توده ایران به تحکیم هر چه بیشتر سند پیاها های کارگری پسر اخته در راه تأمین حقوق صنفی و تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران مبارزات سرخست و پیگیری را آغاز نمودند .

در خرد اد ماه سال ۱۳۲۴ کارگران نفت کرمانشاه برای احقاق حقوق خود دست باعتصاب زدند . اعتصاب نمیزده از طرف اتحاد یه های خفی کارگران رهبری میشد و میش از ۹۵ هزار کارگردان شرکت داشتند مدت ۶ روز ادامه داشت . خواست کارگران عبارت بود از تامین روز کار ۸ ساعته ، یکروز مرخصی در رفته ، پرخواست حقوق ایام مرخصی ، اضافه حقوق و شناسایی معمی سازمانها کارگری . اعتصاب کارگران کرمانشاه درنتیجه د خالت پلیس و مومنین انگلیسی تعمیق ماند . شرکت نفت انگلیس و ایران ۴۰۰ نفر از اعتصابون را زد کار اخراج کرد . ولی ترور پلیس و اعمال مومنین انگلیسی توانست مانع مبارزه کارگران نفت گردد . یکمال بعد اعتصاب کلیه نواحی نفت خیز جنوب را غرق کرد . کارگران بامارزه بید ریخت و پیگیر خود شرکت نفت انگلیس و ایران را مجذوب بقول خواسته های خود نمودند و بدین طریق در رسال ۱۳۲۵ موقعاً به تشکیل سند پیاها های کارگران نفت خوزستان گردیدند و این سند یکا سپس الحاق خود را به شورای متحد ه مرکزی اتحاد یه های کارگران ایران اعلام داشت . در این سال بود که تعداد اعضا های شورای متحد ه مرکزی اتحاد یه های کارگران وزحمتکشان ایران بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر گردید . هزار در هر هیئت سال بود که د ولت تحت فشار شورای متحد ه مرکزی مجبور توصیف قانون جدید کارشد . در قانون منور تأمین روز کار ۸ ساعته ، ۳۵ درصد اضافه حقوق ، تشکیل سند وق تعاون و بد اخ ۳٪ از حقوق (۱٪ بحساب کارگران و ۲٪ بحساب موئسه) بصنده وق منور ، یک روز مرخصی در رفته و د وفته مخصوصی در رسال و همچنین قبول تعabilی رسی کارگران در روز اول ماه مه با استفاده از حقوق منظور گردید .

در رسال ۱۳۲۵ د ولت متوجه تعبیین حد اقل د ستد بیزمان ۴۰ ریال برای نوایی نفت خیز خوزستان و ۳۵ ریال برای سایر نقاط ایران شد .

باید مذکور شد که چون کارخانه د اران بنزک و مخصوص شرکت نفت انگلیس و ایران از اجرای قانون کار سر بازمیزدند ، این مرحله از مبارزات کارگران منحصر بقولاند اجرای قانون کارگردید . در این پیشنهاد هر آن از طرف پلیس و قوای نشانی تبدیل میشدند د ۱۴ روز اعتصاب را با موقتیت ادامه دادند . ولی شرکت نفت با آنکه اجرای قانون کار اتعهد کرد ، بعد از خاتمه اعتصاب جدد اتعهد خود استثنا جست . بدین مناسبت تقدیم و ماه پس از اعتصاب آغاز جاری ، کارگران نفت آبادان ، آهواز ، مسجد سلیمان ، آغاز جاری شروع باعتصاب کردند . در این اعتصاب که یکی از بزرگترین اعتصاب های تاریخ نهضت کارگری ایران بشمار می روی بیش از صد هزار نفر کارگر شرکت جستند . اعتصاب کنند کان خواستار د خالت شرکت نفت در حیات سیاسی کشور ، انحلال شعبه سیاسی ، برکناری مصباح فاطمی استاندار خوزستان و اجرای کامل قانون کار گردید .

اعتصاب پس ازد ورژن با موقوفیت خاتمه یافت.

پس از جاده سوئیتیک بشاه در سهمن ماه ۱۳۲۷ حزب توده ایران، شورای متحده مرکزی و دیگر سازمانهای ملی بد موکراتیک از طرف دلت غیرقانونی اعلام شدند. طبقه کارگر ایران به لام گمیختگی ارجاع با اعتصاب و نمایش پاسخ داد. اعتصاب کارگران در تهران، تبریز، اصفهان، آبادان، کرمان، لاهیجان و دیگر نقاط کشور راین در وران نمود اما روز نمود این روز از مقاومت زحمتکشان در مقابل فشارهایت حاکمه بود.

در رساله ۱۳۲۴ بعوات این نهضت ملی مبارزه طبقه کارگر ایران نیز شدت یافت. اعتصاب همگانی کارگران خوزستان که در این در وران روی داد، پیکری طبقه کارگر را در مبارزه علیه امپراطوری ایامی و ارجاع نشان میدهد. دلوات وقت بالاعذام قوا ننانی و تعیین سپهبد شاه بختی به استانداری خوزستان باعتصاب کارگران با گلوله و سرپریزه پاسخ داد. در نتیجه این وحشیگری سپهبد ۱۸ نفر کارگر گرو ۲ کودک بینگاه بهلاکت رسیدند و حد هنگرایان کارگران زند این شدند. این اعتصاب از طرف کلیه کارگران و سازمانهای متفرق کشوری خصوص حزب توده ایران حمایت میشد. کارگران تهران، اصفهان، رشت، شیراز و مقاطعه دیگر شهری تظاهرات متعددی پشتیبانی خود را از کارگران آبادان و یک مناطق نفت خیز ایران اشتند و خواستاریوتاه کردند دست امپراطوری ایامی از ایران گردیدند. اعتصاب منورین از مکماه با موقوفیت بیان رسید. مقاومت ساخت کارگران دلوات و شرکت نفت را مجبور عقب نشینی کرد و بدین ترتیب برخی از خواستهای اعتقادی و سیاسی اعتصاب کند که برآورد شد.

تاریخ مبارزات نهضت کارگری ایران سرشمار از صفحات درخشانی است که میتواند سرمتشق شایسته ای برای نسل جوان کارگران کشور ما گردد. مبارزه در راه ملی کردن صنایع نفت ایران که طبقه کارگر شریجسته ای در آن اتفاق میکرد نونه دیگر از مبارزه کارگران و کلیه زحمتکشان ایران در راه استقلال ملی و کوتاه کردند دست استعمال از کشوری بود.

در رسالهای ۱۳۲۲-۱۳۲۰ باتشدید فشار امپراطوری اقتصاد داخلی وضع اقتصادی کشور روز بروز رو بخاست میرفت. تزلزل روزگار فوزن سطح زندگی عمومی موجب شدن بد فقرنسی و مطلق طبقه کارگر ایران میشد. در رسالهای منور کارگران ایران برای بهبود سطح زندگی بیکانه حریه خود یعنی اعتصاب دست میزدند فقط در رسالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ در کارخانه ها و موسسات بزرگ تهران، تبریز، اصفهان، چالوس و نهیر بیش از ۲۰۰ اعتصاب رویداد. مهمترین این اعتصابها عبارت بود از اعتصاب کارگران سمنان، اعتصاب کارگران راه آهن سرتاسری ایران در رسالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۰ و اعتصاب کارگران کارخانه های تبریز و چالوس در رسالهای ۱۳۲۲-۱۳۲۰.

در رسالهای منور نیز طبقه کارگر ایران مبارزه اقتصادی را بامارزه سیاسی توان ساخت و در نخستین صفحه مبارزه کلیه تشرکها و طبقات جامعه در راه ملی کردند نصایع نفت، اتخاذ سیاست بیطری و مبارزه در راه صلح قرارداد است.

پیروزی کودتای ضد ملی ۱۳۲۸ در استقرار حکومت ترور و اخنثاق نتوانست مانع مبارزه طبقه کارگر ایران گردد. اعتصابهای کارگران کارخانه های کبریت سازی همدان، کارگاههای نقاشی تهران، نساجی اصفهان، کارگران بند روی خلیج فارس، کارگران شهرد اریشت، کارگران سد کرج، کارگران آبادان و کوهه پزخانه های تهران در رسالهای کودتا شهروند ایزغم خلل ناپذیر کارگران رشید و مبارزشوم رساند. بدست آوردن آزاد یهای د موکراتیک و بهبود وضع زندگی است. با پایان یافتن د وران فروکش نیز است و آغاز این نهضت ملی طبقه کارگر میمین مانیزد رخستین صفوی مبارزه علیه استعمال روزیم کودتا تاریخ رفت.

در رسالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۴ طبقه کارگر ایران بامارزه صفوی و سیاسی خود ادامه داد. اگرچه در این سال اعتصاب بزرگی و قوی نیوپست ولی امواج اعتصاب در اصفهان، آبادان، تهران و تبریز در تلاطم بود. همبستگی کارگران وحدت عمل آنها بیش از پیش قوت گرفت. طبقه کارگر ایران بیویه در وران انتخابات تائیستی و زمستانی سال گذشتند و در مبارزات عمومی خلق نشانه بزرگی ایفا گرد. طبقه کارگر ایران از امکاناتی که انتخابات را در پیش از وتجد بد آن بوجود آورد برای افشا ماهیت ضد د موکراتیک روزم شاه، برای پرده دری ازد سائنس و تقلبی انتخاباتی، برای طلب آزاد یهای د موکراتیک وارد میدان عمل شد. این مبارزات بخصوص د شهرهای بزرگ و کارگری نظیر تهران، اصفهان، آبادان و تبریز دامنه وسیعی یافت. طبقه کارگر ایران در جریان مبارزا مذکور پایه وحدت خویش را بامارزه های اجتماعی مانند انشجوبان و بازاریان استوار گردانید.

مختصری درباره وضع کنونی طبقه کارگر ایران

نقض قانون ملی کرد ن صنایع نفت و احیا و سلط اتحادیهای بزرگ نفتی پرمتابی زیرزمینی ایران، نقض قانون اتحادیهای خارجی و جانشینی کرد ن آن با سیاست اقتصادی "درهای باز" ، سلط سومایه های خارجی در اقتصاد کشور، اختصاراً من بهتر معنای از بودجه شهروندی مشارک نظامی که نتیجه وارد شدن ایران به پیمانهای تهاجمی است از مشخصات عده میاست اقتصادی دولت پیش ای است که پس از بودن ۲۸ مرداد بسیار کارآمد است.

در دهه اول پس از بودن تا نهایه از راه درآمد نفت، و اهمیات انتشارات خارجی طبق حسابی که نماینده سایپا مجلس آقای مهدوی مقدار در سوم اردیبهشت ۱۳۲۹ در مجلس منحل بیست کرد ه است ۲۰ میلیارد و چهارمیلیون دلار ارز بخزانه دولت وارد شده است . با وجود این زمانی که دکتر امیرکوشوار بدست گرفت با صراحت تمام بجهان این اعلام داشت که ایران در راستان روشنگری است و خزانه دولت تیهی است . معلوم شد که نتیجه این پیمانه در آمد و اهمیات انتشارات خارجی جز چند کارخانه که اهمیت و تأثیر و چند مدت ادامه جیزید یکریست . با توجه به آمار ارقام رسمی مربوط به تورم پول و افزایش هزینه زندگی نتایج تباہی آور سیاست است.

اقتصادی رژیم کود تابیش از پیش بولما میگردد .
واردات ایران در سال ۱۳۲۱ میلیون ریال و صادرات ۵۷۵۱ میلیون ریال یعنی ۷۲۰ میلیون ریال بیشتر از واردات بود . در دهه اول رژیم کود تابیه از جرایم میاست اقتصادی "درهای باز" این وضع سال بیش تغییر کرد و در نتیجه میزان واردات در سال ۱۳۲۶ بسیار برابر در سال ۱۳۲۷ چهار برابر و نیم، در سال ۱۳۲۸ پنج برابر در سال ۱۳۲۹ به دقت برابر صادرات رسید .
شاخنگل هزینه زندگی در سال ۱۳۲۱ میلیون ریال از بودن تابیش سال ۱۳۱۵ (۱۰۰) به ۹۰۶ (۱۳۱۵) رسید .
و در سال ۱۳۴۰ به ۱۳۴۰ رسید .
بادر این تقریباً این روزگار از ارقام فوق آشکار میگردد که سیاست غلط اقتصادی رژیم کود تابیه نفوذ اینجا میباشد .
از آنچه مطلع بود که این روزگار از این سیاست اتحادیهای خارجی میباشد که این روزگار از این سیاست اعتماد نداشت و در نتیجه میزان واردات در سال ۱۳۲۶ بسیار برابر در سال ۱۳۲۷ رسید .
رو بود خاتمه میرود .

بررسی اجتماعی آمارهای منتشره رسمی درباره اشلحد اقل دستمزد کارگران و شاخص هزینه زندگی، خرابی و وضع زندگی کارگران را باوضوح کامل آشکار میسازد .

میزانات پیکر طبقه کارگر ایران برای تعیین اشلحد تحریک حد اقل دستمزد، وزارت کار را مجبور ساخت در سال ۱۳۲۵ آئین نامه حد اقل دستمزد را تعیین نماید .
این آئین نامه که بر اساس ابتدائی ترتیب حواشی زندگی پیکارگان و چهار تنی تضمین شده بود، حد اقل دستمزد کارگران را در خوزستان ۴ ریال و د رشته های دیگر ۲۴ ریال تعیین کرد .
بموجب آئین نامه مذکور لازم بود حد اقل دستمزد برای مناطق مختلفه کشور سالی پیکار تعیین شود . ولی از آن تاریخ پیبعد علی رغم ترقی سراسم آور هزینه زندگی در حد اقل دستمزد کارگران همچنانچه تجدید نظری پیگیر نماید و فقط بر این اساسه کارگران درباره ای نقاط میزان قابلی بدل دستمزد ها اضافه گردید که همچوچه با میزان افزایش هزینه زندگی و مالیات های مستعمق وقق نمیدهد .
د بیرون خانه شورای عالی اقتصادی که دستمزد کارگران پنج رشته از صنایع: سنجاقی، ساخته ای، غذائی، جوب و شیمیائی را در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ مورد بررسی قرارداده بود به نتایج زیرین رسیده است:
د رضایع نساجی در سال ۱۳۲۶ حد متوسط اجرت ماهیانه کارگران ۲۲۳۸ ریال بوده و در سال ۱۳۳۷ به ۱۰۶۶ ریال تنزل کرده است .
د دستمزد کارگران منابع ساخته ای از ۱۲۰۰ ریال در ماه در سال ۱۳۲۶ به ۱۳۴۹ ریال در سال ۱۳۳۷ ترقی کرده است .
د دستمزد متوسط ماهیانه یک کارگر صنایع غذائی که در سال ۱۳۲۹ در حدود ۲۵۴۰ ریال بوده در سال ۱۳۳۷ به ۱۸۱۲ ریال تقلیل یافته است .

د رصنایع چوب حد متوسط مزد ماهیانه کارگران در سال ۱۳۲۶ که بالغ بر ۲۵۰۰ ریال

بوده در سال ۱۳۲۷ به ۲۰۲۰ رسیده بود.

د رصنایع شیمیایی دستمزد ماهیانه یک کارگر در سال ۱۳۲۶ از ۲۶۰۰ ریال به ۱۲۱۲ رسیده است.

تقلیل یافته است.

بايد متذکر شد که آمار منتشره از طرف دیرخانه شورای عالی اقتصاد درباره دستمزد کارگران که مربوط بحد متوسط دستمزد است چند آن با واقعیت ورق نمیدهد. مثلاً حداقل دستمزد در کارخانه چیت سازی به شهر ۳۲ ریال تعیین شده و تاکنون نیز تغییر نیافته است (۱). سالهای است که حداقل دستمزد کارگران کارخانه دولتی سیمان تهران ۳۴ ریال تعیین شده است. از سال ۱۳۲۳ تاکنون در این کارخانه بکارگران اضافه دستمزد آورده شده، فقط در سال ۱۳۲۶ بر اثر مبارزه مرساخت کارگران دولت مجبور شد که ۷٪ اضافه حقوق بد هدف ولی بعد از حد تقریباً ۳٪ از مجموع دستمزد، اضافه حقوق جزئی را که بکارگران داده شده بود ازین بود.

در نامه سرگشاد کارگران پشم باف اصفهان ید کترامیتی نخست وزیر میزان حقوق کارگران از ۳۵ تا ۴۸ ریال قید شده است. اکنون کارگران کارخانه "شهنماز" اصفهان را کارگران ۱۲ تا ۱۸ ساله تشکیل میدهند که دستمزد آنها از ۲۵ ریال تجاوز نمیکند.

مجله انگلیسی "سکاتسمن" مینویسد:

"در تهران حداقل دستمزد در سال ۱۹۴۲ روزانه ۳۴ ریال تعیین شده بود. هر چند قیمتها ترقی فاحش نکرده است اما دلت تاکنون این شجاعت را در خود نیافته که حداقل حدید یادی تعیین کند" (۲).

ارقام مذکور هر تین معرف استشارشده کارگران است که زاییده قوانین تولید سرمایه داری میباشد. مارکس متذکر میشود که:

"گرایش عمومی تولید سرمایه داری درستی است که موجب ترفع سطح متوسط دستمزد نشده، بلکه موجب تنزل آن میگردد" (۳).

باد رنظر گرفتن شاخص هزینه زندگی در ایران صدق سخنان مارکس بیش از پیش آشنارمیشود. جدول زیرآفرایش شاخص هزینه زندگی را در حدت یک سال باوضوح کامل نشان میدهد (۴).

شاخص هزینه زندگی در ایران
و نسبت تغییرات آن در خرد ادامه
(۱۳۴۰ = ۱۰۰)

جزء افزایش نسبت بسال ۱۳۲۶٪	شاخص خرد آدمه ۱۳۴۰	شاخص خرد آدمه ۱۳۲۹	جزء اضافه
۷/۶	۱۷۹۰	۱۵۷۰	شاخص کل
۱۰/۳	۱۵۷۰	۱۴۲۰	مواد خوارکی
۴/۲	۲۸۷۹	۳۷۱۰	کرایسکن و سوخت
۶/۲	۱۰۹۰	۱۰۲۰	پوشش
۰/۲	۱۳۳۶	۱۳۳۰	گوناگون

(۱) اطلاعات ۲۳ اردیبهشت (۱۳۳۸)

(۲) مجله "سکاتسمن" شماره اول زوییه ۱۹۶۱

(۳) ک. مارکس، ف انگلیس، جلد ۱ صفحه ۴۰۶ متن روسی

(۴) در تنظیم جدول از ارقام منتشره در مجله "تهران اکنون میست" شماره ۱۸ هفتم مرداد ۱۳۴۴ است.

طبق آمار منتشره در مجله ماهیانه بانک ملی ایران کرایه سکن سالیمسال و ماه دیرینه است. شاخص هزینه مسکن نسبت بسال ۱۳۲۲ یعنی سال کود تابیش ازد و میرابونسبت بسال ۱۳۱۵ که مأخذ شاخص هزینه زندگی است بین از ۵/۰۳۶ برابر شده است. تازه مسکنی که کارخانه با پرد اخت مبلغ زیادی ازد را می خود بدست می اورند با این ازه ای خراب و غیرقابل سکوت است که حتی علم دیگر سابق حزب شماساخته مرد م در صفحه سازهای انتخاباتی تابستانی دوره بیست مجلس و ملاقات با کارکنان گفت:

مسکن شما خوب نیست، واقعاً - و بقیه - من خیلی جاهش از زدیدم، هم بجنوب شهر، هم به کوئینزخانه ها و قسمت های دیگر ۰۰۰۰۰

د رقاله ای که آقای محمد سعید شیرازی در شماره ۱۳۰۰ مورخه تیرماه ۱۴۰۰ مجله «خواندنیها» شوته وضع مسکن زحمتکشان و کارگران تهران را که در محله های از قبل گود عربها، گود اختیکور، چاله خوششی، سلاخ خانه، حصیرآباد، مفت آباد، قلعه مرغی، دروازه خراسان، سریل امامزاده مخصوص زندگی میکنند چنین توصیف میکند:

باورکردند که در دنیای کنونی در پیاخت یک کشور عده‌ای از سکته آن در عرصه ۱۲-۱۰ هزار زمین و داخلانه هاشی که حتی حیوانات هم حاضر نبینند در آن بیوتوس کنند (زیرا آنها نیز بحکم غیره جایی برای آسایش انتخاب می‌کنند که حداقل هوای کافی برای استنشاق آنها وجود داشته باشد) ازندگی تغایر و زیست از نتیجه سرمایکل ولای باران ویرف که گاهی تأثیع باصطلاح اطاق آنها را فرامیگیرد و تابستان از تراوی و عطف و

عد وجود نسیم و هوام مثل مرکز کند بخود به چیزند و سوزند و میزاند . خرابی وضع زندگی طبقه کارگر ایران نتیجه مستقیم تسلط امپراطوری سوسنده داران بزرگ داخلی و استه به آنست . پائین بودن دستمزد کارگران ، با الاقاتن داعمی هزینه زندگی توأم با تراوید ریواز غزون سود سرمایه - داران منحره تقلیل نسبی سهم طبقه کارگر از راه ملی تگردیده و این امنیت نهاده خود موجب شد ید فقرنیبی کارگران شده است . تغییردادن این دستمزد ها ، شرایط سخت کاروزنند گی بر پرورش سطح زندگی طبقه کارگر را پائین می اورد و این نیز خواه ناخواه موجب شد بد فقر مطلق کارگران می شود .

مظاہر چینی فقری در فرهنگ سهند اشتباخ و خوی کامل نمایان است. اکثریت مطلق کارگرانی که در صنایع کوچکان کار میکنند بسیارند. از تعداد کلیه شاغلین مرد ۴٪ مواد ندارند. از تعداد شاغلین زن ۵۱٪ بسیارند (۱). از طرفی گرانی هزینه زندگی و کمی دستمزد و از طرف دیگر شهریه سنگینی که برای تحصیل دانش آموزان تعیین شده است مانع تحصیل فرزندان کارگران میشود.

یک نظرساده بگزارش وزارت بهداشت در رکشورهاز آجیمه وضع بهداشت کارگران را بررسنی نشان میدهد. طبق گزارش مزبور وزارت بهداشت جمعیت کشوری ایران ۲۰ هزار تن بر یك پیشه، برای هر ۵۰۰ هزار تن فقط یك جراح دپلمه، برای هر ۱۲۵ هزار تن بر یك دندان پزشک دپلمه همراهی هر ۱۴۲۸۵۷ نفر یك داروساز دپلمه در اختیار دارد. همچنین تعداد بیمارستانهای دولتی در سراسر کشور از ۱۶۵ تجاوز نمیکند که تعداد ارتحاخواهای مجموع آنها غایب ۸۲۹۶ عدد است (۲). ارقام مزبور نشان میدهد که نارگان ایران اصولاً از هر گونه بهداشتی بیمه راهنمای خواندن

د ر ش م ا ره ۲۲ خود مینویسد :

در کشورها هنوز امراء از نوع ایله و تراخ و سرخک و سرخچه شمه دیراست و تعداد متلا
آن کاهی بحد کمیزد که سلامت و تندرستی افراد کشور امورت شده بید قرار میدهد. شیعه
این قبیل میارهیان نمایند این حقیقت است که توده های قبریز حکمکش مرد م هنوز از

با آنکه قانون کار استفاده از نیروی کار اطفال را تا سال ۱۴ ممنوع کرد در صنایع مختلف،^{۲۰} بهخصوص صنایع قالی بافی هنرمندان و مسیعی از کار اطفال استفاده میشود.^{۲۱} سالهای است که در کرمان و در نقاط کشور

(۱) مجله اطاق بازرگانی شماره ۸۹

۲۲) خواندنیها شماره

بر اثر خرابی وضع زندگی مرد م بسیاری از پد ران کود کان صغیر خود را برای مدت معلومی مثلاً دو تا پنج سال به قالی باها می فروشنند تا در رکارهای آشنا کار کنند (۱) . این کود کان اکسرا مریض و مسلول می شوند و در همان سنتین خرد سالی ممیزند.

کارگرانی که در معادن ذغال سنگ شمشک ، معادن مس انارک ، زنجان و عباس آباد (خراسان) معادن سرب اثارک ، رشت و اغان ، معادن گل سرخ و سنگ نمک چندره هرمهز ، معادن گونگرد سمنان ، معادن بُر سیروjan مشغول کارند و همچنین کسارتگران معادن گچ ، سنگ آهک ، سولفات دو سود ، کوا رتن ، زاج سفید و غیره بواسطه عدم رعایت اصول بدنه اشته سایه ارض کوئا کوئی مبتلا هستند.

فقدان بهداشت کاروا ماقن تنگ و تاریک و مرطوب که بعنوان کارهای باقی و در رکارهای جنگی می شود که زنان ، کود کان و مردان کارگران امراض مختلف مبتلا شوند . کارگرانهای قاتلی باقی و در رکارهای جنگی نساجی و پشم پاک که شرائطی که در این کارگرانها حفظ شده است نکتر از رکارهای شعبانی زیان آور نیست.

قدان تنک لازم و بند ن حفاظت فنی در رکارهای ها و معادن اغلب موجب مرگ کارگران میگردد . انجشار یگز بخارکارانه پلوروسازی در تهران ، انجشار معادن ذغال سنگ در شمشک در سوم دیماه ۱۳۲۹ که منجر قتل ۲۱ نفر از کارگران معادن ذغال گردید و همچنین انجشار توپله رشمشک در فردیزین ۱۳۴۰ که منجر به کشته شدن پنج نفر از کارگران راه شدن نمونه بازی از رفتار وحشیانه و فقدان حفاظت فنی برای کارگران می شود قانون بیمه کارگران در مقابل حوار ثوار امراض ناشی از حرفه های معین که میباشد از ۲۴ بهمن ۱۳۲۴

بوسیله شرکت بیمه ایران بعله اجراد راید تاکنون عملی نشده است . در سال ۱۳۲۸ در قانون منجز شد و آنرا باقون بیمه های اجتماعی کارگران مدل ساختند

ولی باز قانون بعوق احراگاً اشته شد . در بهمن ۱۳۲۱ به این قانون دیگری پنام قانون بیمه های اجتماعی کارگران تهیه شد و کسویمه از ۱۲٪ به ۱۲٪ افزایش دادند و بعد اینز به ۱۸٪ رساند ولی این قانون نیز بلا اجراء ماند . بالاخره در ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ برای سومین بار قانون سازمان بیمه های اجتماعی کارگران از تصویب کمیسیون مجلس گذشت و تأمین اجراء بیمه های اجتماعی کارگران بعده این سازمان حول گردید .

د کتر افشار ناینده مجلس ریکی از جلسات مجلس در ۱۹ گفت :

" کارگران ایران تقاضا دارد با وضع قوانین جدید بزرگ آنان توجه بشتری شود و ابتدای ترین حقوق آنان ملاحظه کردد . سالهای است که قانون بیمه های اجتماعی

تصویب رسیده است و هنوز کارگران بیمه نشده در همین پایخت کشورسیارند ."

در آمد سازمان بیمه های اجتماعی سالانه در حد ۱۱۰ میلیون تoman برآورد می شود (۲) . در آمد فوق بجای آنکه صرف بهداشت کارگران گردید از طرف عده ای حیف و میل می شود . در انتخابات تابستانی مجلس بیستم در کریمیه رئیسین داشتند که حقوق محل صرف درآمد بیمه های اجتماعی را چنین تشخیص کرد :

" پول بیمه های اجتماعی کارگران صرف تجمل و تفتن و صرف خیز حزب ملیون می شود . ۸ میلیون تoman از همین پول به بیوک قزوینی داده شد تا بروز کارخانه بخرد و همراه ۵ برد اری بکند ."

آنچه گفته شد مربوط بوضع شوارزندگی کارگرانی است که مشغول کارند . وضع زندگی بیکاران در رکشور که روز بروز رویزونی است بیش از پیش طاقت فرساست . بر اثر عقب ماندگی نیزه های مولد اجتماع مانسب عناصر فعال کشوره که در رشته های تولیدی و غیر تولیدی ولی اعم المفعه کار میکنند بسیار تراویز است . سرشماری های که تاکنون در رکشور عمل آمد نشان میدهد که تقریباً از ۲۱ میلیون جمعیت کشور جمعاً ۱۳۷۰۰۰۰ نفر بکار اشتغال دارند (با استثنای کشاورزی و امپروری) که ۷۱۸ هزار نفر کارگر صنایع فقط ۲۳۹۴۷ نفر شان زن هستند (۳) . طبق آمار رسمی از ۲۱ میلیون جمعیت کشور بیش از ۱۴ میلیون نفر میتوانند بکار فعال اشتغال وزرن . ولی از این عدد ۱۰٪ بکارهای

(۱) خواندن نیها شماره ۸۹، شنبه ۷ مرداد ماه ۱۳۴۰ نقل از "تهران اکنومیست"

(۲) تهران اکنومیست شماره ۴۱۸، شنبه ۷ مرداد ماه ۱۳۴۰

(۳) مجله اطاق بازگانی شماره ۸۹، بهمن ماه ۱۳۳۸

تولیدی وغیرتولیدی وازانجهله ۵٪ در کارگرانی تولیدی (ماشینی و مستی) نخالیت پیکنند. تعداد انفراد نیز فعال یعنی کسانی که در کارهای مفید اجتماعی - اقتصادی شرکت ندارند ۷۱۶۲۲۰ نفر با ۵۲٪ جمیعت کشور است (۱).

بطوریکه آماررسی نشان میدهد تعداد انفرادی که در جستجوی نارنده ۱۷۵۴۴۰ ترمیماشند (۲). بد ون تردید مقصود از این بیکاری آشکاراست، در صورتیکه در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای مجمعه نیافرند بیکاری پنهانی دارد و مشهور جو جد ارد. فاکلت دهقانان ایران بیویه پس از کود نای ۲۰۰ مرداد ۱۳۲۲ باعث شدید بیکاری پنهانی اگر دید. علاوه بر این کارگرانی که کار دائم ندارند و بیویه اشخاصی که نیروی کار را ازدست داده اند شکل خاصی از بیکاری یعنی بیکاری راک را وجود آوردند.

بیکاری یکی از مشخصات اصلی شیوه تولید سرمایه داری است که با توسعه سرمایه داری رشد می‌پیاسد. وجود بیکاران دائم بمقیابن معینی دستمزد متعارف کارگرانی که بکار مخفون شاید ارد و دین ترتیب و پیچ زندگی کارگران صنایع را سال می‌سازد.

در مراکز نفتی ایران بیکاری آشکار نتوان اساسی بیکاری را تشییل میدهد. مثلاً اکثر رسال ۱۵۰ زمانی که سالیانه تقریباً ۳۲/۵ میلیون تن نفت استخراج می‌شود در صنایع نفت کشور پیش از ۹۰ هزار نفر کارمیکدند، در رسال ۱۹۶۰ با وجود یکه استخراج و تولید نفت به ۵۲ میلیون تن رسال افزایش پیدا کرد، عدد کارگران صنایع نفت به ۵۰ هزار نفر تقلیل یافت.

کترسیوم نفت برای ازدیاد هرچه بیشتر سود رسالهای اخیر است بینک سلسه اقدامات زده است. استفاده از تکنیک جدید در صنایع نفت تأمین باشید یا استثمار کارگران نمونه ای از این اقدامات می‌باشد. اینشه اگر رکشورها ماهده فیکاربردن تکنیک جدید مثل کشورهای متوجه بجهان پائین آوردن ساعت کار و تسهیل کار کارگران بود هیچکن اعترافی نداشت. آنچه موعد اعتراف است تأمین نفت از این عمل باشید یا استثمار کارگران و در حقیقت تبدیل انسان بعاشین یعنی همان اقدامی است که امروز تجربه استفاده از هزار نفر کارگرانی هزار ایران نفر از کارگران صنایع نفت شده است. در شرکه اخیر کترسیوم پیش از ۱۶۲ هزار نفر کارگران را خارج کرد و طبق نقشه ای تا آخر رسال ۱۶۲ هنده هزار نفر کارگرد پدر را نیز از داشتار خارج خواهد نمود (۳).

تعداد بیکاران در شهرهای صنعتی در ایران نیز روشن شوی می‌شود. هزار و پیش از نفر کارگری از دین می‌ترین مؤسسات اصفهان، کارخانه ریسیف، بیش از دو سال است که بیکارند. از شرکه هزار نفر از اعضا سند بکار کارخانه های پلورسازی تهران ۱۵۰۰ نفر کیمال است که بیکارند.

هر رسال ۲۰ هزار نفر جوان دیپلم برقیکاری کشور از خود می‌شود (۴).

بدون تردید تأثیر این امر بر ایستادهای اقتصاد ایران مصالحه و نیروی تولیدی کشور باطل و کندی پیش می‌برد انت از هرگونه بهبود در روضه کارگران انتشار پیوه ۵۱ است.

طبقه کارگر جنبش رهایی پیش

در دست کمتر از چهل سال تعداد کارگران ایران به بیش از ۷۰۰ هزار نفر سید است. این بکارگرانی هستند که در صنایع ماشینی و کارگاههای تهیه کارهای اساسی اند. از کارگران سایر رشته های غیرتولیدی آن بانیز رئیسی دیرم بد ون تردید تعدد اینها از ۱/۵ میلیون نفر تجاوز خواهد کرد. بدین ترتیب طبقه کارگر کشورها از نقطه نظر کیفی و کیفیت نیروی بزرگ اجتماعی تبدیل شده است.

با اشکل پرولتاری ای صنعتی در ایران و تشکیل حزب طبقه کارگر حزب توده ایران آن تیروی اجتماعی که در آینده می‌پیاسد در مراتبی داشت. میهن مانعتر میهم را ایفا کند بوجود آمد است. حزب توده ایران که از ناحیه ماهیت اصول رمای و مبانی سازمانی خود یک حزب هزار زنین طبقه کارگر است از زد و تاسیس خود کلیه مبارزات طبقه کارگر از انتسابات و مبتلایه از این سیاست دشوار است. علی‌گرته تا مبارزات دشوار در شرایط مخفی هدایت

(۱) ادالات هوایی، ۳۰ خرداد ماه ۱۳۳۶

(۲) گزارش دپیخانه شورای ایالتی انتقادی "ادالات" ۲۰ خرداد ماه ۱۳۳۶

(۳) مجله خواندنیها شماره ۷۷، شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۴۰

(۴) مجله تهران صدور مهرماه ۱۳۳۶

ور عبری نمود . بدینجهت است که اکنون طبقه‌کارگرکشوارما کارگران ۲۰ سال پیش که دارای هیچکوئه تجربه سیاسی نبودند فرق بسیار دارد . کارگران ماتحت رعایت حزب خود در شوارتین و مشکلتین شرایط طی نبردهای شدند توأم با پیروزیها و شکستها لزوم مازده در راه منافع خود ازدیاد یهای دموکراتیک را آموختند . حزب توده ایران با تکه برتری اقلامی طبقه کارگری . جهان مینی مارکسیسم - لینینیسم نقش طبقه کارگر اراد راجامه ما روشن ساخت و مبارزات آنرا هدایت کرد . حزب توده ایران از همان آغاز فعالیت خود در رستی توجه داشت که باید با توده های مردم پیوند مادی و معنوی عمیق داشته باشد و آنها برای بهبود شرایط زندگی و احراق حق خویش مشکل و مجهز شدند . در این میان حزب مابحق توجه خاصی بکارگران مغلوب داشت . کارگران ایران با پشتیبانی وکٹ حزب پسرعت توانستند را تحدید را تحدید یهای کارگری مشکل شوند ، نخستین مرکز سند یکانی متحد سراسر کشور ، شورای متحد ه مرکزی کارگران رژیم حکومت ایران را بوجود آوردند .

طبقه کارگر ایران تحت رعایت حزب مایپرویهای مهی بدت آورد . وضع زندگی و شرایط کارگران نسبت بسابق بهبود یافت ، آزادی سند یکانی و حق انتساب برسمیت شناخته شد ، قانون کاریتصویب و لست رسید ، سلطاح دستمزد های ارافت و حق بیمه کارگران در مقابل حواله کار ، پیروی ، مرض و میکاری شناخته شد . بهمین سبب طبقه کارگر ایران که درنتیجه مشکل شد ن و اتحاد پسرعت بیک نیروی بزرگ اجتماعی تبدیل گردید از همان آغاز حزب توده ایران را بر عین طبقه کارگر خود شناخت . نهین امروز حزب کردید که دلائی ارجاع و کوشش عنصر ضد کارگر برای ایجاد شکاف و انشعاب در صفویه کارگران باعده موقوفیت مواجه گردید .

مبارزات پرافتخار حزب توده ایران درکش شده بخوبی نشان داد که طبقه کارگرد مردم کوتاهی توانست نقش پیش رو را در جنبش رهایی بخش و ضد استعماری خلق ایفا کند .

طبقه کارگر که بیش از هر قشر طبقه دسترسی راجامه کنونی ایران استشاره میشود بنا بر شرایط زندگی خود پیگیری تین و سرخست تین مبارز راه آزادی و رهایی از استعمار و حشیانه است . بدینجهت است که : از کلیه طبقاتی که اکنون در مقابل سرمایه داری صفت آرائی کرده اند کارگران معنای واقعی طبقه اقلامی را تشکیل میدند (۱) .

طبقه کارگر کنونی در کشور مابیش از طبقات و قشرهای دیگر از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم است . طبقه کارگر کانه طبقه ایست که بوساطل تولید تملک خصوصی ندارد و چون مالکیت خصوصی بروسا مول تولید اساس استشاره کارگران از طرف سرمایه داری است لذا ازین بدن آن و تعویض برآمام کلیت اجتماعی بینانه راه نجات طبقه کارگر میباشد . برای اجرای چنین وظیفه تاریخی طبقه کارگر اراده شرایط مساعدی است زیرا طبقه کارگر بواسطه شرایط زندگی و کار خود بهتر از طبقات و قشرهای دیگر جامعه خود را تشکیل میکند . کارگر را راهنما های موئسسات بزرگ خواهند ناخواهند د کارگران روح «مکاری ، نشم و ترتیب » و حدت عمل «حسبتگی و دفاع و حمایت از یکدیگر و همراهی میدند . اینها خاصائی است که نه تنها در کارگری د رسانه نیزد ارادی اهمیت فراوانی است . بدینجهت است که کارگران بیش از طبقات و قشرهای دیگر قدر ره شکل و اتحاد میباشند . همچنین طبقه کارگر پیش از طبقات دسترسی قاد راست واقعیت نظریات متفرق اجتماعی را درکشند . مبارزه د رنظام سرمایه داری وجود آنکه سیاسی را ایجاد میکند . کارگران آنکه سی سی را پیش از کتاب از تجربه و کار مبارزه کسب میکنند . وجود کلیه این خصائی است که طبقه کارگر را همیشه د رسان چشم رهایی بخش قرار میدهد .

اشتران منانع کلیه طبقات و قشرهای زحمتکش با طبقه کارگری دیگر از سرچشمه های نیروی ویهیا شد . چنین اشتراک منانع د رکشور ماد ارادی ریشه عمیقاً است . اکنون در کشور ماد هقاتان ، پیشه بران و روشنگران نیز مانند کارگران د ریز سلطنه مالکان بزرگ سرمایه داران و ایستاده بامهای بیس سرمیرند . د شعن مشترک واشتراک منانع پایه است که بر اساس آن اتحاد طبقه کارگر با کلیه طبقات و قشرهای مختلف میسر میکند . چنین اشتراک منانع د رکشور ماد که طبقه کارگر اکثریت را تشکیل نمیدهد برای پیروزی مبارزات طبقه کارگر امر مست ضروری ولازم .

هم طبقه کارگر وهم کلیه طبقات و قشرهای زحمتکش به اتحاد نیروی خود برای مبارزه در راه منافع مشترک نیازمندند . هر دوی آنها فقط از چنین اتحادی نفع خواهند برد و همچنانه شره پیروزی چنین اتحادی نصیب طبقه کارگر وهم این طبقات و قشرهای زحمتکش میشود ، «مانع متوسط ترقه بین آنها هم بضرر منافع عمومی است .

(۱) ک. مارکس و ف انگلش ، جلد ۴ صفحه ۴۳۲ متن روسی .

برکسی پوشیده نیست که امروزه در کشور ماد همانان اکثریت را تشکیل میدهند . و همچنین معلوم است که آنها در رژیم فعلی کشور دستور ساخت ترین شرایط زندگی میکنند . آیا رژیم کودتاکه خود نماینده منافع مالکین بزرگ و سرمایه داران وابسته به امیریا لیسم است خواهد توانت سرویس مانند بوضع میلیونها دهقان ایرانی بدشود ؟ بد ون تردید جواب این سوال منفی است .

همین مسئله درباره کسبه و پیشه هران کشور نیز صادق است . در شرایط فعلی ورشکستگی اقتصادی ایران و در حالیکه اتحادیهای خارجی برکاره شئون اقتصادی کشور ماتسلط دارد وضع کسبه و پیشه هران روز بروز رو بخواست میورد .

کارمندان دولت ، معلمان ها لآخره اکثریت مطلق روش فکران کشور نیز رژیم کنونی بافت و تنگستنی دست گیریانند .

بنابراین اتحاد طبقه کارگر ، همانان رحمتکش و قشرهای متوسط شهری شرط اساسی تأمین وحدت نیروهای دموکراتیک برای آزاد کردن توده های وسیع در همانان از قید ستم مالکین بزرگ و تجمع آنها تحت رهبری طبقه کارگر و حزب امیریا مجازه در راه صلح و استقرار دموکراسی است . در لحظات کنونی برای اتحاد کلیه قشرهای طبقات با طبقه کارگر شرایط لازم موجود است . در چنین اتحادی است که طبقه کارگر ایران باید نشست رهبری را یافتد . زیرا طبقه کارگر تنها طبقه ایست که قادر به اداء مهام امیریه پیگیر علیه رژیم کودتا و حماهیان امیریا لیسم . لذین در راه طبقه کارگر مینویسد :

”بیشتره یکانه طبقه اقلایی اجتماع معاصر ، اهای د ریاضیه ۵۰۰ ملت در راه بدست آوردند دموکراسی تام ، در ریاضیه کلیه رحمتکشان واستعارش دگان ، علیه میادت داشتند گان و پهنه کشان رهبر و همدون باشد . پولداران افق بد انجیخته که اند یشه هژمونی را در رک کند و این اند یشه تحقق میبخشد اقلایی است . پولوتی که این نکته را در رک برد ه است که علیه برد گی قیام نموده است . پولوتی که اند یشه هژمونی طبقه خود را در رک نکرد یا ینکه چنین اند یشه ای رانیه میکند برد ه است که وضع برد گی خود رانیمه بدد ، اگر همتر باشد برد ه است که نه برای محرومگی بلکه برای سرویسان دادن به برد کی خود مبارزه میکند ” (و ای ، لینین جلد ۱۷ صفحه ۲۰۱-۲۰۲ متن روسی) .

پس از یک دوران اختناق ۸ ساله با اورود مجدد طبقه کارگر صحته نزد مرحله جدید بحران ریسم کودتا بیش از پیش تشدید خواهد یافت . باید در نظردارد اشت که تغییر نتایج قواد عرصه بین المللی پیتفع صلح و سوسیالیسم و کامیابیهای کشورهای سوسیالیستی در راموقوفیت مرحله نوین نبند طبقه کارگر کلیه رحمتکشان کشورهای ایران بدست اورد ن حقوق اجتماعی و اقتصادی ، آزادی و استقلال ملی تأثیر عمیق و قاطعی دارد . خروشند رنطبق خود بعنای سبب چهلین سالگرد انقلاب کیرسوسیالیستی انتیرفتک :

”پیروزیهای د ول سوسیالیستی نه تنها رحمتکشان کشورهای سرمایه دار را بامیارزه علیه استعارگران تشویق میکند ، بلکه در عین حال بوزیواری راک معنی د رنگهداری سیاست خود دارد مجبور عقب شمیند رزمینه اقتصادی و اجتماعی مینماید . در این زمانه بجا است که سخنان نویسنده مشهور امیریکا تعدد و در رایزبرابر با خدا آفریده که در عین زمانی انتظامی ایالات متحده امریکا در سالهای ۳۰ گفت : من بسبب همه اینها از مارکس و روسیه انقلابی تشکر میکنم ” .

تبديل سیستم جیانی سوسیالیسم بحامل قطعی برشد جامعه بشری شرایط عینی متسامی برای توسعه جنبش رهایی پیش وجود آورد است . تعقیب سیاست همزیستی مسالمت امیز از طرف کشورهای سوسیالیستی و مسامعی آنان درفع تلاشهای امیریا لیسم برای حد و ضد انقلاب امکانات طبقه کارگر ابرایت حق آرمانها و هد فها یا افزایش میدهد . محرومیم استعمال و تحدید سلطه امیریا لیسم و پیروزیهای شکر جبهه سوسیالیسم تأثیر عمیقی د رهاره تغییریک ، سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر ارد .

بدون تردید طبقه کارگر کشورهای ایران رنگرگفت مراتب فوق وادرک عمیق مسئولیت و تأثیره ای که تاریخ میهن ماد راین شرایط بحرانی در مقابله قرارداده مانند گذشته تحت رهبری حزب خود - حزب توده ایران با کمال افتخار و سریلنگی انجام خواهد داد . مراد ماه ۱۴۰۰

"خلاف راستی باشد خلاف رای د روشنان
(سعده)

جنبیش انقلابی در اویش ایرانی در قرن هشتم هجری

کلمه ای چند درباره عرفان ایرانی

اگر ما هر فان ایرانی را نهاد آن جهت که وی به تکفیر و تلیل عقل معرفت جوی پرداخت و مشق و جذبه دیوانه و ارارا جانشین آن ساخت و در شرط حیات نامه هم و مرموز سیر من الخلق الی الحق غرق شد یک جریان صرف اخلاقی و مطلقاً انحطاطی بشریم دخواسته ایم عرفان ایرانی انسیسیارجهات بد و تردید از قلل عالیه تقدیر و مده میهن ماد رسیده های گذشته است و در سیاری از مسائل بینظیر و عملی به تائجی بسیار دست تو و الاترازند اه ب محروم و حوتی برخی مکاتب فلسفی متداول در قرون وسطی ایران رسیده است .
اند یشه مرکزی در عرفان ، وحدت وجود یا پانتیسم است یعنی اینکه سراسرجهان دارای گوهرو مایه واحد است و استان هستی همانا حکایت سیرو حرکت این ماده واحد گاهه در مسیر نزوی انت است (که منجر به پیدا شیش جهان ناسوتی میشود) و گاهه در رسیر صعودی اش (که منتج به تکامل و تعالی انسان وصل و اعماق شیهه مدنی لاهوتی میشود) لذا خدا و آفرینشند ای ایمپریون از این جهان که برسمند و عرش اعلی پیشندید ویر "امساوا" فرمان راند موجود نیست . بلکه وی را باید مستحیل در روز رات وجود شمرد و در همه چیز و همه جا جاست .
بید لی در همه ایام خدا با امود اونمیدید شیش واژد و خدا ایمید (حافظ)

در خرابات مغان نور خدا امیین وین هجوب بین که چه نوری زکجامینیم (حافظ)

یک گهر بود یم همجون آفتا ب	بی گره بود یم و صافی هعمو آب
چون بمحورت آمد آن نور سره	شد عدد جون سایهای کنکره
	(مولوی)

اعشقه د راین جاست بیاید بیاید	ای قوم بحق رفته کجاید کجاید
در راده سرگشته شما بهرچرا شید	محشوق تو همسایه دیوار بد یوار
هم خواجه وهم بند وهم قبله شناشد	گرسیت بی صورت معشوق ببیند
(مولوی)	

موسئی نیست که فریاد انا الحق شنود	ورنه این زمزمه د ره رشجری نیست که
	(اسرار)

آفتا بشیش در میان بینی (هافت)	دل هر زر راهه بشکافی
-------------------------------	----------------------

خداین اند یشه مونیستی یعنی قائل شد ن به جوهری یکانه برای سراسر هستی متفتوغ و متکثراً اند یشه واقعی و حقیقی بزرگی است و بهمین جهت است که فرید ریش انگلش وحدت وجود یا پانهه شیسم را که مفهم خدا اوند را در پرکه طبیعت حل می کند برای دیوان قرون وسطی یک جریان فتی مترقبی مشهود (۱) . تا علیه بودن بجوهر واحد برای سراسر وجود ناچار اند یشهه تبدل و تکامل نباصر واجزاً وجود و حرکت جوهری رانیزد رذ هن عرقاً وارد کرد و برای آنکه معلوم شود چگونه جهان از جوهری یکانه تراویده و والیده و چگونه باری یکریه آن منشاً و مهد ا نخستین بازمیگرد د نتایج بسیار د رستی درباره تکامل ماده و نقش مرک (یعنایه گذار از بیک مرحله سابل بمرحله عالی) وغیره گرفته شده است . اند یشهه وحدت و بسیار و تکامل د ائمه هستی متحرک د رمسائل اخلاقی و عملی (۱) این مطلب که انگلش د رمود پانهه شیسم سپنوزا و جیورد انبو رو نوبیان میدارد رمود پانهه شیسم عرقاً ما بویزه مولوی صادر است .

هم یک سلسله نتایج نیکو و عالی بود است داده است فی المثل مانند کیش جهان پرستی (یاغونیورسالیسم) که موحد پنهانواری افق دید و میدان جولان روح و مجرمیه ازیمان بردن بصیرت و قدرت وظاہریتی و عدم شناسی محض نسبت به عقاید و نظریات مختلف و تجلیل قام انسان بمعابه عالی ترین ظاهریت کامل ، تجهیز قدرت روحی و معنیتی و تصدیق امکانش برای آنکه از " بلک بران شود و آنچه اند روهم ناید آن شود " در زند عرف اگر بد است و یا کیش مهره زیانی که بشرد و متی واخترا از خشکی ها و اوسی های زاهد اند و سناش زیانی ها ولذت های حیات را پندید هد و علی رغم منع کید و یوسوس مذاهب ثنا و پیشند موسیقی و رقص و تعاقب شکرگ به شعر و ترانه را را وارد و یا کیش و ارسنی و شیاری که منجریه استخنا " معنوی و سرخ نکدن در برپاشا هان و زور ندان اصره هم نداشتند از مرگ و نیستی و سناش قرق و تلقین مقاومت روحی د رمقابل مصائب و نشاط منطقی و خوش بینی با ینده شده است . تمام این صفات عالی انسانی که در مقابل صفات خشک و جاد و مخدود و ورزیل و یوسوس و خشن و قسی صریح شگفت آوری کامل و پیش افتد . است بوریه د راشعار د لاوز و سحرانگیز د و شاعر نابغه یعنی جلال الدین محمد مولوی رومی (مشتی و دیوانش من) و خواجه شمس الدین حافظ شیرازی منعکس است و علت جاذبه شکرگ آثار این د و تن مرد و اقما بزرگوار هماندار رهیمن تجلیات یک روح فوق العاده انسانی برشور غروتن ، مهربان ، لطیف ، رهاز حمیبت ، سرماز از شق به بشر د رعنین حال مغرو و بلند برواز ، قوی و پیکار جواست .

بهین جهت این نکته که بوریه مولوی و حافظ ظهرجهات کاملاً مثبت عرفان ایرانی هستند نکته ذستی است و آنرا میتوان از روی آثار این د و هنرمند شکرگ کاملاً بپیرهن ساخت .

در عین حال عرفان قرون وسطائی بمعابه یک آموش متناقض ارادی جهات انحطاطی و خرافی بسیاری است که تعالیم عادی صوفیه را بنا شده و آنرا بجاد و جادگری و جوگیری و ریاضت و قیبگشی و کرامات پرستی و طامات باقی و اثواب مفاسد اخلاقی افتد . است عدم درک این متناقض در آمیختن ارشیه مولوی و حافظ با ارشیه سخیف عرفان و صوفیگری سالوسانه و انحطاطی . وجد اندک در غفرانیست و سرماز از ناسزا و سرمه از ناسره د رایسن مهترین و قوتیشین و شامتیشین جریان تذکرایرانی کارست نادرست و نوعی نقی مطلق خلاقیت فکری مرد م میرهن سیمین زیرا از شگفتی های اینست که تذکر عرفانی ط قرون طولانی و حتی از بعد ماساسی د راز ها و قولی هایشین تذکرای ایرانی بیوسته تسلطی آشکارا پنهانی د آشته است و راز این تسلط را باید در عناصر منطقی و عدالت امیز این آموش زد نهست و در این که این آموش از جهت فکری و بروجی بیشتر قاد رحل آن معضلاتی بودقه زندگ و طبیعت در هرگام د ربرا بر انسان زندگ و اند پیشند می گذشت و بد هب تهبا باتولی به " تعبد " می خواست پاسخ آنها را برای همیشگی گذارد . اگر مطلب را بدین نحو است در راک تکیم را تصور بخش عده حیات فکری و معنوی کشید خود را بآبیشگی در رظلمات جهات و انحراف عمیقاً از شاهراه معرفت مکون ساخته ایم ، امری که ن عاد لانه است و نه موافق با حققت . چون طلب اصلی این برسی چیز بگیرست باتصریح آنکه مسئله مطروحه د رای اهمیت اصولی فراوا ن و دامنه پهنانواری است بهین ند کارکلی قناعت میشود : در خانه اگرکن است پکحر بس است .

تشعب در عرفان ایرانی و پیدایش جنبش درویشان

عرفان ایرانی سبب شهاد و سرشت متناقض خود از همان آغاز منشعب شد و هر کسی از این تعالیم بهره ای راک مطلوبش بود برد است و هاکی را فروگذشت . با اینحال عرفان ایرانی همان طوره اگلی د رور عرفان اروپائی د رقرون وسطی تصریح کرد و است تقریباً همیشه د رمجموع بصورت تذکر مخالفین اجتماعی (اید گلوبی ایوزیسیون) در مقابل مذاهب رسمی ایستادگی کرد خواهد در جاده زهد و پیارسانی کام گذ آشته باشد خواه در جاده رندی ولا بالیگری (۱) .

عرفان برحسب تعالیم خود یک جریان فکری مخالف ولی اتفاقاً (یا پاسیف) بوده است ولی در د و رانی (بوریه د رقرون هشتم هجری) شکل پیکار جویانه ای بخود گرفت و این زمانی است که عرفان بصورت جنبش خلقي دروايش د رآمد . است . خانقه اقطاب و پیران صوفی و طارف بپهراز مساجد فقهها و شیخ حنفی میتوانست مرکز تجمع عاصیان و تاخیرسند اش شود و جالب اینجاست که بواسطه کین د شمنی د بینه ای که بین فقهاء و شیخ حنفی حنبلی از طرفی و پیران و اقطاب صوفی از طرف دیگرید ، آن گروه اول طرف زماد اران وقت و این گروه

(۱) برای اطلاع بیشتر د راین زمینه رجوع کنید به مقاله اینجات بدد رشماره د و م د نیا " د یالکتیک د راند پیش بعضاً از متفکران ایرانی " .

دوم ای چه بساجانب مر راگرفته اند

بی نصیبی ترین قشراهای شهروند در جامه درویشی یا بقول سعدی "خلقان گرد آلود" درآمد و در سک صوفیان منسلک پید مان مشکل گردیدند و در قنیهای هفتم و هشتم یک شیوه نسبتاً مشکل اجتماعی را بوجود آوردند که صرف نظر از برخی مختصات انگلوازندگی بطورکلی سیاه قفو شیاز در قبال دل و لستندان بودند و چنانکه می بینیم در سیاری مقاطع ایران این سیاه بحرکت درآمد و بقول حافظ جهان را پرپلا کرد $\frac{۴۳}{۴۴}$. این جنبشها بوجهی پس از این شماره مغول و تاخت و تازی همراهان و هنگامیکه قفو و سکت عادی جامعه قرون وسطائیها را هجومیانی قساوتکارانه اجنبی به حد اعلی میرساند رخ داده پس از اشاره باین جنبشها باید فایده نیست که در معنی لغوی درویش و انعکاس این لفظ دراد بیات ایران دقت کنیم.

معنی لغوی درویش

لفظ درویش همانطور که آقای پورن او در "یادداشت‌های اوستا" متذکرشد اند ازوایه اوستائی "در گلو" (ولیما $\frac{۴۵}{۴۶}$) که بمعنای بینواهی چاره است آمده و ریهلهوی و پارسی دری هیئت "درویش" و "در یوش" بخود گرفته است (۱). در ادبیات پارسی پیوسته درویش رکن امر مستعد و قیویگد اد مقابله توانگر و دلشنود قراردارد.

سعدی فرماید:

کارد رویش مستعد برآر که ترا نیز کارهای باشد

ای نفس اگر بدید تحقیق پنگری
ای پادشاه شهر چوچوقت فرامرسد

(۲) توزر داری وزن داری وسیم و سود و سرمایه
کجا با این همه شغلت بود پرواید رویشان

یا حافظ فرماید:

درویشم و گدا و سرا بر نمی نسم پشمین کلاه خویش بصد تاج خسروی

ای توانگر مفوشا بین همه نخوت که ترا سروزد رکف همت در رویشان است لفظ درویش فارسی کلمه "قیر" است که آن نیز در میان صوفیان بمعنای عنوان عام برای سالکین راه بکار رفته است (۲). کلمه درویش از سک صوفیه بمعنای عنوان عادی سالک طریقت بکار رفته بنت دریج با صوفی معنای مواری یافت و حال آنکه در خود اصل لفظ معنای آن چنانکه گفته شد بی چیز و مستعد است. اطلاق لفظ فقیری چیز و مستعد به سالکان راه و پروان صوفیگری خود دلیل روشنی است برآنکه مردم ترسی دست شهرود پروان عده طریقت بوده اند و طریقت صوفی غالباً به محرومیتین قشراهای جامعه قرون وسطائی کشوما نکنی داشته است. در اثمار سعدی و حافظ پیوسته لفظ درویش هم بمعنای سالکین طریقت صوفی و هم بمعنی قبیران مستعد بکار می‌رود.

در اینجا باید متأسفت نیست مذکر شویم که واژه دیگری که آن نیز از مید است "منشا" خلقی سالکین طریقت صوفیه خبرمید هد واژه "رند" است که در ادبیات پارسی بمعنای ولگردان و واش بکار رفته است. حافظ

(۱) اختلال در آرد کلمه "در بیزه" نیاز بهمین ریشه در گلو و درویش درویش مشتق شده باشد. شکل درویش ران اصرخ سرود رقماً بد خود بکار روده است.

(۲) جالب است که سعدی اصطلاح "سرمایه دار" رانیز گاه بعنوان توانگر و دلشنود بکار میرد. مثلادر این شعر:

سعد یاسرمایه داران از خلل ترسند و ما کنیز آید بانک دز از کاروان آسوده ایم
(۳) لفظ درویش بصورت Derviche و Dervis در اسننه اروپائی راه یافته و معنایی
"مد هبیون مسلمان" بکار رفته. در عربی بصورت دخیل وارد گردیده و معنای راهد و راهب بکار رفته
و به دروایش جمع بسته شده است.

"رند" رابعه‌نای سالکی که در کار خود کامل می‌پراست بکار برده است (۱) و پیوسته برندی خود تازدیده است. در عرفان حافظ "خرابات" که اقای ملک الشعراً در کتاب سبک شناسی خود حد س میزند از پیش پهلوانی "خواراباد" آمد و باشد جانشین صومعه و خانقاہ و رند جانشین صوفی میشود و دینسان صوفیگری در نزد حافظ گامی قطعی ترجیح‌نی فرستم رسوم سالوسانه موجود و رهائی از تعلق ها و حفظ از اد اند یشی عصیان آمیز خود بر میدارد.

برای آنکه معنای دوگانه در رویش (قیروسا لک) روشن تر گردید ذکر شواهدی ازد و شاعریزگ شیراز سعدی و حافظ بی فایده نیست.
سعدی و حافظ در رباره در روایش

بسط جنبش د رویشان در عصر سعدی و مسیحی د رویان حیات حافظ موجب شد که این د و شاعریزگوار د آثار خود ازد رویشان بکرات صحبت کنند و آنها را بستایند. در نزد سعدی معنای د رویش بمعنای سالک و در رویش بمعنای فقیر و مستعد د رایخنه است ولی در نزد حافظ و رهاء در رویش بیشتر بمعنای سالک طریقت بکار می‌برد و از آنچه آین سالکان معمولاً ازی چیزترین مرد م بوده اند اذ اذ امعنای فقیر و مستعد نیز بخودی خود در این لفظ منضم است.

سعدی نه فقط بخشی از گلستان را به وصف گز ران در رویشان و مسیر ایشان اختصاص میدهد بلکه در غزلیات زیای خود بحمایت از این جماعت که در عصر او د بیگرد ر است اجتماعی و معنوی خاصی بیو د بروم خیزد و آنها بمعنایه مردمی حق پرست پاک د و حق و حقیقی معرفی می‌کند که ه عمل خلاف راستی خلاف رای انسان است: قبایقد سلطانان چنان زیانی اتفاق که آن خلقان گرد آلود برا لاید رویشان گر از یک نیمه شله آرد سپاه مشرقه و مغارب زد پکریمه بس باشد تن تنهای رویشان

گرت آئینه ای باید که نور خود را زیختن
نبینی در رعه عالم مگرسیمای در رویشان
که حق مینند و حق گویند و حق
هران معنی که آید در لد اناه رویشان

توزر اری بوزن د اری سیم و سود و سرماهی
کجا با اینهمه شغلت بود بروای در رویشان
سرای سیم وزد ریا زو عقول جان نود لمعک
حریف اینست اگر اری سرسود گلار رویشان

این ابیات د لایزد لبستگی عمیق سعدی را به در رویشان میرهن می‌سازد و تصویر شونی را که وی از سیما کی این زنده پوشان لایا لی وی اعطا به طنطنه شاهان داشته است بدست میدهد و عین حال مسئله بارزه شرط و فقر را باوضوح تمام مطرح می‌کند. حافظ نیز مانند سعدی در غزلهاش شیوه‌ای خود در رویشان راهی ستاید. شایان ذکر است که در اول عمر حافظ شورشها در رویشان سرید اری و مرعشی د رسیاری از نقاط ایران رخ داده بود، لذا این بیت حافظه میگوید:

ساقی ز جام عدل بد باده تا گدا غیرت نیاورد که جهان پریلا کند

(۱) در زهان قاطع (به تصحیح اقای دکتر معین) رند بکسراول "مرد م محبل وزیرک وی پاک و منکرو لابالی و بی قید تفسیر شده است و نیز کسی که ظاهر خود را در ملامت دارد و اطانتش سلامت باشد" در ادبیات پارسی معمولاً بمعنای اهان و بوجاله بکار رفته است چنانکه بیهقی در استان حسنک وزیری نویسد: "آواز داد ند که سنگ د هید هیچکس دست بستنک نمی‌کرد، همه زارزاری گرسنگ خاصه شباوریان، پس مشتی رند راسیم داد ند که سنگ د هند". (تاریخ بیهقی به تصحیح دکتر غنی و فاضن صفحه ۱۸۷) ممکن است لقطه رند شکل تحول یافته و رهه پارسی رند باشد که ازو رهه اوتستانی "رتو" (۱) به مده د بمعنای دان او خرد مند و اورمشتق گردید و سپس مابین را دهال نون و قایه افزوده شده است چنانکه دروازه کت و کند (مثلان را خسیکت و بناکت و سمرقند و تاشکند) دیده میشود. این مطلب استنباط شخصی نگارنده است و بermen مسلم نیست. و رهه رند را بشکل عربی "رند" نیز جمعبسته اند.

دارای محتوی مشخص و اشاره بوقایع معینی از در وران حیات اوست، بهمین ترتیب در رابطه زیرین نمی توان
همین اشارات تاریخی را دید:

از کران تاکران لشکر ظلم است ولی
ای توانگرفوشاین همه نخوت نکtra
سرو زرد رکتف همت درویشان است
گنج قارون که فرومیرود از قهر هنوز
خوانده باشی که هم زغرت درویشان ۴۵
د رعورد معدی و حافظ و روابطه فکری آشنا باد رویشان باید گفت از رحایله شیخ مصلح الدین سعی
که خود را پورده نعمت خاندان توانگران مشتمل کانه (از انجمله در "جدال معدی" به مشاجره
باد رویشان بر می خاسته، لذا بین درویش و توانگرد رویشان است، حافظ در این اعلمه شد بد منوی و روحی به
در رویشان هم از جهت آنکه کرد آلد و قرقند وهم از جهت آنکه جویای حقیقت بعراقب پیکریزست؛ تویان هاو
سار شهاد راشعا رکنتر بچشم می خورد.

نتیجه ممی که از این شواهد میتوان گرفت آنست که توجه به جنبش توده های محروم و درویش رقنو
وسطا و ابراز علاقه و مهربوری بد ان در ادبیات مابصیرت شنای در رویشان منعکس است و تصویر آنکه شنای در رویشان
تنها در مقطع تفکر صوفیانه طرح شده است نه در مقطع خاص اجتماعی آن تصویر است خطأ باید به آستر
طبقاتی و محتوی اجتماعی این مسائل بد رستی برد.

جنبشهای انقلابی در رویشان در قرن هشتم

جنبد روایت رسم اسرقرون هشتاد و خراسان و کرمان بصورت جنبش سرید اربیل در مازندران و کیلان
بصورت جنبش مرعشیه، در آذربایجان بصورت جنبش حروفیه بروز کرد و است. لیه تیز این جنبشها کاه متوجه
غاصبین مغلوب و تاتاری و گاه متوجه فتحد الها و اشراف و روحا نیون دست نشانده آنها.
در ریاره جنبش در روایت سرید ای خراسان و کرمان سخن در ازاس و کسانی که خواستار ریافت
اطلاعات جامعی در ریاره آن هستند متأنیت متعابع مانند زیده التواریخ حافظ ابرو و مطلع مسعد بن
عبد الرزاق سمرقندی ورونه الجنات معین الدین اسغزا ری و روحنه الصفا میرخوند و حجیب السرخوند صبورتند که
د و لشته وظفرنامه شرف الدین بزدی ورجله این بخطوه این مراجعة کنند. هد فاد رانجاشش تاریخ نیست.
جنبشه سرید ای از جهت اید شلووی خود آمیزه ای از تعالیم صوفی، اساطیر و مسن حمام و پهلوانی شاهنامه
فرد وسی و مقاید و نظریات شیعی است و در مینه مبارزه علیه جاشنینا خویریز چنگیز وهلالکو و نبرد برض اثرا
ایرانی دست نشانده آنها پدیده است.

یکی از این صوفی بنام خلیفه مازندرانی که از مریدان شیخ رکن الدین سمنانی بود کام در جاده
انکاری و دست نشاند و مراد خود را مطلع ساخت که وی به مذاهب ارمعه اهل تسنن باورند ارد و مقول شاعر مذهب
عاشق رازند هبها جاده امید اند. شیخ که خود از صوفیان قشی و راهده و متعصب دستنی بود و ایت پرسر مرید
خاصی کوفت و تکنیش نمود. ولی خلیفه که در نظر ریاست افکار اقلایی تشره های مستعنه را منعکس می اخشد حساب
خود را از شیخ جد اکرد و رسپزوار رسیاط وعظ کسترد و حتی علی رغم فتوای قتلی که فقها وعلماء شهر پر پندش صادر
کردند به برانگیختن مردم محروم برض خاندان مغلوب و فتحد الها روحا نیون دست نشانده آنان اد اهداد تا
آنکه بالآخره دشمنانش در نهان باود ست یافتد و در تاریخ ۲۲ ربیع الاول ۲۲۱ هجری مخفیانه اور ازال طاق
مسجد آویختند و کشند. مبارزه خلیفه مازندرانی و شخصیت وی و یايان کارش و نبرد شرعیه سلطان عصر و روحا نیون
از سیاری جهات مزد که باد ادان را که وی نیز اند رزگر و عظی بیدعت کرد از بود وهم تشره های پائین جامعه تکیه
می کرد بیاد می آورد. جنبشی را که شیخ خلیفه پدید آورد و مرد راه آن باخت شیخ حسن جوری شاگرد شد نیال
کرد و راویش را بصورت سازمانی منظم درآورد و آنها رایه سوگند وفاد اری متعهد نمود و مسلح ساخت و قدرت و
تفوز خود را در نشاپور و آبیورد و مشهد و هرات و ملح بسط داد و آنکه از غونشاه جانی قربانی شیخ حسن جوری را
با ۶۰ در رویش به بند افکند ولی رشته کارازد ست و خارج شد و سرید اریه تسلط خود را بر خراسان و ماواره النهر
بند ریج د رنیدهای سخت بعدی برقرار کردند. سرید اری بعد عوی داشتند که می خواهند کاری کنند که حتی یک
تاتار تا قیام قیامت خیمه د رخان ایران نزند. آنها تعالیم صوفی را با شیوه عباری و جوانمردی در آمیخته و نخستین
هنگهای در رویشان مسلح را پدید آوردند، این جنبش را زطفیلیکی و کد ائم و مقاومت منفی به نبرد های خونین

مرد انه رهنماشی کردند . خود عنوان سرید اریه که از آمادگی در رویشان برای آنکه سرخود یا مرد شمن را بردار ببینند حکایت میکند نماینده روحیات پرخاشگاری جنبش است . شاعر معروف این معین فرموده بس سرید از ارتباط داشت و تاحد و دیاند یشه های آنان را در اشعار خود منعکس میکند . جنبش سرید اریه در کرمان نزیه موقفیت‌هاشی رسید ولی شاه شجاع در رویشان سرید اریه کرمان را با شکست مواجه ساخت .

در آنهمکام که جنبش سرید اریه در خراسان و ماوارا^۱ شهر جریان داشت سید عزالدین مرعشی شاگرد حسن جوی و شیخ قوام الدین مرعشی پسراواز سران د رویش، مازندران علیه فخرالدوله باوندی از امیران باوند این سامان پرخاستند . قوام الدین مرعشی در سال ۷۵۱ بد مت جناح سازشکاری ازد راویش برجهبری فراستایا چلبی کشته شد ولی جنبش طرفد ارتش سرتاج غلبه کرد و تا او ان حمله تیمور دران صفات داد و آورد . ظاهرا سران این جنبش رنایه تحث قلمرو خود حقی دست به برخی اصلاحات ارضی نمیزدند . کسانی که خواستار اطلاعات وسیع تری د راین باره باشند به تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تالیف ظهیرالدین مرعشی از اعقاب سید عزالدین مرعشی مراجعت کنند . جنبش راویش مرعشی در همان ایام گیلان رانیزفر گرفت .

اما جنبش حروفه د روزمان تیموریان رخداد و آن جنبش راویش پیرو فضل الله حروفی استر آبادی معروف به تعیی است که بدست سیرزا میرانشاه پسر امیر تیمور گورکان در پیونج شنه ۶ ذی قعده سال ۷۷۷ بقتل رسد . تعیی خود از زمه پیشه و روان قصیر بود و هفاقتیه وزی استغال داشت . در مزار ات تبریز^(۱) تصریح شده است که^(۲) این طبقه مشهوره ایاحت و تزند قند و مردم باین قوم سیار گردیدند . آخرعلم^(۳) هجوم کرد و فتواهانوشتند که شرعا خون این قوم را باید ریخت و اکرپاد شاه احتمال کند فع پاد شاه نیز فرض است . علی رغم قتل عامی که از حروفه د راذ رایچان شد آنان تاد بی رعیت شاهان ایران بودند و مید قاسم اسوار عارف معرفو که از اراد تمندان حافظ بود با حروفه ارتباط داشت و ظاهرا یه اشتراک اموال معتقد بود در توطئه جان شاهنخ تیموری بدست احمد لر سید قاسم اتخارهم متهم شد ولی مسمی نفوذ و شهرت عظیمش اور انشکشند ، تنهایه تبعید گاه فرستادند . جنبش راویش حرثی بیش از هر جنبش بگر پس از حمله مغول از عناصر تعالیم مزد اشیاع است و اگر جنبش سرید اری شیوه عیاران و جوانمرد ان قرنها سوم و چهارم را با صوفیگی د را میخته بید جنبش حروفه ای از اند یشه مزد کی و تعالیم صوفیانه است .

آخرین جنبش مسلح و متمرضد روایش جنبش صوفیان پیرو شیخ صفی الدین اردبیلی است که بعد ها در رکاب شاه اسعیل صفوی نبرد ها آزموده و سلسه سیصد ساله صفویه را بنیاد نهاده اند . ولی این صوفیان بزودی از رجره سیاست خارج شدند و همچویی ولگرد طفیلی و باگروهی فراش و میرغضب مهد لگردیدند و قلب ماهیت کرد و مسخ شد و از میان رفتند .

جز رهورد سرید اریه و مرعشی و حروفه و صوفیه طرق ارشیخ صفی الدین ما از جنبش مشکل و مسلح و پوششگرد بگرد رویشان در قرون وسطی اطلاعی نداریم^(۴) ولی همین اندازه شناسه آنست که سنت مقاومت در میان قشرهای محروم جامعه ایران ریشه های عمیق داشته و اند یشه عرفانی گاه مید ان داده است که این مقاومت بصور تعلیمی بروز کند . آنچه که در این بررسی فوق العاده مجله بیاننده غلط طرح مطلب است . امید است پژوهندگان فاضل حق مطلب را اد اکنند و این گوشه های جالب تاریخ مبارزات طبقاتی جامعه قرون وسطائی مارا روشن گرد اند .

(۱) به نقل آقای صادق کیا در مقاله « آگاهیهای تازه ای از حروفیان » مجله دانشکده ادبیات شماره ۲ سال دوم .

(۲) جنبش اقلایی یا به از جهت تسلسل فکری با این جنبشها پیوند دوی دارد . این جنبش نیز بر زمینه برخی نظریات عرفانی بروز کرد و با پیحاح ل چون پید ایشان در شرایط تاریخی و زمانیه اجتماعی دیگری بوده است ، نمی توان آنرا در زمرة جنبشها ای اقلایی در رویشان قرون وسطائی وارد ساخت .

"دیالکتیک چیزی جز علم بقوانین کلی حرکت و تکامل طبیعت، جامعه پشی و تفکر نیست" (انگلیس - آنتی د وینگ)

برخی عناصر دیالکتیکی و مادی در افکار عبدالرزاق لاهیجی صاحب «گوهر مراد»^(۱)

عبدالرزاق لاهیجی کیست؟

بزرگترین فیلسوف تون هند هم ایران - صدرالدین محمد بن ابراھیم شیرازی (مشهور به ملا صدر) علاوه بر تأثیرات عدیده ای که از خود بیان گارکنده است شاکرد ان فراوانی تربیت کرد که در تاریخ فلسفه علم واد ب ایران نامدار شدند. از جمله ایمان یکی عبد الرزاق بن علی لاهیجی است که در شعر فیاض تخلص میکرد. او نیز مانند محمد بن مرتضی مشهور به ملامحسن فیض کاشانی داماد و شاکرد ملاصد را بود. اما اگر فیض کاشانی چهل سال بعد ازا استاد شرمند ه ماند فیاض بیش از سال از قوت صدرالممالکین حد رای شیرازی نگذشته بود که در سال ۱۰۵۲ هجری قمری (۱۶۴۳ میلادی) بدروز حیات گفت. با آنکه لاهیجی کتاب "سرمهای ایمان" را در راصول دین نوشت باز هم مانند استاد شرمند ملاصد را زخریه تکثیر متعصبین مذهبی و ارتقا داد. وران د رامان نماند. از زن فراوانی که اهرازی علم و حکمت قائل میشد و تمایل شد بد شیخ اوزکلی نسبت ب نفسمه یونان و خصوصاً ب عکت ارسطو همراه باد ناع منطقی اعتقاد راسیونالیستی مشایخون د رمقابل هجوم قبهاء و متکلمین اورامد بی مهربو کاه خشم و غضب بعضی تذکره نویسان اسلامی توارد آد. محمد تنکابنی صاحب "قصص العلما" برای آنکه مراتب تمخر و استهزای لاهیجی را نسبت به دین وسائل مذهبی نشان دهد مینویسد:

از ملاند عبدالرزاق پرسیدند که اگر کلاخ در رجاه افتد چند دهانه کشید (تآب با صطالح تظاهر شود). اد رجواب گفت: «کلاح مرغ زیری است در رجاه نمیافتد».^(۲)
عقیده وحدت وجود او که جنبه ماتریالیستی داشت جون خاری در رجمش روحا نیون مرتعج می خلید، زیرا پروردگار عالم را در حقیقت د رعالم ادی تحملیل میرد و خالق را با مخلوق یکسان می ساخت. اورد آنکی صوفیان وحدت وجودی و مبارزان مرسخت را عقیده مانند منصور حلاج را بدین زمان میستود که:

هر که بینی بشن از دعوی منصور پرداست لیک رندی که کند سر زنگ دارکم است او مخالف عوایزی و موهومات بود و شیوه داشت و معرفت:

روح در قلب انسان زیب معرفت است کرده اند این تله در خاک که عنقا کنند علاوه بر آثار فلسفی از ایوانی یه یاد کار مانده که در حد و پنج هزار بیت دارد. اد علم واد ب وفلسفه سنت

(۱) مجله دنیا برای کلت به تن ایم و تصحیر علمی تاریخ و فرهنگ ایران و از اجمله تاریخ تفکر فلسفی و اجتماعی میبین ما پژوهشهاش را که در این زمینه انجام گیرد با نهایت میل شرمند ده زیرا اینکار بصیرات هم و ضروری و انجام آن در روجه اول برعهده ه مارکسیستهای ایرانی است. مقاله حاضر جهات مثبت دیالکتیکی و مادی و اراد را فشاریکی از بترین شاکردن صدرالدین شیرازی یعنی عبد الرزاق لاهیجی نشان میدهد و بنیه خود دلیلی برآئست که در حمورت پژوهش تاریخ تفکر فلسفی در ایران معلوم میشود که متقدran ما سهیم بر جسته ای د راستنباها. ولو ناتمام بسیاری از حقایق از کرد ه اند، امری که د راثعد م تحقیق و بررسی علی نه نقطه بر جهانیان باکه بر خود ایرانیان نیز مستور است. دنیا

(۲) محمد تنکابنی، "قصص العلما"، چاپ تهران، صفحه ۲۲۱

پیشوان پیشین رامحترم میداشت . ناه بسبک خیابانی میسرود و میفت :

پت است که ترت پیراستادد بیم آبخته هارا عمه ازیاد دهیم
با جام من دو ساله درینکه ها
ناموس نزارساله برباد دشیم

و داه به تحالیل انثار فارابی و ابن سينا و خواجه شمس الدین او بسی میزد اخت به شعری متوینیح " تسانون " و " شنا " همت میگماست . در عین حال پرتو تقلید نیود ، در انتقاد علمی بی بروایت ، با مشاهیر متقد مین هیزنان معاصرین حتی با استاد خود صدرالمتألهین بی مجاہبه با خانه می برد اخت ، طرفه ارجمندی است تعالی غلوب . لاهیج عالمه برنتاب شوارق و شرح تجرید و شرحی که بر قصور الحلم نوشته دارد ای تابی است بنام کوسر مراد که ترجمه در لفظه دین است و به دفعه از تشیع پایان میابد نیک حاوی انثار فلسقی بپرازشی است . بسی شش تدقیق نکات مثبت این انثار خاصه ببرخی عناصر تغذیه کننده ای تابی است . روش ماتریالیستی که در آن همود اوپرائنده است برای تحقیق و دین وین تاریخ رشد انثار فلسفی در ایران : روریست .

مفهوم حرکت - حرکت در روحی و دفعی

تأثیل ازید رای شیرازی پیشوان غلستانه مثنی معرفت راز تفصیلات جزئی اساساً در رافجهار نسخه عدد ه حرکت گفته شدند :

(۱) حرکتی که اثرش عبارت از ایجاد و اعدام است (کن و نساد)

(۲) حرکتی که اثرش انتقال یا تغییر مکان اجسام است (بهارت د پرحرکت در مقوله وضع)

(۳) حرکتی که باعث زیادت و نقصان درقد ایست (پارکت در مقادیر کم)

(۴) حرکتی که مسبب استحانه و تبدیل گفته است (یا باعده از این حرکت در مقوله کیف)

بطولیکه مشهود است این مفاهیم حرکت ده بتد ریچ از شکل عالیتر ارتقا میابد در سور اخیر خود بعنیم د یا الکتیکی حرکت نزدیک میشود . " در رای شیرازی " حرکت در مقوله جوشن رایرین چیزهای از خود و ماین عمل خود تدم تازه مهد را ریشت . " غفیوم حرکت از نسل ماده متأثیکی مشکل پیشتر تر یا لذت یکی برد آنست . اوه غفیوم حرکت جوهری را دارا نمای مختلف خود خصوصی دارد " استمار " به تفصیل پیان کرده است (۱) . خلاصه آن اینست که . " مه اشیا " در رای حرکت داشتی تاملی است که از " برونویتیست آشنا " مرج شمه میگیرد . یکی از آنست لالات مذکووه اور رایمود استاد به شریه ارسنلود ریار وحدت بیولا و سرعت است . " در رایمود چون ماده نیچه از سوت زدن آنست و چون سوت بنابریو یقه خود را تیریز و تبدیل است پیر و جود ماده نیمز بنفسه به ملز بآخرت و تغییر باشد . پس " بیعت بالذات متعدد وسیال است به وجود و ذات " دارد . احتیاجی ندارد . " در المتألهین در روح برید آه بیویست :

" الذایع الماده والشفر المتعله بالايدان اطبیعیه للایام تحرکه ذا اتهابه و ذیرها
صد رای شیرازی در چهارچهه میستم فاسی خوده که باور کلی " تنه ایده الیستی و تالهی د اید بایین
نتیجه میسرد که حرکت و تبدیل و تغییر لایتیاعی است وجهان مادی هرگز متوقف نخواهد داشت " در اموزش او
حرکت جنبه کلیت و مطلقت پید امیندند . نبات و سکون نسبت بحرکت منجیده میشود نه حرکت نسبت به سلوان (۲) .
با بدند می دنکه چالید اشته میند واین سؤال جواب نکته میند که : پس چه چیز است که در دن استو
جوهر اشیا (۱) این حرکت و تغییر ائمه را سبب میکرد ؟

نه تنها در رایمود مشایعون بلکه در فلسفه اشراقیون نیز بوجود نشیه " وحدت و مبارزه " اید داد " برخود
میشود . در رایه متفکرین و فلاسفه از جهان مادی و عناصر اعده و اسلحه اسخال سخن بسان میامنند غالباً از " مژن
مشهاد عناصر " سخن نکته اند . مثلاً شیجی ، ریختی که از چکوکی تردیب تناسیرا - م بایجاد اجسام نوین بسان
آورده عنابریه را " در غایت سخافات و خدیت باشم " دانسته است (۲) . اون فقط " عالم مجردات " را بد و
اشداد نعموده " تضاد و متفاوت " را " مخصوص دارای بحداد " خصوصیات نوین وساد " میداند . تایل توجه
که لاهیجی بر جا از تضاد نام میزد آنرا لازمه " فعل و افعال تجدیدی " محسوب داشته بیانیم " ته ساد "

(۱) " در رای دین محمد بن ابراهیم ، اسفار ، تهران ، چاپ اول ، ۱۲۲۸ ، جاد اول ، صفحات ۱۷۰-۱۷۲

(۲) برازی تندیل بیشتر جو عنیده مجله " دنیا " شماره ۲ ، سال ۱۱۲۱ صفحات ۱۰۶-۱۱۰

(۳) بعد الرزاق لانجیجی ، گوهر مراد ، تهران ، سال ۱۲۲۱ ، صفحه ۷۶

و "تجدد" را بهم مروي می‌سازد. اهم تقدیست که عالم‌تون و شاد که در خارج از دن انسان وجود واقعی دارد تبیان نمایند و فلک و انفعال و تاثیرگذاریاند. او بیویسید "تأثیرگذارتر فرع خدیست و انفعال تجددی است" (۱) و معتقد است: "انفعاً، تجدد، هماناً بحداد دیده، ای به وحدت داشت".

اما نند متقد مین حرکت را فقط درجه هارمه مقوله از مقولات عرض واقع داشته نوشته :

• وقوع حرکت در متولات عرس جایز است و در هر هار مقوله ازان واقع • (۲) •

وچهارمین مرتبه در مجموعه ای از پرداختهای مذکور در اینجا مذکور شد که حکمت مذکور را با این ترتیب معرفت کردند: با وجود این نظریه تازه و مفترضی که صدرایی نیز از دیرباره حرکت جوهری پیشکشیده بود کارخود را کنده و در اذعان رسخ نموده بود. همانطور نتیجه رسخ این فکر است که لاهیجی خود را چار تضاد نگردید و مخفیه بعد در تصنیف انواع حرکت چنین مینویسد: «دانشمند حکمت باعث تحقیق و تدبیر حکمت مذکور است و حکمت بالغ عرض».

بد انکه حرکت باعثیار متحرک تسمیم میشود به حرکت بالذات و حرکت بالعرض.

و در تعریف حرکت بالذات مکنوند :
حرکت بالذات آن بود که چیزی را که موصوف به حرکت سازیم - حرکت در واقع قائم به او و
حق است اماشد . (۴)

د رتیجمنا شیرنگر استاد است که لاهیچه متوجه خرد کرد درویش و بیهی اتنیا شد و عینویسید:

”هر جسمی که متحرک بود ناچار اورام حركی پس

وکرچه این محرك را "غیر ذات جسمیت" معرفی میکند ولی مینویسد که محرك

آن حرکت را بیبینی توانید ^(۵) .

اگرایی عوضیت فکر خود اشله غریبانی از «علم مادی یعنی» می‌بود. درست است که این بیانات اواز خود دارد، حركت ساده، همانگونه تجارتی نمی‌باشد و لیکن در هر حال باعث یافتن کاملی دیده می‌شود که تراستات من در راه برای حركت جوغرافی دارا و شرایطی که اشته و اورابرد دیگر تکنیکی حركت خلیلی ترین یک کرد است.

برای روش شدن ملبد تحقیق خود را در عقیده رشته می‌دانند از هر کدام رفاقت
چهارگانه (این، وضع، کم، کیف) در نوع حرکت کمی را تشخیص میدند؛ یعنی وقوع حرکت کمی در رسوالت
تذلل خود تکانیف که زیاد شدن و کم شدن جسم را مقدار است. و دینزین حرکت کمی در سیر تنووزد بول (۱)
(ذبول عکس نمود و معنای احتفاظ با خصللات است). در تونیج این شرکه جواب به مدعا در رشت سرتار امثال
آورده شان میدند که چونکه نخل معبیت که در حال رشد و نمواست هر آن نخل مشخص خرد را عوام مینشید در
حالیکه از حدیث "حسمیت مطلق" (یعنی از لحاظ مفهوم غسلی ماده) صحبتان یافتی است. لاینجی میتوانست
مثلاً نهانی از نخله معینه در حالت نمو از این حیثیت نزد است از ازان را در نخل به نفعی
است این جسم مغلوب با قیمت بالشخبر، و از این حیثیت نزد است از افزای جسم مغلوب

(١) عبداللہ نقاشی، گھواد، تباہ، سال ۱۲۷۱، عنوان ۱۱۱

(١) عدالتیق لافسح، گهره اند، خیان، سما، ۱۲۷۱، ۱۲۷۱

(۲) همان کتاب صفحه ۸۸

۸۳) همان کتاب صفحه ۲۲)

۹۰) شعبان کتاب سفحہ

٥) عمانجا

٨٦) شماره کتاب صفحه

که مقوم و جنس نوع نخل است متبدل است و غیر باقی باید شخصی از او متبدل شود به شخصی دیگر . . . و آنچه در قوام نخله معتبر است جسم مطلق است من حیث العلوم لامن حیث الخصوص "(۱)"

از این مثال دیده میشود که اورده رک مفهوم فلسفی ماده و تشخیص آن از مواد مشخص جد اکانه رسیده است . فیاض از این هم جلوتر فته دریخت از " حرکت در مقوله کیف " بد نوع از حرکت پدر ریجی و انقلابی اشاره میکند . در توضیح حرکت کیف او گرم شدن آب را مثال آورده مینویسد : " . . . چون گرم شدن آب، چه سخونت برای آب حاصل نیست هر دریج حاصل میشود و اینرا حرکت در کیف و استحاله نمیگویند "(۲)"

و در جای دیگر بیان معنای کون و فساد و توضیح جهش و باصطلاح خود اغتییر " دفعی " ، تبخر آب را نمونه آورده مینویسد :

" این معنی را کون و فساد گویند ، چون حاصل شدن صورت هوائی برای آب یا زائل شدن صورت مائی از آب . چه حصول صورت هوائی برای آب ممکن است چنانکه در حال است انقلاب چه ماده اب صورت مائی یگذارد و صورت هوائی پردازد و این هرد و تغییرد را ن واحد حاصل شود که دفعی عبارت از اینست "(۳)"

مثال دیگری که فیاض در شرح تغییر دفعی (جهش) آورده از این هم قابل توجه تراست . اولحشته تماس د و جسم را مثال آورده مینویسد :

" پس انتقال جسم از لامعاسه به مامیه دفعی پاشد نه تدریجی "(۴)"

درست است که اونام این نوع تغییر و بدل را حرکت نمیکند ارد ولی صحبت برسنام و باصطلاح نیست بلکه بسرسر آنست که فیاض به درک غرم " دفعی و انقلابی " تغییر و بدل نائل شده و لزوم چنین شکلی از جنبش را طبیعی و غروری دانسته است .

متقدیرین بجزئیاتی معاصر که از نام " حرکت انقلابی " و باصطلاح " تغییر دفعی و جهشی " هراس دارند با ناوع دسائی و حیل متول میشوند تا لزمنام انقلاب رانه فقط در پیوشه رشد اجتماعی بشمردکه در تحول حوادث و پدیده های طبیعت نیز اندازند . و یا میم از اینکاشی پدر مکتب پرداخته ایم درین راه ساعی اند کی بخرج نداده است . از دعوی است نه حرکت و تغییر فقط یک شکلدار ارد و انهم شکلت ریجی است و حرکت و بدل انقلابی گواهی تجزیع همان جنبش تد ریجی چیز بذری نیست . بدین ترتیب اوسو حد مین تد ریج و جهش را اندکی میند . جواب این سفسطه را سالمها پیش بانمیان د یا لکتیک ماتریالیستی دارد . مثال مشهوری راک فرد ریک انکلساش به تکرار رأ از خود آورده است بیان آوریم . اگر رجه بحرانی داشته باشد ریج با لایریم به نقطه ای میرسیم که د ر اصطلاح دانش فیزیک " درجه بحرانی " گویند . در این نقطه با خفت شرایط میعنی ارتقا " بعدی درجه بحرانی و قطبی میشود که آب شکل ما بخود را عوض کند و بگفت تازه یعنی بخار بدل مگردد . این موضوع اختراع د یا لکتیک ماتریالیستی نیست بلکه حقیقتی است که مستقل از ذهن و شعور انسان در طبیعت خارج وجود واقعی دارد . حتی فیاسوف بزرگ ایسده آلیست آلمانی هیگل بدین نکته یعنی بتوحول انقلابی کیفی بوده و اسرا توضیح دارد . بد .

از امثله متعدد دیگری لادیجی د رشح تناوت بین تدریج و انقلاب آورده یکی هم مین تغییر د رجه حرارت آب و بدل آن به بخار است . این نویسید :

" معنی تدریج همین باشد و همچنین در بیووت گرم شدن آب چه میان مرتبه از بروت و مرتبه از حرارت مرتبه از حرارت مراتب سپارا از هرد و وضعیت تر هست که چون آب از آن مرتبه برودت بیرون رود ناطی آن هر اتک کثیره نکند ممکن شود اورا تبلیس به آن مرتبه محینه از حرارت . . . و اینکه گفتیم به خلاف صورت انقلاب است چه میان صورت مائی و صورت هوائی مثلا صورت

(۱) عبد الرزاق لادیجی ، توه مراد ، تهران ، سال ۱۲۷۱ ، صفحه ۶۱۰ و ۶۱۱

(۲) همان کتاب صفحه ۸۹

(۳) همان کتاب صفحه ۸۸

(۴) همانجا

د یکرمتوسط نیست که تلبیس یا متصور شود " (۱) .

لاهیجی د رفصی از کتاب خود که به " بیان انقلاب و استحالة عناصر " منحصر ساخته روش د دسته از قد مارا ساخت به باد انتقاد گرفته است . او میگوید یک سنه کسانی هستند که " انکار استحالة و انقلاب هرد و نموده اند " دسته د یگر هستند که پدایش کیفیت نوین و انقلاب را منکرشد " اند . لاهیجی با ذکر امامه فراوان راثابت کرد " مینویسد : " د لیلیر انقلاب بیو اسطه (یعنی تبدیل یک عنصر به عنصر بالا فصل بعدی) مشاهده است و عیان " (۲) .

در رباره دوروشن تابعه دیرالا بدین نتیجه میروید که : " این هر دو هد د رغایت سخافت است " (۳) .

استنباط مادی زمان و مکان در تزد لاهیجی

دکتر محمد خزاںی د رکتاب تاریخ فلسفه خود اهمیت صدرای شیرازی و مکتب فلسفی ایران اباعمارت زیر ارزیابی کرد " است :

" در زمان صفویه خاتم فلاسفه شرق مد رال دین محمد بن ابراهیم ملقب به ملا صدرا ظاهر گرد . وی شائرد میراد ام و میرفند رسکی و شیخ بہا الدین بود و خود صاحب نظر و اجتہاد و فلسفه اواسس فلسفه لایب نیتز و کانت گردید " (۴) .
ماحد رارا " خاتم فلاسفه شرق " نمینامیم زیرا بعد ازاود رکشورهای مشرق زمین واژگمله ایران فلاسفه بزرگ و کوچک د یگردد اند . همچنین برای تهدید بقای این مدعاهه " فلسفه اواسس فلسفه لایب نیتز و کانت گردید " نیز ناسایی د دست نداریم . ماها همیت مکتب فلسفی این متفکر شهیر ایرانی را بر ارباب بیشترها لاتر از آن مید اینم که بینظر آقای خزاںی ریسیده است . برای روشن شدن این نکته وجهت اینکه بحث مختصر کنونی نقیص نماند مذتصرا به چگوینگی در مکان و زمان و تعریف این مقاهم از ارف شاگرد اول مکتب صدر ارتو گه مینکنم ، چه بحث پیرامون حرکت بد و توضیح در رباره مکان و زمان چیست و مثلا باکانت که در آن امان یک قرن بعد از او میزینسته به بینیم عقیده لاهیجی در رباره مکان و زمان چیست و مثلا باکانت که در آن امان یک قرن بعد از او میزینسته (۱۸۰۴-۱۷۲۲) چه تفاوتی دارد .

لاهیجی در گوهر مراد مکان و زمان را بهمراه حرکت " احوال مشترکه اجسام " نامیده است زیرا این صور وجودی ماده بدون استثنای برای همه اجسام مشترک و عمومی است . این از آنکه " امارات مکان " یعنی عالم ممیزه آنرا مشهار د تعریف " ذهنیت " و باصطلاح امروزما " ذهنی " زمان و مکان را رد کرد " مینویسد : از مطالبات مختلفه در رباره مکان

" یکی مذہب متكلمن است که گویند مکان هر جسم فضائی است مخصوص که جسم د راوی گردید
جون فضای د ورن کوزه برای آب و آنرا مخصوص گویند . و مراد از مخصوص است که بیشتر د راید
اما در خارج موجود نباشد " .

لاهیجی این طریقه را باطل دانسته د لیل بیاورد که :
مکان به حسب خارج (یعنی خارج از ذهن انسان) قبل زیاده و نقصان است چه
مکان جسم بزرگ لامحاله زیاد است بر مکان جسم کوچک در خارج و نفس الامر ۰۰۰ وشك
نیست که هرچه قبول زیاد تی و نقصان به حسب خارج کند معدوم در خارج نتواند بشود " (۵) .

(۱) لاهیجی، گوهر مراد صفحه ۸۸

(۲) همان کتاب صفحه ۷۳

(۳) همانجا

(۴) دکتر محمد خزاںی، تاریخ فلسفه و متافیزیک و خلاصه زیائی شناسی، تهران ۱۳۳۳ صفحه ۵۲

(۵) لاهیجی، گوهر مراد صفحه ۸۰۴

و درباره زمان جای دیده بودند :

جمهور متكلمين برآنند که زمان چون منان امریست موهوم و نزد ایشان خواه عالم موجود باشد خواه نه مکان و زمان متحققت به تحقیق وحی :

والآخره پس از امثله ساده باشد لالهاییکه میاورد بدین شیوه میرسد که :

بطلاق این ذهباً شهروی دارد که سلطان بیان نیست :

و طرقداری از قلاصده در مقابل هجوم متكلمين بود اخته مینویسد :

حکایات آنند که زمان امریست موبن و در رخان (۱) .

در مرورد مکان عبد الرزاق لاھیجي متذکرمیشید که او تسبیرو تو بهم برای مثبتون مکان ازته رمکلیمین

یافتنه است "اما ایشان راضی به آن نیستند چه ایشان نائند به تحقیق منان مبنو تبل از وجود

عال (یعنی قبل از هر نوع تجربه ویش از شریونه امکان تجربه) و آنچه مانعین شدن شود

از وجود عالم *

لاھیجي حقیقتاً همه جا وحیشی وجود عینی زمان و مکان را با استاد به تجربه و عمل مواث ایصال باقی می‌گردی

موجود در خارج از ذهن انسان اثبات میکند و نشان میدهد که متولات زمان و مکان و بود عینی در آنند که بالا وسیله

و اثباته موجود عالم مادی است .

اکنون لک مقایسه بین سیستم فلسفی کانت که به "فلسفه پیشین" و "فلسفه پیشین" برترین *

(Philosophie transcendale) موسوم است و موضوع "علم و مسارات قبلی" (connaissances à priori).

دراین سیستم فلسفی یا تسبیریکه متكلمين اسلامی از زمان و مکان کرد و حق مورد اعتراض درست لاندیجی قرار گرفته است کارد شواری نیستند . کانت هم مانند متكلمين اسلامی .

میگفت که زمان و مکان "امروقیلی" (a priori) هستند یعنی قبل از هر تجربه ای موجود بوده اند .

از پیش وجود عینی زمان و مکان را منکرید و آنها را مقولاً ذهنی یعنی زایدی ذهن پشتمشند . عبد الرزاق لاھیجي

چنین ادراک زمان و مکان را "باطل" شمرده حرکت را لازمه وجود احساس مادی و مکان پر زمان را واقعیاتی عینی

میشمارد . اوضاعیج بحث زمان و مکان خدید میکند که اگر کسی بگوید زمان و مکان و مرکت "موجود

در ذهن هستند وسیع" چنین عقیده ای "باطل است" (۲) .

لیستی بند پنجمین بحث زمان و مکان را یاد میکرد که درین ترتیب میگفت که زمان و مکان ماتریا

در سیستم فلسفی او (که در مجموع جنبه ایده ایست و تصوریت دارد) میرسم که تحقیق دار اطراف این نکات

از موضوع مقاله فعلی خارج و شایان بررسی جد اکانه است .

نظریه لاھیجي و باحثه و مجدله اوسیر عینیت و ذهنیت مقولات زمان و مکان مارا بیان کفته جاودان

لینین میاندازد که در فصل "مکان و زمان" از کتاب مشهور خود "ماتریالیسم و امپریوکریتیسم" نوشته :

"ماتریالیسم با اعتراف بوجود واقعیت عینی، یعنی ماده تحرکت مستقل اشاعرها نایبر

وقبل از هرچیز به تعابیر از مکتب کانت که دراین مسئله جانب ایده آلیسم رانکه میدارد و

زمان و مکان را واقعیت عینی شمرده بلکه صورت ناره انسانی میشمارد . باید بواحیت عینی

زمان و مکان اعتراف کند .

نه فقط در بحث زمان و مکان بلکه در پاره ای از مسائل دینزمنونه های در رث ماتریالیستی جهان دلخواه

بعد الرزاق لاھیجي همید است "مزد" بدی نیست که ایندیشه نوونه بحد رتاریخ کهنسال فاسقه ایران زیاد و مسخر

گوناگون در آثار این ویا آن غیلسوف و متفکر تریک دیده میشود . اما آن و میتوط به نیازن لاھیجي است باید مذکور

شده که بحاجی پیکری ، تجمع همراهانگ و وحدت مژون عنصر مادریالیستی ماتریالیستی در یکجا ، ما در

سیستم فلسفی او به پرائیتگی و عدم همایانگی این جهات میشند و انتیجه بینش سالمه شد و تقدیر نمایند .

میکنیم که "نه انتکار مرحجه میشند و مادی معنوی اجتماع و تضاد های دیوان و شعره نشایر اخلاق آن و

اید شولزی حاکم زمان است که اساساً باید تلویزی مذهبی و جهان بینی ایده آلیستی بوده است . مدد و پیش

تاریخی آن عتکنتریک تیزد رهیمن است .

(۱) لاھیجي ، کوهرمزاد ، صفحه ۹۲

(۲) شمعان کتاب صفحه ۹۲

”امراز بی ممتاز همه به هموار ساختن مذانیکی“
هم تراز کرد ن ، تسلط اثربست بر اقلیت تن درمی -
دهد ، جای بحث نیست که در این امر مسلماتان مین
عرضه وسیع استخار شخصی ، کراسپسها فردی ، میده
برای فکر و تحلیل ، شکل و مضمون ضروری است . ”
لئنین - کلیات بزرگ روسی - جلد هشتم

۲۸

برخی مسائل مر بوط نه

هنر و نقش اجتماعی آن

نگارنده این مقاله در کشته بررسی هائی راجع به هنر ، ماهیت و وسائل آن
نگاشته که در موقع خود در مجله ثوریت حزب ”مد م“ و مطبوعات دیگر رن شده
بود . از آن هنگام تاکنون ، استنباط برخی مسائل زیان و شناسی (استنتیت) و هنری در
نژاد مارکسیستها - لئنیستها - دیگر پروتاجارب آنکه شده و وارسی نقاد آنها این تجارت
غیری ترکیب دیده است . اکرسخترانی نگارنده در نخستین نویسنده کان ایران در
باره ماهیت هنر و زیان هنری وی را در زمرة کسانی قرار میدارد که در شورما راجح
با این قبیل مسائل فتح باب کردند ، شاید نیاز خاصی نبود که نظریات نوئی خویش
رابیان دارد . نظریات نوئی با آنکه از جمیت اسلامی بر بنیاد استنباطات کهن قرار
دارد ، با اینحال منضم برخی تأکیدات و استنتاجات تازه و گاه جدی و مهم است .
مقاله حاضر که بشکل تزهای فشرده و احتراء زایش و تفصیل نکشته شده ، این
تأکیدات و استنتاجات تازه را منعکس می کند . بدینه است که در این مقاله همه
مطلوب مروط به هنرگفته شده و چنین منصبی هم در میریان نبوده است . و نیز این
مقاله مدعا نیست که حل نهایی وی خد شه مسائل را بدست داده است ولی اکرتواند
سمت درست و منطقی حل را در مسائل مطروحه نشان دهد وظیفه خویش را انجام
داده است .

هنرفولکلوریک ، هنر کلاسیک و هنر مدرن

هنر زمان ما را میتوان به سه جریان یا سه مقوله (۱) عده تقسیم کرد : هنرفولکلوریک یا خلقی ،
هنر کلاسیک و هنر مدرن (یانوین ، یا معاصر) .

هنرفولکلوریک یکی از فرهنگ خلقی است (۲) . خصیصه هنرفولکلوریک بد وی بود نشر از جمیت اصول
فنی ، خیال پر از آنه و موه الود بود نشر از جمیت منطق هنری است . واقعیت (طبعیت و زندگی) در این هنر
بسیار شناخته آمیز (سیمولیک) ، پندار آمیز (فاتنستیک) و یا تأکیدات و غلوهای خاصی منعکس میشود . نژمندان
فولکلوریک غالباً اینها نمند . آثار ادبی این هنرمندان غالباً سینه بسینه منتقل شده و قطف داریکی د و قرقون اخیراً است که

- (۱) لفظ ”جریان“ و لفظ ”مفهوم“ هر دو اساوتقریبی است . در علم استنتیت ، مفهوم ”جریان هنری“ و
”اسلوب هنری“ و ”مکتب هنری“ به آنچه که نگارنده در متن نوشته نزد یک است ولی در رتقسیم بندی فوق
مقوله های مطروحة (فولکلوریک ، کلاسیک ، مدرن) این مفهوم تراز تمام مقایم مشروحة یعنی جریان ماسکو
و مکتب است و در واقع سه نوع استنتیت ، سه نوع مجموع قوانین ”و ”تکون“ استنتیک را برمیگیرد .
(۲) در فرهنگ فولکلوریک نه فقط هنریکه علوم فولکلوریک نیزوارد است . برای آنکه از خشنهای مختلف فولکلور
بمعنای فرهنگ خلق رجوع کنید به ”مقاله و طرح نویسنده فقید“ صادق هدایت در مجموعه نوشتۀ های
پراکنده وی .

ثبت وضبط وجمع آوری میگردد .

منظور از هنر کلاسیک تمام آن اسلامی (یامکاتب) و جریانات مختلف هنری است که بر پایه سنندجی خلاقیت هنری و قواعد بینه استیک پدید آمده (۱) . باین توضیح و تعریف باید افرود که هنر کلاسیک از عهد عتیق آغاز شده و امروز نیز یکی از مقولات مهم هنر زمان است و مراحل رشد سیار متعدد را در راهش و اعصار مختلف گذرانده است . هنر کلاسیک برخلاف هنر فولکلوریک اثر هنرمندان شناخته شده است و محصول نفع مقاوم و استنباطات زیبا شناسی یا استیک کلاسیک بر شد آگاهانه منطق هنری است . در استیک کلاسیک هدف عددی عبارت است از انداختن هرچه کاملتر، دقیق تر موافق تر (adequate) واقعیت عینی بوسیله اوصاف و تصاویر هنری . مراعات شباهت در نقاشی و حجاری، حفظ مقارنه و موازن، توجه به تزئین، ایجاد شکوه و جلال در معماری توصیف هرچه واقعی تر زندگی و طبیعت را در بیان و هنرمنایی، مراعات خوشابهانگی و قوانین هارمونی هستی بر تنایته (Tonalité) در رویقیق .

هنرمند رن بیویه ازاواخر قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ پدید شده و مدعا تحول کیفی عینی در مقاومیت و استنباطات بنیادی و اساسی استیک کلاسیک است . گاه به معیارهای زیبا شناسی فولکلوریک متول میگردید و مثلاً از مناظر و مرایای نقاشیها بدوی اغريق ایان الهام میگیرد، گاه معیارهای صراف دهنی و روحی، اغفرادی و حتی من در آورده را جاشنین معیارهای عینی، واقعی، همه فرم و همه پسند میکند . هنرمند رن منکر اصل شباهت در نقاشی و حجاری، طرف ارعد مقارنه و موازن، احتراز از زینت پرسنل و شکوه سازی در معماری، تعقیب جهت دید فردی و درک ذهنی پدیده های حیات دراد بیان و هنرمندانشی و توسل به کیا هنگی و آتوانا لیته در موسیقی است . هنرمند رن به "دید شخصی" و "یافت عینی هنری" هنرمند نکمی میکند و میگویند که در زیج عجول، خسته و پرت و تاب کنونی میخواهد هنری همانند محيط و عصر پیدا آورد . بعلاوه هنرمند رن محصول بسط شکرگ صنعت و خرخه روز آن در بیان هنری نیز هست "چیزی که پا به ومبانی کاملاً منطبق و واقعی هنرمند رن را . ایجاد میکند (۲) .

حال مسئله ای که مطرح میشود چنین است : رابطه ما با هنرمند رن چگونه است؟ آیا باید به هنر فولکلوریک و هنر کلاسیک بسته کرد و هنرمند رن را بمتای احاطه و انحراف در جهان هنرمنی نمود، یا باید آنرا درست پذیرفت و ستود و حتی از هنر فولکلوریک و کلاسیک دست کشید؟ این مسئله یکی از مسائل حاد، مهم و مورد بحث عمده است .

بنظر نگارنده تأیید و تاقیح درست هنرمند رن سرشوارزاده اها، لاف و گرافها، کمراهیدهای ورعن ححال جستجوها و ایفاهای شکفت ایکنیک است . این هنری است در حال صبوری و پشت ن، در حال قوام گرفتن و پدید آمدن . خطای محض است اگر آنرا احاطه خالص بشیرین، اگرچه احاطه نیزی را ران رخته دارد، خطای محض است اگر آنرا شاکل پرستی (نمایلیم) صرف بد اینم، اگرچه بشکل پرستی آورده است، خطای محض است اگر آنرا منحصر از خارج از این ارجاع بپنداریم، اگرچه یا به بخت اندیشه های ارجاعی نیز گماشته شده، خطای محض است از این اراده درست اندکارنیم و راه خلاقیت شراسد نماییم .

(۱) نگارنده در اینجا "کلاسیک" را بمعنای "مکتب کلاسیک" ادیب یکارنده بلکه آنرا مقهوی در مقابله فولکلوریک و نماینده دین و میثمرد و بدینسان در مقهوی هنر کلاسیک انواع مکتب و جریانات هنری غرسی و شرقی که داخل د رگنجنیه فرهنگی کشورها شده است وارد می شود .

(۲) در واقع نگارنده در این توصیف از هنرمند رن کوشیده است تا قواعد غیربردن و پراکنده استیک هنرمند رن را بمحبی بسیار مجلل و طبیق استنباط خود بیان دارد . با توجه باینکه این قواعد هنرمند نیامده میتواند به پائانه نگارنده در این زمینه طالعات خاصی ندارد تردید نیست که توصیف نمیتواند جامع و مانع باشد ولی مسلم از این جهت که دعوی "چرخش" در مقاوم استیک کلاسیک را بخوبی ازانجا فرمولبندی میکند دارای محتوى صحیحی است . ضمناً باید تصریح کرد که آنچه هنرمند رن نام دارد هنرمند مفهوم مرکب و پیچیده است که انواع جریانات را در ریهی گیرد . برخی از این جریانات ادامه منطقی ولی نواورانه استیک کلاسیک است هر خی دیگر نفری برخی از اصول مسلم استیک کلاسیک . سه صورت این مسئله شایان بزرگی علمی جد اکانه است و آنچه در اینجا گفته شده فقط باید بمعاینه اشاره ای تلقی شود که برای طرح مسئله ضروری بود .

هنرمند رن در صورتیکه پوند عمیق و عضوی خود را با هنرها فولکلوریک و کلاسیک برقار نماید و پویزه از ضرورتها و نیازمندیهای صنعتی فنی و حیاتی عصر را برخیزد و از محرومی ترقی و واقع بینانه آباشته شود، بخش تازه و عالی د رکخ خلاقیت هنری انسانی و دن باله منطقی تکامل اند پشههای زیبایشناصی وی است (۱۰)

تناسب بین اجزاء سکانه هنر

اجزاء سکانه ولاپنک یک اثر هنری عبارتست از جزوی فکری یا آند یشه اثر هنری، مختصات بد یعنی با صرف اهانی آن اثر و مختصات فنی (۲)

مقصد از جزوی فکری یک اثر هنری یعنی آنکه آن اثرجه میخواهد بگوید، چه دردی دارد، از چه دفع و چه چیز شمارا فراموش خواند و هد فن چیز است. مقصد از مختصات بد یعنی با هنری یک اثر یعنی آن اوصاف و تصاویر، جهره ها و سبجیه ها، نکات و شباهات و تعبیرات هنری که هنرمند بملک آن میتواند واقعیت وزندگی را هرچه کامتر، هرچه رساطه و هرچه گیرا تر منعکس سازد. یابندگی و آفرینندگی هنرمند بعثایه هنرمند هماندار رهیمن جاست. اما مختصات فنی در هر هنر یعنی مجموعه قواعدی که برای بکاربردن مصالح اولیه هنرمعین لازم است و در دانستن آن هنرمند از عهد استفاده بجا آزان صالح و ترکیب آنها برمنی- آید. مختصات فنی را میتوان در اثر تحریص و ممارست کسب کرد ولی مختصات بد یعنی ناشی از قریحه هنرمند است و قریحه یا موهبت هنری خود محصول استعداد اذ خاص عصی و همچنین پروش و محیط مساعد است و همین جهت اگر قریحه هنری موجود نباشد، آنرا نی توان کسب کرد (۳).

حال این سوال پیش می آید: در یک اثر هنری از این اجزاء سکانه (مختصات فکری، بد یعنی، فنی) کدام مهمتر است؟ بلا اصله باید گفت اگریک اثر هنری فاقد مختصات بد یعنی باید شده چیز هست بجز اثر هنری زیرا آن ویژگی که اثر هنری را بتابه مظهر خاصی از خلاقیت شعور انسانی از انواع دیگر خلاقیت ها بدل امی کند هماناً بدین معنی یا هنری بود ن است، نه اینکه مشتعل بر فرکواند یشه ایست، یا هاکی ازد انتست قواعد فنی عین. بهمین جهت حق است اگر کسی را که موافق قیاده فنی و هر اعات علم عروض و قافیه و منای لفظی و معنیه ایستای سروده است ولی شعرش از ترقی خلاق شاعرانه، ازو زها و شورها، از ایات ها و ایات دانی ها، از احساسات و تذیلات، از تعابیر و تصاویر بد و غیره تهی است، شاعرند اینم (۴) و تنها ناظم بشیرم. اری یک اثر هنری

(۱) بسط صنایع جدید بخصوص در رعماري و انواع هنر پلاستيك و تصویري و تزئيني تاثير عميقي داشته و تناسب خطوط، مبکي، سادگي، پرايانک و سود مند و راحت و شاست آور بودن، توجه زیاد به "سهیل و مفتح" بعثایه یک سلسه قواعد استتيك در پرتوانگان فني و صنعتي پيشرخت های حریت انجيز کرد ه است. هم اکنون برخی از نمونه های رعماري و کوزه گری و کارچوب پيلورو فلن و تزئين و کوراسيون و رکلام وغیره بسبک مدرن با عالي ترين اثار لاسليک پهلو ميزند. استتيك درن باطي انواع مرگشتنگ ها راه خود را بد رايد رجی می بادد و د مدد م اعتماد بمنفس پيشتری کسب می کند.

(۲) در روسی برای این جزء اصطلاحات "мастерство" "功力" و "идеиность" "идеиность" و "мастерство" "کارمندی" و "یدگاری" معاد لمهای فارسی متألفه نهار است. شاید بتوان معاد لمهای دقيق تر موجز تریافت. (۳) پیش زنی پدیده "قریحه هنری" موجب بیده که خلاقیت هنری را پیشینان گاه امری سحری و ما ورا طبیعی والی و مرموز و غیرقابل درک می شمردند. نظامی گنجوی در وصف قریحه هنری د راثر خود مخزن- ال اسرار ابیات د لا ویز زیرین را سروده است:

سایه ای از سایه پیغمبری است

پرده را زی که سخن بپرسی است

باملك از جمله خویشان شوند-

زانش فکرت چوپریشان شوند

جان بلبل آبد که بپرسد لیش

چون بسخن گرم شود مربکش

رخنه کند بیضه هفت آسمان

ازی لعلی که برآرد ز کان

(۴) ملک الشعرا بهاراين مطلب را به بیان خود در قطعه زيرين یصف می کند:

شعرد آنی چیست؟ مواردی از د ریا عقل

بادرد لهانشند، هر کجا گوشی شنفت

وی بساناظم که او در عمر خود نظمی نبافت

تنها زمانی در خود چنین نامی است که واحد مختصات ضروری بد یعنی لاقلیحد مطلوب و کافی باشد. ولی اگر مختصات بد بی جامه زیائی برپیکرنشت اند شه های بوج، تک وزیرانند باشد چطور؟ آیا بازم اثر هنری است؟ آری زهری شیرین و اقویون معطر است ولی اثر هنری است. جامعه حق دارد آثار انتشاری نکند ولی نمی تواند هنری بود نش را انداز نماید. حال اگر افکاری سالم، درست و مسد مند باشور هنری همراه ولی از محلیه مختصات فنی عاری باشد چطور؟ این اثر نیز مثلاً مانند بسیاری از اشعار اغصانی ماعشقی جزء آثار هنری است ولی در اثر نقاصل فنی و عالمگری ها ناشیگری هانیست و بذرأثراً افاده رجه اول بر مدت ضعف فنی آن اثر را از پونق می افکند. لذا همچنان مشروح در فرقه هرسه ضروری است و در میان این سه جزو جهت بد یعنی که موحد خصوصیت اثر هنری است جای ویژه ای دارد. این شرایط از هم انکلک ناپذیر و در عمل نمی توان یکی را برگزید رجحان داد.

ضرورت های اجتماعی گاه پیش می آورد که یک اثر هنری دارای محتوی فنی خوب و از جهت فنی قابل پذیرش و از جهت بد بی جامعه موردن شمیق خاصی قرار داد و یک اثر هنری دارای محتوی فکری بد و از جهت فنی و بد بی جامعه قوی را در رسانی گذشتند است. پایید راین نوع موارد فوق العاده دقیق و محظوظ بود و ترشی داشت تا میاد اینچنین علی موج تنزیل هنر و تبدیل هست به عرصه موضع ها و میتینگ های ارزان قیمت و پیش پا افتاده شود. پایید امنه چنین ضرورت های رافق العاده مدد و دکرد و جهت بد بی جامعه را در مقام بسی والا، بسی ارجمند قرار داد تا قریحه های شیر و مدند بیانند مشکلفند. (۱)

شكل و مضمون

شكل (یافرم) مولود طبز خورد هترمند به مصالح اولیه هنری (ام ازرنک، سنگ، آهنگ، زست، لفظ وغیره) و شیوه ترکیب آنهاست. شکل کالبدی است برای روان مضمون. مضمون و شکل مانند باده وساغر، دانه و پیمانه باشد یکریب و عنصری دارند. بقول مولوی

معنى اندروی جون پیمانه است ای پرادر قصه جون پیمانه است.

مسئله مطروحه اینست که آیا زیان شکل و مضمون که امیک مقدمند و امیک بیشترین برای تکامل لو تحولند؟ بد و درنک میتوان گفت که انکار تقدم (Printat) مضمون بر شکل روانیست. مطلق کردن شکل وی اعتنایی به مضمون یعنی شیفته شدن به ترکیب مصالح و تغافل ماند از ایند ف و معنای این ترکیب، این عمل شکل پرستی و فرمالمیم است. کالبدی بی روان هراند ازه هم که زیبا شد قد رومنزلت آن کالبد نازیاسی را که جاند ارادت خواهد داشت. ازسوی دیگر مطلع کردن مضمون یعنی شیفته شدن بیانیت و صحت محتوی اثر هنری وی اعتنایی به کیفیت ترکیب مصالح، بین اعتنایی شکل. ازوجه اثربی که دارای محتوی نیکوست علی رغم شکل نازیاوار اثربی است ولی سزا است که بین صورت و معیرت، شکل و محتوی، جان و کالبد تناوبی باشد لذا باید بین شکل و مضمون بیوسته تناسب ضروری را یافت و پس از توجه عمیق به مضمون بلا غسله توجه کسامل بشکل معطف داشت. تکل و مضمون هر دو پی برای تحولند. دعوی ائمه امثال هنری کالدیک اون امثال استنیک هنری هستند و دیگر باید تحولی را آشنا راه باید دعوی ضد دیالک تکی و عامیانه است. پایید جستجو کشاکل نوراشیویک کرد و متوجه پوکه در دیالک تیت تکامل گاه افراطی و غریبی را بین آن جهت پد بی می بود و سزا نیست که هرجستجوی شکل رایمابه شکل پرستی کوید یا هر افراطی و غریبی را به رانه منجستجو و تکفیر باقهه های نوین قرارداد.

ره آلیزم و رمانتیزم و تناسب بین آنها

رمانتیزم و ره آلیزم دو مکتب باد و اسلوب (مند) هنری است (۲). در مکتب رمانتیک واقعیت عیشی با تأثیرات خاص، با تعمیق مختصات قهرمانان مبتی یامنی، باد رایمختنی زندگی با تاختیلات شنائی و حما سی

(۱) نظامی سخت گیری نسبت به اثار هنری را توصیه می کند: به که سخن دیریستند آوری

(۲) در راه ره آلیزم و رمانتیزم و امثال آن و ببط اثرباید بگرد رینت مسلسله از آثار رتیق مائوتیه دون آنده های عیقی بیان نکرد و در این بخش مقاله از این نوشته ها استفاده شده است.

منعکس میکردد . د رمکت ره آليسی واقعیت جنانکه هست ، بد ون آنکه به اوج غناییات و حماصیات یا حاضرین لعن و تکذیب کشاند ه شود ، توصیف می شود . رمان تیزم ازان جهت که واقعیت را ساخت می آراید یا ساخت زشت می کند ، آنرا باقی و حضیص می نشد ، بیشراز حد هیجان انگیز یا احساساتی است ، مورد پسند تقدیر مثبت و خوشنود و دقیق عصر مانیست . ولی رمان تیزم همانا ازان جهت که واقعیت رابسی نیرومند تروپر نک ترازانچه که هست بیان میدارد و از عناصر شورانگیز غنایی و حماصی استفاده می کند بسرو عواطف انسانی بیویه قشرهای بسیط جامعه تاثیر عمیق می کند ارد و قادر راست نمونه های رشت وزیر را بشکل شایانی بر جسته مازد .

لیسم ره آليسی که وصف دقیق و امین واقعیت است برد و قسم است : ره آليسی منفصل (یا پاسیف) وره آم فعال (یا آکتیف) ره آليسی پاسیف و صاف بنظره بیطرف واقعیت است و شمارا بچیزی نمی خواند ، از چیزی برحد رمی دارد ، داد نامه ای ساد رمی کند ، قصد گرگون کرد ن ندارد ، تنها روایت می کند . ولی ره آليسی فعال شمارا بچیزی می خواند ، از چیزی برحد رمی دارد ، داد نامه ساد رمی کند ، قصد گرگون کرد ن دارد ،
فضاوت میکند . (۱)

حال این مسئله مطرح میشود که آیا با وجود مكتب یا اسلوب ره آليسی و آنهم ره آليسی فعال انقلابی روش مانیست به رمان تیزم چگونه باید باشد ؟ آیا باید رمان تیزم رابه موزع عتیقه ها فرستاد یا همه و یا نوعی ازان برای مادر خود ریزش است ؟ تردیدی نیست که سنج اساسی هنر عصر ما را باید ره آليسی تشکیل دهد بویه ره آليسی که بشیوه هنری ارائه طریق کند (۲) . ولی رمان تیزم مخصوص نوع فعال و انقلابی آن دراین دروان که حرکت تude های ساد و میله تامین عمیق ترین چرخهای اجتماعی تاریخ معاصرهاست میتواند باید در ترتیب بسا ره آليسی می از اسلوب نیرومند کاره زدن ادا کند . رمان تیزم اقلابی چهره های قوی و بر جسته و نیم افسانه^۴ نواوران علم و هنر و مبارزان جانباز راه حق و عدالت را وصف و آنها را به نیروی سرشق بد لمی کند و یا سیماهای چرکین و اهریمنی باران ارجاع و جهالت را تمدید مینماید و قدرت نیرومند نفی و نفرت را در مردم نسبت به راه و روش دوزخی آنها بر می انگیزد .

تنوع ژانر، موضوع و مسائل

فرهنگ هنری انسانی نوع حیرت انجیزی از اشکال و شیوه ها و از اینها و موانع و مسائل هنری ایجاد کرد .
است . هنرکه انعکاس واقعیت در تصاویر و اوصاف هنری است باند ازه خود واقعیت ، باند ازه خود زندگی می -
تواند منوع و غنی باشد . هیچ چیز نا سزاوار ترازان نیست که خلاعیت هنری را در اشکال ، ژانرهای موضوع ها و
مسائل معدودی محدود کنیم . (۳)

کاه اتفاق می افتد که جامعه توجه به ژانرهای موضوعات و مسائل معنی را می طالبد و خشنودان را با
استفاده ه از زین و مد نی و انسانی آنها ، بوصف هنری آن بخش های مورد نظر جذب می کند . در اینجا هیچ

(۱) البته نمی توان گفت که راه آليسی پاسیف (یاره آليسی نقاد) مثلا مانند ره آليسی دیکشنری بالساز
فقط و فقط روایت می کند . دقیق تراست الگوی شود که خواست و هدف نویسنده در این و صافی مدلکی
پنهان است . نویسنده طراح مسئله است ولی راه حل آنرا بیان نمی دارد و ارائه طریق نمی کند ، اگر
چه مسالما این اندیشه را در هنر خوانده پدیده اورده که باید کاری کرد ، راهی جست . در ره آليسی
فعال (که کاه ره آليسی موسیاییست یا ره آليسی اقلابی نیز نامیده شده) نویسنده صریح اشنان
میدهد که راه حل جیست و پرسه بند این سویمود . لذا بیانی که از تفاوت د و نوع ره آليسی شده است
تاریخی قرار دادی است برای درک مسئله (جنانکه درسیاری از مقاومت علمی ملبومین منوال
است) این تذکار برای آن داده شده که پایبحث های سکولاستیک در رباره د و نوع ره آليسی آن تفاوت
واقعی کیفی را که بین این د و نوع وجود دارد را نوع و جو شباخت غرفه نسازیم . بهره جهت تفاوت کیفی
که وجه تفرق این د و مفهوم است وجود دارد .

(۲) مقصود از ارائه طریق بشیوه هنری یعنی پرهیز از کاربردن اسلوب ارزان و مبتذل وی تأثیر مغفله گری و
میتینگ دادن های روراست و خنثک در اثر هنری است .

(۳) مقصود از موضوع ، تم یا تابعیت و مقصود از مسائل پیلم یا پریلم انتیت هنر است .

چیزغیرعادی وتحمیلی وجود ندارد ولی اگر جامعه از قدرت واعتبار خود برای آن استفاده کند که تنها این زانرها موضوعات وسائل را مجاز سازد و زانرها، موضوعها وسائل دیگر را منوع کند بخطارفته است. در همه زمینه ها حتی رزمینه هایی که بظاهر مسائل معاصر را مطرح نمی کند میتوان از حق در قبال باطل، از ترقی در قبال تدنی ازاعتلا در قبال انحطاط، از زیاد رقبال زشت، ازداد رقبال بیدار دفاع کرد. در همه جامیتوان نه فقط هنرمند بلکه مارزبود. لذا اگر معيار شناختی صورای وسود مندی اثرهای محظوظ انسانی و عاد لانه آنست دیگر متوجه د رجهت سیر تکاملی تاریخ باتمام قوی کم کرد.

عنینی وذهنی در هنر

در استئیک صرفاً این مسئله مهم وحدای است. آیا هنرمند تنها باید وصف دقيق، موشق، امین، بیطراف وی غرض واقعیت عینی باید آن واقعیت را اضافی روح خود بگذراند و ازوراً ذهن، سلیقه، خواست، احساس، جهان بینی و منطق خود بینگرد و از پیشی عذری دید خوبی طالعه نماید و معرفت کند؟ اگرقد ارد - چنانکه تاحد و دی ناگزیر و مجبور است - در آنصورت ایحق دارد آنرا تاحد "حد پی نفس" و "بیان خود" تغییرید هد وحتی مسخ کند (۱) . اگرنه تاچه حد مجاز است و تاچه حد منوع، چرا مجاز است و یا مجاز منوع (۲).

هنرمند انش و فلسفة وسیله ایست برای شناخت واقعیت. علم واقعیت رادر "مفاهیم" منعکس می کند هنر را صاف، تصاویر و تعبیر. شیوه علم انتزاع و تعمیم است. شیوه هنر ادان الگوهای مشخص ولی نمونه وار. نمونه سازی (تیپیزا اسین) خود نوعی تعمیم است (۳). اگر تمثیرها و تعبیرهای سرسری ذهن هنرمند به تنها گی مصالح خلاصیت هنری قرار گیرد، هنرتش خود را که شناساند واقعیت است یا بالمره از هست مید هد آنرا بشکل بکلی مسخ شده و رأیانه دق طبعی هوسنک نشان داده است. درین حال اگر دید خاص و پیزه هنرمند دخالت کند و هنریا تکمیل شخصیت پیروز و کانکنی طبیعت باشد، در آنمورت نقش هنرمند بمثابه هنرمند بکجا رفته است، ویرگی و تونتو ورگ و زنب افرادی اثرهایی که تنیجه تراوشن آن ازنج خاص روی هنرمند است بکجا رفته است؟ (۴) هر دو غلط اتفاها باکلی غلط است. ولی در میان این دو جهت متناقض یعنی وصف عینی واقعیت ازطرفی و دید شخصی هنرمند ازطرف دیگر، جهت عدد همانا وصف عینی واقعیت است. مرز در کجا است و چگونه باید بین این دو وتناسب برقرار شود؟ آنرا نی توان با قواعد و قوانین مدن تنظیم کرد، آنرا ذوق و قضایت عالم، حکم و ایثار نظرتاریخ روش خواهد ساخت.

در برخی از نمونه های هنرمند رن مسئله انکار کامل جهت عینی یا بی انتیگی جدید ادان مطرح است و

(۱) "بیان خود" ترجمه تحت اللقطی "Self-expression" یا "саковиражение" است. اخیراً رمجاله فاسقی شوروی بخشی تحت عنوان "ایا هنرمنوی بیان خود است" بازشده "حد پی نفس" معادل نسبتاً ازادی برای همین مفهوم است.

(۲) مسئله اهمیت جهت ذهنی در خلاصیت هنری از همترین مسائل است. از این جهت مان این بخشن ازقاله و بخش اول در یاره قولات سکانه هنرها موزی بشر ایجاد نزد یکی است. ولی در استئیک مدرن این مسئله براین مسئله بنیادی مسائل دیگر نیز مطرح است که بخوبی ازانجا، باین مسئله بازمیگرد. مانند مسئله تجدید نظر در رقوانین و نظمات استئیک کلاسیک. در این تجدید نظر موضوع مورد بحث موضوع تقویت جهت ذهنی در مقابل جهت عینی است. استئیک کلاسیک بر عیارهای عینی و پرهنامات عالم ذوق و سلیقه و منطق زیبا شناسی انسانی قرار دارد. با اینحال منطق زیبا شناسی انسانی (یا ذوق و سلیقه هنری وی) یک امرجاد نیست و راضمته و اعضا را کنگون با اشغال متوجه بروز کرد. است.

(۳) این نظریات از تعالیم استئیک و ساریون بلینسکی منقد کمپر روس اقتباس شده است.

(۴) مثالی که در این مورد میتوان ذکر کرد فرق مابین عکاسی رنگی و نقاشی است. اگر نقاشی بر اساس تابون شباخت تنها بخواهد منعکس کنند واقعیت باشد در آنصورت دستگاه عکاسی رنگی کار افرا بعراط بهتر و دقیق تر انجام میدهد.

بهمن جهت ذوق عامه با آنها سر سازگار نمی‌اردد. با اینحال نباید حتی این انواع هنر را اگر محتوی آنها زیان بخش نباشد، تکفیر کرد و علیه آن محبت خاص بخراج دارد. تردیدی نیست که ذهنیت مطلق کوره راه است و هنرمنی تواند رکوره راه از همان و هوشها و دیدهای انسانی بجای دروغی می‌زند. زمانه چنین هنری را نازاد خواهد گذاشت و مه مركّم حکوم خواهد ساخت.

نظرارت اجتماعی و آزادی فردی هنرمند

اگر نظرارت اجتماعی که ضرورت آن غیرقابل انداز است بشکلی موحدی درآید که ویژگی و شخصیت هنرمند وابستار و گرا ایشان را فردی و آزادی و خلاقیت وی را زیان ببرد بهمان اند ازه تنایی و عاقب آن ناگوار است که آزادی بسیار محدود است - یعنی هنگامیکه وی به صالح تکامل جامعه، به حقوق و وظایف مدنی خود بسیار است و متعاقباً آنکه مهندس از ارواح باشد مغرب آنهاست.

هنرمندی که در قید و محدود مقررات اجتماعی خشک و متعصبانه میدان نوسان و اماکن بروز شخصیت خاص خود ندارد اشته باشد همانند کفاس نظایری است که طبق سفارش و نمونه معین کفشهای بد قواره سراسری تحولی محظوظ و هنرمندی که از نظرارت خرد امده اند و نرم وعاد لاده اجتماعی فارغ است و معیار ارشادی هوسهای سرگش خود بمعایب طبیب محروم ولی خائناست که بجای معجون مفرغ افون مهملک بخورد مردم میدهد.

دوجهت مقابل نظرارت اجتماعی "آزادی هنرمند" هرد و جهات ضروری و لاینک است و درین آنها جهت نظرارت اجتماعی دن تردید جهت عدم است. چرا؟ زیرا اگر هنرمند مانند انتخاب لامس و غذا امری خصوصی بود، میشند از این هنرمند راضیالله کرد ولی هنرمند بده مهم اجتماعی است و منی توان جامعه را از نظرارت برانچه که روح اورامیسازد و رمیزیش موثر است ملزم ساخت. ولی حفظ تناسب صحیح دیالک تیکی بین این دجهت د العمل، در زندگی کاری است د شوار. باید با پرسی تجارب مثبت و منفی این امرد رکشورهای مختلف بپرین شکل نظرارت اجتماعی و از این هنرمند را یافتد تا این نظرارت بنحوی نشود که مداحی و لقکی و شلالات نیسم ازان سید جوید و هنرها قعی در چون و دند های آن خود شود.

صداقت، رسالت و نوادری هنرمند

هنرمند این بزرگ تاریخ بد اشتن سه صفت برجسته ممتاز دارد: نخست صدقه اقت. انها مطالب خود را بد ون سالوس وریا، بد ون تصمیع وطنده، چنانکه در کرد و دان بارور اشته اند بیان می‌کردند. خلاصه هنری آنها پاسخ به نیازهای روحی آنها بود. آنها رهگاه طنبور زن حیات برآورتا روشنان می‌کوфт به نواد رمی‌آمدند. بقول جلال الدین مولوی

زمن بیاشد اگر پرید را بگرد انم که هرگم متعلق بود به غربت او

هنر روح، لاف زن، سالوس، متصنعت، شناک، آرایشگر واقعیت، سفسده باز. هنرمنیست و زریوال است. دوین صفت این هنرمند این بزرگ در رسالت انسانی خوب بود. آنها زمانی دست بخلافیت میزدند که نکته ای گفته شد، وظیفه ای عمل کردند، فکری پراکندند، بانگی برآوردنی داشته اند، آن موقع که احساس می‌کردند اگر در قبال خواست زندگی خوشی کریشند که فران نعمت کردند. بقول مولوی

ای آنکه اند رجان من تلقین شعرم می‌منم گرتن زنم خامش کنم ترسم که فرمان بشکتم

هنرمند واقعی هنگامی آنفریند که هد فی عالی را بنا می‌کند و رسکار حیات خود را شایسته و قادر بوجوانی می‌بینند. هنرمند ون رسالت، بد ون اشتمال بر فلسفة پرسوز و پر شور باطنی هنرمند، هنرها قعی نیست.

وسومین صفت هنرمند این بزرگ نوادری است. کهنه فروشی در ریازار هنرها را وراست. بایق قول مولوی

نهیت کهنه فروشان در گذشت نویشوایم و این بایار ما است

تقلید خشک گذشتگان و تکرار مبنی لقنه ها و یعنده راههای طی شده هنرمند بزرگ نمی‌آفینند. هنرمند بزرگ کسی است که جیزی دارای مهرونشان خود خلق کند و عراهی زین هنر را در جاده نورانیش و لونیم گامی بچلواند. در تاریخ ادبیات کشور ما هنرمند این بزرگواری که این سه صفت را بحد شایسته ای داشته اند معدود نیست و جاده ارد که مادر مکتب هنری آنها بسی جیزه های بسیار موزیم.

برخی تاریخهای مهم حیات حزب^(۱)

د هم مهرماه ۱۳۲۰
تایستان ۱۳۲۱
د هم مهرماه ۱۳۲۳

تاریخ تأسیس حزب توده ایران
نخستین کنفرانس یاالتی تهران
نخستین کنگره حزب توده ایران

شرکت حزب در جمهوریه مولتف احزاب (حزب توده ایران - فرقه دموکرات
آذربایجان - فرقه دموکرات کردستان
- حزب‌جنگل - حزب ایران)

تایستان ۱۳۲۵
۱۳۲۶ دیماه ۱۴
ارد پیشست ۱۳۲۷
۱۳۲۷
ارد پیشست ۱۳۲۷
تایستان ۱۳۲۷
پائیز ۱۳۲۷
۱۳۲۷ بهمن ۱۱
۱۳۲۶ تیرماه ۲۶
۱۳۲۶ ۱۴-۷ اسفند
۱۳۲۸ ۲۶-۲۱ شهریور
۱۳۲۹ ۷ تیرماه ۲۸ مرداد
۱۳۲۹ ۱۱-۱۰ مرداد
۱۳۴۰ ۲۵-۱۹ شهریور

انشاء گروه ملکی - خامه ای از حزب
د وین کنگره حزب توده ایران
شرکت مطبوعات حزب در جمهوریه مطبوعات ضد دیکتاتوری
پلنوم اول کمیته مرکزی
پلنوم دوم کمیته مرکزی
پلنوم سوم کمیته مرکزی
اعلام غیرقانونی بعد ن حزب از طرف اقبال وزیرشور
پلنوم چهارم کمیته مرکزی
پلنوم پنجم کمیته مرکزی
پلنوم ششم کمیته مرکزی
پلنوم هفتم کمیته مرکزی
کنفرانس وحدت و پلنوم هشتم (اول) کمیته مرکزی
پلنوم نهم (دوم) کمیته مرکزی

(۱) بعلت درست نداشتن مدارت لازم برخی تاریخهای دون تصویر روز ز کرده است . از رفقائی که در این زمینه اطلاعاتی دارند تمنی میکنیم با ارسال تواریخ حیات حزب به هیئت تحریریه " دنیا " بدیشت تحریریه مجله " دنیا " کت کنند .



E9A

